



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

بیان احوال آخرت در قرآن و سنت

رساله ماستری

محصله: زهرا عزیزی

استاد رهنما: پوهندوی دکتور فضل الهادی وزین

سال ۱۴۰۱ هـ ش - ۱۴۴۴ هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

بیان احوال آخرت در قرآن و سنت

رساله ماستری

محصله: زهرا عزیزی

استاد رهنما: پوهندوی دکتور فضل الهادی وزین

سال ۱۴۰۱ هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترمه زهرا بنت محمد ابراهیم ID: 98-648-MST-SH محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: بیان احوال آخرت در قرآن و سنت به روز یکشنبه تاریخ ۶ / ۵ / ۱۴۰۱ هـ ش موفقاته دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۵ (نمره به عدد) نود و پنج (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور فصیح الله عبدالباقی	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۳	دکتور فضل الهادی وزین	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

اهداء

پروردگارا! هیچ امری بدون مشیت و اراده تو وقوع یابنده نیست، هیچ کاری بدون رضایت تو مقبول نیست، هیچ مؤمنی از رحمت تو مردود نیست، هیچ کامیابی جز توفیق تونیست... یا الله - ﷻ -

برای کسی که الله متعال او را رحمت عالمیان گردانده، اطاعت او را اطاعت خود خوانده است...

کسی که رسالت را رساند و امانت را ادا کرد و سنت را بیان نمود... محمد - ﷺ -

برای کسی که الله متعال جنت را تحت قدم هایش قرار داده مرتبه عظیم عطایش نمود و به احسانش امر فرموده است... مادر مهربانم

برای آن که من را پرورش داده قرآن و سنت را برایم یاد داد و در تک تک مراحل زندگی دستان کوچکم را نوازش داد... پدر گرانقدرم

برای کسی که در پرورش اولادم با من بوده در امور خانه دستم را گرفته در مصرف مالش در راستای تعلیم بخل نورزید و همدرد و همنوایم شد و صبر را برایم آموخت... همسر عزیزم

برای کسانی که مانند دیوار پشتم ایستادند، من را به علم تشویق نموده در این راستا کمک نمودند... فامیلهای معززم

برای کسی که من را در گام برداشتن برای این بحث با نظریات و معلومات گرانبهایش یاری نموده همت بلند را برایم یاد داد... استاد بزرگوارم د. فضل الهادی وزین

برای کسانی که راه علم و معرفت را باز نموده تاریکی جهل را به روشنایی علم مبدل نمودند... استادان گرامیم

برای دوستان با اخلاص و هر طلب کننده علم و پاره کننده تاریکی جهل و صبرکننده در راستای علم و دین... متعلمین عالی قدر

این بحث را اهداء نموده از الله متعال امید رضامندی و قبولیت آن را داشته برای خود و همه مسلمانها توفیق عمل، فلاح و کامیابی و سعادت دارین را خواهانم.

زهراء

شکر و تقدیر

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، و أصلي و أسلم على نبيه محمد و على آله و صحبه أجمعين، أما بعد:

قبل از همه حمد گوینده و شکر گزار الله متعال هستم که فضل و کرمش را بالای ما و همه انسانها ارزانی نموده من را توفیق تهیه این رساله عطا کرد. امید وارم مصداق این آیت باشم: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ

رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ **ابراهیم: ٧**

ترجمه: و هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت، اگر سپاس گذاری کنید شما را افزون خواهم داد، و اگر ناسپاسی کنید عذاب من سخت است.

بعد از آن شکر و احترام بی پایان به مادر مهربانم تقدیم می کنم که همیشه به دعاها و رهنمایی ایشان به سوی موفقیت گام برداشتم و تقدیم به پدر محترم که من را علم و ادب آموخت و همواره در نوشتن این رساله از کمک من دریغ نورزید. از الله متعال می خواهم که والدینم را حفاظت نموده ایشان را عمر طولانی عطا فرماید.

از شوهر عزیزم (عبد الواسع) و خسر بزرگوارم (جناب مولوی عبد العزیز) اظهار سپاس می کنم که من را در این رساله کمک کردند، الله متعال ایشان را در حفظ خود داشته باشد.

از اداره محترم پوهنتون سلام، ریاست محترم بورد ماستری و تمام استادان گرامی سپاس گذاری می کنم که بهترین محیط تحصیلی را با تمام امکانات لازمه برای ما مهیا کرده اند.

از تمام استادان گرامیم که من را در راستای علم و دین همواره رهنمایی کرده اند، ابراز امتنان می کنم و به خصوص از استاد مکرم و مهربانم دکتور فضل الهادی وزین که زحمات شان در رهنمایی این رساله قابل ستودن است، اظهار سپاس می کنم.

و از تمام دوستانم و کسانی را که مدام همکار من در تهیه رساله بودند، سپاس گزارم.

خلاصه رساله

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين، محمد وآله وصحبه أجمعين.

أما بعد:

این رساله احوال آخرت را به گونه مفصل در روشنی قرآن و حدیث بیان می دارد. ایمان به آخرت از ارکان ایمان بوده با سرنوشت و زندگی جاودانی انسان ارتباط دارد، لازم است هر مسلمان در باره آن معلومات تفصیلی داشته باشد. تفصیلات احوال آخرت برای بسیار مسلمانها واضح نیست. این رساله احوال آخرت را با روش کتابخانه ای توضیح داده است.

این رساله دارای تمهید، مقدمه، سه فصل و خاتمه است. در مقدمه، بیان موضوع و اهمیت آن، مشکل تحقیق، سوالهای تحقیق، اهداف و روش تحقیق بحث گریده است.

در تمهید تعریف آخرت ذکر گردیده است. روز آخرت، روز قیامت است که پایان دنیا بوده انسانها برای زندگی جاودانی دوباره زنده می گردند. در تمهید بر علاوه تعریف آخرت در باره آغاز آخرت اقوال ذکر گردیده است که با فرا رسیدن مرگ، زندگی آخرت هر فرد آغاز می گردد؛ پس قبر اولین مرحله آخرت است که انسان یا در نعمت و یا در عذاب می باشد. همین زندگی بعد از مرگ را تا دوباره زنده شدن عالم برزخ نامیده می شود.

در فصل اول اثبات برزخ و آخرت در قرآن و حدیث بیان شده است. فصل دوم در بیان صور، حشر، شفاعت کبری، محاسبه، میزان و حوض است. فصل سوم از بیان سرنوشت خلائق در روز آخرت (که بعد از صراط و شفاعت سرنوشت انسانها به جهنم یا به جنت است) آغاز گردیده سپس به بیان جنت و جهنم پایان یافته است. جنت دار پاداش مسلمانان، جهنم دار جزای کافران و کسی که مستحق آن است می باشد. الله متعال ما را از جهنم نجات داده جنت الفردوس را نصیب ما بگرداند.

یافته های رساله این است که دنیا دار عمل و پایان یابنده است. آخرت خانه همیشگی است که هر انسان به جزای عملش می رسد. اولین مرحله آخرت قبر است که بنام عالم برزخ یاد می گردد، برزخ دارای نعمت یا عذاب می باشد. وقایع روز قیامت با دمیدن در صور و بر انگیختن از قبر آغاز می گردد، تا سر انجام انسان به جهنم یا جنت می رود. انسان در این دنیا عمل بکند تا آخرت خود را بسازد. کسی که به آخرت ایمان داشته باشد، در دنیا و آخرت کامیاب می گردد؛ زیرا ایمان به

آخرت باعث دوری از شرک و گناهان می گردد. مسلمان هر لحظه آخرت را به یاد داشته از عذاب و سختی های آخرت می ترسد. این خوف و ترس او از آخرت مانع گناهانش شده باعث عمل صالح او می گردد تا برای زندگی آخرت و جاودانی آماده باشد.

غفلت و فراموشی طبیعت انسان است؛ پس پیشنهاد می کنم که هر مسلمان برای یادآوری و تذکیر آخرت کتاب های مرتبط به آخرت را مطالعه کند.

واژه های کلیدی رساله

آخرت

برزخ

صور

حشر

شفاعت کبری

محاسبه

حوض (کوثر)

میزان

صراط

جنت

دوزخ

فهرست موضوعات

شماره صفحه	موضوعات
1	مقدمه
2	اهمیت موضوع
2	اسباب اختیار موضوع
2	مشکل تحقیق
2	سوال های تحقیق
2	هدف تحقیق
3	پیشینه تحقیق
3	روش تحقیق
4	خطه و پلان تحقیق
8	تمهید: مفهوم آخرت و ایمان به آن، آغاز و سبب تسمیه آن
8	مطلب اول: آخرت در لغت و اصطلاح
9	مطلب دوم: مفهوم (ایمان بالیوم الآخر)
10	مطلب سوم: آغاز آخرت
13	مطلب چهارم: سبب تسمیه قیامت به آخرت
15	فصل اول: اثبات برزخ و آخرت در قرآن و سنت
16	مبحث اول: اثبات برزخ با نعمت ها و عذاب های آن
18	مطلب اول: اثبات برزخ با نعمت ها و عذاب های آن در قرآن

- 25 مطلب دوم: اثبات برزخ با نعمت ها و عذاب های آن در حدیث
- 30 مبحث دوم: اثبات آخرت در قرآن
- 30 مطلب اول: اثبات آخرت در قرآن با نامهای مختلف (نامهای آخرت)
- 40 مطلب دوم: اثبات آخرت با وقایع بیان شده در قرآن کریم
- 40 الف: واقعه عزیر - علیه السلام -
- 42 ب: واقعه اصحاب کهف (یاران غار)
- 43 ج: واقعه بنی اسرائیل
- 44 د: واقعه دیگری بنی اسرائیل
- 44 مطلب سوم: اثبات آخرت با دلایل عقلی در قرآن
- 48 مبحث سوم: اثبات آخرت در حدیث
- 48 مطلب اول: اثبات آخرت در حدیث
- 50 مطلب دوم: اثبات آخرت با برخی علامات واقع شده آخرت در احادیث
- 53 مطلب سوم: روز برپا شدن آخرت
- 56 فصل دوم: بیان وقایع روز آخرت در قرآن و سنت
- 57 مبحث اول: بیان صور در قرآن و سنت
- 58 مطلب اول: زمان دمیدن در صور و ملک مکلف بر آن
- 58 الف: زمان دمیدن در صور
- 60 ب: ملک مکلف بر دمیدن در صور

- 63 مطلب دوم: تکرار دمیدن در صور و زنده شدن بعد از مرگ
- 67 مطلب سوم: کسانی که توسط صور بیهوش نمی شوند و اولین کسی که برانگیخته می شود
- 74 مبحث دوم: بیان حشر در قرآن و سنت
- 78 مطلب اول: زمین حشر
- 80 الف: مکان مردم در روز دگرگونی زمین
- 81 مطلب دوم: احوال دنیا در روز حشر
- 81 الف: احوال آسمان ها و زمین در روز حشر
- 82 ب: احوال زمین و کوه ها در روز حشر
- 83 ج: احوال بحر ها در روز حشر
- 84 د: احوال آسمانها در روز حشر
- 84 هـ: احوال ستاره ها در روز حشر
- 87 مطلب سوم: احوال مردم در روز حشر
- 91 الف: برخی احوال مؤمنان در روز حشر
- 95 ب: برخی احوال کافران در روز حشر
- 98 مبحث سوم: بیان شفاعت کبری و محاسبه در قرآن و سنت
- 98 مطلب اول: شفاعت و انواع آن
- 98 الف: شفاعت در لغت
- 98 ب: شفاعت در اصطلاح
- 99 ج: شروط شفاعت

101	د: انواع شفاعت
104	۱: شفاعت کبری
109	مطلب دوم: حساب و انواع آن
109	الف: حساب در لغت
109	ب: حساب در اصطلاح
111	ج: انواع حساب
111	د: برخی انسانها بدون محاسبه وارد بهشت می شوند
112	۱- حساب یسیر یا آسان
112	۲- حساب سخت یا مناقشه
113	مطلب سوم: موارد محاسبه و قصاص
121	مبحث چهارم: بیان حوض و میزان در قرآن و سنت
121	مطلب اول: بیان میزان در قرآن و سنت
121	الف: ثبوت میزان
124	ب: کیفیت میزان
126	ج: تعدد موازین
127	مطلب دوم: بیان حوض در قرآن و سنت
130	الف: محل حوض
131	ب: طول و عرض حوض
133	ج: صفات حوض و کسانی که از حوض رانده می شوند
135	د: اولین کسانی که بر حوض وارد می شوند

- 137 فصل سوم: بیان سرنوشت خلائق در آخرت در قرآن و سنت
- 141 مبحث اول: صراط و شفاعتی که سبب دخول به جنت و بیرون کردن از آتش می گردد
- 141 مطلب اول: بیان صراط در قرآن و سنت
- 149 مطلب دوم : شفاعتی که سبب دخول به جنت و خروج از آتش می گردد
- 149 ۲- شفاعت برای دخول جنت و رفع درجات در آن
- 151 الف: شفاعت برای دخول جنت بدون حساب
- 152 ب: شفاعت برای کسانی که مستحق عذاب گردیدند تا عذاب داده نشوند و به جنت داخل شوند
- 153 ج: شفاعت برای رفع درجات در جنت
- 153 د: شفاعت برای اهل مدینه
- 153 ۳- شفاعت برای خروج از جهنم و تخفیف عذاب در آن
- 159 الف: شفاعت در مورد ابو طالب برای تخفیف عذابش
- 161 مبحث دوم: بیان جنت در قرآن و سنت
- 163 الف: جنت در لغت و اصطلاح
- 164 مطلب اول: جنت و صفات آن
- 165 الف: نهرها و چشمه های جنت
- 166 ب: در جنت ۴ نوع نهر وجود دارد
- 167 ج: خاک جنت

- 167 د: میوه های گوناگون و درخت های جنت
- 168 ه: سایه بانهای جنت
- 169 و: کاخ ها و قصر های جنت
- 170 ز: بوی جنت
- 170 ح: ظرفهای جنت
- 171 مطلب دوم: درجات و ابواب جنت
- 174 الف: دروازه های جنت
- 178 مطلب سوم: اهل جنت و احوال ایشان
- 178 ۱: جنتیان
- 181 الف: کسانی که از اهل کتاب ایمان آورده اند اهل جنت اند
- 182 ب: کسانی که اطاعت الله و رسول را می کنند از اهل جنت اند
- 183 ج: کسانی که پابند نماز هستند و حلال و حرام را می دانند و اعمال نیک انجام می دهند از اهل جنت اند
- 184 د: راست گویان از اهل جنت اند
- 184 ۲: احوال جنتیان
- 184 الف: خوراک و آشامیدنی جنتیان
- 185 ب: اولین خوراک اهل جنت جگر ماهی است
- 186 ج: لباس و زینت اهل جنت
- 187 د: سلام و دعای جنتیان
- 188 مطلب چهارم: نعمتهای جنت

194	مبحث سوم: بیان دوزخ در قرآن و سنت
194	مطلب اول: نامها و صفات دوزخ
194	۱-نامهای دوزخ
201	۲-صفات دوزخ
201	الف: عمق و بزرگی دوزخ
202	ب: هیزم دوزخ
202	ج: حرارت دوزخ
204	د: شعله های دوزخ
204	هـ: صدای دوزخ
204	و: نگهبان دوزخ
206	ز: دروازه ها و درکات دوزخ
209	مطلب دوم: دوزخیان و احوال ایشان
209	۱-دوزخیان
214	الف: کسانی که ظلم می کنند
216	ب: تکذیب کنندگان و دروغ گویان بالای رسول الله ﷺ
217	ج: مصورین در جهنم عذاب داده می شوند
217	د: زن های که مردان را بسوی خود جلب می کنند اهل دوزخ اند
217	ه: زن های ناشکر و لعن گوینده اهل دوزخ خوانده شده اند
218	۲-احوال دوزخیان
218	الف: بزرگی جسم کافر در آتش

218	ب: طعام دوزخیان
219	ج: شراب (آشامیدنی) دوزخیان
220	د: لباس دوزخیان
220	هـ: فرش و لحاف دوزخیان
221	و: فریاد دوزخیان
222	مطلب سوم: انواع عذابها در دوزخ
222	الف: جاویدان ماندن کافران در دوزخ
225	ب: عذاب دروغ گویان، عالمان بی عمل، زنا کاران، سود خوران
227	ج: عذاب خودکشی کنندگان
228	د: عذاب کسانی که زکات نمی دهند
231	ثمرات ایمان به آخرت
232	خاتمه
234	پیشنهادات
235	فهرست آیات
254	فهرست احادیث
266	فهرست اعلام
268	مراجع و منابع

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ لَهُ، فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

أما بعد:

اللَّهُ متعال می فرماید: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَمَلَتْ يَدَهُ وَالْكَتَابِ وَالنَّبِيِّنَ ﴿١٧٧﴾ البقرة: ١٧٧

ترجمه: نیکی (تنها) این نیست که چهره های خویش را به سوی مشرق و مغرب متوجه سازید، و لیکن نیکو کار کسی است که به الله و روز آخرت و فرشتگان و کتابها و پیغمبران ایمان آورده باشد.

از ابوهریره -رَضِيَ اللهُ عَنْهُ- روایت است که روزی، رسول اکرم -ﷺ- در جمع اصحاب و یاران نشسته بود، شخصی ناگهان وارد مجلس شد و از رسول الله -ﷺ- پرسید: ایمان چیست؟ رسول الله -ﷺ- فرمود: «الإيمان أن تؤمن بالله وملائكته وبقائه ورأسله وتؤمن بالبعث»^١.

ترجمه: ایمان یعنی اعتقاد داشتن به الله و فرشتگان و به دیدار با الله (در روز قیامت) و به پیامبران، و اعتقاد داشتن به برانگیختن بعد از مرگ.

ایمان به آخرت یکی از ارکان ایمان است. هر مسلمان انتظار دارد و معتقد است که نتایج اعمال خود را در آن دریافت می کند و پادشاه مطلق در آن روز الله متعال می باشد، چنانچه می فرماید: ﴿الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [غافر: ١٧]

ترجمه: امروز هر کسی مطابق آنچه انجام داده است، جزا داده می شود، امروز هیچ ستمی وجود ندارد، حقا که الله بسیار زود حساب کننده است.

لذا بیان آخرت از اهمیت خاصی برخوردار بوده هر مسلمان باید در مورد آن معلومات دقیق و مفصل داشته باشد تا معلومات و آگاهی او را به انجام اعمال که به کامیابی در آن روز کمک

^١ البخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر: دار طوق النجاة، چاپ اول، سال: ١٤٢٢ هـ، كتاب الايمان، باب سؤال جبريل النبي صلى الله عليه وسلم عن الإيمان والإسلام...، حديث: ٥٠، ١٩/١

می کند، وادار سازد و از اعمالی که او را در آن روز به عواقب وخیم گرفتار می کند، اجتناب ورزد، پس به بیان احوال آخرت و مراحل آن می پردازم.

اهمیت موضوع

اهمیت هر بحث به اساس موضوع آن بوده موضوع مورد بحث در این رساله علمی (احوال آخرت) یکی از ارکان ایمان است. این رساله برگرفته از کتاب الله و سنت رسول الله -ﷺ- می باشد، از جانب دیگر ارتباط موضوع به زندگی جاودانی و سر نوشت انسان است؛ پس بدون شک، از اهمیت والا و حیاتی برخوردار است.

اسباب اختیار موضوع

- ۱- واضح نبودن تفصیلات احوال آخرت برای بسیاری مسلمان ها.
- ۲- عدم توجه مسلمانان به آخرت.

مشکل تحقیق

- ۱- احوال آخرت از امور غیبی است که جز وحی راه وصول به شناخت آن وجود ندارد.
- ۲- هر سخنی در مورد احوال آخرت به دلیل و اثبات نیاز دارد.

سوال های اصلی تحقیق

این تحقیق سوال های ذیل را پاسخ می گوید:

- ۱- آیا احوال آخرت به گونه مفصل در قرآن و سنت بیان شده است؟
- ۲- عقیده مسلمان در باره احوال آخرت چگونه باشد؟

سوالهای فرعی تحقیق

- ۱- آیا عالم برزخ در آخرت شامل است؟
- ۲- آخرت با کدام حادثه آغاز می گردد؟

هدف تحقیق

۱- اثبات آخرت در قرآن و سنت

۲- توضیح و بیان احوال آخرت در روشنی نصوص قرآن و سنت

پیشینه تحقیق

کتابهای زیادی؛ مانند کتب تفسیر و عقیده در بر گیرنده این موضوع بوده بیشتر آنها به زبان عربی نوشته شده است. این موضوع در تفسیرهای مختلف به شیوه مفصل و یا مختصر، به صورت پراکنده تحت آیات مربوط به آخرت بیان گردیده است و در کتاب های عقیده به صورت مختصر ذکر شده است. در برخی کتاب ها فقط یک جزء آن بحث گردیده است. از جمله آن کتاب ها میتوان نمونه های ذیل را ذکر نمود:

۱- البعث، مؤلف: ابی داود

۲- البعث والنشور، مؤلف: البیهقی

۳- التذکرة في احوال الموتى و امور الآخرة، مؤلف: القرطبي.

۴- اصول الايمان في ضوء الكتاب و السنة، مؤلف: گروهی از علماء

۵- التخويف من النار والتعريف بحال دار البوار، مؤلف: زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن

۶- الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، مؤلف: عبد العظيم بن عبد القوي المنذري أبو محمد.

روش تحقیق

از آنجا که موضوع احوال آخرت از امور غیبی بوده مثبت آن قرآن و سنت است، لذا در این موضوع از روش کتابخانه ای کار گرفته شده است. طوری که آیات و احادیث مربوط به آخرت را جمع آوری نموده در فصل ها و مباحث ترتیب داده ام.

احاله آیات قرآنی را در داخل متن قرار داده ترجمه آنها را به صورت عموم با استفاده از تفسیر (ازهر البیان في تفسیر کلام الرحمن) نگاشته ام. در برخی موارد از تفاسیر دیگر نیز استفاده کرده ام.

تمام احادیث پیامبر - ﷺ - را از منابع اصلی آن تخریج نموده به احادیث صحیحه استدلال نموده ام.

معنای مصطلحات لغوی را از قاموس های لغت گرفته و تعریف مصطلحات شرعی را از کتاب های مرتبط به آن نقل نموده ام.

سوانح اعلام غیر مشهور را بیان کرده و مشهور را بیان نکرده ام.

خطه و پلان تحقیق

این رساله با تمهید یک مقدمه، سه فصل و خاتمه تنظیم شده است.

مقدمه شامل موضوعات ذیل می باشد:

اهمیت موضوع

اسباب اختیار موضوع

مشکل تحقیق

سوال های تحقیق

هدف تحقیق

پیشینه تحقیق

روش تحقیق

خطه و پلان تحقیق

تمهید: مفهوم آخرت و ایمان به آن، آغاز و سبب تسمیه آن

تمهید دارای چهار مطلب است:

مطلب اول: آخرت در لغت و اصطلاح

مطلب دوم: مفهوم (ایمان بالیوم الآخر)

مطلب سوم: آغاز آخرت

مطلب چهارم: سبب تسمیه قیامت به آخرت

فصل اول: اثبات برزخ و آخرت در قرآن و سنت

این فصل دارای سه مبحث است:

مبحث اول: اثبات برزخ

مطلب اول: اثبات برزخ در قرآن

مطلب دوم: اثبات برزخ در حدیث

مبحث دوم: اثبات آخرت در قرآن

مطلب اول: اثبات آخرت در قرآن با نامهای مختلف (نامهای آخرت)

مطلب دوم: اثبات آخرت با وقایع بیان شده در قرآن

۱- واقعه عزیر علیه السلام

۲- واقعه اصحاب کهف (یاران غار)

۳- واقعه بنی اسرائیل

۴- واقعه دیگر بنی اسرائیل

مطلب سوم: اثبات آخرت با دلایل عقلی در قرآن

مبحث سوم: اثبات آخرت در حدیث

مطلب اول: اثبات آخرت در حدیث

مطلب دوم: اثبات آخرت با برخی علامات واقع شده آخرت در احادیث

مطلب سوم: روز برپا شدن آخرت

فصل دوم: بیان وقایع روز آخرت در قرآن و سنت

این فصل دارای چهارمبحث است:

مبحث اول: بیان صور در قرآن و سنت

مطلب اول: زمان نواختن در صور و ملک مکلف بر آن

مطلب دوم: تکرار نواختن در صور و تغییر احوال

مطلب سوم: کسانی که توسط صور بیهوش نمی شوند و اولین کسی که برانگیخته می شود

مبحث دوم: بیان حشر در قرآن و سنت

مطلب اول: زمین حشر

مطلب دوم: احوال دنیا در روز حشر

مطلب سوم: احوال مردم در روز حشر

مبحث سوم: بیان شفاعت کبری و محاسبه در قرآن و سنت

مطلب اول: شفاعت و انواع آن

مطلب دوم: حساب و انواع آن

مطلب سوم: سوالاتی در مورد محاسبه و قصاص

مبحث چهارم: بیان میزان و حوض در قرآن و سنت

مطلب اول: بیان میزان در قرآن و سنت

مطلب دوم: بیان حوض در قرآن و سنت

فصل سوم: بیان تعیین سرنوشت خلائق در آخرت در قرآن و سنت

مبحث اول: صراط و شفاعتی که سبب دخول به جنت و بیرون کردن از آتش می گردد

مطلب اول: بیان صراط در قرآن و سنت

مطلب دوم: شفاعتی که سبب دخول به جنت و خروج از آتش می گردد

مبحث دوم: بیان جنت در قرآن و سنت

مطلب اول: جنت و صفات آن

مطلب دوم: درجات و ابواب جنت
مطلب سوم: اهل جنت و احوال ایشان
مطلب چهارم: نعمتهای جنت
مبحث سوم: بیان دوزخ در قرآن و سنت
مطلب اول: نامها و صفات دوزخ
مطلب دوم: دوزخیان و احوال ایشان
مطلب سوم: انواع عذابها در دوزخ
ثمرات ایمان به آخرت
خاتمه
پیشنهادات
فهارس
مراجع و منابع

تمهید: مفهوم آخرت و ایمان به آن، آغاز و سبب تسمیه آن

قبل از آغاز موضوع به معنای لغوی و اصطلاحی آخرت می پردازم تا راه برای فهم موضوع آسان شود.

مطلب اول: آخرت در لغت و اصطلاح

الف: آخرت در لغت

آخر مقابل (اول) بوده به معنای بعد، پایان و انتهای یک چیز می باشد. آخرت در زبان عربی با تایی مربوطه نوشته می شود: (آخرة) صیغه مؤنث بوده مقابل (أولى) می باشد که به معنای آخر و بعد است، چنانچه می گویند: (آخرة العين) یعنی پایان و آخری حصه چشم و (آخرة الرحل) آخری حصه پالان.^۱

هنگامی که آخر می گوئیم به این معنی که قبل از آن چیزی دیگری وجود دارد. آخرت مقابل دنیا می آید، خانه زندگی بعد از مرگ را گوید.^۲

همچنان (الآخر) یکی از نامهای الله متعال بوده به معنای باقی بعد از فناى همه مخلوقات می باشد، الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۳

الحديد: ۳

ترجمه: او پیش از همه و پس از همه است، و آشکار و پنهان است، و او به همه چیز دانا است. ابو هریره - رضی الله عنه - دعای طویل پیامبر - ﷺ - را روایت می کند که در یک بخش آن چنین فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ».^۴

ترجمه: یا الله تو اول هستی قبل از تو چیزی نبود و تو آخر هستی بعد از تو چیزی وجود ندارد.

ب: آخرت در اصطلاح

آخرت یا روز آخرت (اليوم الآخر) یکی از نامهای روز قیامت است.

^۱ ببینید: الزبیدی، أبو الفیض محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مجموعة از محققین، ناشر دار الهدایة ۳۲/۱۰، و فیروز آبادی، مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی (متوفی: ۸۱۷هـ)، القاموس المحیط، تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسة الرسالة، إشراف: محمد نعیم العرفقوسی، ناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت - لبنان، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ۳۴۲/۱. و ابراهیم مصطفی - أحمد الزیات - حامد عبد القادر - محمد النجار، والمعجم الوسیط، تحقیق: مجمع اللغة العربیة، ناشر: دار الدعوة، ۹/۱.

^۲ ببینید: القاموس المحیط، ۳۴۲/۱. و المعجم الوسیط، ۹/۱.

^۳ النیسابوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ معروف به صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، کتاب الذکر والتوبة والاستغفار، باب ما یقول عند التَّوْمِ وَأَخَذَ الْمَضْجَعِ، حدیث: ۲۷۱۳، ۴/ ۲۰۸۴.

اليوم الآخر هو يوم القيامة الذي لا يوم بعده حيث يبعث الناس أحياء للبقاء: إما في النعيم، وإما في دار العذاب الأليم.^١

روز آخرت، همان روز قیامت است که بعد از آن روز دیگری نیست، در آن روز همه مردم برای ماندن در دار نعمت و یا در عذاب دردناک، برانگیخته می شوند.

روز آخرت روزی است که الله متعال در آن روز مخلوقات را بعد از مردن شان زنده گردانده از قبرهای شان بر می انگیزد، سپس آنها را بر اعمال شان محاسبه می کند.^٢

مطلب دوم: مفهوم «الایمان بالیوم الآخر»

ایمان به روز آخرت شامل هر آنچه که الله متعال در کتابش و رسول الله - ﷺ - از احوال بعد از مرگ از فتنه و امتحان قبر، عذاب و نعمتهای آن خبر داده است می باشد و آنچه که از احوال، احوال، علامات قیامت، در صور دمیدن، برانگیختن بعد از مرگ، حشر، نشر عمل نامه ها، حساب، ترازوی اعمال، حوض، صراط، شفاعت و جزا تا اینکه اهل جنت به جنت و اهل آتش به آتش بروند می باشد.^٣

ابن جریر طبری^٤ در تفسیر این آیت: ﴿وَالْآخِرَةُ هُمْ يُوَفُّونَ﴾ البقرة: ٤

ترجمه: (و به آخرت آنها یقین دارند)، می گوید: «مؤمنان به امور آخرت، از بعث و نشور و ثواب و عقاب و حساب و میزان و غیر از این ها هر چیزی که الله متعال برای بنده هایش به روز آخرت خلق کرده است، یقین دارند و از آن مشرکان منکر هستند. همچنان در تفسیر آخرت از ابن عباس - رضی الله عنه - بعث و قیامت و جنت و آتش و حساب و میزان نقل شده است».^٥

الله متعال می فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ البقرة: ٨

^١ فالج، ابو عبد الله عامر عبد الله فالح، معجم الفاظ العقيدة، ناشر: مكتبة العبيكان، چاپ اول، ۱۴۱۷هـ، ۴۵۳/۱

^٢ الاثري، عبدالله بن عبد الحميد الاثري، الوجيز في عقيدة السلف الصالح اهل السنة والجماعة، ناشر: دار الراية-الرياض، ۸۱/۱

^٣ ببينيد: منبع گذشته

^٤ طبری: محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، ابوجعفر مشهور به ابن جریر طبری در سال ۲۲۴ هـ در شهر امل متولد شده در ۳۱۰ هـ در شهر بغداد در گذشته است. او مؤرخ، مفسر و فیلسوف، مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است. از مشهورترین مصنفات وی تفسیر طبری و تاریخ طبری می باشد. (ببینید: الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي، سير اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة ۱۴۲۲هـ/ ۲۰۰۱م، ۲۶۸/۱۴ و الزركلي، خير الدين بن محمود الزركلي دمشقي (المتوفى: ۱۳۹۶هـ)، الأعلام، ناشر: دار العلم للملايين، چاپ پانزدهم، ۲۰۰۲م، ۶۹/۶)

^٥ الطبري، محمد بن جرير الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، محقق: أحمد محمد شاكر، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰م، ۲۴۶/۱

ترجمه: و از مردمان کسی است که می گوید: به الله و روز آخرت ایمان آوردیم، و آنها (از دل) مؤمن نیستند.

در تفسیر این آیه امام رازی^۱ می گوید: «اگر سوال شود که مراد از یوم الآخر چیست؟ در جواب می گوئیم: جایز است که مراد از آن وقتی باشد که حد ندارد و او ابد الابد باشد. و یا اینکه مراد از آن وقت محدود بوده از نشور آغاز گردیده تا اینکه اهل جنت به جنت و اهل دوزخ به دوزخ بروند پایان می یابد؛ زیرا این آخرین وقت محدود است ما بعد از آن حدی ندارد»^۲.

گاهی آخرت به دار آخرت یاد می گردد.

الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ **الأنعام: ۳۲**

ترجمه: و زندگانی این جهان جز بازی و سرگرمی بیش نیست، و قطعاً سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی دانید.

مطلب سوم: آغاز آخرت

در مورد آغاز آخرت دو نظر وجود دارد:

نظر اول اینکه آخرت از زمان برانگیختن از قبر (نشور یا بعث) آغاز می گردد.

چنانچه قول امام طبری در تفسیر این آیت: ﴿وَالْآخِرَةُ هُمْ يُوَفُّونَ﴾ **البقرة: ۴** گذشت:

ترجمه: (و به آخرت آنها یقین دارند). «مؤمنان به امور آخرت، از بعث و نشور و ثواب و عقاب و حساب و میزان و غیر از این ها هر چیزی که الله متعال برای بنده هایش به روز آخرت خلق کرده است، یقین دارند و از آن مشرکان منکر هستند و در تفسیر آخرت از ابن عباس - رضی الله عنه - بعث و قیامت و جنت و آتش و حساب و میزان نقل شده است»^۳.

^۱ الرازی: محمد بن عمر بن حسین قرشی، ابو عبد الله معروف به ابن خطیب، در سال ۵۴۴هـ، در شهر ری متولد شده اصلاً از طبرستان بوده و در سال ۶۰۶هـ وفات نموده است، اصولی، متکلم و مفسر و از جمله حکما بود. دارای تصنیفات زیاد است، مشهورترین تصنیفش تفسیر مفاتیح الغیب و معالم اصول الدین است. (ببینید: سیر أعلام النبلاء، ۵۰۱/۲۱ و الأعلام از زرکلی، ۳۱۳/۶)

^۲ الرازی، فخر الدین محمد بن عمر التیمی الرازی الشافعی، مفاتیح الغیب، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰ م، چاپ اول، ۵۲/۲

^۳ تفسیر الطبری، ۲۴/۱

و قول امام رازی گذشت: «اگر سوال شود که مراد از یوم الآخر چیست؟ در جواب می گوئیم: جایز است که مراد از آن وقتی باشد که حد ندارد و او ابد الابد باشد. و یا اینکه مراد از آن وقت محدود از نشور تا اینکه اهل جنت به جنت و اهل دوزخ به دوزخ بروند؛ زیرا این آخرین وقت محدود است ما بعد آن حدی ندارد»^۱.

نظر دوم اینکه آغاز آخرت از هنگام مردن انسان یعنی از قبر آغاز می گردد.

چنانچه از پیامبر ﷺ - روایت شده است که ایشان فرمودند: «إِنَّ الْقَبْرَ أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنْزِلِ الْآخِرَةِ، فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ»^۲.

ترجمه: یقیناً قبر اولین منزل از منازل آخرت می باشد، اگر کسی از آن نجات یابد، نجات یافتن از منزل بعدی آسانتر است و اگر کسی از آن نجات نیابد، نجات یافتنش از منزل بعدی دشوارتر است.

جمع بین دو نظر این است که علماء آنچه که اطلاق قیامت بر آن می شود را به سه نوع تقسیم کردند: قیامت بزرگ (کبری)، قیامت وسطی و قیامت کوچک (صغری). قیامت بزرگ بعد از نفخه دوم، از بعث و نشور آغاز می گردد. قیامت وسطی با انقراض یک قرن آغاز می گردد. و قیامت کوچک از زمان مردن هر فرد یعنی از قبر آغاز می گردد، چنانچه توربشتی^۳ و برخی علماء ذکر کرده اند که اقوال ایشان ذکر می گردد.

پس در حدیث مذکور که قبر اولین مرحله آخرت نامیده شده است، مراد از آن قیامت کوچک است که با مرگ انسان آغاز می گردد.

^۱ مفاتیح الغیب: ۵۲/۲

^۲ الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، أبو عیسی الترمذی، (متوفی: ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، تحقیق و تعلیق: أحمد محمد شاکر (ج ۱، ۲)، محمد فواد عبد الباقي (ج ۳) و ابراهیم عطوة عوض المدرس فی الأزهر الشریف (ج ۴، ۵)، ناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، چاپ دوم، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م، کتاب الزهد، باب ما جاء في ذكر الموت، حدیث: ۲۳۰۸، ۵۵۳/۴ امام البانی این حدیث را در (صحیح سنن الترمذی، ناشر: مکتبۃ المعارف-الریاض، چاپ اول ۱۴۲۰-۲۰۰۰م، ۱/۱۱۸۳) حسن گفته است.

^۳ توربشتی: فضل الله بن حسن بن حسین بن یوسف أبو عبد الله، شهاب الدین التوربشتی، محدث و فقیه از اهل شیراز است. از جمله کتابهایش شرح مصابیح السنة از بغوی است، خیلی شرح خوب است، در سال ۶۶۰هـ از دنیا رحلت نمود. (السیکی، تاج الدین عبد الوهاب بن تقي الدين السيكي (المتوفى: ۷۷۱هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، محقق: د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، ناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ دوم، ۱۴۱۳هـ، ۳۴۹/۸)

چنانچه عائشه رضی الله عنها- می گوید: هنگام که بادیه نشینان نزد رسول الله ﷺ - می آمدند از ایشان می پرسیدند: قیامت چی وقت است؟ پس ایشان به جوانتر آنها می نگرستند و جواب می دادند: «إِنْ يَعْشُ هَذَا، لَمْ يُدْرِكْهُ الْهَرَمُ، قَامَتْ عَلَيْكُمْ سَاعَتُكُمْ»^۱.

ترجمه: اگر این شخص زنده بماند پیری برایش نرسد، بر شما قیامت تان برپا می شود. ابن کثیر^۲ این حدیث را چنین تشریح نموده است: «مراد از (ساعتکم) مرگ ایشان است که انسان را از برزخ به حصول سرای آخرت می رساند»^۳.

توربشتی در شرح «مشکاة المصابیح» می گوید: «(الساعة) به قیامت تعبیر می شود که در کتاب و سنت به سه نوع تقسیم شده است: ۱- قیامت کبری، مراد از آن برانگیختن مردم برای جزا و پاداش است. ۲- قیامت وسطی، مراد از آن انقراض یک قرن با مردن مردم است. ۳- قیامت صغری، مراد از آن مرگ انسان است»^۴.

ملا علی قاری^۵ می گوید: «بهتر است قیامت کبری را نفخه دوم و وسطی را نفخه اول و صغری را مرگ یک جماعت یا فرد بیان داریم»^۶.

در جای دیگر ابن کثیر می گوید: «فَإِنَّ مَنْ مَاتَ فَقَدْ دَخَلَ فِي حُكْمِ الْقِيَامَةِ»^۷، هر کسی که فوت کرد در حکم قیامت داخل شد.

از امام ابو حنیفه در تعریف یوم الآخر (روز آخرت) چنین نقل شده است:

«كل ما أخبر به الشارع مما يكون بعد الموت من أحوال البرزخ، والنفخ في الصور، والبعث

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراف الساعة، باب قرب الساعة، حدیث: 2952، ۲۲۶۹/۴

^۲ ابو الفداء عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی در سال ۷۰۱هـ، در شهر بصری در شام متولد شده و در سال ۷۷۴هـ، در دمشق وفات نمود، حافظ، مؤرخ، فقیه و شیخ محدثین بود، مصنفات او در در میان مردم شناخته شده است، بعضی از تالیفات ایشان قرار ذیل است: البداية و النهاية در ۱۴ جلد، شرح صحیح البخاری، تفسیر قرآن کریم در ۱۰ جلد، الاجتهاد فی طلب الجهاد. (ببینید: سیر اعلام النبلاء، ۴/۱ و الزرکلی، ۳۲۰/۱)

^۳ ببینید: ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي الدمشقي [۷۰۰ - ۷۷۴ هـ]، تفسیر القرآن العظیم، محقق: سامی بن محمد سلامة، ناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، چاپ دوم، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، ۵۲۱/۳

^۴ التوربشتی، فضل الله بن حسن، أبو عبد الله، شهاب الدين التوربشتي، الميسر في شرح مصابيح السنة، محقق: د. عبد الحميد هندواوي، ناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ دوم، ۱۴۲۹هـ - ۲۰۰۸هـ، ۱۱۸۱/۴

^۵ ملا علی قاری: نور الدین علی بن سلطان محمد هروی، در هرات متولد شده و در مکه سکونت کرده است، در سال ۱۰۱۴هـ، در مکه وفات یافته است، فقیه حنفی و از جمله علمای بزرگ بود، تالیفات زیاد دارد، از جمله تالیفات ایشان: شرح مشکاة المصابیح، سیرة الشیخ عبد القادر الجیلانی و شرح الاربعین النوویة است. (الاعلام للزرکلی، ۱۲/۵ و العصامی، عبد الملك بن حسین، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل، محقق: عادل أحمد عبد الموجود- علي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م، ۴۰۲/۴)

^۶ ملا هروی قاری، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (متوفى: ۱۰۱۴هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشکاة المصابیح، ناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م، حدیث: ۵۵۰۹، ۳۴۹۶/۸

^۷ تفسیر ابن کثیر، ۸۳/۷

والنشور، والثواب والعقاب، والجنة والنار، وما يكون قبل ذلك من أشرار الساعة، وعلاماتها، كل ذلك داخل في الإيمان باليوم الآخر»^۱.

«هر آنچه که شارع (الله متعال) از احوال بعد از مرگ، خبر داده است، از برزخ و نفخ صور، بعث و نشور، ثواب و عقاب، بهشت و دوزخ، و آنچه که قبل از آن از علامات قیامت است همه در ایمان به روز آخرت داخل است».

یعنی آغاز آخرت را از برزخ ذکر کرد.

ابن تیمیة^۲ در کتاب خود (الفتاوی) ایمان به روز آخرت را چنین بیان می دارد:

«ایمان به هر آنچه که نبی - ﷺ - از امور بعد از مرگ خبر داده است، از فتنه و عذاب قبر و نعمتهایش، بعث و حشر، میزان و صحف، حساب و حوض، صراط و شفاعت، بهشت و دوزخ می باشد»^۳.

پس از تمام این دلایل ثابت گردید که آخرت توسط مرگ هر فرد از عالم برزخ آغاز می گردد.

مطلب چهارم: سبب تسمیه قیامت به آخرت

امام طبری می گوید: آخرت صفت سرای یا خانه (الدار) است، - یعنی الدار الآخرة گفته می شود- سبب موصوف شدن (الدار) به آخرت این است که قبل از آن دار اولی (اولی) بوده پس آخرت پایان و آخر آن است. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ

الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۶۴﴾ العنكبوت: ۶۴

ترجمه: و سرای آخرت، سرای زندگی (دائمی) است، اگر می دانستند.

^۱ ابن عبدالرحمن الخمیس، محمد بن عبد الرحمن الخمیس، أصول الدين عند الإمام أبي حنيفة، ناشر: دار الصمعي، المملكة العربية السعودية، ۴۹۵/۱

^۲ ابن تیمیة: أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام الحرانی ابن تیمیة، در سال ۶۶۱هـ، در منطقه حران متولد شده در سال ۷۲۸هـ، وفات یافت، تیمیة لقب پدر کلان ایشان بود. امام، مفسر، فقیه، مجتهد، حافظ، محدث، معروف به شیخ الإسلام است، صاحب ذکاوت و حافظه عالی و تصنیفات بود، از جمله تصنیفات ایشان: السياسة الشرعية، الفتاوی، الفرقان بین أولیاء الله وأولیاء الشیطان، است. (الأعلام للزركلي، ۱۴۴/۱ و صلاح الدين خليل بن أبيك بن عبد الله الصفدي، الوافي بالوفيات، محقق: أحمد الأرنؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت، سال نشر: ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م، ۱۱/۷)

^۳ ابن تیمیة، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحراني، مجموع الفتاوی، محقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد- المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، سال نشر: ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۵م، ۱۴۵/۳ و ۱۴۶

و سبب تسمیه قیامت به آخرت همین است که قبل از آخرت زندگی دنیا است، و یا اینکه به سبب تأخیرش از مردم به آخرت مسمی گردیده است، و دنیا به سبب نزدیکی به مردم دنیا مسمی گردیده است.^۱

^۱ ببینید: تفسیر الطبری، ۲۴۵/۱ و ابن الفوزان، صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان، الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد والرد على أهل الشرك والإلحاد، ناشر: دار ابن الجوزي، چاپ چهارم، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، ۲۵۲/۱

فصل اول: اثبات برزخ و آخرت در قرآن و سنت

مبحث اول: اثبات برزخ با نعمت ها و عذاب های آن

برزخ در لغت به معنای پرده میان دو شیء است. برزخ آنچه که میان دنیا و آخرت قبل از حشر، از وقت مرگ تا دوباره برانگیختن است، می باشد؛ پس هر کسی که فوت کرد او در برزخ قرار دارد.^۱

الله متعال می فرماید: ﴿وَمِنَ وَّرَائِهِم بَرَزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ المؤمنون: ۱۰۰

ترجمه: و پیش روی ایشان برزخ است تا روزی که برانگیخته می شوند.

بدون شک مرگ حق است، فطرت انسان و عقل سلیم آن را می پذیرد، هنگامی که روح انسان از بدن وی خارج می شود به آسمان برده می شود، سپس به بدنش بر گردانده می شود تا از او سوال کرده شود، همین فتنه و امتحان قبر است. از او پرسیده می شود: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ مسلمان در این امتحان ثابت قدم بوده جواب می دهد. منافق پاسخ گفته نمی تواند. این برگشت روح به جسد مانند وجود روح در جسد در دنیا نیست، و نه مانند زنده شدن در روز قیامت است، برگشت روح به جسد در قبر و در روز آخرت و در دنیا هر کدام متفاوت است. در قبر انسان با برگشت روح به جسد نعمت و عذاب را احساس می کند اما برای ما ظاهر نمی شود. هر گاه الله متعال بخواهد روح را از بدن جدا می سازد و هرگاه بخواهد پس بر می گرداند.^۲

ابن القیم^۳ می گوید: «هر آنچه که میان دنیا و آخرت است یعنی قبر را برزخ گفته می شود، عذاب قبر و نعمتهای آن یکی از نامهای عذاب برزخ و نعمتهای آن است و اهل برزخ در فاصله میان دنیا و آخرت قرار دارند».^۴

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرم بن منظور الأفریقی المصري، لسان العرب، ناشر: دار صادر - بیروت، چاپ اول، ۸/۳
^۲ ببینید: عبد الرحمن بن حماد آل عمر، الإرشاد الی توحید رب العباد، ناشر: دار العاصمة، الرياض - المملكة العربية السعودية، چاپ دوم، سال: ۱۴۱۲ هـ، ۸۷-۸۲/۱

ابن القیم، محمد بن ابی بکر بن ایوب، ابو عبد الله شمس الدین، یکی از علمای بزرگ در دمشق متولد گردیده، در سال ۷۵۱ هـ در آن جا وفات نمود. دارای تصنیفات زیاد است، از جمله تصنیفات ایشان: اعلام الموقعین، کشف الغطاء عن حکم سماع الغناء، شفاء العلیل فی مسائل القضاء والقدر والحکمة والتعلیل می باشد. (الاعلام للزرکلی، ۵۶/۶)

^۴ الجوزیة، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیة (المتوفی: ۷۵۱ هـ)، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ۷۳/۱

همچنان می گوید: «الله متعال سه خانه (دار) آفریده است: دار دنیا، دار برزخ و دار القرار. برای دار دنیا احکام مقرر کرده است که بالای جسد مرتب می گردد و روح تابع آن می باشد به همین طور عالم برزخ را احکامی است که بالای روح مرتب گردیده جسد تابع آن می باشد»^۱.

خواب مانند مرگ است. روح مردگان یا در نعمت و یا در عذاب می باشد. هنگامی که روح به بدن بر می گردد روح و جسد هر دو در نعمت یا در عذاب قرار می گیرند و هنگامی که از جسد جدا شود تنها روح در نعمت و عذاب می باشد. تا این که الله متعال همه مردگان را زنده بگرداند و ارواح شان به بدن های شان بر گردد. این حالت را برزخ گفته می شود. مثال عالم برزخ چنین است: چنانچه شخص خوابیده گاهی در خواب نعمت را خواب می بیند و اثر آن بعد از بیدار شدن بر وجودش می باشد، به همین طور گاهی در خواب عذاب می بیند و اثر آن بر بدنش باقی می ماند و گاهی شخص خوابیده راه می رود و یا به سوی چیزی دست دراز می کند. این عذاب و نعمت در اصل بالای روح وارد می گردد و جسم نیز از آن تأثیر پذیر می شود.^۲

دار برزخ اولین دار جزا است. عدل الله متعال تقاضا می کند که دوستان الله متعال در برزخ نعمت ها را بچشند و انسان های فاجر و نافرمان عذاب را بچشند؛ پس عذاب برزخ اولین عذاب آخرت و نعمت های برزخ اولین نعمت آخرت است.^۳

عذاب قبر همان عذاب برزخ است. هر کسی که بمیرد و مستحق عذاب باشد، اگر دفن شده باشد یا نشده باشد او را عذاب قبر می رسد. کسی را درندگان خورده باشد یا در آتش سوزانده شده خاکستر گردیده باشد، به دار آویخته شده باشد یا در بحر غرق شده باشد، تمام آنها را مانند کسی که دفن شده باشد نعمت و عذاب می رسد. این نعمت ها و عذاب به اعتبار هر فرد متفاوت است.^۴

فتنه قبر و سوال منکر و نکیر حق است. عذاب و نعمتهای قبر حق است و پیامبر - ﷺ - از آن به الله پناه می بردند و امر کردند که در هر نماز از آن پناه برده شود.^۵

^۱ الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ۶۳/۱، والإرشاد إلى توحيد رب العباد، ۸۶/۱

^۲ الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ۸۴/۱ و ۸۵

^۳ الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ۷۴/۱

^۴ الإرشاد إلى توحيد رب العباد، ۸۵/۱

^۵ المقدسي، موفق الدين أبي محمد عبد الله ابن قدامة المقدسي، لمعة الاعتقاد الهادي إلى سبيل الرشاد، شرح محمد بن صالح العثيمين، تحقيق و تخريج: اشرف بن عبد المقصود، ناشر: مكتبة الامام البخاري الدار السلفية، چاپ دوم، ۱۳۴/۱

در برزخ ارواح هر کس در جاهای مختلف قرار می گیرد. ارواح پیامبران در ملاء اعلی، ارواح شهداء در شکمهای پرنده های سبز رنگ، ارواح برخی در تندور و از برزخی در دریاب خون قرار می گیرد.^۱

انسان بعد از مرگ با احوال مختلف مواجه گردیده از یک حالت به حالت دیگر می رود تا این که سرانجام به زندگی جاویدانی بپیوندد که آن جنت و یا جهنم است - الله متعال ما را از آتش جهنم نجات داده جنت الفردوس را جایگاه ما قرار دهد - .

پس آخرت مراحل مختلف دارد و اولین مرحله آخرت عالم برزخ است. اگر چه عالم برزخ بحث طویل و تفصیل بیشتر نیاز دارد، عده آن را تحت عنوان آخرت بیان می کنند، به دلیل این که قبر اولین مرحله مواجه شدن انسان بعد از مرگ است و عده آغاز آخرت را زمان برانگیختن از قبر دانسته، عالم برزخ را جدا بحث می کنند.

به دلیل این که در حدیث قبر اولین مرحله آخرت ذکر گردیده است، عالم برزخ را تحت عنوان آخرت بحث می کنم.

مطلب اول: اثبات برزخ در قرآن کریم

۱- الله متعال در مورد قوم سرکش (فرعونیان) بعد از غرق کردن ایشان در رود نیل می فرماید:

﴿التَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾﴾ غافر:

٤٦

ترجمه: آتش دوزخ است که صبح و شام بر آن عرضه می شوند (این عذاب برزخی ایشان است) و در روزی که قیامت برپا می شود (دستور داده می شود که) فرعونیان را در سخت ترین عذاب داخل کنید.

از این آیت ثابت می شود که آتش دوزخ بر آنها در برزخ عرضه می شود، چنانچه در تفسیر این آیت علماء بیان کرده اند، عذاب برزخ در قبر می باشد، پس برزخ وجود دارد که مستحقین عذاب در آن عذاب داده می شوند.

^۱ ببینید: الروح في الكلام على ارواح الاموات والاحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ۱/۱۱۵، و الإرشاد الى توحيد رب العباد، ۱/۸۵ و

ابن کثیر می گوید: «این آیه بزرگترین دلیل اهل سنت بر عذاب برزخ در قبر است. ارواح انسان ها در قبر عذاب داده می شوند»^۱.

ابن مسعود - رضي الله عنه - می گوید: «ارواح کافران در شکم پرنده های سیاه انداخته شده صبح و شام به آتش پیش کرده می شود»^۲.

قتاده^۳ می گوید: «روح هر کافر تا زمانی که دنیا است، صبح و شام بر آتش پیش کرده می شود»^۴.

۲- الله متعال در مورد اصحاب الاخدود می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لَكُمُ يُؤْتُوا فَلَهُمْ

عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ البروج: ۱۰

ترجمه: کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه می کنند، سپس توبه نمی کنند، بدون شک برای ایشان عذاب دوزخ است، و برای ایشان عذاب آتش سوزان است.

در آیت یکی عذاب جهنم و دیگر عذاب سوزان ذکر است، مراد از عذاب الحریق (عذاب سوزان) آتش که قبل از روز حساب به آن تعذیب کرده می شوند است.^۵

عذابی که قبل از روز حساب است، عذاب برزخ است. از این آیت وجود برزخ و عذاب آن، ثابت می شود.

۳- الله ذوالجلال در مورد منافقان می فرماید: ﴿وَمَنْ حَوَّلَ مُنْفِقُونَ مِنْ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ

مَرَدُوا عَلَى الْإِنْفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَعَدَ بِهِمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ التوبة: ۱۰۱

^۱ ببینید: تفسیر ابن کثیر، ۱۴۷/۷

^۲ منبع گذشته

^۳ قتاده: قَتَادَةُ بْنُ دَعَامَةَ بْنِ عَكَابَةَ، أَبُو الْخَطَّابِ السُّدُوسِيُّ، البَصْرِيُّ، در سال ۶۰ و یا ۶۱ هـ متولد شده و در سال ۱۱۸ هـ توسط طاعون فوت گردیده است. حافظ عصر، پیشوای مفسرین و محدثین، نابینا بود. از صحابه و تابعین بزرگ مانند انس، ابوهریره، سعید بن المسیب و غیره روایت کرده است. در قوت حافظه به او مثال داده می شد. شاگردان زیاد داشت. در مدحش اقوال زیاد نقل شده است. (ببینید: سیر اعلام النبلاء: ۲۶۹-۲۸۳)

^۴ ببینید: آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی الألوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، محقق: علی عبد الباری عطیة، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ، ۳۲۶/۱۲ و بغوی، أبو محمد الحسین بن مسعود البغوی، معالم التنزیل، تحقیق و تخریج احادیث: محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضمیریة - سلیمان مسلم الحرش، ناشر: دار طیبة للنشر والتوزیع، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، ۱۵۰/۷

^۵ ببینید: ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی، التحریر والتنویر «تحریر المعنی السدید وتنویر العقل الجدید من تفسیر الکتاب المجدید»، ناشر: الدار التونسیة للنشر - تونس، سال: ۱۹۸۴ هـ، ۲۴۷/۳۰

ترجمه: و از جمله کسانی که از اعراب در اطراف شما قرار دارند منافقان هستند و بعض از مردم مدینه بر نفاق بسیار ماهر اند، تو آنها را نمی شناسی ما آنها را می شناسیم، آنها را دو مرتبه مجازات خواهیم نمود، سپس (در آخرت) بسوی مجازات بزرگی باز گردانده می شوند. ابن کثیر می گوید: «مراد از دو مرتبه عذاب در این آیت، یک عذاب در دنیا و عذاب دیگر عذاب قبر و مراد از عذاب بزرگ عذاب جهنم است»^۱.

از این آیت برزخ و عذاب قبر ثابت می شود.

۴- الله ذوالجلال می فرماید: ﴿قَالُوا يَوْمَئِذٍ مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾

یس: ۵۲ ﴿﴾

ترجمه: و می گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از این خوابگاه مان (قبرهای مان) برانگیخت؟ این همان چیزی است که الله مهربان وعده داده بود، و پیغمبران راست گفتند. زمانی که کفار شدت آخرت را می بینند پس عذاب قبر را به نسبت آن سبکتر شمرده قبر را خوابگاه می نامند.^۲

این آیت نیز به وجود قبر و عذاب آن دلالت می کند.

۵- الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَالْتَمِعُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾

نوح: ۲۵ ﴿﴾

ترجمه: به سبب گناهانشان غرق کرده شدند و به آتش داخل کرده شدند و جز الله برای خویش یار و یآوری نیافتند.

^۱ تفسیر ابن کثیر، ۲۰۵/۴

^۲ ببینید: الزحیلی، دوهبة بن مصطفى الزحیلی، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، ناشر: دار الفکر المعاصر - دمشق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ، ۳۰/۲۳

زمخشری^۱ می گوید: «(فأدخلوا) به صیغه ماضی به تعقیب غرق شدن شان ذکر شد، مراد از دخول شان به آتش یا در آخرت است و یا مراد از آن عذاب قبر است. کسی که در آب یا آتش بمیرد و یا آن را درندگان بخورد عذاب قبر را مانند کسی که دفن شده است می چشد»^۲.

این آیت به عذاب قبر دلالت می کند.

۶- الله متعال حالت کافران را در وقت قبض ارواح شان بیان می کند: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَصْرِفُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَالَمِينَ ۝﴾ الأنفال: ۵۰ - ۵۱

ترجمه: و اگر تو ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ) جان آنها را می گیرند و بر روهای شان و پشت آنها می زنند و می گویند: و عذاب سوزان را بچشید(در تعجب فرو می روی). (وبه ایشان گفته می شود) این عذاب بخاطر آن اعمالی است که دست های شما پیش انجام داده است. و قطعاً الله بر بندگان ستمگار نیست.

ملک الموت با همکارهایش در وقت قبض روح شان با شلاقهای آتشین آنها را می زنند. یا مراد از این، شکنجه در آخرت است.^۳

از این آیت وجود برزخ و عذاب آن ثابت می شود.

۷- الله ذوالجلال در مورد ظالمان می فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي عَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ۝﴾ الأنعام: ۹۳

ترجمه: و اگر ببینی هنگامی که ظالمان در شدائد مرگ قرار گیرند، در حالی که فرشتگان دستهای خویش را دراز می کنند، (می گویند:) جانهای خویش را بیرون کنید، امروز به سبب

^۱ الزمخشری، جار الله، أبو القاسم مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ بْنِ مُحَمَّدِ خُوَارِزْمِي، در سال ۴۶۷هـ در قریه زمخشر متولد شده در ۵۳۸هـ فوت گردید. علامه بزرگ در دین و تفسیر و لغت و ادب بود و معتزلی بود. صاحب تألیفات است، از جمله تألیفاتش: تفسیر الکشاف، (الفائق) در غریب الحدیث، و (زینب الأبرار)، و کتب دیگر است. (ببینید: سیر اعلام النبلاء: ۱۵۱/۲۰ - ۱۵۶ و الأعلام للزکلی: ۱۷۸/۷)

^۲ الزمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشری جار الله، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، باحاشیة (الانتصاف فیما تضمنه الکشاف) از ابن المنیر الإسکندری (ت ۶۸۳) و تخریج أحادیث از إمام الزیلعی، ناشر: دار الکتاب العربی - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ، ۶۲۰/۴

^۳ ببینید: ابو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان اثیر الدین الأندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، محقق: صدقی محمد جمیل، ناشر: دار الفکر - بیروت، چاپ: ۱۴۲۰ هـ، ۳۳۶/۵

آنچه بر الله نالحق می گفتید و به سبب اینکه از آیت‌های او سرکشی می کردید، به عذاب ذلت باری مجازات می شوید (درین وقت صحنه وحشتناکی را خواهی دید).

سعدی^۱ در تفسیرش می گوید: هنگام قبض ارواح شان برای شان عذاب داده می شود، این دلیل واضح بر عذاب برزخ و نعمتهایش، و بر خروج روح از جسم و داخل شدنش در آن و جدا شدنش از جسم است. این حالت آنها در برزخ می باشد.^۲

از تمام آیات فوق وجود برزخ و عذاب آن ثابت گردید، نا گفته نباید گذاشت که برزخ تنها عذاب و نعمت نیست بلکه نعمت برای کسی که مستحقش است، نیز می باشد.

۸- الله عزوجل در مورد شهداء می فرماید ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ

يُرْزَقُونَ ﴿۱۶۹﴾ آل عمران: ۱۶۹

ترجمه: و آنانی را که در راه الله کشته شدند مرده مپندارید، بلکه آنها زنده اند نزد پروردگار شان روزی داده می شوند.

رسول الله - ﷺ - این را بیان کردند که شهداء زنده هستند اما در این دنیا نیستند در برزخ هستند، مراد از زندگی شان زندگی برزخی است.

چنانچه مسروق^۳ می گوید: از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - در مورد مفهوم این آیه پرسیدیم: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۱۶۹﴾ آل عمران: ۱۶۹ و آنانی را که در راه الله کشته شدند مرده مپندارید، بلکه آنها نزد پروردگار شان زنده اند روزی داده می شوند.

عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - گفت: ما در این باره از رسول الله - ﷺ - پرسیدیم، ایشان فرمودند: «أَزْوَاحُهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خُضِرَ لَهَا فَنَادِيْلُ مُعَلَّقَةً بِالْعَرْشِ تَسْرُحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ ثُمَّ

^۱ السعدي: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي، در عنيزة سال: ۱۳۰۷ هـ متولد شده در سال: ۱۳۷۶ هـ وفات یافت. عالم، مفسر، محدث، فقیه، اصولی، نحوی بود. از استادان زیاد آموخته است. در علوم شرعی از چهل (۴۰) بیشتر تألیفات دارد. از جمله تألیفات مشهور ایشان، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، القول السدید فی مقاصد التوحید، منهج السالکین و کتب دیگر است. (آل بسام، عبدالله بن عبد الرحمن بن صالح آل بسام، علماء نجد خلال ثمانية قرون، ناشر: دار العاصمة المملكة العربية السعودية، چاپ: اول، ۱۳۹۸ هـ، ۲۱۸/۳-۲۷۲)

^۲ السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (متوفی: ۱۳۷۶ هـ)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، محقق: عبد الرحمن بن معلا اللویح، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ۲۶۴/۱

^۳ مسروق: مسروق بن الاجدع بن مالك بن أمية بن عبد الله، أبو عائشة الوادعي، الهمداني، الكوفي، امام و پیشوا و عالم بزرگ بود. از جمله بزرگان تابعین است. از اهل یمن بود و در کوفه سکونت کرده بود. در طفولیت دزدی شده بود بدین سبب مسروق ملقب گردید. در سال ۶۲ و یا ۶۳ هـ وفات یافت. (ببینید: سیر اعلام النبلاء: ۴/۶۸ و الأعلام للزركلي: ۷/۲۱۵)

تَأْوِي إِلَى تِلْكَ الْقَنَادِيلِ فَاطَّلَعَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ اِطْلَاعَةً فَقَالَ هَلْ تَشْتَهُونَ شَيْئًا قَالُوا أَيْ شَيْءٍ نَشْتَهُى وَنَحْنُ نَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْنَا فَفَعَلَ ذَلِكَ بِهِمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمَّا رَأَوْا أَنَّهُمْ لَنْ يُنْرَكُوا مِنْ أَنْ يُسْأَلُوا قَالُوا يَا رَبِّ نُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ أَرْوَاحَنَا فِي أَجْسَادِنَا حَتَّى نُفْتَلَ فِي سَبِيلِكَ مَرَّةً أُخْرَى. فَلَمَّا رَأَى أَنْ لَيْسَ لَهُمْ حَاجَةٌ تُرْكُوا»^۱.

ترجمه: روح شهداء در پرنده گان سبز رنگی وارد می شود، آن پرنده گان لانه های به شکل چراغ دارند که به عرش آویزان اند، و هر جای بهشت که بخواهند به چرا می پردازند، سپس به همین لانه های شان بر می گردند، الله متعال نگاهی به آنان می اندازد و می فرماید: آیا آرزوی دارید؟ آنان می گویند: چی آرزوی داریم در حالی که هر جای بهشت بخواهیم به تفریح و چرا می پردازیم، الله متعال سه بار سوالش را تکرار می نماید، هنگامی که شهداء می بینند که سوال ادامه دارد، و رها نمی شوند می گویند: پروردگارا می خواهیم ارواح مان به جسد های مان برگردانده شوند و یک بار دیگر در راه تو کشته شویم، وقتی الله تعالی که می بیند نیازی ندارند آنها را به حال خودشان می گذارد.

پس از این آیت و حدیث وجود برزخ و نعمت آن ثابت می شود.

۹- الله متعال در باره شهداء بار دیگر چنین می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَكَانُوا مُجَاهِدِينَ ۝۴﴾

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِأَلْسِنِهِمْ ۝۵ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿۶﴾ محمد: ۴ - ۶

ترجمه: و کسانی که در راه الله کشته شوند، پس الله متعال اعمال آنها را هرگز ضایع نخواهد ساخت. به زودی الله آنها را رهنمایی می کند، و حال شان را خوب می کند. و آنها را به بهشتی داخل می کند که آن را برای ایشان معرفی کرده است.

ماوردی^۲ می گوید: در مورد این که الله متعال آنها را هدایت و رهنمایی می دهد، سه قول است:

۱- آنها را در دنیا هدایت نیک می دهد.

۲- آنها را به سوال منکر و نکیر در قبر رهنمایی می کند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب جهاد، باب فی بیان أن أرواح الشهداء فی الجنة وأنهم أحياء عند ربهم يُرزقون، ۳۸/۶، حدیث: ۴۹۹۳
^۲ الماوردی: أبو الحسن علی بن محمد بن حبیب البصری، الماوردی، الشافعی، در بصره سال ۳۶۴ هـ متولد شده به بغداد رفت و آنجا سال ۴۵۰ هـ وفات نمود. امام و از جمله علمای ثقه بود. در کشورهای مختلف قاضی بود. در فقه و تفسیر، و اصول فقه و ادب تصنیفات دارد. النکت والعیون، الاحکام السلطانیة، ادب الدنيا والدين از جمله تألیفات ایشان است. (ببینید: سیر اعلام النبلاء: ۶۴/۱۸ و الاعلام للزرکلی: ۳۲۷/۴)

۳- راه جنت را رهنمایی می کند.^۱

این آیت به نعمت قبر دلالت می کند.

۱۰- الله رب العزت در باره کسانی که در راه الله هجرت کرده باشند و کشته شده باشند یا بمیرند می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِلَّا اللَّهُ لَهُمْ خَيْرُ الرِّزْقِ ۝۸۸﴾ لَيْدِخَلَّتْهُمُ مَدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿۵۹﴾ الحج: ۵۸ - ۵۹ ترجمه: و کسانی که در راه الله هجرت کردند سپس کشته شدند یا مردند، البته الله ایشان را روزی نیکو می دهد و یقیناً الله بهترین روزی دهنده گان است. و البته آنان را در جایگاهی داخل می کند که از آن راضی می شوند، وشکی نیست که الله دانا و بردبار است.

سعدی، صاحب تفسیر می گوید: «در این آیه مراد از رزق حسن نعمتهای برزخ است و مراد از مدخل جنت است».^۲

از این آیت نعمت قبر ثابت می شود.

۱۱- الله ذو الجلال می فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿۲۷﴾﴾ إبراهيم: ۲۷ ترجمه: الله کسانی را که ایمان آورده اند، به گفتار ثابت شان، در دنیا و آخرت استوار می دارد، و ستمگاران را گمراه می کند، و الله آنچه را بخواهد می کند.

در شرح این آیه رسول الله - ﷺ - فرمودند: «الْمُسْلِمُ إِذَا سُئِلَ فِي الْقَبْرِ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ﴿۲۷﴾﴾﴾ إبراهيم: ۲۷».^۳

ترجمه: هنگامی که از مسلمان در قبرش پرسیده شود، او گواهی می دهد جز الله معبودی بر حق نیست و محمد - ﷺ - رسول الله است، این همان قول الله متعال است: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ

الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ﴿۲۷﴾﴾

الله کسانی را که ایمان آورده اند، به گفتار ثابت شان، در دنیا و آخرت استوار می دارد.

^۱ الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، مشهور به ماوردي، النكت والعيون مشهور به تفسير الماوردي، محقق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، ۲۹۴/۵

^۲ تفسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، ۵۴۳/۱

^۳ صحيح البخارى، كتاب التفسير باب يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت، حديث: ۴۶۹۹، ۸۰/۶

در اخیر این مطلب باز هم خاطر نشان می شود که این همه آیات بیانگر اثبات برزخ، فتنه و امتحان قبر است و این که قبر دارای نعمت و عذاب است.

مطلب دوم: اثبات برزخ در حدیث

در مطلب اول آیاتی که دلالت به وجود برزخ، نعمت و عذاب آن است بیان گردید. بر علاوه آیات قرآن کریم احادیث رسول الله - ﷺ - نیز بیان گر برزخ، نعمت و عذاب آن است. بطور مثال برخی احادیث را ذکر می کنیم:

۱- از عبد الله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمودند: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيُقَالُ هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

ترجمه: هرگاه یکی از شما فوت کند، صبح و شام جایگاهش به او عرضه می شود. اگر بهشتی باشد جایگاهش در بهشت و اگر دوزخی باشد، جایگاهش در دوزخ به او نشان داده می شود و به او گفته می شود: این جای توست، تا روز قیامت که الله تو را حشر می نماید.

در این شکی نیست که اجسام انسانها بعد از مرگ خاک گردیده فانی می گردد و بر چیزی فانی باشد چگونه عرض می شود، پس عرضی که در حدیث ذکر گردیده است، عرض بر ارواح انسانها است؛ زیرا ارواح انسانها فناء نمی شود تا اینکه عاقبت به جنت و یا جهنم بر می گردد.^۲

۲- از عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از کنار دو قبر می گذشت پس صدای دو شخص را شنید که در قبرهای شان تعذیب می شدند، پس ایشان فرمودند: «يُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ وَإِنَّهُ لَكَبِيرٌ كَانَ أَحَدُهُمَا لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَكَانَ الْأَخْرُ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ»^۳.

ترجمه: آن دو عذاب می شوند نه به خاطر انجام گناه بزرگ در حالی که آن بزرگ است؛ یکی از آنها هنگام ادرار پنهان نمی شد و دیگری سخن چینی می کرد.

از این حدیث دانسته می شود که عذاب قبر حق بوده ایمان به آن واجب می باشد.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الجنائز، بَابُ الْمَيِّتِ يُعْرَضُ عَلَيْهِ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، حدیث: ۱۳۷۹، ۹۹/۲
^۲ ببینید: ابن بطال، أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البكري القرطبي، شرح صحیح البخاری، تحقیق: أبو تمیم یاسر بن إبراهیم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، چاپ دوم، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م، ۳/۳۶۵ و قسطلانی، أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (متوفى: ۹۲۳ هـ)، إرشاد الساري لشرح صحیح البخاری، ناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، چاپ هفتم، ۱۳۲۳ هـ، ۴۶۷/۲
^۳ صحیح بخاری، کتاب الأدب، بَابُ النَّمِيمَةِ مِنَ الْكِبَائِرِ، حدیث: ۶۰۵۵، ۱۷/۸

۳- از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در نماز چنین دعا می کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ»^۱.

ترجمه: بار الها، از عذاب قبر، و فتنه دجال و فتنه زندگی و مرگ به تو پناه می برم.

زمانی که پیامبر ما محمد - ﷺ - با وجود اینکه از ارتکاب گناهان معصوم بود از عذاب قبر پناه می خواهد پس مسلمان باید همیشه از عذاب قبر بر الله پناه ببرد.

۴- عائشه - رضی الله عنها - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمودند: «إِنِّي قَدْ رَأَيْتُكُمْ تُفْتَنُونَ فِي الْقُبُورِ كَفِتْنَةِ الدَّجَالِ»^۲.

ترجمه: یقیناً من (در معراج) دیدم که شما در قبرها مانند فتنه دجال امتحان می شوید.

۵- از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت است: نبی - ﷺ - بعد از دفن میت می فرمود: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ التَّنْبِيْثَ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ»^۳.

ترجمه: برای برادران طلب مغفرت کنید و از الله بخواهید که او را ثابت قدم بدارد؛ زیرا هم اکنون از او سوال می شود.

۶- زید ابن ثابت - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ تُبْتَلَى فِي قُبُورِهَا فَلَوْ لَا أَنْ لَا تَدَافِقُوا لَدَعْوَتِ اللَّهِ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ الَّذِي أَسْمَعُ مِنْهُ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ»^۴.

ترجمه: قطعا این امت در قبرهای شان آزموده می شوند، اگر ترس دفن نکردن شما نمی بود، عذاب قبری را که من می شنوم از الله می خواستم که برای شما نیز بشنواند، از عذاب آتش، عذاب قبر، از فتنه های آشکار و پنهان و از فتنه دجال بر الله پناه ببرید.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الأذان، باب الدُّعَاءِ قَبْلَ السَّلَامِ، حدیث: ۸۳۲، ۱۶۶/۱

^۲ صحیح مسلم، کتاب الکسوف، باب ذکر عذاب القبر فی صلاة الخسوف، حدیث: ۹۰۳، ۶۲۱/۲

^۳ السجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن أبي داود، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، کتاب الجنائز، باب الإستغفار عِنْدَ الْقَبْرِ لِلْمَيِّتِ فِي وَفْتِ الْإِنْصِرَافِ، حدیث: ۳۲۲۳، ۲۰۹/۳. البانی این حدیث را در صحیح سنن أبي داود، حدیث: ۱۵۶، ۲۲۱/۷ صحیح خوانده است.

^۴ الالبانی، محمد ناصر الدین الالبانی، صحیح الجامع الصغیر و زیادته (الفتح الکبیر)، ناشر: المکتب الاسلامی، چاپ سوم، بیروت-دمشق، ۱۴۰۸-۱۹۸۸م، حدیث: ۲۲۶۲، ۴۴۹/۱

۷- از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ حَتَّى أَنَّهُ يَسْمَعُ قَرْعَ نِعَالِهِمْ أَتَاهُ مَلَكَانِ فَيُقْعِدَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ لِمَحَمَّدٍ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ فَيُقَالُ انْظُرْ إِلَى مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ فَيَرَاهُمَا جَمِيعًا وَيُفْسَخُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَيُمْلَأُ عَلَيْهِ خَضِرًا إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ وَأَمَّا الْكَافِرُ أَوْ الْمُنَافِقُ فَيُقَالُ لَهُ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ فَيَقُولُ لَا أُدْرِي كُنْتُ أَقُولُ مَا يَقُولُ النَّاسُ فَيُقَالُ لَهُ لَا دَرِيْتِ وَلَا تَلَيْتِ ثُمَّ يُضْرَبُ بِمِطْرَاقٍ مِنْ حَدِيدٍ ضَرْبَةً بَيْنَ أُذُنَيْهِ فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا مَنْ يَلِيهِ غَيْرَ الثَّقَلَيْنِ وَيَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ أَضْلَاعُهُ»^۱.

ترجمه: هنگامی که بنده ای را در قبرش می گذارند و دوستانش بر می گردند و می روند، میت صدای پاهایشان را می شنود. در این هنگام دوفرشته نزد او می آیند، او را می نشانند و از وی می پرسند: در باره این شخص یعنی محمد - ﷺ - چه می گفتی؟ هر چه مؤمن است، جواب می دهد: من گواهی می دهم که محمد - ﷺ - بنده الله و رسول او است. فرشته ها می گویند: به جایگاه خود در دوزخ نگاه کن. الله آنرا برای تو با جایی در بهشت، عوض کرده است. پس هر دو جا (بهشت و دوزخ) را می بیند. قبرش برایش هفتاد گز فراخ کرده می شود و سرسبزی پر کرده می شود تا روزی که برانگیخته می شود. اما اگر آن شخص کافر یا منافق باشد، برایش گفته می شود: در مورد این شخص یعنی محمد - ﷺ - چه می گفتی؟ او در جواب فرشتگان می گوید: من چیزی نمیدانم، هرچه مردم می گفتند، من نیز می گفتم، به او می گویند: تو ندانستی و نه سعی کردی که بدانی، سپس با گرز آهنی ضربه محکمی میان دو گوشش می کوبند، چنان فریادی سر می دهد که بجز انسانها و جن ها همه مخلوقات اطراف او، فریادش را می شنوند، و قبرش بر او به حدی تنگ می شود که قبرغه هایش در یکدیگر داخل می شود.

۸- ابو ایوب انصاری - رضی الله عنه - می گوید: روزی رسول الله - ﷺ - هنگام غروب آفتاب از خانه بیرون رفت، سپس صدایی شنید و فرمود: «يَهُودُ تُعَذَّبُ فِي قُبُورِهَا»^۲.

ترجمه: یهودیان در قبرهایشان عذاب داده می شوند.

^۱ البانی این حدیث را در «صحیح الجامع الصغیر و زیادته (الفتح الکبیر)» حدیث: ۱۶۷۵، ۳۴۳/۱ «صحیح خوانده است.
^۲ صحیح البخاری، کتاب الجنائز، بَابُ التَّعْذُوبِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، حدیث: ۱۳۷۵، ۹۹/۲

۹- ابن عمر - رضی الله عنهما - می گوید: رسول الله - ﷺ - نگاهی به اهل قلیب (گودالی که کشته شدگان مشرکین در جنگ بدر در آن انداخته شدند) انداخت و فرمود: «وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَقِيلَ لَهُ تَدْعُو أَمْوَاتًا فَقَالَ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَا يُجِيبُونَ»^۱.

ترجمه: آیا آنچه را که پروردگارتان وعده کرده دریافتید؟ مردم پرسیدند: یا رسول الله! مردگان را خطاب میکنی؟ مگر آنها می شنوند؟ پس ایشان فرمود: شما از آنان شنواتر نیستید ولی آنها نمی توانند جواب بدهند.

۱۰- اسماء دختر ابوبکر - رضی الله عنهما - می گوید: «قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَاطِبًا فَذَكَرَ فِتْنَةَ الْقَبْرِ الَّتِي يَفْتِنُ فِيهَا الْمَرْءُ فَلَمَّا ذَكَرَ ذَلِكَ ضَجَّ الْمُسْلِمُونَ ضَجَّةً»^۲.

ترجمه: رسول الله - ﷺ - برخاست و به ایراد خطبه پرداخت و از عذاب قبر سخن بمیان آورد که انسان پس از مرگ، گرفتار آن می شود. مسلمانان با شنیدن آن بشدت گریه کردند.

بر مسلمان لازم است پیرو رسول الله - ﷺ - بوده به سخنان ایشان باور داشته باشد و در برابر حق اگر چه از تصور عقلش بالا باشد، تسلیم شود. عالم برزخ نیز از امور غیبی بوده، اگر چه عقل های برخی مردم نمی پذیرد اما باید آن را قبول کنند؛ زیرا دلایل اثبات فتنه و امتحان قبر، نعمات و نقمات برزخ به تواتر ثابت است.

۱۱- ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: یک زن حبشی یا یک مرد جوان، مسجد را جاروب می کرد. روزی رسول الله - ﷺ - او را در مسجد ندید؛ لذا در باره او از مردم پرسید. گفتند: فوت کرد. فرمود: چرا مرا خبر نکردید؟ قبرش را به من نشان دهید. راوی می گوید: گویا مردم او را فردی کوچک و بی اهمیت می دانستند. به هر حال قبرش را نشان دادند و ایشان بر آن نماز جنازه خواند و فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْقُبُورَ مَمْلُوءَةً ظُلْمَةً عَلَى أَهْلِهَا، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُنَوِّرُهَا لَهُمْ بِصَلَاتِي عَلَيْهِمْ»^۳.

ترجمه: بدانید که این قبرها برای ساکنانشان بسیار تاریک اند و الله متعال با نماز خواندن من آنها را نورانی می گرداند.

^۱ صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب ما جاء في عذاب القبر، حدیث: ۱۳۷۰، ۹۸/۲

^۲ صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب نناء الناس على الميت، حدیث: ۱۳۷۳، ۹۸/۲

^۳ صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب الصلاة على القبر، حدیث: ۹۵۶، ۶۵۹/۲

۱۲- عایشه - رضی الله عنها - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ لِلْقَبْرِ ضَغْطَةَ لَوْ كَانَ أَحَدٌ نَاجِيًا مِنْهَا لَنَجَا سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ»^۱.

ترجمه: قطعا قبر دارای فشار سختی است. اگر کسی از فشار قبر رهایی می یافت، سعد بن معاذ از آن نجات می یافت.

تمام این احادیث بر وجود قبر و عذاب و نعمت آن دلالت می کند.

^۱ این حدیث را البانی در «صحیح الجامع الصغیر و زیادته (الفتح الکبیر)» حدیث: ۲۱۸۰، ۴۳۵/۱ «صحیح خوانده است.

مبحث دوم: اثبات آخرت در قرآن

درین هیچ گونه شکی وجود ندارد که ایمان به آخرت جزء ارکان ایمان بوده منکر آن کافر محسوب می شود. الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۱۳۶﴾ النساء: ۱۳۶

ترجمه: و هر کس به الله و فرشتگانش و کتابها و پیغمبرانش و روز آخرت کافر شود در گمراهی دور و دراز افتیده است.

الله متعال کسی را که به روز آخرت ایمان نیاورده است کافر خوانده است.

مطلب اول: اثبات آخرت در قرآن با نامهای مختلف (نامهای آخرت)

آخرت بنا بر عظمت و هیبت و شدت هولش در قرآن کریم به نامها و صفت های مختلف ذکر گردیده است که هر یک دلیلی برای اثبات روز قیامت می باشد.

۱-یوم الآخر (روز آخرت)

الله رب العزت می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۵۹﴾ النساء: ۵۹

ترجمه: ای مؤمنان! الله را اطاعت کنید و رسول را اطاعت کنید و فرمانروایان خویش را (نیز اطاعت کنید) پس اگر در چیزی نزاع کردید، آن را به سوی الله و پیغمبر برگردانید، اگر به الله و روز آخرت ایمان داشته باشید، این کار برای تان بهتر و نیک فرجام تر است.

سبب تسمیه اش به آخرت بنا بر تاخیرش از مردم است.^۱

۲-یوم الآزفة (روز نزدیک آمدن)

الله متعال می فرماید: ﴿أَزْفَتِ الْأَزْفَةُ ﴿۵۷﴾ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿۵۸﴾ النجم: ۵۷ - ۵۸

ترجمه: رستاخیز نزدیک گردیده است. جز الله هیچ کس نمی تواند آن را پدیدار کند.

^۱ تفسیر الطبری، ۲۴۵/۱

روز رستاخیز (آزفه) نامیده شد؛ زیرا وقوع قیامت نزدیک است، چنانچه سهل بن سعد - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - را دیدم که با اشاره دو انگشت سبابه و میانه فرمود: «بعثت من و رستاخیز این گونه است» یعنی نزدیک است.^۱

۳- يوم البعث (روز برانگیخته شدن)

الله ذو الجلال می فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لِيُثْأَ عَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَالْكَتَابُ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾﴾ الروم: ٥٥ - ٥٦

ترجمه: و روزی که قیامت قائم می شود، گنهگاران سوگند یاد می کنند که (در دنیا) جز ساعتی درنگ نکرده اند، این چنین (در دنیا از راه راست) برگردانده می شدند. و کسانی که به ایشان علم و ایمان داده شده است، می گویند: به تحقیق شما بدان اندازه که الله در کتاب (قضا و قدر) خود (مقرر کرده است، شما در دنیا، و در برزخ) تا روز رستاخیز درنگ کرده اید، پس این روز رستاخیز است، ولی شما نمی دانستید (که چنین روزی فرا خواهد رسید).

روز رستاخیز همه از قبرها برانگیخته می شوند.

۴- يوم التغابن (روز زیانمندی)

الله عز وجل می فرماید: ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ﴿٩﴾﴾ التغابن: ٩

ترجمه: زمانی که در روز گردهمایی شما را جمع می کند، آن روز روز زیانمندی (کافران) است.

۵- يوم التلاق (روز ملاقات)

الله متعال می فرماید: ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾﴾ غافر: ١٥

ترجمه: الله دارای مراتب بس بلند و مالک عرش است، نازل می کند وحی را به فرمان خود بر کسی که می خواهد از بندگانش تا از روز ملاقات بترساند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفتن، باب قرب الساعة، حدیث: ۲۹۵۰، ۴/۲۶۸

روز ملاقات با الله متعال روزی است که بنده با نتیجه اعمالش روبرو می شود. اولین و آخرین مردم همه در محشر با هم روبرو می شوند.

ابن جریر می گوید: «روزی که اهل آسمان و اهل زمین با هم روبرو می شوند»^۱.

۶- یوم التناد (روز صدا زدن)

الله متعال در مقام نصیحت کردن مرد مؤمن از قوم فرعون به قومش می فرماید: ﴿وَيَقَوْمِ إِلَىٰ

أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُؤَلُّونَ مَدِيرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ غافر:

۳۲ - ۳۳

ترجمه: و ای قومم! من از روزی که مردم یکدیگر را آواز می کنند، بر شما می ترسم، روزی که پشت می گردانید و می گریزید، در حالی که برای شما نگهدارنده ای از عذاب نیست، و کسی را که الله گمراه سازد پس او را راهنمایی نیست.

روز صدا زدن روزی است که هر طرف صدا زده می شود. هر که خوانده می شود و بعد از حساب و دخول اهل جنت به جنت و اهل جهنم به جهنم، اهل جنت و جهنم به همدیگر صدا می زنند. اهل جنت به اهل جهنم می گویند ما آنچه را که پروردگار ما وعده داده بود، دریافتیم، آیا شما همچنان آنچه را که پروردگار تان به شما وعده کرده بود دریافتید؟ آنها صدا می زنند: بلی، همچنان آنها به اهل جنت صدا می زنند و از طعام و شراب آنها می خواهند. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ

رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَآذَنُوا مَوَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الأعراف: ۴۴

ترجمه: بهشتیان دوزخیان را صدا می زنند، اینکه آنچه پروردگار تان به ما وعده داده بود همه را راست یافتیم! پس آیا شما آنچه را پروردگار تان به شما وعده داده بود، راست یافتید؟ گویند:

آری، پس آواز کننده ای در میان ایشان آواز کند که لعنت الله بر ستمگاران باد.

^۱ تفسیر الطبری، ۲۶۱/۱۹

همچنان می فرماید: ﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنِ افْضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ

اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الأعراف: 50

ترجمه: دوزخیان بهشتیان را صدا می زنند، اینکه مقداری از آب و یا از آنچه که الله برای شما روزی داده است بر ما عنایت فرمایید، آنها گویند: الله سبحانه اینها را بر کافران حرام گردانده است.

۷- یوم الجمع (روز جمع شدن)

الله متعال می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لِأَرْبِ

فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿٧﴾ الشوری: ۷

ترجمه: و اینگونه وحی فرستادیم به سوی تو قرآن را که به زبان عربی است، تا ساکنان مکه و کسانی را که در اطراف آن قرار دارند، بترسانی و (همه مردمان را) از روز گردهم آیی (قیامت) که در وقوع آن شکی نیست، بیم دهی، (در آن روز مردمان به دو گروه تقسیم می شوند) گروهی در بهشت قرار می گیرند و گروهی در دوزخ.

روز رستاخیز روزی است که همه مردم جمع می شوند.

۸- یوم الحساب (روز حساب)

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾ ص:

۲۶

ترجمه: یقیناً کسانی که (مردم را) از راه الله منحرف می سازند، ایشان را عذاب سخت است، به خاطر اینکه روز حساب را فراموش کردند.

روز رستاخیز روز حساب و کتاب است که الله متعال همه را محاسبه می کند و پاداش اعمال شان را برای شان می دهد.

۹- یوم الحسرة (روز پشیمانی)

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾ مريم: ۳۹

ترجمه: (ای پیامبر) این ظالمان را از روز حسرت بترسان، آنگاه که فرمان صادر میشود، در حالی که در دنیا در غفلت بسر می برند و آنان ایمان نمی آورند.

روز پشیمانی روزی است که باطل پرستان حسرت و ندامت می کنند که کاش ایمان می آوردند. گنهگاران و مجرمان در حسرت توبه می مانند در حالی که در آن روز حسرت و پشیمانی سودی هم ندارد.

۱۰- یوم الخلود (روز جاودانی)

الله متعال می فرماید: ﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ ق: ۳۴

ترجمه: (به آنان گفته می شود) به سلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاویدانی است.

زندگی آخرت جاویدانی است، در آن مرگ و فنا نیست، اما زندگی دنیا فانی است.

همچنان در احادیث صحیح ذکر گردیده است که روز قیامت مرگ به شکل گوسفند آورده شده ذبح کرده می شود. سپس به اهل بهشت و دوزخ گفته می شود بعد از این مرگ نیست، همیشه و جاودان می باشید.

رسول الله - ﷺ - فرمودند: «يُجَاءُ بِالْمَوْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَأَنَّهُ كَبِشٌّ أَمْلَحُ فَيَقَالُ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ وَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، قَالَ: وَيُقَالُ: يَا أَهْلَ النَّارِ هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ قَالَ فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ وَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، قَالَ فَيُؤْمَرُ بِهِ فَيُدْبَحُ، قَالَ: ثُمَّ يُقَالُ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، وَيَا أَهْلَ النَّارِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -

: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾ مريم: ۳۹ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الدُّنْيَا.»^۱

ترجمه: در روز رستاخیز مرگ را به صورت یک قوچ سفید و سیاه می آورند، پس گفته می شود: ای بهشتیان! آن ها سر شان را بلند می نمایند و نگاه می کنند. منادی به ایشان می گوید: آیا

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها واهلها، باب النار يَدْخُلُهَا الْجَبَّارُونَ وَالْجَنَّةُ يَدْخُلُهَا الضُّعَفَاءُ، حديث: 2849، ۲۱۸۸/۴

این قوچ را می شناسید؟ بهشتیان نگاه می کنند و می گویند: آری، این مرگ است. سپس دوزخیان را صدا می کند و میگوید: ای دوزخیان! سر شان را بلند کرده و نگاه می کنند. به ایشان گفته می شود: آیا این را می شناسید؟ نگاه می کنند و می گویند: آری، او مرگ است. سپس آن قوچ را سر می برند. آن گاه منادی می گوید: ای بهشتیان! شما جاویدان هستید و هرگز نمی میرید. ای دوزخیان! ماندگارید و هرگز نمی میرید. سپس این آیه را تلاوت نمود ﴿وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ

الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾ (انانی را که اینک در بی خبری به سر می برند و ایمان نمی آورند، از حسرت و پشیمانی که کار یکسره می شود، بترسان). وبا دست خود اشاره کرد، یعنی دنیا مراد است.

۱۱- یوم الدین (روز جزا)

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

الانفطار: ۱۳ - ۱۹

ترجمه: به راستی که نیکو کاران در میان نعمتهای فراوان (بهشت) قرار دارند. و قطعا بدکاران در میان (آتش سوزان) دوزخ قرار دارند. در روز جزا داخل آن می شوند. و هیچگاه از دوزخ دور نمی شوند (و بیرون نمی آیند). (ای انسان) تو چه دانی که روز جزا چیست؟ باز (ای انسان) تو چه دانی روز جزا چیست؟ روزی است که هیچ کس برای هیچ کس دیگری، هیچ چیزی را مالک نیست، و فرمانروائی در آن روز از آن الله است.

روز آخرت تمام مردم به جزای اعمال خود می رسند، چه خیر باشد یا شر. بر هیچ کسی ظلم نمی شود. اگر کسی به اندازه یک ذره نیکی کرده باشد پاداش آن را می بیند و اگر کسی به اندازه یک ذره شر انجام داده باشد و توبه نکرده باشد، جزای آن را می یابد. چنانچه الله متعال می

فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾ الزلزلة: ۷ - ۸

ترجمه: پس کسی که مقداری ذره نیکی کند، پاداشت آن را خواهد دید. و کسی که به اندازه ذره بدی کند، (کیفر) آن را خواهد دید.

۱۲- یوم الفصل (روز فیصله)

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (النبا: ۱۷)

ترجمه: یقیناً روز داوری، وقت معین (همگان) است.

دنیا دار امتحان و عمل است. الله متعال اعمال تمام بنده ها را ثبت کرده در روز رستاخیز طبق نتیجه اعمال هر یک میان شان فیصله می کند. حق به حقدار می رسد چون فیصله کننده ذات عادل است و به اندازه یک ذره بر کسی ظلم نمی کند.

۱۳- یوم القيامة (روز قیامت)

الله متعال بر روز قیامت قسم یاد می کند: ﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِاللَّيْلِ وَاللَّوَامَةِ ﴿۱﴾ اَيَحْسَبُ

الْإِنْسَانُ أَنْ يَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿۲﴾ بَلَىٰ قَدْ رَيْنَا عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿۳﴾ كُلُّ يُرِيدُ الْإِنْسَانَ لِيَفْجُرْ أَمَامَهُ ﴿۴﴾ يَسْتَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿۵﴾ فَإِذَا بَرِقَ

الْبَصْرُ ﴿۶﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿۸﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿۹﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ ﴿۱۰﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿۱۲﴾

يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿۱۳﴾ ﴿القيامة: ۱ - ۱۳﴾

ترجمه: سوگند به روز قیامت. سوگند به نفس ملامت گر. آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای (پوسیده) او را جمع نخواهیم کرد. آری ما توانائیم که سر انگشتانش را برابر کنیم. بلکه انسان می خواهد تا پایان عمرش معصیت کند. او (از روی انکار و تعجب) می پرسد که روز قیامت کی خواهد بود. پس (جواب ایشان این است) هنگامی که چشمها دهشت زده و آشفته شود. و ماه تیره و بی نور گردد. و خورشید و ماه جمع کرده شوند. انسان در آن روز می گوید: جای گریز کجاست؟ هرگز (راه گریزی وجود ندارد و) هیچگونه پناهگاهی وجود ندارد. قرارگاه در آن روز، بسوی پروردگار تو است. در آن روز، انسان خبر داده می شود، به آنچه پیش فرستاده است و به آنچه که ترک کرده است.

قیامت از قیام گرفته شده به معنای ایستاد شدن است.^۱
روز رستاخیز روز هیبت و ترس است ملائک به حکم الهی صف صف ایستاده می شوند
و گواهان همچنان ایستاد می شوند. الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ

إِلَّا مَنْ أَدْنَىٰ لَهُ الرِّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ النُّبَأُ: ٣٨

ترجمه: روزی که جبریل و فرشتگان در صف ایستاده می شوند، هیچ کدام ایشان سخن نمی
گویند، مگر کسی که الله مهربان برایش اجازه دهد و او نیز سخن راست و درست می گوید.

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾

غافر: ٥١

ترجمه: حقا که ما یاری می دهیم پیغمبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و در روزی که
گواهان بر می خیزند.

در این روز مردم همه در پیشگاه پروردگار ایستاد می شوند. الله رب العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ

يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ المطففين: ٦

ترجمه: روزی که مردمان برای پروردگار جهانیان ایستاده می شوند.

۱۴-یوم الوعيد (روز هشدار)

الله متعال می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ ق: ٢٠

ترجمه: و در صور دمیده می شود، آن روز (روز تحقق) بیم دادنها است.

تمام هشدار و بیم های که الله متعال در دنیا داده است در روز رستاخیز تحقق می یابد.

۱۵- الحاقة (رویداد راستین)

^۱ المعجم الوسيط، ۲/۷۶۷

الله متعال می فرماید: ﴿الْحَاقَّةُ ۱ مَا الْحَاقَّةُ ۲ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ۳﴾ الحاقه: ۱ - ۳

ترجمه: حاقه (واقعه راستین). حاقه (واقعه راستین) چیست؟ و تو چه میدانی حاقه چیست؟

امام بخاری در باب (القصاص يوم القيامة) قیامت را حاقه نامیده علتش را گفته است که آن روز، روز ثواب (پاداش) و به حقیقت پیوستن کارها است.^۱

ابن حجر^۲ می گوید: «زیرا آخرت برای عده جنت را ثابت می سازد و برای عده دوزخ را ثابت می سازد.»

برخی گفتند: زیرا آخرت با کفار مخاصمه می کند و مخاصمه را در زبان عربی تحاقق نیز گوید. عده دیگر می گویند: زیرا قیامت حق است در آن شکی نیست بدین سبب حاقه نامیده شده است.^۳

۱۶- الساعة (زمان)

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ۗ﴾ طه: ۱۵

ترجمه: قطعاً قیامت آمدنی است آن را پنهان می دارم تا هر شخص در برابر آنچه انجام می دهد جزا داده شود.

۱۷- الصاخة (صدای هراس انگیز گوش خراش)

الله متعال می فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَةُ ۗ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۗ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ۗ وَصَحْبَتَهُ وَبَنِيهِ ۗ لِكُلِّ

أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ ۗ﴾ عبس: ۳۳ - ۳۷

ترجمه: پس هنگامی که آواز سخت و گوش خراش فرا رسد. روزی که در آن روز انسان از برادر خود می گریزد. و از مادر و پدرش. و از زن و فرزندانش. برای هر انسانی از ایشان در آن روز، وضعی است که او را از دیگران بی نیاز می سازد.

^۱ صحیح البخاری، ۱۱۱/۸

^۲ ابن حجر: احمد بن علی بن محمد الکنانی العسقلانی، ابوالفضل، شهاب الدین، در سال: ۷۷۳ هـ در قاهره تولد شده و در آنجا سال: ۸۵۲ هـ وفات یافته است. از جمله علمای بزرگ بوده در تاریخ و شعر و ادب و حدیث مهارت داشت. در مصر قاضی بود. تألیفات زیاد دارد. از جمله تألیفاتش: لسان المیزان، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، تقریب التهذیب و تهذیب التهذیب است. (ببینید: الأعلام للزکلی: ۱۷۸/۱)

^۳ ابن حجر، شهاب الدین ابن حجر العسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ناشر: دار المعرفة، چاپ دوم، بیروت لبنان، ۱۸۴/۶

ابن جریر می گوید: «صاخه از صاخ به معنای چیغ زدن، گرفته شده است. پس صاخه نام برای دمیدن در صور است».^۱

۱۸- الطامة الكبرى (رویداد بزرگ)

الله متعال می فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾ وَبُرْزَتِ الْجَحِيْمُ لِمَنْ يَرَىٰ ﴿٣٦﴾﴾

النازعات: ۳۴ - ۳۶

ترجمه: پس هنگامی که حادثه بزرگ فرا رسد. روزی که انسان به یاد می آورد همه کوششهایی را که انجام داده است. و دوزخ برای هر بیننده آشکار کرده میشود (و از کسی پنهان نمی ماند). رستاخیز رویداد بزرگی است که همه را فرا گرفته دنیا دگر گون می شود.

۱۹- الغاشية (حادثه فراگیر)

الله متعال می فرماید: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾﴾ الغاشية: ۱

ترجمه: آیا خبر حادثه فراگیر (قیامت) به تو رسیده است؟

آخرت بدین سبب غاشیه نامیده شد که ترس و هراسش همه را تحت پوشش قرار می دهد.^۲

۲۰- القارعة (درهم کوبنده)

الله متعال می فرماید: ﴿الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَذْرَبَكُمْ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ

الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾﴾ القارعة: ۱ - ۵

ترجمه: قارعه (حادثه کوبنده). قارعه چیست؟ و تو چه می دانی که قارعه (حادثه کوبنده) چیست؟ روزی است که مردمان همچون پروانگان پراکنده می گردند. و کوهها همسان پشم حلاجی شده می شوند.

^۱ تفسیر الطبری، ۲۳۱/۲۴
^۲ ببینید: فتح الباری از ابن حجر، ۱۸۴/۶

قیامت را قارعه بدین سبب گفته شده است که دلها را می کوبد.^۱

۲۱- الواقعة (واقع شدنی)

الله متعال می فرماید: ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ الواقعة: ۱

ترجمه: هنگامی که واقعه بزرگ (قیامت) برپا شود. هیچ کس نمی تواند وقوع آن را تکذیب کند. گروهی را پائین می آورد، و گروهی را بالا می برد.

رستاخیز به سبب تحقق و واقع شدنش به واقعه نامیده شد.

به همین قدر ذکر اسمای روز رستاخیز اکتفاء می کنم در حالیکه علماء از این بیشتر ذکر کرده اند.

ابن حجر می گوید: «قرطبی و غزالی هشتاد اسم ذکر کرده اند که اکثر آنها به طور اسم در قرآن ذکر گردیده است و برخی آن را از اوصاف آن اشتقاق کرده اند، مانند: یوم الجدال را از این آیه اشتقاق کرده اند: الله رب العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ جُنْدِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ

مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ النحل: ۱۱۱

ترجمه: در روزی که هر کس میاید و از خود دفاع می کند و به هر کسی جزای آنچه انجام داده است، بی کم و کاست داده می شود، در حالیکه ستم نمی شوند. «^۲

مطلب دوم: اثبات آخرت با وقایع بیان شده در قرآن کریم

الف: واقعه عزیر - علیه السلام -

الله متعال می فرماید: ﴿أَوْكَالَ الَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا

فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ وَقَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ

^۱ ببینید: فتح الباری از ابن حجر، ۱۸۴/۶

^۲ ببینید: فتح الباری از ابن حجر، ۱۸۴/۶ و ۱۸۵

فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ

نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا الْحَمَّا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾ البقرة: ٢٥٩

ترجمه: آیا (آگاهی از) همچون کسی که بر دهکده بگذشت که آن بر سقفهایش افتاده بود، گفت: الله (اجساد فنا شده) این دهکده را بعد از مرگش چگونه زنده خواهد کرد! پس الله او را میرانید، صد سال (نگاهش داشت) باز برانگیختش (و برایش) گفت: چند مدت درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کرده ام. گفت: بلکه صد سال درنگ کرده ای، پس بسوی غذا و آب آشامیدنی خویش تماشا کن که هیچ تغییری نیافته است و بسوی مرکب سواریت ببین و (ما چنین کردیم) تا تو را برای مردمان نشانه (برای رستاخیز) قرار دهیم و بسوی استخوانها تماشا کن چگونه آنها را در حرکت می آوریم، پس آنها را به گوشت می پوشانیم، پس زمانی که حقیقت برایش روشن شد، گفت: میدانم که الله بر هر چیز توانا است.

در مورد این که آن مرد کی بود و به کدام قریه می گذشت اقوال مختلف وجود دارد:

عده به این نظر هستند که آن شخص عزیر - علیه السلام - بود، درین مورد ابن ابی حاتم از علی - رضی الله عنه - نقل کرده است: آن شخص عزیر - علیه السلام - بود.^۱

ابن کثیر از برخی نقل می کند که آن شخص ارمیا بن حلقیا و یا حزقیل - علیه السلام - است. و از مجاهد بن جبر^۲ نقل کرده است که او می گوید: «مردی از بنی اسرائیل بود و مراد از قریه مشهور این است که بیت المقدس است».^۳

در روایات صحیح از رسول الله - ﷺ - در مورد تشخیص این شهر و مردی که عبور کرد چیزی به ثبوت نرسیده است، لذا نمی توان بطور قطعی آن را مشخص کرد.

این واقعه مثالی زنده شدن بعد از مرگ است چنانچه الله متعال این شخص را بعد از مرگ دوباره زنده گردانید، در روز آخرت تمام انسانها را دوباره زنده می گرداند.

^۱ ابن ابی حاتم، أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي (متوفى ٢٢٧هـ)، تفسير ابن أبي حاتم، تحقيق: أسعد محمد الطيب ناشر: المكتبة العصرية - صيدا، شماره: ٢١٤٦، ١٤٨/٣

^۲ مجاهد: بن جبر أبو الحجاج المكي الأسود، إمام، شيخ الفراء والمفسرين، غلام آزاد شده السائب بن أبي السائب المخزومي بود. از ابن عباس قرآن و تفسیر و فقه را آموخت. از چندین صحابه روایت کرده است. تابعین بزرگ شاگردان وی بودند. در سال وفاتش چندین قول از ١٠٢-١٠٨ نقل شده است. (ببینید: سیر اعلام النبلاء: ٤٤٩/٤ - ٤٥٧)

^۳ ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري الدمشقي (متوفى: ٧٧٤هـ)، تفسير القرآن العظيم، محقق: محمد حسين شمس الدين، ناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت، چاپ اول - ١٤١٩ هـ، ٥٢٦/١ و ٥٢٧

ب: واقعه اصحاب کهف (یاران غار)

در مورد واقعه اصحاب کهف برخی مفسرین مانند ابن کثیر، چنین می نویسند:

بنا بر روایت ابن عباس و برخی دیگر اصحاب کهف هفت نفر جوانان بودند.

این هفت نفر پسران پادشاهان و بزرگان روم بودند، روزی در یکی از اعیادشان با پدران و قومشان در یک مجتمع که سال یک بار تمام مردم در آنجا با هم جمع می شدند رفتند. قومشان در آن مجتمع بت می پرستیدند و برای بتها ذبح می کردند. آنها پادشاهی ظالم به نام دقیانوس داشتند که ایشان را به این کارهای باطل تشویق و امر می کرد. زمانی که این پسران کارهای نامشروع قومشان را دیدند دانستند که این کارها غیر مشروع بوده جز الله کسی شایسته عبادت نیست. پس یکی پی دیگر از این مجلس کناره گرفته باهم جمع شدند در حالی که یک دیگر را نمی شناختند و نمی دانستند که چه چیزی باعث کناره گیری هر یک آنها از مجلس شده است، تا اینکه فردی از آنها از دیگری پرسید: چرا ازین مجتمع کنار رفته ای؟ وی جواب داد: زمانی که کارهای قومم را دیدم دانستم که همه باطل است و تنها الله متعال شایسته این عبادات است. دیگری جواب داد: قسم به الله من را نیز همین سخن به اینجا آورده است، به همین طور همه شان به یک کلمه موافق شدند و برای خود معبدی ساختند که الله متعال را عبادت می کردند، تا اینکه قومشان خبر شدند و پادشاهشان را نیز اطلاع دادند. پادشاه، آنها را خواست و از ایشان پرسید، آنها سخنهای خود را واضح با دلایل پیش نموده پادشاه را نیز به وحدانیت الله متعال دعوت دادند.

پادشاه بر علاوه اینکه دعوت را نپذیرفت ایشان را هشدار داد و امر کرد که لباسهایشان کشیده شود. آنها برای حفظ دینشان فرار کردند با آنها سگی نیز بود تا اینکه وارد غاری شدند.

الله متعال آنها را سه صد و نه (۳۰۹) سال میراند چنانچه می فرماید: ﴿وَلِئَلَّا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ

سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ الكهف: ۲۵

ترجمه: و آنها در غارشان سه صد سال مکت کردند و نه سال دیگر را افزودند.

سپس الله متعال آنها را زنده گردانید تا نشانه برای اثبات آخرت بگرداند که به همین طور الله

متعال در روز قیامت انسانها را زنده می گرداند. چنانچه می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ

لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رَدُّهُمْ

أَعْلَمَ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿٥١﴾ ﴿الكهف: ٥١﴾

ترجمه: وآنگونه که (آنها را به خواب طولانی بردیم و سپس از خواب بیدار ساختیم، مردم را) نیز بر احوال شان مطلع ساختیم تا بدانند که وعدهٔ الله راست است و اینکه در قیامت شکی نیست، در آن هنگام که مردم در بارهٔ اصحاب کهف (بعد از وفات شان) در میان خود کشمکش می کردند، پس گروهی گفتند: بر (دهانهٔ غار) ایشان بنائی بسازید (تا مانع دخول مردم گردد، و) پروردگارشان به حالت آنها از همه بهتر دانا است، و کسانی که بر کار خود غالب بودند (که اکثریت داشتند) گفتند: بر (دهانهٔ غار) ایشان مسجد می سازیم.

مردم آن زمان در مورد آخرت شک کردند الله متعال برای شان توسط این واقعه وقوع آخرت را ثابت ساخت.^۱

واقعه اصحاب کهف را اگرچه ابن کثیر بدین تفصیل بیان کرده است اما در قرآن و حدیث با چنین تفصیل ذکر نشده است. آنچه ثابت است این است که اینها مسلمانان بودند و به غار پناه بردند الله متعال مرگ را به سراغ آنها آورد و بعد از سه صد و نه (۳۰۹) سال دوباره زنده گردانید تا این که ما بدانیم الله متعال قادر به زنده کردن تمام انسانها بعد از مرگ شان است و روز آخرت همه را دوباره زنده می گرداند.

ج: واقعه بنی اسرائیل

زمانی که بنی اسرائیل از موسی - علیه السلام - مطالبه دیدار الله متعال را کردند، آنها را صدای هراس انگیز فرا گرفت و مردند، سپس الله متعال آنها را زنده گردانید چنانچه می فرماید: ﴿وَإِذْ

قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ ﴿البقرة: ٥٥ - ٥٦﴾

^۱ ببینید: تفسیر ابن کثیر، ۱۲۷/۵-۱۳۴

ترجمه: و (بیاد آور) هنگامی را که گفتید: ای موسی! هرگز به گفته تو باور نمی کنیم تا آنکه الله را آشکار ببینیم، پس صاعقه شما را فرا گرفت و آثار آن را می دیدید (که سر انجام هلاک شدید). باز بعد از آن شما را زنده گردانیدیم تا سپاسگزار شوید.

د: واقعه دیگر بنی اسرائیل

پادشاه بنی اسرائیل از ایشان مطالبه کرد که برای جهاد بیرون شوید و آنها از ترس مرگ فرار کردند پس الله متعال آنها را هلاک کرده سپس زنده گردانید تا دلیلی برای اثبات آخرت بگرداند، چنانچه می فرماید: ﴿الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا

ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَر النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۲۴۳﴾ البقرة: ۲۴۳

ترجمه: آیا ندیدی بسوی آنانیکه از ترس مرگ از خانه هایشان بیرون شدند در حالی که هزاران تن بودند؟ پس الله برای آنها گفت: بمیرید (پس همه مردند) باز آنها را زنده گرداند، شکی نیست که الله بر مردمان دارای احسان است. ولی بیشتر مردمان سپاسگزاری نمی کنند.

مطلب سوم: اثبات آخرت با دلایل عقلی در قرآن

الله متعال در قرآن کریم دلایل عقلی برای اثبات آخرت ذکر کرده است:

۱- الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن نُّرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّظْفَةٍ ثُمَّ مِّن عُلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُمْ مَّن يَتُوقَىٰ وَمِنكُمْ مَّن يَرُدُّ إِلَىٰ أَدْلِلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مَن بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿۵﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۶﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّارْيَبَ

فِيهَا وَإِنَّ اللَّهَ يَتَعَثُّ مَن فِي الْقُبُورِ ﴿۷﴾ ﴿الحج: ۵ - ۷﴾

ترجمه: : ای مردم! اگر در باره زندگی پس از مرگ در شک و تردید هستید پس (به این نکته توجه کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم، باز از نطفه، باز از خون بسته، باز از گوشت پاره کامل و تام الخلق و ناقص الخلق تا برای شما (قدرت خویش را) واضح سازیم، و جنینهای را که می خواهیم تامیعاد معین در رحمها نگاه می داریم، سپس شما را از (رحمها) به صورت طفل بیرون می آوریم، (باز شما را تربیه می کنیم) تا به کمال قوت خود برسید، و بعضی از شما میرانده می شود و برخی از شما بسوی پست ترین مرحله عمر، رسانده می شود تا بعد از دانستن، چیزی را نداند و تو (ای انسان) زمین را خشک می بینی پس چون آب (باران) را بر آن فرو بریزانیم، به حرکت میدراید و نمو می کند و از هر قسم گیاه با رونق می رویاند. این بدان سبب است که (تا بدانید) الله حق است و اینکه او مرده گان را زنده می گرداند و اینکه او بر هر چیز توانا است.

در این آیت الله متعال مراحل خلقت انسان را دلیل برای اثبات آخرت ذکر کرده است.

واضح ترین دلیل اثبات آخرت خلقت انسان است زمانی که الله متعال یک انسان را از نطفه می آفریند سپس او مراحل مختلف را می گذراند (طفولیت، جوانی، پیری) سپس او را می میراند، پس آیا او ذات قادر به دوباره زنده گرداندن وی بعد از مرگ نیست؟
حتما به آن قادر است.

۲- الله متعال می فرماید: ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا

كَذَٰلِكَ الشُّورُ ﴿٩﴾ فاطر: ۹

ترجمه: و الله کسی است که بادهای را می فرستد، پس بادهای ابرها را بر می انگیزند، باز آن ابر را بسوی سرزمین خشک روان می کنیم، پس به وسیله آن ابر، زمین را بعد از مردن و خشکیدنش زنده می گردانیم، زنده گرداندن (مردگان از قبرها نیز) همین گونه است.

امام رازی در تفسیر این آیه می گوید: «وجه تشبیه این آیه به زندگی بعد از مرگ چنین است:

چنانچه زمین مرده (خشک) زنده (تازه) می شود جسم مرده نیز میتوان زنده شد.

چنانچه الله متعال توسط باد ابرها را جمع می کند اعضای جسم را نیز جمع کرده می تواند.

چنانچه باد و ابرها را به زمین مرده می فرستد روح را به جسد میت می فرستد»^۱.

۳- الله متعال می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ الروم: ۲۷

ترجمه: و او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند، و این کار بر وی آسان تر است، و او راست بلندترین صفت در آسمانها و زمین و او بسیار با عزت و با حکمت است.

در این آیه الله متعال آفرینش بار دوم را بر آفرینش بار اول قیاس کرده می فرماید: آیا اولین بار آفریدن یک چیز مشکل است، یا بار دوم؟ در حالی که اولین بار آفرینش بر الله متعال دشوار نبود پس بار دوم به طریقه اولی مشکل نیست.

۴- الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا أَشَدُّ حَلَقًا أَمَّ السَّمَاءَ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيَهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ

صُحَّهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمَكُمُ ﴿٣٣﴾ ﴿

النازعات: ۲۷ - ۳۳

ترجمه: آیا آفرینش شما سخت تر است، یا آفرینش آسمان که الله آن را بنا کرده است؟ بلندی آنرا بالا نهاد، پس آن را برابر ساخت. شب آن را تیره کرد و روزش را روشن ساخت. و زمین را بعد از آفریدن آسمان گسترانید. از زمین آب آن و چراگاه های آن را بیرون کرد. و کوهها را استوار ساخت. (این همه را) برای استفاده شما و مواسی تان (سر و سامان بخشید).

در این آیت الله متعال انسان را به خلقت آسمانها و زمین متوجه می سازد که در برابر انسان خیلی بزرگ هستند. زمانی که الله متعال آسمان و زمین را آفرید پیدایش انسان و دوباره زنده گرداندن آن بر وی دشوار نیست.

^۱ مفاتیح الغیب، ۷/۲۶

۵- الله متعال می فرماید: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي

قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ الزمر: ٤٢

ترجمه: الله ارواح را هنگام مرگ می گیرد و ارواح کسانی را که مرگشان فرا نرسیده است (نیز) در حالت خواب می گیرد، پس ننگه میدارد ارواح کسانی را که فرمان مرگ را بر آنها صادر کرده است. و ارواح دیگری را (که هنوز وقت مرگشان نرسیده است) تا وقت معینی رها می سازد، البته درین امر دلایل روشن است برای کسانی که می اندیشند.

در این آیه الله متعال مرگ را به خواب و زنده شدن را به بیدار شدن تشبیه نموده، زنده شدن بعد از مرگ را به بیدار شدن از خواب قیاس کرده است.

مبحث سوم: اثبات آخرت در حدیث

ایمان به آخرت را رسول الله - ﷺ - یکی از ارکان ایمان خوانده است، و علامات قیامت را بیان کرده است که برخی از آن علامات وقوع یافته است، پس از احادیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ثابت می گردد که آخرت وجود دارد و حق است. مسلمان باید به آخرت ایمان داشته باشد.

مطلب اول: اثبات آخرت در حدیث

۱- در حدیث طویل مشهور از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - روایت است: زمانی که جبریل - علیه السلام - میاید و از رسول الله - ﷺ - در مورد اسلام و ایمان و احسان می پرسد، ایشان ایمان را چنین تعریف نمودند: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»^۱.

ترجمه: به الله و به فرشتگان و کتابها و رسولان الله و به روز آخرت و بر تقدیر خیر و شر اعتقاد داشته باشی.

در این حدیث ایمان به آخرت را رسول الله - ﷺ - یکی از ارکان ایمان خواند، پس وجود آخرت حق است.

۲- ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتْ فَرَأَاهَا النَّاسُ أَمْنُوا أَجْمَعُونَ فَذَلِكَ جِئِنَ {لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا} وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ نَشَرَ الرَّجُلَانِ ثَوْبَهُمَا بَيْنَهُمَا فَلَا يَتَّبَاعَانِهِ وَلَا يَطْوِيَانِهِ وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ انصَرَفَ الرَّجُلُ بِلَبَنِ لِقَحْتِهِ فَلَا يَطْعَمُهُ وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَهُوَ يَلِيْطُ حَوْضَهُ فَلَا يَسْقِي فِيهِ وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ رَفَعَ أَحَدُكُمْ أُكْلَتَهُ إِلَى فِيهِ فَلَا يَطْعَمُهَا»^۲.

ترجمه: قیامت برپا نمی شود تا این که آفتاب از مغرب طلوع نکند، هنگامی که از مغرب طلوع کرد و مردم آن را دیدند همه ایمان میاورد اما آن زمانی است که الله متعال می فرماید: {لَا يَنْفَعُ

^۱ صحیح مسلم، کتابُ الإِيْمَانِ، بَابُ مَعْرِفَةِ الإِيْمَانِ، وَالْإِسْلَامِ، وَالْقَدَرِ وَعَلَامَةِ السَّاعَةِ، حَدِيثٌ: ۸، ۳۶/۱
^۲ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ (وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)، حَدِيثٌ: ۶۵۰۶، ۱۰۶/۸

نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا [الانعام: ۱۵۸] ترجمه: «آن روزی که برخی آیات پروردگارت بیاید، هیچ کس را ایمانش سودی نمی بخشد، اگر پیش از آن ایمان نیاورده باشد، یا (هیچکس را توبه و عملش سودی نمی بخشد) اگر پیش از مشاهده این حالت، توبه و عمل نکرده باشد» فروشنده و خریدار، پارچه را پهن کرده اند و هنوز آن را نفروخته و جمع نکرده اند که رستاخیز فرا می رسد. یا این که، صاحب شتر با شیرهایش به خانه برمی گردد و هنوز شیرها را ننوشیده است، که رستاخیز برپا می شود و رستاخیز چنان ناگهانی برپا می شود، که انسان لقمه اش را برداشته و آن را در دهان می گذارد، ولی نمی تواند لقمه را فرو برد.

در این حدیث نیز بیان گردید که اگر کسی ایمان نیاورد تا اینکه قیامت برپا شد، بعد از آن ایمانش سودی ندارد. پس وقوع آخرت حق است.

۳- ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ فِي الْإِنْسَانِ عَظْمًا لَا تَأْكُلُهُ الْأَرْضُ أَبَدًا، فِيهِ يُرَكَّبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قَالُوا أَيُّ عَظْمٍ هُوَ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «عَجَبُ الذَّنْبِ»^۱.

ترجمه: در انسان استخوانی وجود دارد، که زمین هرگز آن را نمی خورد. در روز رستاخیز، جسد انسان از همان استخوان شکل می گیرد. اصحاب - ﷺ - پرسیدند: کدام بخش استخوان است که نابود نمی شود؟ فرمود: عجب الذنب (استخوان پایین ستون فقرات).
از این حدیث نیز وقوع روز قیامت ثابت می شود.

۴- ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان از الله متعال چنین حکایت کرد: «كَذَّبَنِي ابْنُ آدَمَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ وَشَتَمَنِي وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ فَأَمَّا تَكْذِيبُهُ إِيَّايَ فَقَوْلُهُ لَنْ يُعِيدَنِي كَمَا بَدَأَنِي وَلَيْسَ أَوَّلُ الْخَلْقِ بِأَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ إِعَادَتِهِ...»^۲.

ترجمه: ابن آدم مرا تکذیب می کند و حال آنکه شایسته او نیست، و ابن آدم مرا دشنام می دهد حال آنکه شایسته او نیست، اما تکذیب اش این است که می گوید: الله مرا مانند آفرینش اول

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفتن و أشرط الساعة، باب ما بین النفختین، حدیث: 2955، ۲۲۷۱/۴
^۲ صحیح بخاری، کتاب التفسیر، سورة قل هو الله احد، حدیث: 4974، ۱۸۰/۶

دوباره زنده نمی کند، و آفرینش اول به نسبت دوباره زنده گرداندن آسانتر نیست. مسلماً آسان است.

در این حدیث نیز مذمت کسی است که به آخرت ایمان ندارد، در حالی که الله متعال دوباره زنده شدن در روز قیامت را بر آفرینش بار اول در دنیا قیاس کرده است تا این که برای ما این را ثابت بسازد که آخرت حق است و شما دوباره زنده می گردید.

مطلب دوم: برخی علامات واقع شده آخرت در احادیث

رسول الله - ﷺ - برای اثبات آخرت برخی علامات را ذکر کرده اند که آن علامات وقوع یافته است. وقوع این علامات دلالت به صدق ایشان می کند و وقوع قیامت را ثابت می سازد که در احادیث ذیل آن علامات را ذکر می کنیم:

۱- سهل بن سعد - رضي الله عنه - می گوید: شنیدم نبی کریم - ﷺ - را که با دو انگشت سبابه و وسطی اشاره نمودند و فرمودند: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ هَكَذَا».^۱

ترجمه: بعثت من و قیامت، این گونه به یکدیگر نزدیک اند.

یکی از علایم وقوع قیامت بعثت رسول الله - ﷺ - است که این علامه آخرت تحقق یافته است. وقوع هر علامه آخرت دلالت به وقوع آن می کند.

۲- از ابو هریره - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت است که روزی، نبی اکرم - ﷺ - در جلسه ای، مردم را وعظ و ارشاد می کرد که یک مرد بادیه نشین وارد مجلس شد و درباره قیامت، سوال کرد و گفت: قیامت کی خواهد آمد؟ رسول الله - ﷺ - بدون اینکه پاسخ بدهد به صحبت خود ادامه داد. بعضی ها فکر کردند که رسول اکرم - ﷺ - سوال را شنید اما چون از این سوال، خوشش نیامد، جوابی نداد. بعضی ها گفتند: رسول الله - ﷺ - سوال را نشنیده است. رسول اکرم - ﷺ - بعد از اینکه به سخنش خاتمه داد، پرسید: «أَيُّنَ أَرَاهُ السَّائِلُ عَنِ السَّاعَةِ؟ قَالَ هَا أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «فَإِذَا ضَيَّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ» قَالَ كَيْفَ إِضَاعَتُهَا قَالَ: «إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ».^۲

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفتن، باب قرب الساعة، حدیث: ۲۹۵۰، ۴/۲۲۶۸

^۲ صحیح البخاری، کتاب العلم، باب مَنْ سُئِلَ عِلْمًا وَهُوَ مُشْتَعِلٌ فِي حَدِيثِهِ فَأَتَمَّ الْحَدِيثَ ثُمَّ أَجَابَ السَّائِلَ، حدیث: ۵۹، ۲۱/۱

سائل کجا است؟ سائل عرض کرد: یا رسول الله! من حاضرم. رسول الله - ﷺ - فرمود: هرگاه که امانت ضایع شود، منتظر قیامت باش، وی پرسید: امانت چگونه ضایع می‌شود؟ ایشان فرمود: هرگاه کارها بدست نا اهلان سپرده شوند، منتظر قیامت باشید.

در این حدیث یکی از علامات قیامت که سپردن امر به غیر اهلش است بیان شده است در حالی که ما تحقق این علامه را در جامعه خود مشاهده می‌کنیم، پس معلوم گردید که آخرت حق است.

۳- ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می‌کند که ایشان فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُفْبِضَ الْعِلْمُ وَتَكْثُرَ الزَّلَازِلُ وَيَتَقَارَبَ الزَّمَانُ وَتَظْهَرَ الْفِتْنُ وَيَكْثُرَ الْهَرْجُ وَهُوَ الْقَتْلُ الْقَتْلُ حَتَّى يَكْثُرَ فِيكُمْ الْمَالُ فَيَفِيضَ»^۱.

ترجمه: تا زمانی که علم و دانش از میان مردم برداشته نشده و زلزله‌ها زیاد نشود و فاصله‌های زمانی کم نشود و فتنه‌ها ظهور نکند و هرج زیاد نشود که آن قتل و کشتار است، تا اینکه مال زیاد نگردد قیامت برپا نخواهد شد.

در این حدیث چند علامات قیامت ذکر شده است، مانند گرفتن علم، کثرت زلزله، بی برکت شدن وقت، ظهور فتنه‌ها، کثرت قتل و مال. این علامات را نیز ما مشاهده می‌کنیم که بیانگر وقوع آخرت است.

۴- انس - رضی الله عنه - می‌گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ وَإِمَّا قَالَ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيَظْهَرَ الْجَهْلُ وَيُشْرَبَ الْحَمْرُ وَيَظْهَرَ الزُّنَا وَيَقِلَّ الرَّجَالُ وَيَكْثُرَ النِّسَاءُ حَتَّى يَكُونَ لِلْحَمْسِيِّنَ امْرَأَةٌ الْفَيِّمِ الْوَاحِدُ»^۲.

ترجمه: قیامت برپا نمی‌شود و یا اینکه فرمودند: از علامات قیامت این است که علم گرفته شود، جهل آشکار گردد، شراب نوشیده شود، زنا آشکار گردد، مردها کم شوند، زنها زیاد شوند تا اینکه یک مرد پنجاه (۵۰) زن را سرپرستی می‌کند.

در این حدیث برخی از علامات قیامت که تحقق یافته است ذکر شده است مانند: از بین رفتن علم، ظهور جهل، شراب نوشی، زنا، کثرت زنان و قلت مردان. این علامات را ما مشاهده می‌کنیم که بیانگر وقوع آخرت است.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الاستسقاء، باب ما قیل فی الزَّلَازِلِ وَالْأَيَاتِ، حدیث: ۱۰۳۶، ۳۲/۲
^۲ صحیح البخاری، کتاب، باب إِمَّا الرُّنَاةُ وَقَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى { وَلَا يَزْنُونَ }، حدیث: باب إِمَّا الرُّنَاةُ وَقَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى { وَلَا يَزْنُونَ }، ۱۶۴/۸

۵- ابوهريره - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت می‌کند که رسول الله - ﷺ - فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمُرَّ الرَّجُلُ عَلَى الْقَبْرِ فَيَتَمَرَّعُ عَلَيْهِ وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَكَانَ صَاحِبِ هَذَا الْقَبْرِ وَلَيْسَ بِهِ الدِّينُ إِلَّا الْبَلَاءُ»^۱.

ترجمه: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که یک فرد از کنار قبری عبور نکند و نگوید: ای کاش! من بجای صاحب این قبر می‌بودم؛ حال آنکه او نگرانی دینی ندارد؛ بلکه صرفاً بخاطر بلای دنیوی چنین آرزویی می‌کند.

از علامات قیامت مصیبت های دنیا است که هر طرف می‌بینیم اکثر مردم از مصیبت‌های دنیوی می‌نالند. تحقق این علامه وجود آخرت را به اثبات می‌رساند.

۶- ابوهريره - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت می‌کند که رسول الله - ﷺ - فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَدْرِي الْقَاتِلُ فِي أَيِّ شَيْءٍ قَتَلَ وَلَا يَدْرِي الْمَقْتُولُ عَلَى أَيِّ شَيْءٍ قُتِلَ» فَقِيلَ كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ: «الْهَرْجُ. الْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»^۲.

ترجمه: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، روزی بر مردم می‌آید که قاتل نمی‌داند چرا کشته، و مقتول نمی‌داند چرا کشته شده است. صحابه عرض کردند: چگونه چنین اتفاقی می‌افتد؟ فرمود: هرج و مرج زیادی اتفاق می‌افتد و قاتل و مقتول جهنمی می‌شوند.

۷- ابوهريره - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت می‌کند که رسول الله - ﷺ - فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقْتَتِلَ فِتْنَانِ دَعَاؤُهُمَا وَاحِدَةً»^۳.

ترجمه: قیامت برپا نمی‌شود مگر این که دو گروه باهم می‌جنگند درحالی‌که دعوی هر دو یکی است.

از علامات قیامت کثرت قتل و کشتار است که این علامه نیز تحقق یافته است و دلالت به وقوع آخرت می‌کند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفتن، باب لا تقوم الساعة حتى يمر الرجل بقبر الرجل فيتمنى أن يكون مكان الميت من البلاء، حديث: ۱۵۷، ۴/۲۲۳.

^۲ صحیح مسلم، کتاب الفتن، باب لا تقوم الساعة حتى يمر الرجل بقبر الرجل فيتمنى أن يكون مكان الميت من البلاء، حديث: ۲۹۰۸، ۴/۲۲۳۱.

^۳ صحیح البخاري، کتاب استنابة المرتدين و المعاندين و قتالهم، باب قول النبي ﷺ لا تقوم الساعة حتى يقتتل فتنان دعوتها واحدة، حديث: ۶۹۳۵، ۱۷/۹.

۸- انس - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، فَتَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَالشَّهْرُ كَالْجُمُعَةِ، وَتَكُونُ الْجُمُعَةُ كَالْيَوْمِ، وَيَكُونُ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ، وَتَكُونُ السَّاعَةُ كَالضَّرْمَةِ بِالنَّارِ»^۱.

ترجمه: قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمان نزدیک شود (کوتاه شود)، پس سال مانند ماه، ماه مانند هفته، هفته مانند روز، روز مانند ساعت، ساعت مانند شعله از آتش نشود.

بی برکت شدن وقت از علامات قیامت است که امروزه ما شاهد این حالت هستیم، پس آخرت حق است.

۹- ابو هریره - رضی الله عنه - در مورد فتنه های که قبل از آخرت واقع می شود می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «سَتَكُونُ فِتْنٌ، الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَالْقَائِمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي، وَالْمَاشِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي، مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَسْتَشْرِفُهُ، فَمَنْ وَجَدَ مَلْجَأً أَوْ مَعَادًا، فَلْيُعِذْ بِهِ»^۲.

ترجمه: بزودی فتنه هایی رخ خواهد داد که در آنها فرد نشسته از فرد استاده بهتر است و فرد ایستاده از کسی که راه می رود بهتر است. و شخصی که راه می رود از کسی که به سراغ فتنه است. (هر کس که دخالت کمتری در فتنه ها داشته باشد بهتر است). و هر کس که به سراغ فتنه برود او را هلاک خواهد کرد؛ لذا هر کس پناهگاهی یافت به آن پناه ببرد.

۱۰- از اسامه - رضی الله عنه - در مورد فتنه های قبل از آخرت روایت است که روزی نبی اکرم - ﷺ - از مکانی بلند به یکی از قلعه های مدینه نظر کرد و فرمود: «هَلْ تَرَوْنَ مَا أَرَى» قَالُوا: لَا، قَالَ: «فَأِنِّي لَأَرَى الْفِتْنََ تَفْعُ خِلَالَ بُيُوتِكُمْ كَوْفَعِ الْقَطْرِ»^۳.

ترجمه: آیا می بینید آنچه را که من می بینم؟ صحابه گفتند: خیر، فرمود: من محل سرازیر شدن فتنه ها را مانند نزول قطرات باران، در میان خانه های شما می بینم.

این همه علامات قیامت است که وقوع پیوسته است، بر علاوه این علامات دیگری نیز رسول الله - ﷺ - بیان کرده است که تا هنوز واقع نشده است. همه بیانگر اثبات آخرت است.

مطلب سوم: روز برپا شدن آخرت

در نخست باید خاطر نشان ساخت که زمان برپا شدن قیامت از امور غیبی بوده هیچ کس جز الله متعال نمی داند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَمْشُونَكَ مِنَ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قَلَّ إِنَّمَا عَمَّهَا وَعِنْدَ رَبِّي لَا

^۱ صحیح سنن الترمذی، باب ما جاء فی تقارب الزمان و قصر الامل، حدیث: ۲۳۳۲، ۵۳۴/۲

^۲ صحیح بخاری، کتاب الفتن، باب علامات النبوة فی الاسلام، حدیث: 3601، ۱۹۸/۴

^۳ صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراف الساعة، باب نُزُولِ الْفِتَنِ كَمْوَاقِعِ الْقَطْرِ، حدیث: ۲۸۸۵، ۲۲۱۱/۴

يُجَلِّبُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ اللَّابِغَةُ يَمْئُونَكُمْ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَلَيْهَا قَلَّ إِنَّمَا عَمَّهَا عِنْدَ اللَّهِ

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٧﴾ الأعراف: ١٨٧

ترجمه: از تو در باره قیامت سوال می کنن که وقوع آن چه وقت است؟ بگو: علم به وقت قیامت تنها نزد پروردگار من است، هیچ کسی جز او نمی تواند وقت آن را آشکار سازد، وقوع آن بر آسمانها و زمین سنگین است. جز بطور ناگهانی بسوی شما نمی آید، از تو چنان سوال می کنند که گویا تو از زمان وقوع آن با خبری! بگو: علم آن تنها نزد الله هست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

اما اینکه روز آخرت که در کدام روزی از روزهای هفته برپا می شود در احادیث اشاره شده است. بنا بر احادیث ذیل ثابت می شود که آخرت (روزی که مردم از قبرها برانگیخته می شوند) روز جمعه می باشد.

۱- ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ، وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ»^۱.

ترجمه: بهترین روزی که خورشید در آن طلوع می کند، روز جمعه است، در روز جمعه آدم آفریده شد و در روز جمعه وارد بهشت شد و در روز جمعه از بهشت بیرون کرده شد و رستاخیز نیز روز جمعه برپا می شود.

۲- ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ أُهْبِطَ وَفِيهِ تَبَّ عَلَيْهِ وَفِيهِ مَاتَ وَفِيهِ تَقُومُ السَّاعَةُ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَهِيَ مُسِيخَةٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَنْ جِئَ تَصْبِحُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ شَقَقَا مِنَ السَّاعَةِ إِلَّا الْجِنَّ وَالْإِنْسَ وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يُصَادِفُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ يُصَلِّيُ يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهَا»^۲.

ترجمه: بهترین روزی که خورشید در آن طلوع کرده است، روز جمعه است، آدم در روز جمعه آفریده شد و در روز جمعه از بهشت بیرون رفت و توبه اش در روز جمعه پذیرفته شد و در روز جمعه وفات کرد و رستاخیز نیز در روز جمعه برپا می شود. تمام موجودات زنده به جز

^۱ صحیح مسلم، کتاب ، باب فضل يوم الجمعة، حدیث: 854، 585/2

^۲ السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن أبي داود، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، حدیث: 1048، 404/1
الباني در صحیح سنن ابی داود، حدیث: 961، 212/4 صحیح خوانده است.

جن و انسان، از طلوع خورشید تا غروب آن روز جمعه در حال انتظار رستاخیز به سر می برند و از احتمال وقوعش هراس دارند، و در روز جمعه ساعتی است که بنده مسلمان در حال نماز و طلب حاجتش با آن ساعت تصادف کند الله متعال حاجتش را برآورده می سازد.

۳- انس بن مالک - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود :
«عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأَيَّامُ، فَعَرَضَ عَلَيَّ فِيهَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، فَإِذَا هِيَ كَأَمْرَةِ حَسَنَاءٍ، وَإِذَا فِي وَسْطِهَا نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ، فَقُلْتُ: مَا هَذَا؟ قِيلَ: السَّاعَةُ»^۱.

ترجمه: روزهای هفته بر من عرضه شدند وقتی روز جمعه بر من عرضه شد، آن را مانند آینه درخشان که در وسطش نقطه سیاه باشد، دیدم. از وی پرسیدم: این نقطه سیاه چیست؟ در جوابم گفته شد: این رستاخیز است.

تمام احادیث وارد شده در مورد ایمان به روز آخرت و علامات آن و روز برپا شدن قیامت دلالت به اثبات آخرت می کند.

^۱ الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (متوفى: ۳۶۰هـ)، المعجم الأوسط، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ناشر: دار الحرمين - القاهرة، باب الميم، حديث: ۷۳۰۷، ۲۱۴/۷ البانی این حدیث را در سلسله الاحادیث الصحیحة و شیء من فقهها و فوائدها، ناشر: مكتبة المعارف- الرياض، حديث: ۱۹۳۳، ۵۶۸/۴ صحیح خوانده است.

فصل دوم: بیان وقایع روز آخرت در قرآن و سنت

مبحث اول: بیان صور در قرآن و سنت

(صُور) در زبان عربی صیغه مفرد بوده به معنای شاخ است، (صُورَة) گفتن آن جایز نیست؛ زیرا (صُورَة) به معنای صورت انسان است که جمع آن با واو متحرک (صُورًا) است.^۱

مراد از صور شیپوری است که روز آخرت نواخته می شود و توسط آن همه مردم می میرد، سپس بار دیگر در صور یا شاخ دمیده می شود و همه مردم دوباره زنده می گردد. چنانچه از

آیات و احادیث ذیل به اثبات می رسد: الله ذوالجلال می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَنِ الْعِيبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ

الْحَكِيمُ الْحَبِيرُ ﴿٧٣﴾ الأنعام: ٧٣

ترجمه: و آن ذاتی است که آسمانها و زمین را به حکمت آفریده است و روزی که به آنها بگوید: شو، پس می شود، سخن او حق است و او را است پادشاهی در روزی که در صور دمیده می شود، دانای پنهان و آشکار است و او با حکمت آگاه است.

در مورد کیفیت و چگونگی صور مجاهد می گوید: (كهيفة البوق) مانند شیپور است و ابن عباس - رضی الله عنه - (الناقور) زنگ بزرگ را در این آیه: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿١٠﴾﴾ المدثر: ٨ صور

تفسیر کرده است.^۲

ترجمه: هنگامی که در صور دمیده شد.^۳

از عبد الله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنه - روایت شده است که بادیه نشینی نزد پیامبر - ﷺ - آمد و پرسید: صور چیست؟ ایشان فرمود: «قَرْنٌ يُنْفَخُ فِيهِ».^۴

ترجمه: صور، شاخی است که در آن دمیده می شود.

^۱ لسان العرب، ۴/۴۷۱.

^۲ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب نفخ الصور، ۱۰۸/۸.

^۳ ابن جوزی، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی (متوفی: ۵۹۷ هـ)، زاد المسیر فی علم التفسیر، محقق: عبد الرزاق المهدي، ناشر: دار الكتاب العربي - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ، ۳۶۱/۴.

^۴ سنن الترمذی، ابواب صفة القيامة والرفائق والورع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، حديث: ۲۴۳۰، ۶۲۰/۴ البانی در سلسله الاحادیث الصحیحة، حديث: ۱۰۸۰، ۶۸/۳ صحیح خوانده است.

از این بیشتر کیفیت صور و چگونگی آن در علم الله متعال است؛ زیرا در نصوص صحیح همین قدر بحث گردیده است، اما برخی تفصیلات و وقایعی که با دمیدن صور مرتبط است، مانند زمان دمیدن صور و دگرگونی دنیا، و غیره در نصوص ذکر گردیده است که آن را در مطالب ذیل مختصر بیان می‌کنم.

مطلب اول: زمان دمیدن در صور و ملک مکلف بر آن

الف: زمان دمیدن در صور

اولین حادثه که هنگام برپا شدن آخرت بعد از عالم برزخ رخ می‌دهد، دمیدن در صور است. وقوع آخرت در روز جمعه می‌باشد، چنانچه از رسول الله - ﷺ - روایت شده است که ایشان فرمود: «إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ قُبِضَ وَفِيهِ النَّفْحَةُ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ»^۱.

ترجمه: همانا بهترین روزهای شما روز جمعه است، آدم در همین روز آفریده شد و در همین روز وفات کرد و صور اول و دوم در همین روز دمیده می‌شوند، پس بر من بسیار درود بفرستید؛ زیرا درود شما بر من عرضه می‌شوند.

همچنان دلایل دیگری در مورد وقوع آخرت در روز جمعه (در فصل اول: روز برپا شدن آخرت) گذشت که با دمیدن در صور آخرت برپا می‌گردد.

هنگام غفلت مردم که همه مصروف و مشغول در امور و سرگردانی‌های خود می‌باشند، آخرت در خیال و خاطر کسی نمی‌باشد که ناگهان در صور دمیده می‌شود.

الله رب العزت آن لحظه را چنین بیان می‌کند: ﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

﴿۱۹﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۰﴾ بيس: ۴۹ - ۵۰

ترجمه: انتظار نمی‌کشند مگر صدای تندی را که ایشان را فرا می‌گیرد، در حالیکه مشغول خصومت (بایکدیگر) هستند. پس نمی‌توانند وصیت کنند، و نه بسوی خانواده‌شان باز می‌گردند.

^۱ النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، المجتبى من السنن، معروف به سنن نسائي با احكام الباني، تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة، ناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، چاپ دوم، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، كتاب الجمعة، باب إكثار الصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم يوم الجمعة، حديث: ۱۳۷۴، ۹۱/۳ الباني بر این حدیث صحیح حکم کرده است.

سنت پیامبر - ﷺ - آن را تفسیر می کند، ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «وَلْتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ نَشَرَ الرَّجُلَانِ ثَوْبَهُمَا بَيْنَهُمَا فَلَا يَتَبَايَعَانِهِ وَلَا يَطْوِيَانِهِ وَلْتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ انصَرَفَ الرَّجُلُ بِلَبَنِ لِفَحْتِهِ فَلَا يَطْعُمُهُ وَلْتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَهُوَ يَلِيظُ حَوْضَهُ فَلَا يَسْقِي فِيهِ وَلْتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ رَفَعَ أَحَدُكُمْ أُكُلْتَهُ إِلَى فِيهِ فَلَا يَطْعُمُهَا»^۱.

ترجمه: فروشنده و خریدار، پارچه را پهن کرده اند و هنوز آن را نفروخته و جمع نکرده اند که رستاخیز فرا می رسد. یا این که، صاحب شتر با شیرهایش به خانه برمی گردد و هنوز شیرها را ننوشیده است، که رستاخیز برپا می شود و رستاخیز برپا می شود در حالی که او (صاحب شتر) حوضش را ترمیم می کند تا هنوز از آن آب نداده است و رستاخیز چنان ناگهانی برپا می شود، که انسان لقمه اش را برداشته و آن را در دهان می گذارد، ولی نمی تواند لقمه را فرو برد.

با شنیدن صدای بزرگ همه مخلوقات در ترس و هراس افتیده می میرند.

الله ذوالجلال ترس و هراس مردم را در آن روز بیان کرده می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ النمل: ٨٧

ترجمه: و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است هراسان می گردد، جز کسی که الله بخواهد، و همه باذلت در پیشگاه او حاضر می شوند.

عبد الله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنه - در حدیث طویلی فتنه دجال از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که ایشان فرمود: «ثُمَّ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَلَا يَسْمَعُهُ أَحَدٌ إِلَّا أَصْعَى لَيْتًا وَرَفَعَ لَيْتًا - قَالَ - وَأَوَّلُ يَسْمَعُهُ رَجُلٌ يَلُوطُ حَوْضَ إِبِلِهِ - قَالَ - فَيَصْعَقُ وَيَصْعَقُ النَّاسُ»^۲.

ترجمه: سپس در صور دمیده می شود؛ هر کس آن را گوش کند، گردنش را بالا و پایین می برد، سپس فرمود: نخستین کسی که آواز صور را می شنود، انسانی است که در حال ترمیم حوض شترش است، او بیهوش می شود و سایر مردم نیز بیهوش می شوند.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب قول النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ { وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }، حدیث: ۶۵۰۶، ۱۰۶/۸

^۲ صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراط الساعة، باب في خروج الدجال ومكثه في الأرض ونزول عيسى وقتله إياه وذهاب أهل الخير والإيمان وبقاء شرار الناس وعبادتهم الأوثان والنفخ في الصور وبعث من في القبور، حدیث: ۲۹۴۰، ۲۲۵۸/۴

همچنان در حدیث دیگر، ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: زمانی که یهودی با مسلمان در مورد فضیلت پیامبران بحث می کرد پیامبر - ﷺ - فرمود: «لَا تُفَضِّلُوا بَيْنَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يُنْفَخُ فِي السُّورِ فَيَصْعَقُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ».^۱

ترجمه: انبیاء را بر یکدیگر برتری ندهید؛ زیرا هنگامی که در صور دمیده می شود، هر آنکه در آسمانها و زمین است، بیهوش می شوند، مگر آنکه را الله بخواهد (تا زمانی دیگری زنده بماند).
پس از آن روز امور آخرت آغاز می گردد.

الله متعال می فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَاحِدَةً ۗ وَحَمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۗ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۗ﴾ الحاقة: ۱۳ - ۱۵

ترجمه: پس هنگامی که یک مرتبه در صور دمیده شود. و زمین و کوهها از جای برداشته شوند و یکبار در هم کوبیده شوند. پس در آن روز قیامت به وقوع می پیوندد.

در جای دیگر می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ۗ﴾ ق: ۲۰
ترجمه: و در صور دمیده می شود، آن روز روز تحقق بیم دادنها است.

سپس سختی آخرت را وصف می کند: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۗ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ۗ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ۗ﴾

﴿المدثر: ۸ - ۱۰﴾

ترجمه: هنگامی که در صور دمیده شود. پس آن روز، روز سختی خواهد بود. برای کافران آسان نخواهد بود.

ب: ملک مکلف بر دمیدن در صور

در قرآن کریم ملک مکلف بر دمیدن در صور ذکر نگردیده است، در هر جا دمیدن صور با صیغه مجهول ذکر شده است. مانند این قول الله متعال: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ

فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۗ﴾ الزمر: ۶۸

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب من فصائل موسی علیه السلام، حدیث: 2373، ۱۸۴۲/۴

ترجمه: و در صور دمیده می شود، پس هر کسی که در آسمانها و هر کسی که در زمین است می میرد، جز کسی که الله بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، پس ناگهان همگی به پا خواسته می نگرند.

سنت پیامبر - ﷺ - آن را به صاحب صور تفسیر کرده است، اما اسم آن ملک را تصریح نکرده است.

از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنْ طَرَفَ صَاحِبُ الصُّورِ مُنْذُ وَكَلَّ بِهِ، مُسْتَعِدًّا، يُنْظَرُ نَحْوَ الْعَرْشِ مَخَافَةَ أَنْ يُؤْمَرَ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ طَرْفُهُ، كَأَنَّ عَيْنَيْهِ كَوْكَبَانِ دُرِّيَّانِ»^۱.

ترجمه: از روزی که مسؤلیت دمیدن صور به صاحب صور داده شد، نگاهش را به سوی عرش دوخته است، تا اندکی در دمیدن صور، از فرمان الله تأخیر نشود و او چنان به سوی عرش نگاه می کند که گویی دو چشمش دو ستاره نورانی هستند.

ابو سعید خدری - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت کرده است که ایشان فرمود: «كَيْفَ أَنْعَمَ وَقَدْ أَلْتَمَمَ صَاحِبُ الْقُرْنِ الْقُرْنَ وَحَنَى جِبْهَتَهُ وَأَصْعَى سَمْعَهُ يَنْتَظِرُ أَنْ يُؤْمَرَ أَنْ يَنْفُخَ فَيَنْفُخَ قَالَ الْمُسْلِمُونَ فَكَيْفَ تَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُولُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ رَبِّنَا»^۲.

ترجمه: چگونه خوشحال شوم، حال آنکه صاحب شاخ آن را در دهان گرفته و سرش را پایین آورده و گوش هایش را متوجه ساخته و منتظر آن است که فرمان دمیدن صادر شود تا بدمد. مسلمانان عرض کردند: ای پیامبر الله - ﷺ - چه بگوییم؟ ایشان فرمود: این دعاء را بخوانید: (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ رَبِّنَا) ترجمه: الله ما را بس است و او بهترین حامی و سرپرست می باشد و بر پروردگار خویش توکل کرده ایم.

^۱ سلسله الأحادیث الصحيحة، حدیث: ۱۰۷۸، ۶۵/۳
^۲ سلسله الأحادیث الصحيحة، حدیث: ۱۰۷۹، ۶۶/۳

در این دو حدیث پیامبر - ﷺ - مأمور صور را به نام صاحب الصور و صاحب القرن یاد کرد اما برخی علماء گفته اند: اسمش اسرافیل است، چنانچه قرطبی^۱ می گوید: «قال علماؤنا: والأمم مجمعون على أن الذي ينفخ في الصور إسرافيل - عليه السلام-»^۲.

علمای ما گفته اند: امت ها در مورد شخص که در صور می دمده، به اسرافیل - عليه السلام - اجماع کرده اند.

ابن کثیر می گوید: «صور شاخی است که الله اسرافیل - عليه السلام - را بر دمیدن آن امر می کند»^۳.

ابن حجر می گوید: «دیدگاه معروف و مشهور این است که صاحب صور اسرافیل عليه السلام است»^۴.

در این شکی نیست که اسرافیل ملکی از ملائکه ها است. چنانچه عائشه - رضی الله عنها - می گوید: نبی - ﷺ - نماز شب را به این دعاء آغاز می کرد: «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۵.

ترجمه: ای الله! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، ای آفریننده آسمانها و زمین، ای دانای پنهان و آشکار! تنها تویی که در میان بندگان در آنچه که اختلاف می کنند، داوری می کنی، مرا بفرمان خود بسوی امر حقی که در آن اختلاف شده است رهنمایی کن، حقا که تو کسی را که می خواهی بسوی راه راست رهنمایی می کنی.

بناء بر این که اجماع امت در این مورد ذکر گردیده است، ملک مکلف بر دمیدن در صور اسرافیل - عليه السلام - است.

^۱ قرطبی: محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الاخرجی الاندلسی القرطبی، ابو عبدالله، در سال ۶۷۱ هـ وفات نموده، از جمله مفسرین بزرگ بوده شخص صالح و عبادت گذار بود، از باشندگان قرطبه بوده و تالیفات وی عبارت اند از: الجامع لاحکام القرآن مشهور به تفسیر قرطبی، قمع الحرص بالزهد و القناعة، الأسنی فی شرح أسماء الله الحسنى ... (الاعلام الزرکلی، ۳۲۱/۵-۳۲۲) ^۲ قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الأنصاري الخرجي شمس الدين القرطبي، التذکره في أحوال الموتى وأمور الآخرة، تحقيق: دكتور الصادق بن محمد بن إبراهيم، ناشر: مكتبة دار المنهاج- الرياض، چاپ اول، ۱۴۲۵ هـ، ۴۸۸/۱

^۳ تفسیر ابن کثیر، ۲۱۶/۶

^۴ ببینید: فتح الباری شرح صحیح البخاری، از ابن حجر، ۱۳۳/۶

^۵ صحیح مسلم، کتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب الدعاء في صلاة الليل و قيامه، حدیث: ۷۷۰، ۵۳۴/۱

مطلب دوم: تکرار دمیدن در صور و زنده شدن بعد از مرگ

روز آخرت دو بار در صور دمیده می شود، پس از دمیدن اول همه موجودات بیهوش می شوند، و بعد از دمیدن دوم همه موجودات زنده می گردند.

الله متعال می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ الزمر: ٦٨

ترجمه: و در صور دمیده می شود، پس هر کسی که در آسمانها و هر کسی که در زمین است می میرد، جز کسی که الله بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، پس ناگهان همگی به پا خواسته می نگرند.

همچنان می فرماید: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦٦﴾ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿٦٧﴾ النازعات: ٦ - ٧

ترجمه: روزی که زمین سخت می لرزد (نفخه اولی دمیده می شود). به دنبال آن نفخه دیگری (و زلزله دیگری) می آید.

مراد از: (الراجفة) نفخه اول که همه چیز را می لرزاند و تکان می دهد. و مراد از (الرادفة) نفخه دوم نفخه برانگیختن از قیرها است. ابن عباس می گوید: مراد از (الراجفة و الرادفة) دو نفخه است، نفخه اول همه موجودات را به اذن الله می میراند و نفخه دوم همه را به اذن الله زنده می گرداند.^۱

نفخه اول را راجفه (لرزاننده) گفته شد؛ زیرا بادمیدن صور اول، قیامت برپا می شود، الله رب

العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾ المزمّل: ١٤

ترجمه: روزی که زمین و کوهها سخت می جنبند، و کوهها همچون توده ریگ روان می گردند. این آیات دلالت به دو نفخه می کند، همین طور احادیث پیامبر - ﷺ - نیز آن را بیان کرده است، چنانچه از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت شده است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «بَيْنَ النَّفْحَيْنِ

^۱ ببینید: الصابوني، محمد علي الصابوني، صفوة التفاسير، ناشر: دار الصابوني - القاهرة، چاپ اول، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م، ٤٨٩/٣ و صحيح بخاري، كتاب الرقاق، باب نفخ الصور، ١٠٨/٨

أَرْبَعُونَ قَالُوا يَا أَبَا هُرَيْرَةَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أَبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أَبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ شَهْرًا قَالَ أَبَيْتُ وَيَبْلَى كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْإِنْسَانِ إِلَّا عَجَبَ دَنْبِهِ فِيهِ يُرَكَّبُ الْخَلْقُ»^۱.

ترجمه: میان دو نفخه چهل فاصله وجود دارد. از ابو هریره - رضی الله عنه - سوال شد: چهل روز، چهل ماه یا چهل سال فاصله دارد؟ ابو هریره می گوید: من از تعیین کردنش خودداری می کنم. تمام بدن انسان ریزه ریزه می شود مگر استخوان پایین ستون فقرات به نام عجب الذنب، زندگی دوباره از آن شکل می گیرد.

عبد الله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنه - در حدیث طویل فتنه دجال از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «ثُمَّ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَلَا يَسْمَعُهُ أَحَدٌ إِلَّا أَصْعَى لَيْتًا وَرَفَعَ لَيْتًا - قَالَ - وَأَوَّلُ مَنْ يَسْمَعُهُ رَجُلٌ يَلُوطُ حَوْضَ إِبِلِهِ - قَالَ - فَيَصْعَقُ وَيَصْعَقُ النَّاسُ ثُمَّ يُرْسِلُ اللَّهُ - أَوْ قَالَ يُنْزِلُ اللَّهُ - مَطَرًا كَأَنَّهُ الظِّلُّ أَوْ الظِّلُّ - نُعْمَانُ الشَّاكُّ - فَتَنْبُتُ مِنْهُ أَجْسَادُ النَّاسِ ثُمَّ يُنْفَخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^۲.

ترجمه: سپس در صور دمیده می شود؛ هر کس آن را گوش کند، گردنش را بالا و پایین می برد، فرمود: نخستین کسی که آواز صور را می شنود، انسانی است که در حال تعمیر حوض شترش است، او بیهوش می شود و سایر مردم نیز بیهوش می شوند. سپس الله بارانی، مانند رطوبت یا سایه، را می فرستد. اجساد انسان ها در اثر آن رشد می کنند و بار دوم در صور دمیده می شود. آن ها با شنیدن صدای آن، از قبر بلند شده نگاه می کنند.

برخی از دانشمندان مانند ابن کثیر و غیره معتقد اند که دمیدن در صور سه بار صورت می گیرد. دمیدن نخست را، دمیدن فزع می گویند؛ چون با دمیدن و شنیدن صدای آن، مردم می هراسند و دمیدن دوم را صعق می نامند؛ چون با دمیدن و شنیدن صدای آن، مردم بیهوش می شوند و دمیدن سوم را بعث می گویند؛ چون بادمیدن و شنیدن آن مردم زنده از قبر بر می خیزند.

آنها به دلایل ذیل استدلال می کنند:

^۱ صحیح بخاری، کتاب التفسیر، باب قَوْلُهُ { وَنُفَخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ }، حدیث: ۴۸۱۴، ۱۲۶/۶

^۲ صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراط الساعة، باب في خروج الدجال ومكثه في الأرض ونزول عيسى وقتله إياه وذهاب أهل الخير والإيمان وبقاء شرار الناس وعبادتهم الأوثان والنفخ في الصور وبعث من في القبور، حدیث: ۲۹۴۰، ۲۲۵۸/۴

الله متعال می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَجَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ

دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ النمل: ٨٧

ترجمه: و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است هراسان می گردد، جز کسی که الله بخواهد، و همه باذلت در پیشگاه او حاضر می شوند.

در تفسیر این آیه ابن کثیر می گوید: صور شاخی است که الله متعال هنگام پایان عمر دنیا و برپا شدن قیامت بر اشرار مردم های که زنده هستند، اسرافیل - علیه السلام - را امر می کند که در آن بدمد، پس اسرافیل در آن اول نفخه فزع را می دمد و آن را دراز می کند، همه آن که در آسمانها و زمین هستند می هراسند، مگر آنکه را الله بخواهد از آن در امن می ماند، بعد از آن نفخه صعق، که نفخه مرگ است، می دمد، بعد از آن نفخه قیام به رب العالمین، می دمد که این نفخه برانگیختن همه مخلوقات از قبرها است.^۱

طبری به سند خود این حدیث را روایت کرده است: ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - پرسید: صور چیست؟ ایشان فرمود: «قَرْنٌ»، قال: وكيف هو؟ قال: «قَرْنٌ عَظِيمٌ يُنْفَخُ فِيهِ ثَلَاثُ نَفَخَاتٍ: الْأُولَى: نَفْحَةُ الْفَزَعِ، وَالثَّانِيَةُ: نَفْحَةُ الصَّعْقِ، وَالثَّلَاثَةُ: نَفْحَةُ الْقِيَامِ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ».

ترجمه: صور، شاخ است. ابو هریره - رضی الله عنه - پرسید: او چگونه است؟ فرمود: شاخی بزرگ است که در آن سه نفخه دمیده می شود: نفخه اول: نفخه فزع، نفخه دوم: نفخه صعق، نفخه سوم: نفخه قیام در برابر رب العالمین است.^۲

در کتاب اصول الایمان نیز چنین ذکر گردیده است: اسرافیل سه بار در صور می دمد: نفخه فزع، نفخه صعق، نفخه بعث.^۳

^۱ ببینید: تفسیر ابن کثیر، ۲۱۶/۶

^۲ ببینید: الطبري، ۵۰۳/۱۹

^۳ مجموعه ای از علماء، کتاب اصول الایمان في ضوء الكتاب والسنة، ناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، چاپ اول، ۱۴۲۱هـ، ۱۴۷/۱

ابن حجر می گوید: تفاوت میان صعق و فزع بدین معنا نیست که آن دو از دمیدن نخست، به طور همزمان، به وجود نیامده باشند. و استدلال به حدیث مذکور که ابن جریر به سند خود روایت کرده است، نیز محل اشکال است؛ چون سند حدیث ضعیف و مضطرب است.^۱

ابن حزم^۲ می گوید: نفخه های روز رستاخیز چهار بار هستند: ۱- نفخه مردن. ۲- نفخه زنده شدن که همه مردگان زنده می شوند و از قبرها بیرون شده و برای حساب گرد هم می آیند. ۳- نفخه فزع و صعق، که با شنیدنش مردم همه بیهوش می شوند ولی نمی میرند. ۴- نفخه به هوش آمدن و بیرون آمدن از این بیهوشی است.

این که ابن حزم دو نفخه را چهار تا تلقی کرده است، روشن و واضح نیست؛ بلکه راجح همان دو نفخه، برگرفته از حال شنوندگان است؛ با شنیدن نفخه نخست همه زندگان می میرند، مگر آنان که به خواست الله مستثنی شوند. آنها با شنیدن نفخه سرگردان می شوند و با دمیدن نفخه دوم همه مرده ها زنده شده و بی هوش ها از غفلت و سرگردانی نجات می یابند. (حقیقت را الله بهتر می داند).^۳

با دمیدن در صور بار دوم همه انسانها دوباره زنده می گردند. دلایل زنده شدن بعد از مرگ در اثبات آخرت به تفصیل ذکر گردید. حکم منکر بعث همان حکم منکر آخرت است، منکر بعث مانند منکر آخرت کافر می گردد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَإِن تَعَجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا

كُنَّا تُرَابًا أَوْ إِنَّا لَنَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَعْلَىٰ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۵﴾ الرعد: ۵

ترجمه: و اگر تو (عبادت غیر الله و تکذیب آنها را) امر عجیب می پنداری، عجیب تر گفتار آنها است که می گویند: آیا هنگام که خاک شدیم، آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود؟ آنها کسانی اند که

^۱ ببینید: فتح الباری شرح صحیح البخاری، از ابن حجر، ۱۳۶/۶
^۲ أبو محمد علی ابن أحمد بن سعید بن حزم فارسی الأصل سپس اندلسی قرطبی یزیدی مؤلای یزید بن ابي سفيان بن حرب الأموي -رضي الله عنه- در سال ۳۸۴هـ چشم به دنیا گشود، استادان و شاگردان زیاد داشت، امام مذهب ظاهریه است، تألیفات زیاد دارد از آنجمله: الاحکام فی اصول الاحکام است. در عمر ۷۱ سالگی در سال ۴۵۶هـ وفات کرد. (سیر اعلام النبلاء ۱۳/۳۷۳-۳۸۶)
^۳ ببینید: فتح الباری شرح صحیح البخاری، از ابن حجر، ۱۲۴/۲۰

به پروردگار شان کافر شده و ایشانند که در گردن های شان طوق ها است. و آنها اهل دوزخ اند و در آنجا جاویدان خواهند ماند.

الله متعال در روز آخرت برای منکر بعث می گوید: آیا این حق نیست؟ آنها می گویند: چرا نه.

چنانچه می فرماید: ﴿ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ

أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّآ قَالَ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ الأنعام: ٢٩ - ٣٠

ترجمه: و گفتند: جز زندگانی این جهان زندگی دیگر نیست و ما برانگیخته نخواهیم شد. و اگر هنگامی که در برابر پروردگار شان ایستاد کرده شوند (بازداشت کرده شوند، حالی ایشان را) مشاهده کنی (البته منظره هولناکی را خواهی دید، الله سبحانه برای ایشان) می گوید: آیا این حق نیست؟ گویند: آری، سوگند به پروردگار ما (که حق است. الله) می گوید: بچشید عذاب را به سبب آن که کافر بودید.

بنا بر دلایل فوق روز آخرت دو مرتبه در صور دمیده می شود با شنیدن صور اول همه مخلوقات می میرند و با شنیدن صور دوم همه زنده می گردند. هر انسان به همان حالت و عملی که فوت کرده برانگیخته می شود، چنانچه جابر - رضی الله عنه - می گوید: شنیدم که نبی اکرم - ﷺ - می فرمود: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَىٰ مَا مَاتَ عَلَيْهِ»^۱.

ترجمه: هر بنده به همان حالتی برانگیخته می شود که فوت نموده است.

مطلب سوم: کسانی که توسط صور بیهوش نمی شوند و اولین کسی که برانگیخته

می شود

الله متعال می فرماید: ﴿ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ الزمر: ٦٨

ترجمه: و در صور دمیده می شود، پس هر کسی که در آسمانها و هر کسی که در زمین است می میرد، جز کسی که الله بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، پس ناگهان همگی به پا خواسته می نگرند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب الأمر بحسن الظن بالله تعالى عند الموت، حديث: ٢٨٧٨، ٢٢٠٦/٤

همچنان می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ

دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ النمل: ٨٧

ترجمه: و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است هراسان می گردد، جز کسی که الله بخواهد، و همه باذلت در پیشگاه او حاضر می شوند.

در این دو آیه الله متعال برخی را از فزع و صعق استثناء کرده است؛ ولی مشخص نکرده که آنها چه کسانی اند.

اولین کسی که بعد از نفخه دوم به هوش میاید پیامبر ما محمد - ﷺ - است، چنانچه ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: هنگامی که یک شخص یهودی با مسلمان در مورد فضیلت پیامبران بحث می کرد پیامبر - ﷺ - چنین می فرماید: «لَا تَفْضَلُوا بَيْنَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَيَصْعَقُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ - ثُمَّ يُنْفَخُ فِيهِ أُخْرَى فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ بُعِثَ أَوْ فِي أَوَّلِ مَنْ بُعِثَ فَإِذَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ آخِذٌ بِالْعَرْشِ فَلَا أَدْرِي أَحْسِبُ بِصَعْفَتِهِ يَوْمَ الطُّورِ أَوْ بُعِثَ قَبْلِي»^۱.

ترجمه: انبیاء را بر یکدیگر برتری ندهید؛ زیرا هنگامی که در صور دمیده می شود، هر آنکه در آسمانها و زمین است، بیهوش می شوند، مگر آنکه را الله بخواهد (تا زمانی دیگری زنده بماند) فرمود: بار دوم در صور دمیده می شود. من نخستین کسی خواهم بود که زنده می شود و موسی را می بینم که گوشه عرش را گرفته است. نمی دانم که آیا همان بیهوشی کوه طور به حساب این بیهوشی شمرده شده و اکنون بیهوش نشده است یا این که بیهوش شده، اما پیش از من به هوش آمده است.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ، وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ»^۲.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب من فضائل موسی علیه السلام، حدیث: 2373، ۱۸۴۲/۴
^۲ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب تفضیل نبینا صلی الله علیه وسلم علی جمیع الخلائق، حدیث: 2278، ۱۷۸۲/۴

ترجمه: در روز رستاخیز من سردار فرزندان آدم خواهم بود، نخستین کسی هستم که زمین برای بیرون آمدنم شکافته می شود و من نخستین شفاعت کننده و نخستین کسی هستم که شفاعتش پذیرفته می شود.

در این روایات به صراحت ذکر گردید، اولین کسی که بعد از نفخه دوم به هوش می آید و زنده می گردد محمد - ﷺ - است، اما در مورد این که موسی - علیه السلام - قبل از پیامبر به هوش آمده و یا از جمله کسانی بوده که الله متعال او را از فزع و صعق استثناء کرده باشد، تصریح نشده است.

رسول الله - ﷺ - سکوت اختیار کردند، که آیا همان صعق و بی هوشی او که در کوه طور صورت گرفته بود بدین بیهوشی عوض شده یا خیر؛ زیرا هنگامی که موسی - علیه السلام - به کوه طور رفت و خواست که الله متعال را ببیند، الله متعال به کوه تجلی کرد موسی - علیه السلام - بیهوش شد. الله متعال در آن مورد می فرماید: ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرِنِي وَلَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٣﴾ الأعراف:

۱۴۳

ترجمه: و هنگامی که موسی به میعاد (ملاقات) ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، موسی عرض کرد: پروردگار! خویشتن را به من بنمای تا تو را ببینم، (الله برایش) گفت: مرا نمی بینی و لیکن بسوی کوه نظر کن، اگر در جای خود ثابت ماند، پس مرا خواهی دید، هنگامی که پروردگارش برای آن کوه آشکار شد، آن کوه را به زمین هموار ساخت، و موسی بیهوش افتاد، پس وقتی که موسی به هوش آمد، گفت: تو را به پاکی یاد می کنم، بسوی تو رجوع کردم و من از نخستین مؤمنانم.

همچنان در روایت دیگر ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - چنین حکایت می کند: «إِنِّي أَوَّلُ مَنْ يَرْفَعُ رَأْسَهُ بَعْدَ النَّفْخَةِ الْأَخْرَى فَإِذَا أَنَا بِمُوسَى مُتَعَلِّقٌ بِالْعَرْشِ فَلَا أُدْرِي أَكَدِّكَ كَانَ أَمْ بَعْدَ النَّفْخَةِ»^۱.

^۱ صحیح بخاری، کتاب التفسیر، باب قَوْلُهُ { وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِّخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ }، حدیث: ۴۸۱۳، ۱۲۶/۶

ترجمه: من اولین کسی خواهم بود که بعد از نفخه دوم سرش را بالا می کند (زنده می شود)، و موسی را می بینم که گوشه عرش را گرفته، نمی دانم او از ابتدا چنین بوده (بیهوش نشده) یا این که بعد از نفخه گوشه عرش را گرفته است.

علماء و مفسرین در مورد کسانی که بیهوش نمی شوند، استدلال به برخی احادیث اقوال مختلف ذکر کرده اند.

امام طبری می گوید: «شهداء از فزع و صعق استثناء هستند.

به حدیث ابو هریره - رضی الله عنه - که به سند خود روایت کرده است، استدلال می کند، ابو هریره از رسول الله - ﷺ - پرسید: در این آیه (فَفَزَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ) [النمل: ۸۷]

ترجمه: پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است هراسان می گردد، جز کسی که الله بخواهد، و همه باذلت در پیشگاه او حاضر می شوند.

کی استثناء شده است؟ ایشان فرمود: «أُولَئِكَ الشُّهَدَاءُ، وَإِنَّمَا يَصِلُ الْفَزَعُ إِلَى الْأَحْيَاءِ، أُولَئِكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، وَقَاهُمُ اللَّهُ فَزَعَ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَآمَنَهُمْ، وَهُوَ عَذَابُ اللَّهِ يَبْعَثُهُ عَلَى شِرَارِ خَلْقِهِ».^۱

ترجمه: آنها شهیدان هستند، و یقیناً ترس و هراس به زنده ها می رسد، آنها نزد پروردگار شان زنده رزق داده می شوند. الله متعال آنها را از هراس آن روز در امن نگهداشته است و آن عذاب الهی است که بر بدترین مخلوقاتش می فرستد.

سعدی، صاحب تفسیر تیسیر الکریم نیز می گوید: «کسانی که استثناء شده اند: شهداء یا برخی از شهداء و غیره هستند».^۲

^۱ ببینید: الطبري، ۵۰۳/۱۹

^۲ تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ۷۲۹/۱

بغوي^۱ نیز شهداء را ترجیح داده، از ابو هریره - رضی الله عنه - چنین روایت کرده است که او از رسول الله - ﷺ - روایت کرده است، ایشان از جبریل پرسیدند، و جبریل - علیه السلام - جواب داد: «هُمُ الشُّهَدَاءُ مُتَقَلِّدُونَ أَسْيَافَهُمْ حَوْلَ الْعَرْشِ».^۲

ترجمه: آنها شهداء هستند که شمشیرهای خود را در اطراف عرش آویزان کرده اند.

ثعلبی^۳ روایتی نقل کرده است: که مراد از آنها ملک الموت و جبریل و میکائیل هستند.

انس - رضی الله عنه - از پیامبر - ﷺ - پرسید: کسانی که در آیه مذکور از صعق استثناء شده اند کی ها هستند؟ ایشان پاسخ دادند: «هو جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وملك الموت- قال: فيقول يا ملك الموت خذ نفس اسرافيل. فيقول: يا ملك الموت من بقي؟ فيقول: سبحانك ربّي وتعاليت ذا الجلال والإكرام بقي جبرئيل وميكائيل وملك الموت. فيقول: يا ملك الموت خذ نفس ميكائيل. فيأخذ نفس ميكائيل فيقع كالطود العظيم. فيقول: يا ملك الموت من بقي؟ فيقول: سبحانك ربّي تباركت وتعاليت ذا الجلال والإكرام بقي جبرئيل وملك الموت. فيقول: مت يا ملك الموت فيموت. فيقول: يا جبرئيل من بقي؟ فيقول: تباركت وتعاليت ذا الجلال والإكرام وجهك الباقي الدائم وجبرئيل الميت الفاني- قال:- فيقول: يا جبرئيل لا بدّ من موتك، فيقع ساجدا يخفق بجناحيه فيقول: سبحانك ربّي تباركت وتعاليت ذا الجلال والإكرام».^۴

ترجمه: آنها جبریل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت هستند، فرمود: پس الله متعال می گوید: ای ملک الموت روح اسرافیل را بگیر، سپس می گوید: ای ملک الموت کی باقی ماند؟ او می گوید: پاکی است تو را تو بزرگ هستی صاحب و جلال و عزت هستی، جبریل و میکائیل و ملک الموت باقی مانده است. پس می فرماید: ای ملک الموت! روح میکائیل را بگیر، پس روح

^۱ البغوي: أبو مُحَمَّدٍ الحُسَيْنِ بنِ مَسْعُودٍ بنِ مُحَمَّدِ بنِ الفَرَّاءِ البَغَوِيِّ الشَّافِعِيِّ، د ر سال: ۴۰۶ هـ تولد شده و در سن هفتاد و چند سالگی سال ۵۱۰ هـ یا ۵۱۶ هـ وفات یافت. إمام، عَلَامةٌ، پيشوا، حافظ، شَيْخُ الإسلام، ملقب به مُحَبِّي السُّنَّة و ركن الدين، مفسر و صاحب تصانيف است. مانند: شرح السنة، تفسير معالم التنزيل، المصابيح و كتب دیگر. در مدحش اقوال زیاد وارد شده است.. (ببینید: سير اعلام النبلاء: ۴۳۹/۱۹ - ۴۴۲ و الاعلام للرزکلی: ۲/۲۵۹)

^۲ ببینید: البغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي (متوفی: ۵۱۰ هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن، معروف به تفسير البغوي، محقق: محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، ناشر: دار طيبة، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، ۱۸۱/۶

^۳ الثعلبي: أبو إسحاق، أحمد بن محمد ابن إبراهيم النيسابوري، إمام حافظ، عَلَامةٌ، شَيْخُ تَفْسِير، یکی از ذخایر علم بود. تألیفات در علوم مختلف دارد، مانند: التفسیر الكبير، در تفسیر قرآن و العرائس در قصص أنبياء. در سال ۴۲۷ هـ وفات کرد. (ببینید: سير اعلام النبلاء: ۱۴۵/۱۳ و الاعلام للرزکلی: ۱/۲۱۲)

^۴ الثعلبي، أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، أبو إسحاق (متوفی: ۴۲۷ هـ)، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق: الأستاذ نظير الساعدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م، ۲۵۵/۸

میکائیل را می گیرد و او مانند کوه بزرگ می افتد، پس می فرماید: ای ملک الموت کی باقی ماند؟ او می گوید: پاکی است تو را تو با برکت و بزرگ هستی صاحب جلال و عزت هستی، جبریل و ملک الموت باقی ماند، پس می گوید: ای ملک الموت بمیر، سپس می گوید: ای جبریل! کی باقی ماند؟ او می گوید: تو با برکت و بزرگ هستی صاحب جلال و عزت، ذات همیشه باقی هستی و جبریل مرده فانی است. پس می فرماید: ای جبریل مرگ تو لابدی است، پس او سجده کنان می افتد و با بالهایش تکان خورده می گوید: پاکی است تو را پروردگارم با برکت و بزرگ هستی ای صاحب جلال و عزت.

این حدیث صحیح نیست، بناء به این استدلال نمی شود.

در تفسیر جلالین حور و ولدان و غیره ذکر گردیده است.^۱

در این مورد نیز نصی صحیحی از قرآن و حدیث نیامده است، پس به آن نیز استدلال نمی شود.

ابن کثیر می گوید: «مراد از کسی که بیهوش نمی شود الله متعال است، چنانچه در حدیث مشهور چنین آمده است: «ثُمَّ يَفِيضُ أَرْوَاحَ الْبَاقِيَيْنِ حَتَّى يَكُونَ آخِرُ مَنْ يَمُوتُ مَلَكُ الْمَوْتِ، وَيُنْفِرُ الْحَيُّ الْقَبِيُّمُ الَّذِي كَانَ أَوَّلًا وَهُوَ الْبَاقِي آخِرًا بِالْإِيمَانِ وَالْبِقَاءِ، وَيَقُولُ: {لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ} [غَافِرٍ: ١٦] ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يُجِيبُ نَفْسَهُ بِنَفْسِهِ فَيَقُولُ: {لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ} أَي: الَّذِي هُوَ وَاحِدٌ وَقَدْ قَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ، وَحَكَمَ بِالْفَنَاءِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. ثُمَّ يُحْيِي أَوَّلَ مَنْ يُحْيِي إِسْرَافِيلَ، وَيَأْمُرُهُ أَنْ يُنْفَخَ فِي الصُّورِ أُخْرَى، وَهِيَ النَّفْخَةُ الثَّلَاثَةُ نَفْخَةُ الْبَعْثِ، قَالَ تَعَالَى: {ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ}».^۲

ترجمه: سپس الله متعال ارواح باقی ماندگان را قبض می کند، تا این که آخرین کسی که می میرد، ملک الموت می باشد. و تنها ذات همیشه زنده و تدبیر کننده می ماند، ذاتی که اول بود و آخر و باقی می باشد و می گوید: (امروز کی را پادشاهی است؟)، سه مرتبه می گوید. سپس او تعالی خود جواب می دهد: (الله یکتا و قهار را پادشاهی است)، سپس اولین کسی که زنده می گرداند اسرافیل علیه السلام می باشد و او را امر می کند که بار دیگر در صور بدمد، این نفخه سوم نفخه بعث می باشد، چنانچه الله متعال می فرماید: (سپس بار دیگر در آن دمیده می شود و همه در برابر پروردگارشان برای حساب ایستاد شده نگاه می کنند).

^۱ جلالین، جلال الدین محمد بن أحمد المحلی (متوفی: ۸۶۴هـ) و جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی (متوفی: ۹۱۱هـ)، تفسیر جلالین، ناشر: دار الحدیث - القاهرة، چاپ اول، ۶۱۶/۱

^۲ تفسیر ابن کثیر، ۱۱۶/۷

این حدیث صحیح نیست و به آن استدلال نمی شود.

بهتر است در این مورد سکوت اختیار کرد چون نصی صحیحی وجود ندارد که در آن تصریح شده باشد و احادیثی که برخی به آن استدلال کرده اند احادیث صحیح نیست، هر که را الله متعال بخواهد از فزع و صعق در امن نگه می دارد.

مبحث دوم: بیان حشر در قرآن و سنت

حشر به معنای جمع کردن است، اینجا مراد از حشر، جمع شدن مردم در روز قیامت می باشد.

از آنجمله (یوم الحشر) است: روزی جمع شدن به سوی پروردگار. و محشر جای که مردم در آن جمع می شوند.^۱

قرطبی می گوید: حشر چهار نوع است: دو حشر در دنیا و دو حشر در آخرت است.

حشر اول: حشر یهود به سوی شام است، چنانچه الله ذوالجلال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ

كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ﴿۲﴾ الحشر: ۲

ترجمه: او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین گردهمایی و برخورد، از خانه های شان بیرون کرد.

حشر دوم: حشری که مردم توسط آتش به سوی شام جمع کرده می شوند و این از جمله علامات قیامت بوده آخرین علامه آخرت است. چنانچه حذیفه بن اسید غفاری - رضی الله عنه - می گوید: ما مشغول صحبت بودیم که نبی اکرم - ﷺ - نزد ما آمد و فرمود: «مَا تَذَاكُرُونَ؟» قَالُوا: نَذْكُرُ السَّاعَةَ، قَالَ: «إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرَوْنَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ - فَذَكَرَ - الدُّخَانَ، وَالدَّجَالَ، وَالذَّابِقَةَ، وَطُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَنُزُولَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَيَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ، وَثَلَاثَةَ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَأَخْرُ ذَلِكَ نَارًا تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ، تَطْرُدُ النَّاسَ إِلَى مَحْشَرِهِمْ».^۲

ترجمه: در مورد چه چیزی صحبت می کنید؟ صحابه عرض کردند: در مورد قیامت، صحبت می کنیم. فرمود: تا زمانی که ده نشانه را مشاهده نکرده اید، قیامت برپا نمی شود، آنگاه ایشان ده نشانی را ذکر کردند: دود و دجال، دابه (حیوانی که ظهور می کند)، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی بن مریم، یاجوج و ماجوج، و هر سه خسف (فرو رفتن در زمین) را ذکر کردند که

^۱ لسان العرب، 190/4

^۲ صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراف الساعة، باب في الآيات التي تكون قبل الساعة، حديث: 2901 ، 2225/4

یکی آنها در مشرق، دیگری، در مغرب، و سومی در شبه جزیره عربستان رخ می دهد. و در پایان هم آتشی را ذکر کردند که از یمن بیرون می آید و مردم را بسوی محشر، سوق می دهد.

ابو هریره - رضي الله عنه - می گوید: نبی اکرم - ﷺ - فرمود: «يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى ثَلَاثِ طَرَائِقَ رَاغِبِينَ رَاهِبِينَ وَاثْنَانِ عَلَى بَعِيرٍ وَثَلَاثَةَ عَلَى بَعِيرٍ وَأَرْبَعَةَ عَلَى بَعِيرٍ وَعَشْرَةَ عَلَى بَعِيرٍ وَيَحْشَرُ بَقِيَّتَهُمُ النَّارُ ثَقِيلٌ مَعَهُمْ حَيْثُ قَالُوا وَتَبِيتُ مَعَهُمْ حَيْثُ بَاتُوا وَتُصْبِحُ مَعَهُمْ حَيْثُ أَصْبَحُوا وَتُمْسِي مَعَهُمْ حَيْثُ أُمْسُوا»^۱.

ترجمه: مردم در سه گروه، حشر خواهند شد: گروهی در بیم و امید به سر می برند، و گروهی دیگر هستند که هر دو نفر، سه نفر، چهار نفر و ده نفر آنان بر یک شتر، سوار اند. و باقی مانده آنان را که گروه سوم هستند، آتش آنها را جمع می کند، با ایشان می خوابد هر جا که بخوابند و با آنها شب می گذراند هر جا که شب گذرانند و صبح و شام با آنان می باشد.

و دو حشر دیگر در آخرت است، حشر سوم: حشر مردم در روز آخرت بسوی الله متعال برای حساب و کتاب است.

حشر چهارم: حشر مردم بسوی جنت یا جهنم است.^۲

موضوع بحث ما در این مبحث از جمله حشرهای آخرت، حشر سوم است که روز آخرت مردم بسوی الله متعال حشر می شوند.

در مورد ترتیب امور روز آخرت ابن تیمیه چنین ذکر کرده است: بعد از عالم بزرخ همه از قبرها برخاسته در پیشگاه رب العالمین، پالچ و برهنه و ناختنه ایستاد می شوند. آفتاب آنقدر نزدیک می شود که همه در عرق های خود غرق می شوند. ترازوی اعمال نصب کرده می شود و اعمال همه در آن وزن کرده می شود، پس ترازوی برخی ثقیل، و از برخی سبک می شود. صحیفه های اعمال نشر شده خود را برخی به دست راست، برخی به دست چپ می گیرند.

الله متعال بنده ها را محاسبه می کند. و بعد از آن در روز قیامت صراط (پلی میان بهشت و دوزخ) گذاشته می شود که هر یک طبق عملش بر آن می گذرد. کسی مانند پلک زدن چشم، مانند برق و باد و اسپ سوار و... می گذرند. عده به دوزخ می افتند، هر که از صراط گذشت او

^۱ صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب کیف الحشر، حدیث: 6522، ۱۰۹/۸

^۲ ببینید: التذکره فی احوال الموتی و امور الآخرة، ۱/۵۱۵-۱۲۰

به جنت داخل می شود. اولین کسی که به جنت داخل می شود محمد - ﷺ - است. و از جمله امتهای که به بهشت داخل می شوند، اولین امت داخل شونده امت محمد - ﷺ - است.^۱

از امام ابو حنیفه در این مورد چنین نقل شده است: «بعد از بعث و نشور و آنچه که از هول و شدت است مردم حشر کرده می شوند. اعمال آنها برای شان عرض می گردد و در ترازو وزن کرده می شود، سپس مرور بر صراط بوده به سوی بهشت پر نعمت و یا عذاب آتش بر گشته می شوند».^۲

در ترتیب امور روز آخرت از علماء تقدیم و تأخیر ذکر گردیده است؛ زیرا نصی صریح از قرآن و سنت در ترتیبش ذکر نگردیده است.

در روز قیامت بعد از نفخه دوم الله متعال همه مخلوقات را از قبرها برانگیخته دوباره زنده می کند و در زمین حشر جمع می کند، چنانچه می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ

يَسْأَلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا بُولَاقًا مِّنْ بَعَثْنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً

وَحِيدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ یس: ۵۱ - ۵۳

ترجمه: و (بار دیگر) در صور دمیده می شود، پس ناگهان ایشان از قبرها بیرون شده به سوی پروردگار خویش می شتابند. و می گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از این خوابگاه مان برانگیخت؟ این همان (واقعه) است که الله مهربان وعده داده بود، و پیغمبران راست گفتند. این نفخه جز یک صدای تندی بیش نیست، پس ناگهان همه ایشان در پیشگاه ما گرد آورده می شوند.

همچنان می فرماید: ﴿يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكُمْ حَشْرٌ عَلَيْكُمْ يُسِيرُ ﴿٤٤﴾ ق: ٤٤

ترجمه: روزی که زمین از روی مردگان باز می شود، و آنها به سرعت از قبرها بیرون می شوند، آن گردهمائی برای ما آسان است.

در مورد حشر حیوانات و پرنده ها این جریر دو قول را نقل کرده است:

^۱ مجموع الفتاوی لابن تیمیة، ۱۴۵/۳ و ۱۴۶
^۲ اصول الدین عند الامام ابو حنیفه، ۵۰۸/۱

قول اول: حدیث ابو هریره - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه است، الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا

مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ مِثْلُكُمْ مَا فَرَضْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾

﴿ الأنعام: ٣٨ ﴾

ترجمه: و هیچ جنبنده در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند نیست مگر این که گروه های مانند شما هستند، ما در کتاب (لوح محفوظ) هیچ چیزی را فرو گذاشت نکرده ایم، سپس همگی بسوی پروردگار شان جمع کرده می شوند.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «لَتُؤَدَّنَ الْخُفُوقُ إِلَىٰ أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّىٰ يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجُلُخَاءِ، مِنَ الشَّاةِ الْفَرَنَاءِ».^۱

ترجمه: بی گمان روز رستاخیز حق را به حقدار خواهید داد تا جایی که از حیوان شاخدار که به حیوان بی شاخی آزار رسانده است، نیز قصاص گرفته می شود.

ابن جریر طبری از ابو هریره رضی الله عنه به سند خود روایت می کند: الله متعال همه مخلوقات، زنده جانها، و حیوانات، و پرنده ها را در روز قیامت جمع می کند و عدل الله متعال به حدی می رسد که از حیوانات شاخ دار برای حیوانات بی شاخ قصاص می گیرد، سپس برایش می گوید: خاک شو. همین جاست که کافر می گوید: ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ كَيْفَ يَكُنْتُ تُرَابًا﴾ ﴿النبا: ٤٠﴾

ترجمه: و کافر از شدت آن روز می گوید: ای کاش خاک می بودیم!

به این آیه نیز استدلال می کنند، الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ ﴿التكوير: ٥﴾

ترجمه. و هنگامی که جانوران وحشی گردهم آورده شوند.

قول دوم: ابن عباس می گوید: مراد از حشر حیوانات مرگ آنها است. یعنی حیوانات حشر نمی شوند.^۲

^۱ صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب تحريم الظلم، حدیث: 2582، ۱۹۹۷/۴
^۲ ببینید: تفسیر الطبري، ۳۴۶/۱۱ و ۳۴۷

مطلب اول: زمین حشر

زمین حشر در دنیا زمین شام است، که حشر اول در آن صورت گرفته است، هنگامی که مسلمانان به امر رسول الله - ﷺ - یهود را از مدینه به سوی شام بیرون کردند، چنانچه ابن عباس - رضی الله عنه - می گوید: کسی که در مورد وقوع حشر اول در شام شک می کند، این آیه را بخواند: الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ﴾^۱

الحشر: ۲

ترجمه: او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین گردهمایی و برخورد، از خانه های شان بیرون کرد.

زیرا هنگامی که رسول الله - ﷺ - برای صحابه امر فرمود که یهود را بیرون کنید، آنها پرسیدند: بسوی کجا؟ ایشان فرمود: به سوی زمین حشر.^۱

وزمین حشر در روز آخرت همان زمین شام است، چنانچه معاویه - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - چنین روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ رَجَالًا وَرُكْبَانًا وَتَجْرُونَ عَلَى وُجُوهِكُمْ هَاهُنَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ الشَّامِ».^۲

ترجمه: شما پیاده و سوار و به روی کشانده اینجا حشر می شوید، و با دست مبارک به سوی شام اشاره کرد.

برخی گفته اند که یهود به سوی شام نه بلکه به سوی خیبر بیرون کرده شدند، اگر چنین باشد پس معنای حشر اول بیرون شدن یهود از قلعه های شان است و زمین حشر اول خیبر می باشد.^۳

^۱ ببینید: التذكرة في احوال الموتى و امور الآخرة، 515/1

^۲ صحيح الجامع الصغير وزيادته(الفتح الكبير)، حديث: ۲۳۰۲، ۴۵۶/۱

^۳ قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (متوفى: ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن، مشهور به تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، ناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، چاپ دوم، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴ م، ۲/۱۸

زمین حشر دوم که از علامات قیامت است، زمین شام است، چنانچه ابو هریره - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ تُضِيءُ أَعْنَاقَ الْإِبِلِ بِبُصْرَى»^۱.

ترجمه: تا زمانی که آتش از سرزمین حجاز پیدا نشود و روشنایی آن، گردن شترها را در بصری فرا نگیرد، قیامت برپا نخواهد شد.

بصری شهری در شام است.

حشر سوم که در روز آخرت است، آن حشر به روی این زمین صورت نمی گیرد بلکه الله متعال این زمین را در روز قیامت به زمین دیگری تبدیل می کند، چنانچه می فرماید: ﴿يَوْمَ تَبَدَّلُ

الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾ إبراهيم: ٤٨

ترجمه: در آن روزی که این زمین به زمین دیگری و آسمانها (به آسمانهای دیگری) تبدیل کرده می شوند، و به پیشگاه الله یگانه غالب حاضر شوند.

در مورد دگرگون شدن زمین ابن جریر از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایاتی نقل کرده است که زمین به زمین دیگری تبدیل می شود، که آن مانند سکه نقره سفید می باشد، در آن خونی ریختانده نشده است و نه در آن گناهی انجام یافته است، پس نخستین فیصله که در روز قیامت میان انسانها صورت می گیرد، در مورد خونها یعنی قتلها است و روایتی دیگری از علی - رضي الله عنه - نقل می کند که زمین از نقره و جنت از طلا می باشد.^۲

ألوسی می گوید: قول علی - رضي الله عنه - محتمل بر تشبیه است. (یعنی زمین مانند نقره سفید می گردد) و ممکن مراد از این تبدیلی، دگرگونی خاص باشد. الله متعال به حقیقت آن دانا تر است.^۳

^۱ صحیح البخاری، کتاب الفتن، باب باب خُروج النَّارِ وَقَالَ أَنَسُ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ نَارٌ تَخْشُرُ النَّاسَ مِنْ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ، حدیث: 7118، 58/9

^۲ ببینید: تفسیر الطبری، 48/17

^۳ ببینید: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، 239/7 و 240

علی - رضی الله عنه - به این حدیث استدلال کرده است: سهل بن سعد - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - را شنیدم که فرمود: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ بَيْضَاءَ عَفْرَاءَ كَقَرْصَةِ نَقِيٍّ»^۱.

ترجمه: روز قیامت مردم روی زمینی کاملاً سفید که مانند نان آرد بدون سبوس است حشر خواهند شد. راوی می گوید: و هیچ کس در آن زمین خط و نشانی ندارد.

ابن حجر می گوید: زمین حشر نسبت به این دنیا بزرگتر است. و حکمت در چنین وصف آن زمین این است که آن روز، روز عدل و ظهور حق است، پس حکمت تقاضا می کند که آن زمین پاک از معاصی و ظلم باشد.^۲

همچنان از ابو سعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که نبی اکرم - ﷺ - فرمود: «تَكُونُ الْأَرْضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُبْرَةً وَاحِدَةً يَتَكَفَّوْهَا الْجَبَّارُ بِيَدِهِ كَمَا يَكْفَأُ أَحَدُكُمْ حُبْرَتَهُ فِي السَّفَرِ نَزْلاً لِأَهْلِ الْجَنَّةِ فَأَتَى رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ فَقَالَ بَارَكَ الرَّحْمَنُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَلَا أُحْبِرُكَ بِنُزُلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ بَلَى قَالَ تَكُونُ الْأَرْضُ حُبْرَةً وَاحِدَةً كَمَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَيْنَا ثُمَّ ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ»^۳.

ترجمه: زمین در روز قیامت به یک قرص نان تبدیل می شود و الله جبار آنرا با دست اش می گرداند و بعنوان مهمانی به اهل بهشت تقدیم می نماید، همانطور که یکی از شما نانی را که در سفر می یزد، از این دست به آن دست می کند و جمع و جور می نماید.

پس از آن مردی از یهودیان آمد و گفت: ای ابو القاسم! الله تو را مبارک گرداند. آیا از مهمانی اهل بهشت در روز قیامت، تو را مطلع نسازم؟ فرمود: (بلی). آن مرد همانگونه که نبی اکرم - ﷺ - فرموده بود، گفت: زمین به یک قرص نان تبدیل می شود. نبی اکرم - ﷺ - بسوی ما نگاه کرد و خندید تا جایی که دندانهای مبارکش، آشکار شد.

الف: مکان مردم در روز دگرگونی زمین

مراد از مردم: کسانی که در آن وقت زنده می باشند نه کسانی که فوت کرده اند.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب يُقْبَضُ اللَّهُ الْأَرْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حدیث: 6521، 109/8

^۲ ببینید: فتح الباری لابن حجر، ۱۴۶/۴

^۳ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب يُقْبَضُ اللَّهُ الْأَرْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حدیث: 6520، 108/8

مردم در آن زمان نزدیک پل صراط می باشند.

در حدیث طویل ثوبان - رضي الله عنه - برده آزاد شده رسول الله - ﷺ - می گوید: یکی از دانشمندان یهودی نزد رسول الله - ﷺ - آمد، ضمن پرسشهایش پرسید: روزی که آسمانها و زمین دگرگون می شوند، مردم کجا خواهند بود؟ رسول الله - ﷺ - فرمود: «هُمْ فِي الظُّلْمَةِ دُونَ الجِسْرِ»^۱.

ترجمه: آنها در تاریکی نزدیک پل صراط خواهند بود.

مطلب دوم: احوال دنیا در روز حشر

الف: احوال آسمان ها و زمین در روز حشر

زمین در روز رستاخیز می جنبد و سخت تکان می خورد، همان گونه که می فرماید: ﴿يَأْتِيهَا

النَّاسُ أَتْفُؤُا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾ الحج: ۱

ترجمه: ای مردم! از پروردگار خویش بترسید (وقیامت را بیاد آورید) واقعاً زلزله رستاخیز چیز بزرگ (و حادثه دهشت انگیز) است.

و الله متعال زمین را در قبضه خود گرفته، آسمانها را با دست راست اش (که ما کیفیت آن را نمی دانیم) در هم می پیچد، چنانچه می فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ الزمر: ۶۷

ترجمه: و مشرکان به گونه که می بایست الله را نشناختند، در حالی که (الله ذاتی است) روز قیامت کره زمین همه در قبضه او قرار دارد، و آسمانها به دست راست او دره پیچیده می شود، پاک و برتر است از آنچه که به او شریک قرار می دهند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب ، بابُ بَيَانِ صِفَةِ مَنِي الرَّجُلِ، وَالْمَرَاةِ وَأَنَّ الْوَلَدَ مَخْلُوقٌ مِنْ مَائِهِمَا ، حدیث: ۳۱۰، ۲۵۲/۱

سپس درهم پیچیدن آسمان را با درهم پیچاندن نامه تشبیه نموده چنین تعبیر می کند: ﴿يَوْمَ نَطْوِي

السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ ﴿١٥﴾﴾ الأنبياء:

۱۰۴

ترجمه: روزی که آسمانها را درهم می پیچانیم همانند در هم پیچاندن نامه بر آنچه که در آن نوشته شده است، همانطوری که نخستین راز آفرینش را آغاز نمودیم، آن را اعاده خواهیم کرد، این وعده است که بر ما لازم است، قطعاً ما (آن را) به انجام می رسانیم.

احادیث پیامبر - ﷺ - نیز در هم پیچیدن آسمان و در دست گرفتن زمین را بیان کرده است، چنانچه ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: از رسول الله - ﷺ - شنیدم که فرمود: «يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ وَيَطْوِي السَّمَاءَ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيَّنَ مُلُوكِ الْأَرْضِ».^۱

ترجمه: روز قیامت الله متعال زمین را قبض می کند و آسمانها را به دست راستش در هم می پیچد، سپس می فرماید: من پادشاه هستم، پادشاهان زمین کجا هستند؟

ابن عمر - رضی الله عنهما - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «يَطْوِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَوَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيَّنَ الْجَبَّارُونَ أَيَّنَ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ يَطْوِي الْأَرْضِينَ بِشِمَالِهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيَّنَ الْجَبَّارُونَ أَيَّنَ الْمُتَكَبِّرُونَ».^۲

ترجمه: روز قیامت الله متعال آسمانها را درهم می پیچد و به دست راستش می گیرد و می فرماید: من پادشاه هستم، جباران و متکبران کجا هستند؟ همچنین زمین را به دست چپش درهم می پیچد و می فرماید: من پادشاه هستم، جباران و متکبران کجا هستند؟

ب: احوال زمین و کوه ها در روز حشر

در روز قیامت زمین میلرزد و کوه ها ذره ذره می گردد، قرآن کریم احوال زمین را در روز حشر چنین به تصویر می کشد و می فرماید: ﴿فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَاحِدَةً ﴿١٣﴾ وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

فَذُكَا ذِكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾﴾ الحاقة: ۱۳ - ۱۵

^۱ صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حدیث: ۶۵۱۹، ۱۰۸/۸
^۲ صحیح مسلم، کتاب صفة القيامة والجنة والنار، باب ۱۴، حدیث: ۲۷۸۸، ۲۱۴۸/۴

ترجمه: پس هنگامی که یک مرتبه در صور دمیده شود. و زمین و کوهها از جای برداشته شوند و یکبار در هم کوبیده شوند. پس در آن روز قیامت به وقوع می پیوندد.
 الله متعال زره زره شدن کوه ها را با مثال های مختلف ذکر کرده است:

الله رب العزت می فرماید: ۱- ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

﴿لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾ طه: ۱۰۵ - ۱۰۷

ترجمه: و(ای پیغمبر! منکران قیامت) از تو در باره کوهها می پرسند، بگو: پروردگارم آنها را کاملا بر هوا پراکنده می سازد. پس زمین را میدان صاف می گذارد. در آن هیچ گونه پستی و بلندی را نمی بینی.

۲- ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ القارعة: ۵

ترجمه: و کوهها همسان پشم حلاجی شده می شوند.

۳- ﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ النبأ: ۲۰

ترجمه: و کوهها روان کرده می شوند، و همانند سراب بزرگی می گردند.

۴- ﴿وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾ المرسلات: ۱۰

ترجمه: و هنگامی که کوه ها از جای بر کنده شوند.

ج: احوال بحر ها در روز رستاخیز

بحر ها در آن روز انفجار داده می شوند و به هم پیوست شده افروخته می شوند الله متعال می

فرماید: ۱- ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ الانفطار: ۳

ترجمه: و هنگامی که دریاها منفجر شده به هم پیوست شوند.

۲- ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ التکویر: ۶

ترجمه: و هنگامی که دریاها افروخته شوند.

د: احوال آسمانها در روز رستاخیز

آسمان در آن روز به حرکت میاید و پاره می گردد. الله متعال در آیات مختلف با تعبیرهای

مختلف بیان کرده است: چنانچه می فرماید: ۱- ﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ الطور: ۹

ترجمه: روزی که آسمان سخت به هم می پیچد و حرکت می کند.

۲- ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾ الانفطار: ۱

ترجمه: هنگامی که آسمان پاره شود.

۳- ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ﴾ الانشقاق: ۱ - ۲

ترجمه: هنگامی که آسمان می شگافد. و فرمان پروردگارش را اطاعت می کند و سزاوار است که چنین کند.

۴- ﴿وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فِيهِ يَوْمَئِذٍ وَهِيَّةٌ﴾ الحاقة: ۱۶

ترجمه: و آسمان از هم می شگافد، پس در آن روز آسمان سست و استوار شونده است.

۵- ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ التکویر: ۱

ترجمه: و هنگامی که آسمان همچو پوست برکنده شود.

۶- ﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ النبا: ۱۹

ترجمه: و آسمان گشوده می شود، پس دروازه ها در آسمان باز می گردد.

ه: احوال ستاره ها در روز رستاخیز

آفتاب و مهتاب و ستاره ها بی نور گردیده فرو می ریزد. چنانچه الله ذوالجلال می فرماید: ۱- ﴿

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ التکویر: ۱ - ۲

ترجمه: هنگامی که خورشید در هم پیچانده شود. و هنگامی که ستارگان فروریزند.

۲- ﴿وَإِذَا الْكُوكَبُ اُنْتَثَرَتْ ﴿٣﴾ الانفطار: ۲

ترجمه: و هنگامی که ستاره گان فروریزد.

۳- ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ إِنَّ الْمَقْرُ ﴿١٠﴾ القيامة: ۷ - ۱۰

ترجمه: پس هنگامی که چشمها دهشت زده و آشفته شود. و ماه تیره و بی نور گردد. خورشید و ماه یکجا جمع کرده شوند. انسان در آن روز می گوید: جای گریز کجاست؟

ابن عمر- رضی الله عنه - از نبی - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُ رَأَى عَيْنٍ فَلْيَقْرَأْ: إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، وَإِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ، وَإِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ»^۱.

ترجمه: هر کسی خوش داشته باشد که به سوی قیامت چنان ببیند که گویا آنرا به چشمش مشاهده می کند، سوره (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ) را بخواند.

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر - ﷺ - فرمود: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مُكْوَرَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

ترجمه: روز قیامت، خورشید و ماه به هم پیچیده می شوند و نورشان از بین می رود.

قرطبی در شعری زیبا احوال روز آخرت را به تصویر کشیده است:

مثل لنفسك أيها المغرور ... يوم القيامة والسماء تمور

إذ كورت شمس النهار وأدنت ... حتى على رأس العباد تسير

وإذا النجوم تساقطت وتناثرت ... وتبدلت بعد الضياء كدور

^۱ سنن الترمذی، ابواب التفسیر، باب وَمِنْ سُورَةِ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، حدیث: ۳۳۳۳، ۴۳۳/۵. سلسلة الاحادیث الصحیحة، حدیث: ۱۰۸۱، ۶۹/۳

^۲ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب فی النجوم، حدیث: ۳۲۰۰، ۱۰۸/۴

وإذا البحار تفجرت من خوفها ... ورأيتها مثل الجحيم تفور
وإذا الجبال تقلعت بأصولها ... فرأيتها مثل السحاب تسير
وإذا العشار تعطلت وتخربت ... خلت الديار فما بها معمور
وإذا الوحوش لدى القيامة أحشرت ... وتقول للأملاك أين نسير
وإذا تقاة المسلمين تزوجت ... من حور عين زانهن شعور
وإذا الموءودة سئلت عن شأنها ... وبأي ذنب قتلها ميسور
وإذا الجليل طوى السما بيمينه ... طي السجل كتابه المنشور
وإذا الصحائف عند ذاك تساقطت ... تبدى لنا يوم القصاص أمور
وإذا الصحائف نشرت فتطايرت ... وتهنكت للمؤمنين ستور
وإذا السماء تكشطت عن أهلها ... ورأيت أفلاك السماء تدور
وإذا الجحيم تسعرت نيرانها ... فلها على أهل الذنوب زفير
وإذا الجنان تزخرفت وتطيبت ... لفتى على طول البلاء صبور
وإذا الجنين بأمه متعلق ... يخشى القصاص وقلبه مذعور
هذا بلا ذنب يخاف جناية ... كيف المصر على الذنوب دهور¹

ترجمه: ای شخص مغرور و فریب خورده برای نفس خود روز قیامت و روزی را که آسمان می
جنبد تمثیل نما آن را بعدا در ذهنت تصور کن

و زمانی را بخاطرت بیاور که آفتاب روز، باهم بپیچد حتی بالای سر بندگان به گردش آید
و زمانی را بخاطر بیاور که ستارگان بیافتند و از هم بپاشند، بعد از روشنی تاریک شوند
و زمانی را بخاطر بیاور که بحر ها از ترس آن روز منفجر شوند و ببینی که مانند دوزخ فواره
کنند

و زمانی را بخاطر بیاور که کوه ها از بیخ کنده شوند و ببینی که مانند ابر در حرکت باشند
و زمانی را بخاطر بیاور که اشتران با حمل اش معطل گردند و خراب شوند و تمام شهرها و
دهات از عمران و آبادی خالی شوند

¹ التذكرة في احوال الموتى و امور الاخرة، ۵۴۵/۱ و ۵۴۶

و زمانی را بخاطر بیاور که حیوانات وحشی جمع کرده شوند و به زمین بگویند که کجا برویم
و زمانی را بخاطر بیاور که مسلمانان پرهیزگار یا حوران چشم سیاه ازدواج کنند که درد شان
احساس و شعور است

و زمانی را بخاطر بیاور که اطفال زنده بگور شدگان از حال شان پرسان شوند که به کدامین گناه
کشته شدند

و زمانی را بخاطر بیاور که الله بزرگ را آسمان را با دست راستش بیچاند مانند پیچاندن کتاب
نشر شده

و زمانی را بخاطر بیاور که نامه های اعمال توزیع شود، روز قصاص را به ما نمایان کند

و زمانی را بخاطر بیاور که نامه های اعمال به پرواز آیند و پرده ها برداشته شود به مؤمنین

و زمانی را بخاطر بیاور که آسمان پوست کرده شود از ساکنانش و میبینی که برجهای آسمان
دور می خوردند

و زمانی را بخاطر بیاور که آتش دوزخ شعله ور شود درین حال دوزخ صدای مخصوص شعله
را به گنهکاران بلند می کند

و زمانی را بخاطر بیاور که جنت ها برای جوانان صبور در برابر ابتلاء طولانی خود را مزین
و خوشبو سازند

و زمانی را بخاطر بیاور که طفل نوزاد، خود را به مادر می پیچاند و از قصاص می هراسد و
قلبش لرزان است

این طفل بی گناه از گناه می ترسد، کسی که مدت ها بر گناهان مصر بودند چگونه اند و به چه
حالت قرار خواهند داشت

مطلب سوم: بیان احوال مردم در روز حشر

احوال مردم در روز حشر از یک فرد با فرد دیگر نظر به موارد آتی تفاوت دارد:

۱- عقیده شخص

۲- عمل شخص

۳- عمر شخص

اما علی رغم این بعضی حالات و احوالی است که شامل همه مردم می گردد. آن موارد قرار ذیل می باشد:

۱- هیبت و هراس آن روز

۲- پراکنده شدن مردم

۳- فراموش کردن اهل و عیال و دوستان

۴- مصروف شدن هر شخص به نتیجه اعمال خود

و برخی احوال دیگر که همه این حالات بعد از برانگیختن مردم از قبرهای شان اتفاق می افتد و قرآن سیمای آن روز را چنین بیان می کند:

۱- ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾﴾ القارعة: ٤

ترجمه: روزی است که مردمان همچون پروانگان پراکنده میگردند ولی عذاب الله سخت است.

هر فرد به فکر خود افتیده مادر و پدر و فرزند و خویشاوندان و دوستان همه را ترک کرده از

هم می پاشند، چنانچه الله ذو الجلال می فرماید: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَحْبَتِهِ

وَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ أُمَّرِيٍّ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾﴾ عبس: ٣٤ - ٣٧

ترجمه: روزی که انسان از برادر خود می گریزد. و از مادر و پدرش. و از زن و فرزندانش.

برای هر انسانی از ایشان در آن روز، وضعی است که او را از دیگران بی نیاز می سازد.

هیبت و هراس آن روز آنقدر شدید می باشد که خانمهای بار دار حمل خود را وضع می کنند و

مردم از شدت ترس مست به نظر می رسد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ

مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ

اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ الحج: ٢

ترجمه: روزی که آن را می بینید (در آن روز مردم را چنان هول و دهشت فرا می گیرد که) هر زن شیر دهنده، کودک شیر خواره اش را فراموش می کند و هر زن باردار (از شدت بیم و هراس) بارش را می نهد و مردم را (در آن روز) مست می بینی در حالی که مست نیستند، و لیکن عذاب الله سخت است.

داعی از جانب الله همه مردم را بسوی محشر و حساب و کتاب می خواند. همه مردم از پی او می روند. خاموشی و ترس همه را فرا می گیرد، چنانچه الله ذوالجلال می فرماید: ﴿يَوْمَ يَذِرُ

يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَأَعْوَجَ لَهُ، وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾ طه: ١٠٨

ترجمه: در آن روز داعی الهی را پیروی می کنند که از آن انحراف و میلانی نمی کنند و آوازه ها همه (از هیبت و جلال الله) برای او فروکش می کند و جز صدای آهسته (چیزی) نمی شنوی.

پس همه مردم در پیشگاه پروردگارشان ایستاده می شوند و هیچ کسی در آن روز نشسته نیست،

الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ المطففين: ٦

ترجمه: روزی که مردمان برای پروردگار جهانیان ایستاده می شوند.

در آن روز تمام مردم برهنه، پا لچ و ناختنه حشر می شوند، چنانچه از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاءَ عُرَاءَ غُرْلًا» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ النَّسَاءُ وَالرِّجَالُ جَمِيعًا يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَائِشَةُ الْأَمْرُ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَنْظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ»^١.

ترجمه: پا برهنه، لچ و بدون ختنه، حشر خواهید شد. عائشه - رضی الله عنها - می گوید: گفتیم: ای رسول الله! مردان و زنان باهم حشر می شوند و به یکدیگر، نگاه می کنند؟ فرمود: مسئله دشوارتر از آن است که کسی در این فکر باشد. (به یکدیگری نگاه کند).

^١ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب قضاء الدنيا و بيان الحشر يوم القيامة، حديث: 2859، ٢١٩٤/٤

در روایت دیگر از رسول الله - ﷺ - چنین روایت شده است که ایشان فرمود: «إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ رَجَالًا وَرُكْبَانًا وَتُجْرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِكُمْ».^۱

ترجمه: شما پیاده و سوار حشر کرده می شوید و بر روهای تان کش کرده می شوید.

در برخی حالات دیگر مردم از همدیگر متفاوت می باشند، الله رب العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ يَفْحُ

فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ ﴿النبا: ۱۸

ترجمه: روزی که در صور دمیده می شود، پس شما گروه گروه (به سوی محشر) می آئید.

برخی گفتند: مراد از گروه گروه شدن مردم این است که هر امتی با پیامبرش حشر می شود؛

زیرا الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمِهِمْ﴾ ﴿الإسراء: ۷۱

ترجمه: روزی را به یاد آورید که هر گروهی را با پیشوای ایشان فرا خوانیم.^۲

اگر مراد پیشوای هر گروه باشد، پس پیشوای مومنان انبیاء و پیشوای کفار بزرگان شان هستند.

چهره های مؤمنان در آن روز سفید و تابان بوده از کافران سیاه و تاریک است، ذلت آنها را می

پوشاند، الله رب العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ﴾ ﴿آل عمران: ۱۰۶

ترجمه: در روزی که چهره هائی سفید و چهره هائی سیاه می گردند.

مقداد بن اسود می گوید: شنیدم که رسول الله - ﷺ - می فرمود: «تُذَنَّبِي الشَّمْسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ الْخَلْقِ حَتَّىٰ تَكُونَ مِنْهُمْ كَمَقْدَارِ مِيلٍ». قَالَ سَلِيمُ بْنُ عَامِرٍ فَوَاللَّهِ مَا أَدْرِي مَا يَعْنِي بِالْمِيلِ أَمْسَافَةً الْأَرْضِ أَمْ الْمِيلَ الَّذِي تُكْتَحَلُ بِهِ الْعَيْنُ. قَالَ: «فَيَكُونُ النَّاسُ عَلَىٰ قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ فِي الْعَرَقِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَكُونُ إِلَىٰ كَعْبِيهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَكُونُ إِلَىٰ رُكْبَتَيْهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَكُونُ إِلَىٰ حَقْوَيْهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يُلْجِمُهُ الْعَرَقُ الْجَامًا». قَالَ وَأَشَارَ رَسُولُ اللَّهِ - ﷺ - بِيَدِهِ إِلَىٰ فِيهِ.^۳

^۱ صحیح سنن الترمذی، حدیث: ۲۴۲۴، ۵۷۶/۲

^۲ تفسیر الطبری، ۱۵۷/۲۴

^۳ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب في صفة يوم القيامة أعاننا الله على أهوالها، حدیث: 2864، ۲۱۹۶/۴

ترجمه: روز قیامت خورشید به اندازه یک میل به انسان ها نزدیک می شود. سلیم بن عامر می گوید: سوگند به الله نمی دانم که هدفش میلی بود که مسافت زمین را با آن اندازه می گیرند یا میلی بود که با آن سرمه در چشم می کنند.

پس مردم به اندازه اعمال شان در عرق، فرو می روند؛ بعضی از آنان تا بجلک ها، بعضی دیگر تا زانوها و تعدادی تا کمر در عرق، فرو می روند. و گروهی را هم عرق افسار می کند. و رسول الله - ﷺ - با دست به دهنش اشاره نمود، (عرق به دهانشان می رسد).

اینها همه دلیل بر متفاوت بودن حال یک فرد با فرد دیگر است.

الف: برخی احوال مؤمنان در روز حشر

روز آخرت الله متعال مؤمنان را از هراس در امن نگه می دارد. الله منان می فرماید: ۱- ﴿مَنْ جَاءَ

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُوَ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامُونَ ﴿۸۹﴾ النمل: ۸۹

ترجمه: هر کسی (روز قیامت) با خود نیکی آورد، پس برای او پاداش بهتر از آن نیکی است، و ایشان از هراس آن روز در امن می باشند.

۲- ﴿الْآيَاتِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۶۲﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۶۳﴾ لَهُمْ

الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ﴿۶۴﴾ یونس: ۶۲ - ۶۴

ترجمه: آگاه باشید بر دوستان الله ترسی نیست و نه اندوهگین می شوند. کسانی اند که ایمان آورده اند و (از مخالفت فرمان الهی) پرهیز کرده اند. برای آنها در زندگی دنیا و آخرت بشارت است.

زیرا ملائکه آنها را استقبال می کنند. الله متعال می فرماید: ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ

وَتَتَلَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَ كُفِّرُوكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۱۰۳﴾ الأنبياء: ۱۰۳

ترجمه: هراس بزرگ قیامت ایشان را غمگین نمی سازد و فرشتگان استقبال شان می کنند (و برای شان می گویند) این همان روزی است که وعده داده می شدید.

پس آنها نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند. الله منان می فرماید: ﴿وَيَجِيءُ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا

بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ الزمر: ٦١

ترجمه: و الله پرهیزگاران را با رستگاری شان رهایی می بخشد، که به ایشان نه سختی می رسد و نه اندوهگین می شوند.

چهره های مومنان در آن روز سفید، درخشان و خوشحال اند. الله تعالی می فرماید: ١- ﴿وَجُوهٌ

يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾ عبس: ٣٨- ٣٩

ترجمه: چهره هایی در آن روز درخشان اند. خندان و شادمان اند.

٢- ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضتْ وُجُوهُهُمْ فَبِإِذْنِ اللَّهِ رَحْمَةً لِّلَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ آل عمران: ١٠٦- ١٠٧

ترجمه: در روزی که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می گردند، پس آنانی که چهره های شان سیاه گردیده است (به آنان گفته می شود) آیا بعد از ایمان تان کافر شدید؟ پس بچشید عذاب را به سبب کفرتان. و آنانی که چهره های شان سفید است در رحمت الله قرار دارند و ایشان در آنجا جاویدان خواهند ماند.

٣- ﴿فَوَقَّهٗمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهٗمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿٨٥﴾ الإنسان: ١١

ترجمه: پس الله آنها را از سختی آن روز ننگه می دارد و به ایشان تازگی و خوشحالی عطا می کند.

مومنان برخلاف کافران با عزت و اکرام حشر می شوند. الله رب العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ

الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدَا ﴿٨٥﴾ مریم: ٨٥

ترجمه: روزی که پرهیزگاران را بسوی رحمان به صورت گروه‌ها (بی که برای مهمانی می‌روند، با عزت و اکرام) بر می‌انگیزیم.

مؤمنان پیش روی شان نور و روشنایی می‌باشد که در آن به راحتی راه می‌روند. الله کریم می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ تُسْرِكُوا الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ الحديد:

ترجمه: روزی را که مردان و زنان مومن را خواهی دید که (بسوی بهشت حرکت می‌کنند)، در حالیکه نور ایمان پیشاپیش ایشان، و از طرف راست ایشان می‌درخشد، (برای شان) گفته می‌شود: مژده باد شما را امروز، بوستانهایی که می‌رود از زیر درختانش جویها، در آن جا جاویدان خواهید ماند، این پیروزی بزرگ است.

حالات مؤمنان نیز در روز قیامت بنا بر اعمال شان متفاوت می‌باشد، الله متعال برای برخی از مؤمنان امتیازات عطا نموده است، چنانچه ابو هریره - رضی الله عنه - روایت می‌کند که رسول اکرم - ﷺ - فرمود: «سَبْعَةٌ يُطَّلَعُ اللَّهُ تَعَالَى فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَدْلٌ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ»^۱.

ترجمه: الله هفت گروه را روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او وجود ندارد، در زیر سایه‌ی خود جای می‌دهد. ۱- فرمانروای عادل. ۲- جوانی که در سایه‌ی بندگی الله رشد یافته باشد. ۳- کسی که همواره دل بسته مسجد باشد. ۴- دو مسلمانی که تنها به خاطر خوشنودی الله با یکدیگر دوست باشند و برای خوشنودی الله، با هم جمع یا از یکدیگر جدا می‌شوند. ۵- کسی که زنی زیبا و صاحب مقام او را به فحشا بخواند ولی او نپذیرد و بگوید: من از الله می‌ترسم. ۶- کسی که با دست راستش طوری صدقه دهد، که دست چپش نداند. ۷- کسی که در تنهایی به یاد الله باشد و از ترس او اشک بریزد.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الزکاة، باب الصدقة باليمين، حديث: ۱۴۲۳، ۱۱۱/۲

امت محمد - ﷺ - را بر امت های دیگر امتیاز داده است، چنانچه از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت روایت است که نبی اکرم - ﷺ - فرمود: «إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يُطِيلَ عُزَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ».^۱

ترجمه: در روز رستاخیز امت من در حالی فرا خوانده می شوند که بر اثر وضوء اعضای وضو و پیشانی شان درخشان است.

الله متعال عده را با برخی اعمال دیگر شان امتیاز بخشیده است، مانند مؤذن، چنانچه معاویه - رضی الله عنه - روایت کرده است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۲

ترجمه: مؤذنان در روز رستاخیز بلند ترین گردن ها را دارند.

همین طور برخی را در عوض نیکی با دیگران برتری داده است، ابن عمر - رضی الله عنه - نقل می کند که پیامبر - ﷺ - فرمود: «وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۳

ترجمه: و کس در دنیا مشکلی از مشکلات مسلمانی را بر طرف سازد، الله مشکلی از مشکلات رستاخیز او را بر طرف می سازد. هر کس عیب مسلمانی را در دنیا پنهان نماید، الله در دنیا و آخرت عیوب او را پنهان می کند.

از شداد بن اوس روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَجْمَعُ لِعِبَادِي أَمْنَيْنِ وَلَا خَوْفَيْنِ إِنَّ هُوَ أَمْنِي فِي الدُّنْيَا أَحْفَنُهُ يَوْمَ أَجْمَعُ عِبَادِي وَإِنْ هُوَ خَافَنِي فِي الدُّنْيَا أَمْنْتُهُ يَوْمَ أَجْمَعُ عِبَادِي».^۴

ترجمه: الله - ﷻ - می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی ام، من برای بنده خود دو امنیت و دو ترس را جمع نمی کنم. اگر بنده در دنیا از من نترسد و فکر کند که در امان است، روز حشر او را از خود می ترسانم و اگر در دنیا از من بترسد، روز حشر او را در امان قرار خواهم داد.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الوضوء، باب فَضْلِ الْوُضُوءِ وَالْعُرِّ الْمُحَجَّلُونَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ، حدیث: ۱۳۶، ۳۹/۱

^۲ صحیح مسلم، کتاب الصلاة، بابُ فَضْلِ الْأَذَانِ وَهَرَبِ الشَّيْطَانِ عِنْدَ سَمَاعِهِ، حدیث: ۳۸۷، ۲۹۰/۱

^۳ صحیح البخاری، کتاب المظالم، باب لَا يَظْلِمُ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ وَلَا يُسْلِمُهُ، حدیث: ۲۴۴۲، ۱۲۸/۳

^۴ السلسلة الاحاديث الصحيحة، حدیث: ۷۴۲، ۳۶۷/۱

ابو هریره - رضی الله عنه - روایت می کند رسول اکرم - ﷺ - فرمود: «كُلُّ كَلِمٍ يُكَلِّمُهُ الْمُسْلِمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَكُونُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَيْئَتِهَا إِذْ طُعِنَتْ تَفَجَّرُ دَمًا لَلْوُنْ لَوْنُ الدَّمِ وَالْعَرْفُ عَرَفُ الْمِسْكِ»^۱.

ترجمه: هر زخمی که مسلمان در راه الله می بردارد، در روز قیامت به همان حالتی که زخمی شده خونش جاری، حشر می شود، که خون او رنگ خون است و بوی مشک می دهد.

ب: برخی احوال کافران در روز حشر

چشم های کافران در روز حشر از ترس و شرم زیر افتاده و ذلیل، شتابان می دوند. الله ذو الجلال می فرماید: ۱- ﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُؤْفُضُونَ ﴿٤٣﴾ خَشَعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِفُهُمْ

ذَلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾ المعارج: ٤٣ - ٤٤

ترجمه: روزی که از قبرها شتابان بیرون می شوند، گویا ایشان بسوی بتان می دوند. درحالی که چشمان شان (از ترس و شرمساری) به زیر افتاده است، خواری و ذلت آنها را فرا می گیرید، این همان روزی است که وعده داده می شدند.

۲- ﴿خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَانَهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾ القمر: ٧

ترجمه: در حالی که چشمهای شان به زیر انداخته و شرمسار است، از قبرها بیرون می شوند گویا اینکه ملخهای پراکنده اند. شتابان بسوی فراخواننده (الهی) می روند، کافران می گویند: امروز روز بسیار سخت است.

۳- ﴿يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾ طه: ١٠٢

ترجمه: روزی که در صور دمیده می شود، و گنهگاران را در آن روز (با چهره ها و اندامهای) کبود رنگ بر می انگیزیم.

۴- ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ النمل: ٨٣

^۱ صحیح مسلم، کتاب الإمارة، بابُ فضل الجهاد والخروج في سبيل الله، حديث: 1497/3، 1876

ترجمه: و روزی که از میان هر امتی، گروهی از کسانی را گرد هم می آوریم که آیت‌های ما را تکذیب می کردند، پس ایشان باز داشته می شوند (تا همه ایشان به یکدیگر ملحق شوند).

۵- ﴿وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ ﴿٤٢﴾﴾ عبس: ۴۰-۴۲

ترجمه: و چهره هایی در آن روز غبار آلوده اند. سیاهی آنها را می پوشاند. آنان همان کافران بدکار اند.

کافران با زنجیرها بسته می شوند. الله ذوالجلال می فرماید: ﴿وَتَرَى الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي

الْأَصْفَادِ ﴿٤٩﴾﴾ ابراهیم: ۴۹

ترجمه: در آن روز گنهگاران را در زنجیرها بسته می بینی.

کفار بر خلاف مؤمنان بر چهره هایشان حشر می شوند. الله ذوالجلال می فرماید: ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ

فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلَّلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمَّآ

مَا وَلَّهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾﴾ الإسراء: ۹۷

ترجمه: و هر کس را الله تعالی گمراه سازد پس برای آنها جز الله دوستان نخواهی یافت و ایشان را روز قیامت بر روی هایشان در حالی که نا بینا و گنگ و کردند، حشر می کنیم، و جایگاه ایشان دوزخ است، هر گاه آتش دوزخ برای شان فرو نشیند، شعله آتش را برای شان می افزاییم.

حدیث پیامبر - ﷺ - نیز همین مفهوم را بیان نموده است. از انس - رضی الله عنه - روایت است که مردی گفت: ای پیامبر الله! چگونه کافر در روز قیامت بر چهره اش حشر می شود؟ رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَلَيْسَ الَّذِي أَمْشَاهُ عَلَى الرَّجْلَيْنِ فِي الدُّنْيَا قَادِرًا عَلَىٰ أَنْ يُمَشِّيَهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قَالَ قَتَادَةُ بَلَىٰ وَعِزَّةُ رَبِّنَا.^۱

^۱ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، بَابُ يُحْشَرُ الْكَافِرُ عَلَىٰ وَجْهِهِ ، حدیث: 2806، ۴/۲۱۶۱

ترجمه: آیا الله متعال که در دنیا او را به وسیله ی پاهایش به حرکت در می آورد، این توانایی را ندارد که روز قیامت او را بر چهره اش به حرکت در آورد؟ قتاده که یکی از راویان است، گفت: بلی، سوگند به عزت پروردگارمان.

مبحث سوم: بیان شفاعت و محاسبه در قرآن و سنت

مطلب اول: شفاعت و انواع آن

الف: شفاعت در لغت

کلمه (الشفع) به معنای جفت ضد وتر (تنها) است.

شفاعت خواستن حاجت شخص دیگری از پادشاهی یا صاحب صلاحیت را گوید. چه برای جلب منفعت آن شخص باشد و یا دفع ضرر از وی باشد. و (شافع) طلب کننده برای غیر را گوید.

ابن منظور^۱ از برخی اهل لغت نقل می کند: شفاعت به معنای دعا نیز می باشد.^۲

دعا نیز معنای شفاعت را می رساند، زیرا برای کسی از الله متعال چیزی طلب کردن است.

الله متعال می فرماید: ﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِمَّا وُضِعَ مِنَ الشَّفَاعَةِ سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ

كِفْلٌ مِمَّا وُكِّنَ لِلَّهِ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿۸۵﴾ النساء: ۸۵

ترجمه: هر کس به کار نیکی سفارش کند، او را از ثواب آن حصه می باشد و هر کسی به کار بدی سفارش کند او را از عذاب آن سهمی می باشد و الله بر هر چیز توانا است.

ب: شفاعت در اصطلاح

طلب بخشش از کسی که در حقیقت گناهی صادر شده است، برای کسی که انجام داده است.^۳

^۱ ببینید: ابن منظور: محمد بن مکرم الأنصاري الرويفعي جمال الدين القاضي المنشي، صاحب لسان العرب، ادیب مشهور بود. تاریخ ابن عساکر را اختصار نموده است. گفته شده در او مذهب تشیع دیده می شد. در سال ۷۱۱ ه قوتیده است. (الهجرانی حصرمی، أبو محمد الطیب بن عبد الله بن أحمد بن علي بامخرمة، الهجراني الحصرمي الشافعي (۸۷۰ - ۹۴۷ ه)، قلادة النحر في وفيات أعيان الدهر، با اعتناء بو جمعة مكري / خالد زواري، ناشر: دار المنهاج - جدة، چاپ اول، ۱۴۲۸ ه - ۲۰۰۸ م، ۶/۶۶)

^۲ لسان العرب: ۸/۱۸۳

^۳ الجرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني (متوفی: ۸۱۶ ه)، کتاب التعريفات، محقق: ضبط و تصحيح را گروهی از علما به اشراف ناشر کرده اند، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه - ۱۹۸۳ م، ۱/۱۲۷. (الشفاعة: هي السؤال في التجاوز عن الذنوب من الذي وقع الجنابة في حقه)

نووی^۱ می گوید: در مورد شفاعت برای گناهگاران مومنان، آثار زیادی وارد شده است که به حد تواتر می رسد و سلف و خلف و ما بعد شان همه اهل سنت بر آن اجماع دارند. خوارج و بعضی معتزله از آن انکار ورزیده گناهگاران را مخلد در آتش می دانند. آنها به آیاتی استدلال می کنند که در مورد کفار است و احادیث را تاویل به رفع درجات در جنت، می کنند، در حالی که نصوص به بطلان مذهب شان صراحتاً دلالت می کند.^۲

قبل از بیان انواع شفاعت، باید دانست که شفاعت در اختیار الله متعال بوده، دارای شروط خاص می باشد که بدون تکمیل آن شروط شفاعت پذیرفته نمی شود.

اختیار شفاعت تنها از الله متعال است. برای کسی خواست می دهد و برای کسی نخواست نمی دهد. الله ذوالجلال می فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ الزمر: ٤٤

ترجمه: بگو، هر گونه شفاعت مختص الله است، مالکیت آسمانها و زمین از آن او است، سپس به سوی برگردانده می شوید.

پس او مالک قبول کردن شفاعت است. جز او کسی دیگری اختیار قبولیت شفاعت را ندارد و نه کسی الله ذوالجلال را برای قبولیت شفاعت مجبور کرده می تواند. الله رب العزت می فرماید: ﴿

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ الزخرف: ٨٦

ترجمه: و کسانی را که غیر الله را می خوانند، مالک شفاعت نیستند، مگر کسانی که به حق (توحید) گواهی داده اند، در حالیکه می دانند (که توحید حق است، بعد از اذن الله مالک شفاعت خواهند شد).

ج: شروط شفاعت

^۱ نووی: یحیی بن شرف الدین بن مری بن حسن نووی، أبو زکریا (۶۳۱-۶۷۶ هـ) از اهل نوبی از قریه حوران جنوب دمشق بود، عالم، محدث و فقیه شافعی بود، مشهورترین تصنیفات او المجموع، شرح المهدب، روضة الطالبین و المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج می باشد. (ببینید: الأعلام للزکلی، ۱۸۵/۹)

^۲ النووی، أبو زکریا یحیی بن شرف بن مری النووی، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ۳/۳۵

۱- رضای الله متعال از شفاعت کننده، چنانچه می فرماید: ﴿يَوْمَذِي لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ

وَرَضِيَ لَهُ وَقَوْلًا ﴿١٠٩﴾ طه: ۱۰۹

ترجمه: در آن روز شفاعت هیچ کسی سودی نمی رساند مگر (شفاعت) کسی که الله مهربان برایش اجازه شفاعت دهد و از گفتار او راضی باشد.

۲- رضای الله متعال از مشفوع (برای کسی که شفاعت کرده می شود)، الله ذوالجلال می فرماید:

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ أَرْضَىٰ وَهُمْ مِّنْ حَشِيَّتِهِ ۚ مُشْفِقُونَ ﴿٨٨﴾﴾ الأنبياء:

۲۸

ترجمه: و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که الله از او خوشنود باشد.

۳- اذن و اجازه الله متعال، چنانچه می فرماید: ﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۚ وَحَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن

قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾﴾ سبأ: ۲۳

ترجمه: و هیچ گونه شفاعتی در پیشگاه او سودی ندارد جز شفاعت کسی که الله تعالی برای او دستور و اجازه دهد، تا آن که اضطراب از دلهای شان دور کرده شود، (و فرمان شفاعت از جانب الله صادر می شود در این هنگام مردم به یکریرگر) می گویند: پروردگارتان (در باره شفاعت چی گفت؟) آنها می گویند: سخن واقعی گفته است (و دستور شفاعت داده است) و او برتر و بزرگوار است.

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾﴾ مریم: ۸۷

ترجمه: آنان نمی توانند شفاعت کنند، جز کسی که نزد الله مهربان پیمان گرفته است.

پس از این شروط دانسته می شود که برای کافر شفاعت کرده نمی شود زیرا الله متعال از کافر راضی نیست، به استثنای شفاعت پیامبر - ﷺ - به کاکایش ابو طالب برای تخفیف عذاب که این

شفاعت به پیامبر - ﷺ - خاص است، چنانچه می فرماید: ﴿مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ ﴿١٨﴾

غافر: ۱۸

ترجمه: برای ستم گاران دوستی مشفق و وجود ندارد و نه سفارش گری وجود دارد، که سخنش پذیرفته شود.

اهل سنت به شفاعت محمد - ﷺ - در روز آخرت، عقیده دارند.

د: انواع شفاعت

شفاعت از جهت زمان و مکان به دو نوع است:

۱- شفاعت دنیوی

۲- شفاعت اخروی

بنا بر این که موضوع من بیان احوال آخرت است از شفاعت دنیوی بحث نمی کنیم، فقط شفاعت اخروی را مورد بررسی قرار می دهیم.

علماء در باره انواع شفاعت اخروی اقوال زیاد دارند.

ابن عطیه^۱ در تفسیرش می گوید: «رسول الله - ﷺ - را سه شفاعت است: شفاعت عامه، شفاعت برای دخول به جنت، شفاعت برای اهل گناهان کبیره. اما مشهور این است که دو شفاعت است»^۲.

ابن رجب^۳ چهار نوع ذکر کرده است.

شفاعتی که مختص به محمد - ﷺ - است، چهار نوع می باشد:

۱- شفاعت برای همه مخلوقات تا اینکه الله متعال میان شان قضاوت کند.

^۱ ابن عطیة: أبو بكر غالب بن عبد الرحمن بن غالب بن تمام بن عطية المحارب، الأندلسي، الغرناطي، المالكي. إمام، حافظ، ناقد، ذكي، عالم در فقه، تفسیر و زبان عربی بود. در سال ۴۸۰هـ متولد و در ۵۴۱ یا ۴۴۲هـ وفات نمود. (سير اعلام النبلاء: ۱۹ / ۵۸۷ و ۵۸۸)
^۲ ابن عطية، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (متوفى: ۵۴۲هـ)، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، محقق: عبد السلام عبد الشافي محمد، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ، ۴۷۹/۳

^۳ ابن رجب: أبو الفرج، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب السلامي البغدادي الدمشقي، در بغداد سال ۷۳۶هـ متولد شد. دارای تالیفات زیاد است، از آنجمله: شرح جامع الترمذي و جامع العلوم والحكم، در حدیث نوشته است. فضائل الشام و القواعد الفقهية می باشد. در دمشق سال ۷۹۵ هـ از دنیا رحلت نمود. (الاعلام للزركلي، ۲۹۵/۳)

۲- شفاعت برای دخول اهل جنت به جنت.

۳- شفاعت برای اهل گناهان کبیره تا از آتش بیرون کرده شوند.

۴- کثرت کسانی که برای شان شفاعت کرده می شود از امتش؛ زیرا ایشان شفاعت خود را به آخرت ذخیره کرده است.^۱

نووی شفاعت را به صورت عام پنج نوع ذکر کرده است:

۱- شفاعت مختص به محمد - ﷺ - در روز حشر

۲- شفاعت در مورد وارد شدن برخی از مومنان در جنت بدون حساب

۳- شفاعت در مورد کسانی که مستحق آتش گردیده اند تا وارد آن نشوند.

۴- شفاعت در مورد گناهکاران مومنان تا از آتش بیرون کرده شوند

۵- شفاعت برای رفع درجات برخی از اهل جنت.^۲

برخی بر این انواع مذکور انواع دیگر نیز ذکر کرده اند، ابن حجر آن را در فتح الباری بیان نموده است.

شفاعت پیامبر - ﷺ - برای تخفیف عذاب از ابو طالب

شفاعت در مورد اهل مدینه

شفاعت در مورد اصحاب اعراف

شفاعت در مورد اهل بیت

شفاعت برای کسی که کلمه خوانده و عمل نکرده است.^۳

^۱ ابن رجب، زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامی، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (متوفی: ۷۹۵هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: محمود بن شعبان بن عبد المقصود، مجدی بن عبد الخالق الشافعی و ابراهیم بن اسماعیل القاضي با عده علمای دیگر، ناشر: مکتبه الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، مکتب تحقیق دار الحرمین - القاهرة، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ۲۱۴/۲

^۲ المنهاج شرح صحیح مسلم، ۳/۳۶

^۳ فتح الباری از ابن حجر، 240-238/

از تقسیمات علما دانسته می شود، برخی از جهت شافع، و برخی از جهت مشفوع تقسیم نموده اند. بنا بر دلایل بیان شده گفته می توان که شفاعت اخروی از جهت شافع دو نوع است:

۱- شفاعت عام

۲- شفاعت خاص

شفاعت عام شفاعتی است که جز محمد - ﷺ - ملائکه، انبیاء و نیکان نیز به اجازه الله متعال می توانند شفاعت کنند.

الله متعال می فرماید: ﴿ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا يَسْئُرُونَهُ

بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ

خَشِيَّتِهِ مُّشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾ الأنبياء: ۲۶ - ۲۸

ترجمه: (گروهی از کافران) گفتند: الله مهربان فرزندی برگزیده است، او پاک است (از داشتن فرزندی)، بلکه آنها (فرشتگان) بنده گان گرامی الله هستند. در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند و ایشان تنها به فرمان او کار می کنند. الله می داند آنچه را که پیش روی شان است و آنچه که بعد از اینها است، و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که الله از او خوشنود باشد و آنان از ترس او در هراس اند.

ابو سعید خدری - رضی الله عنه - در حدیث طویل از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: شَفَعَتِ الْمَلَائِكَةُ، وَشَفَعَ النَّبِيُّونَ، وَشَفَعَ الْمُؤْمِنُونَ، وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِنَ النَّارِ»^۱.

ترجمه: الله متعال می گوید: ملائک شفاعت کردند، پیامبران شفاعت کردند، مؤمنان شفاعت کردند و جز مهربان ترین مهربانان کسی نماند، پس با قبضه خویش (که کیفیت اش را ما نمی دانیم) یک قبضه را از دوزخ می گیرد.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب معرفة طریق الرؤیا، حدیث: ۱۸۳، ۱۶۷/۱

بر علاوه شفاعت نبی - ﷺ - اعتقاد داشتن به شفاعت تمام انبیاء، ملائکه، صحابه، شهداء، راست گویان و اولیاء، طبق اختلاف مقام و مرتبه شان نزد پروردگار، بنا بر دلایل قرآنی واجب است. این امر ناممکن نیست پس تصدیقش واجب می باشد.^۱

شفاعت خاص، مختص به محمد - ﷺ - است که جز او برای کسی دیگر اجازه آن شفاعت داده نمی شود.

شفاعت اخروی را از جهت مشفوع، میتوان به سه نوع تقسیم نمود:

۱- شفاعت کبری که مختص به محمد - ﷺ - است

۲- شفاعت برای دخول جنت و رفع درجات در آن

۳- شفاعت برای خروج از جهنم و تخفیف عذاب در آن

نوع دوم و سوم عام بوده، تمام انواع شفاعت که علما ذکر کرده اند تحت این سه نوع شامل می شود.

بنا بر ترتیب احوال آخرت، در این مطلب نوع اول شفاعت را مورد بحث قرار داده انواع دیگر را در فصل سوم بیان خواهیم کرد. (ان شاء الله)

۱: شفاعت کبری یا عظمی

این بزرگترین شفاعت پیامبر - ﷺ - در روز حشر است. این شفاعت هنگامی است که همه مردم از قبرها گرد آلود و غم زده در ترس و هراس بیرون می شوند، منتظر حساب و کتاب می باشند. این مدت طول می کشد، پس مردم نزد هر یک از پیامبران اولو العزم می روند، تا نزد الله متعال برای فیصله کردن، میان مردم شفاعت کنند. هر یک از ایشان می گویند: ما مستحق این نیستیم، نزد فلان پیغمبر بروید، تا این که نزد محمد - ﷺ - می روند و ایشان شفاعت می کند.

این شفاعت همان مقام محمود است، چنانچه الله رب العزت می فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِه

نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿٧٩﴾ الإسراء: ٧٩

^۱ ببینید: لوازم الانوار البهية، ۲۰۹/۲

ترجمه: و برخی از شب برخیز، پس در آن نماز تهجد بخوان، این یک فریضه نفلی برای تو است، تا باشد که پروردگارت تو را به مقام محمود برساند.

ابن حجر می گوید: «جمهور می گویند: مراد از مقام محمود شفاعت است. در این مورد اجماع را نقل شده است. راجح این است که مراد از مقام محمود شفاعت است»^۱.

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - از رَسُولِ اللَّهِ - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ النَّامَةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

ترجمه: هر کس بعد از شنیدن اذان این دعا را بخواند: (اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ النَّامَةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ)، یا الاها ای صاحب این دعوت کامل (اذان) و نمازی که هم اکنون بر گزار می شود! به محمد - ﷺ - وسیله (درجه است در بهشت) و فضیلت را عنایت فرما و او را طبق وعده ات به مقام محمود (شفاعت) برسان). از شفاعت من بهره مند خواهد شد.

ابن حجر می گوید: «مقام محمودی که در احادیث ذکر گردیده است، دو نوع است: ۱-شفاعت عام برای فیصله کردن میان مردم در روز محشر. ۲-شفاعت برای بیرون کردن گناهگاران از آتش»^۳.

ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ يَدْعُوهَا، فَأَرِيدُ أَنْ أَخْتَبِيَ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۴.

ترجمه: هر پیامبری حق یک دعای مستجاب را دارد که همه پیامبران این دعا را می کنند و من می خواهم این دعای خود را برای شفاعت امتم در روز رستاخیز نگه دارم.

ابن عُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - می گوید: روز قیامت مردم گروه گروه می شوند. هر امتی به دنبال پیامبرش می رود و می گوید: ای فلانی! شفاعت کن. ای فلانی! شفاعت کن. تا آنکه حق شفاعت

^۱ ببینید: فتح الباری، از ابن حجر، ۲۳۴/۶-۲۳۶

^۲ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، باب قوله تعالى {عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا}، حدیث: ۴۷۱۹، ۸۶/۶

^۳ فتح الباری، از ابن حجر، ۲۳۴/۶-۲۳۶

^۴ صحیح مسلم، کتاب الايمان، بَابُ اخْتِباَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعْوَةَ الشَّفَاعَةِ لِأُمَّتِهِ، حدیث: ۱۹۸، ۱۸۸/۱

به نبی اکرم - ﷺ - عنایت شود. پس این، همان روزی است که الله متعال او را به مقام محمود می‌رساند.^۱

ابو هریره - رضی الله عنه - می‌گوید: برای رسول الله - ﷺ - مقداری گوشت آوردند و بازوی گوسفند را که دوست داشت، به او دادند. محمد - ﷺ - به آن دندان زد و فرمود: «أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهَلْ تَدْرُونَ مِمَّ ذَلِكَ يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ يُسْمَعُهُمُ الدَّاعِي وَيَنْفُذُهُمُ الْبَصَرُ وَتَدْنُو الشَّمْسُ فَيَبْلُغُ النَّاسَ مِنَ الْعَمِّ وَالْكَرْبِ مَا لَا يُطِيفُونَ وَلَا يَحْتَمِلُونَ فَيَقُولُ النَّاسُ أَلَا تَرَوْنَ مَا قَدْ بَلَغَكُمْ أَلَا تَنْظُرُونَ مَنْ يَشْفَعُ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ فَيَقُولُ بَعْضُ النَّاسِ لِبَعْضٍ عَلَيْكُمْ بِأَدَمَ فَيَأْتُونَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُونَ لَهُ أَنْتَ أَبُو الْبَشَرِ خَلَقَكَ اللَّهُ بِيَدِهِ وَنَفَخَ فِيكَ مِنْ رُوحِهِ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَكَ اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ أَلَا تَرَى إِلَى مَا قَدْ بَلَغْنَا فَيَقُولُ آدَمُ إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَإِنَّهُ قَدْ نَهَانِي عَنِ الشَّجَرَةِ فَعَصَيْتُهُ نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي أَذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي أَذْهَبُوا إِلَى نُوحٍ فَيَأْتُونَ نُوحًا فَيَقُولُونَ يَا نُوحُ إِنَّكَ أَنْتَ أَوْلُ الرُّسُلِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَقَدْ سَمَّاكَ اللَّهُ عَبْدًا شَكُورًا اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ إِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَإِنَّهُ قَدْ كَانَتْ لِي دَعْوَةٌ دَعَوْتُهَا عَلَى قَوْمِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي أَذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي أَذْهَبُوا إِلَى إِبْرَاهِيمَ فَيَأْتُونَ يَا إِبْرَاهِيمَ أَنْتَ نَبِيُّ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ لَهُمْ إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَإِنِّي قَدْ كُنْتُ كَذَّبْتُ ثَلَاثَ كَذِبَاتٍ (فَذَكَرَهُنَّ أَبُو حَيَّانَ فِي الْحَدِيثِ) نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي أَذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي أَذْهَبُوا إِلَى مُوسَى فَيَأْتُونَ مُوسَى فَيَقُولُونَ يَا مُوسَى أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ فَضَلَّكَ اللَّهُ بِرِسَالَتِهِ وَبِكَلَامِهِ عَلَى النَّاسِ اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَإِنِّي قَدْ قَتَلْتُ نَفْسًا لَمْ أُمْرَ بِقَتْلِهَا نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي أَذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي أَذْهَبُوا إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فَيَأْتُونَ عِيسَى فَيَقُولُونَ يَا عِيسَى أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ وَكَلِمَتُ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ عِيسَى إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ قَطُّ وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَلَمْ يَذْكَرْ ذَنْبًا نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي أَذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي أَذْهَبُوا إِلَى مُحَمَّدٍ فَيَأْتُونَ مُحَمَّدًا فَيَقُولُونَ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتِمَ الْأَنْبِيَاءِ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَأَنْطَلِقُ فَاتِي

^۱ صحيح البخاري، كتاب التفسير، باب قوله تعالى { عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَخْمُودًا }، حديث: ۴۷۱۸، ۸۶/۶

تَحْتَ الْعَرْشِ فَأَقْعُ سَاجِدًا لِرَبِّي عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ مَحَامِدِهِ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يَفْتَحْهُ عَلَيَّ أَحَدٍ قَبْلِي ثُمَّ يَقَالُ يَا مُحَمَّدُ ارْفَعْ رَأْسَكَ سَلِّ تَعْطَهُ وَاشْفَعْ تُشَفِّعُ فَأَرْفَعُ رَأْسِي فَأَقُولُ أُمَّتِي يَا رَبِّ أُمَّتِي يَا رَبِّ أُمَّتِي يَا رَبِّ فَيَقَالُ يَا مُحَمَّدُ أَدْخِلْ مِنْ أُمَّتِكَ مَنْ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَابِ الْأَيْمَنِ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَهُمْ شُرَكَاءُ النَّاسِ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْأَبْوَابِ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ مَا بَيْنَ الْمِصْرَاعَيْنِ مِنْ مَصَارِيحِ الْجَنَّةِ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَحَمِيرَ أَوْ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَبُصْرَى»^۱.

ترجمه: روز قیامت من سرور مردم خواهم بود. آیا علتش را می دانید؟ الله متعال اولین و آخرین انسانها را در یک میدان جمع می کند، طوری که صدا به همه آنها می رسد و چشم همه آنها را می بیند، و خورشید نزدیک می شود. مردم به قدری ناراحت و غمگین می شوند که تاب و تحمل خود را از دست می دهند و می گویند: نمی بینید به چه مشقتی گرفتار شده اید؟ آیا کسی را پیدا نمی کنید که نزد پروردگار تان برای شما شفاعت کند؟ آنگاه بعضی از آنها به بعضی دیگر می گویند: نزد آدم بروید. پس نزد آدم می روند و به او می گویند: تو ابو البشر هستی. الله با دستش تو را آفرید و از روح خودش در تو دمید و به فرشتگان دستور داد که تو را سجده کنند. برای ما نزد پروردگارت شفاعت کن. آیا نمی بینی که چه حالی داریم و به چه مشقتی گرفتار آمده ایم؟ آدم می گوید: امروز پروردگارم چنان خشمگین است که قبل از این هر گز چنین خشمی نکرده است و بعد از این هم، هر گز چنین خشمی نخواهد کرد. همانا او مرا از خوردن درخت بازداشته بود ولی نافرمانی کردم. من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم، نزد کسی دیگری بروید. نزد نوح بروید. پس آنها نزد نوح می روند و می گویند: ای نوح! تو اولین رسول مردم بر روی زمین هستی و الله متعال تو را بنده سپاسگزار نامیده است. نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن. آیا نمی بینی که ما چه حالی داریم؟ نوح می گوید: امروز پروردگارم چنان خشمگین است که قبل از این هر گز چنین خشمی نکرده است و بعد از این هم، هر گز چنین خشمی نخواهد کرد. همانا من یک دعا (مستجاب) داشتم که آن را علیه قومم بکار بردم. اکنون به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم. نزد کسی دیگری بروید. نزد ابراهیم بروید. پس آنها نزد ابراهیم می روند و می گویند: ای ابراهیم! تو نبی الله و دوستش در میان اهل زمین هستی. نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن. آیا نمی بینی که ما چه حال داریم؟ ابراهیم به آنها می گوید: امروز پروردگارم چنان خشمگین است که قبل از این

^۱ صحیح بخاری، کتاب التفسیر، باب { ذُرِّيَّةٌ مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا }، حدیث: ۴۶/۴۷۱۲

هر گز چنین خشمی نکرده است و بعد از این هم، هر گز چنین خشمی نخواهد کرد. من سه دروغ گفته ام. (ابو حیان آنها را در حدیث بیان کرده است) من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم. نزد کسی دیگری بروید. نزد موسی بروید. آنها نزد موسی می روند و می گویند: ای موسی! تو رسول الله هستی. الله تو را با رسالت و کلامش بر سایر مردم، برتری داده است. نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن. آیا نمی بینی که ما چه حال داریم؟ موسی می گوید: همانا امروز پروردگارم چنان خشمگین است که قبل از این هر گز چنین خشمی نکرده است و بعد از این هم، هر گز چنین خشمی نخواهد کرد. من انسانی را کشتم که دستور آن را نداشتم. من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم. نزد کسی دیگری بروید. نزد عیسی بن مریم بروید. پس آنها نزد عیسی می روند و می گویند: ای عیسی! تو رسول الله و کلمه اش هستی و هنگام کودکی که در گهواره بودی، با مردم سخن گفتی. نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن. آیا نمی بینی که ما چه حال داریم؟ عیسی می گوید: همانا امروز پروردگارم چنان خشمگین است که قبل از این هر گز چنین خشمی نکرده است و بعد از این هم، هر گز چنین خشمی نخواهد کرد. و اگرچه گناهی ذکر نمی کند اما می گوید: من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم، من به حال خود گرفتارم. نزد کسی دیگر بروید. نزد محمد بروید. پس مردم نزد محمد می روند و می گویند: ای محمد! تو پیامبر الله و خاتم انبیاء هستی. الله گناهان اول و آخرت را بخشیده است. نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن. آیا نمی بینی که ما چه حال داریم؟ آنگاه من به راه می افتم و زیر عرش می روم و برای پروردگار بلند مرتبه ام به سجده می افتم. سپس الله دروازه های حمد و ثنایش را به روی من باز می کند طوری که برای احدی قبل از این باز نکرده است. آنگاه می گوید: ای محمد! سرت را بردار. بخواه، طلبت اجابت کرده می شود. شفاعت کن، پذیرفته می شود. اجازه شفاعت داده می شود، پس من سرم را بلند می کنم و می گویم: پروردگارا! اتم. پروردگارا! اتم. پس می گویند: ای محمد! گروه از امت ات را که حساب و کتابی ندارند از دروازه سمت راست درهای بهشت، وارد کن. و همچنین آنها می توانند از سایر دروازه های بهشت، وارد شوند. سپس افزود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، فاصله دو مصراع درهای بهشت به اندازه فاصله میان مکه و حمیر یا مکه و بصره است.

شفاعت نبی - ﷺ - نوعی از سمعیات است که به تواتر معنوی می رسد و اهل حق از سلف صالح بر آن اجماع دارد. هر آن که به حشر ایمان دارد از این شفاعت منکر نمی شود. این شفاعت هنگامی طول کشیدن ایستادن در روز حشر است که هر یک آرزوی برگشت را می کند، و لو به سوی آتش هم بروند.^۱

مطلب دوم: حساب و انواع آن

الف: حساب در لغت

حساب در لغت به معنای شمار کردن یک شیء است، (حَسَبًا وَحِسَابًا حِسْبَةً وَحِسَابًا وَحِسَابَةً) همه مصدر به معنای شمار کردن است.^۲

ب: حساب در اصطلاح

قرطبی می گوید: «أن الباري سبحانه يعدد على الخلق أعمالهم من إحسان وإساءة يعدد عليهم نعمه، ثم يقابل البعض بالبعض».^۳

الله متعال بر مخلوقات تمام اعمال نیک و بد و نعمت هایش را می شمارد، سپس بعض ایشان را با بعض دیگر رو برو می کند.

تعریف دیگرش چنین است: توقیف الله عباده قبل الانصراف من المحشر على أعمالهم خيرا كانت أو شرا تفصيلا لا بالوزن إلا من استثنى منهم.^۴

ایستاد کردن الله متعال بنده هایش را قبل از برگشت از محشر برای باز پرسى اعمال شان، خیر باشد یا شر، مگر آنکه را الله تعالی از ایشان مستثنا کند، این توقیف به گونه تفصیلی می باشد مراد از آن اندازه کردن اعمال توسط ترازو نیست.

^۱ ببینید: لوامع الأنوار البهية، ۲۰۸/۲

^۲ لسان العرب، ۳۱۳/۱

^۳ التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، ۵62/۱

^۴ الاسفراينى، شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي (متوفى : ۱۱۸۸هـ)، لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار

الأثرية لشرح الدرّة المضیة في عقد الفرقة المرضیة، ناشر : مؤسسة الخافقين ومكتبتها - دمشق، چاپ دوم، ۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۲ م ۱۷۱/۲

این که الله متعال ما را آفریده و نعمتهای خود را بالای ما ارزانی کرده است، تمام اعمال کوچک و بزرگ ما در روز قیامت محاسبه می شود.

الله ذو الجلال می فرماید: ﴿أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١٦﴾﴾ الأنبياء: ١
ترجمه: زمان محاسبه مردمان نزدیک است، در حالیکه آنها در غفلت فرورفته (از ایمان به آن) روی گردان اند.

(یوم الحساب) یکی از نام های روز رستاخیز است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا
عَجَلْنَا قَدْرًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾﴾ ص: ١٦
ترجمه: و (کافران از روی مسخره) گفتند: پروردگارا! سهم (عذاب) ما را پیش از روز حساب (در دنیا) زود برای ما بده.

ایمان به حساب و کتاب در روز آخرت از اصول ایمان بوده تمام انبیاء امتهای خود را از آن بیم داده اند، چنانچه الله متعال سخن نوح علیه السلام را حکایت کرده می فرماید: ﴿إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي
لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١٣﴾﴾ الشعراء: ١١٣
ترجمه: حساب شان جز بر پروردگارم (به عهده ای کسی دیگر) نیست اگر بدانید.

قرطبی می گوید: «هنگامی که مردم از قبرها برانگیخته می شوند، آنها به یک حالت و یک موقف باقی نمی مانند. بلکه پنج حالت و موقف است که مخلوقات با آن رو برو می شوند: حالت اول برانگیختن از قبرها. حالت دوم سوق دادن به سوی الله متعال برای حساب. حالت سوم محاسبه. حالت چهارم سوق دادن به سوی دار الجزاء (خانه ای پاداش). حالت پنجم محل قرارگاه»^۱.

اینجا بحث از حالت دوم است، الله متعال می فرماید: ١- ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾﴾
الحاقة: ١٨
ترجمه: در آن روز (به پیشگاه الهی) عرضه می شوید، در حالی که هیچ چیزی از اعمال شما از او پنهان نمی ماند.

٢- ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿١٦﴾﴾ الغاشية: ٢٥ - ٢٦

^۱ التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، ٥٢٨/١

ترجمه: یقیناً بازگشت ایشان به سوی ما است، سپس حساب ایشان بر ما است.

۳- ﴿وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ الصافات: ۲۴

ترجمه: و ایشان را باز دارید که حتماً آنها پرسان شدنی هستند.

ج: انواع حساب

محاسبه انسان ها متفاوت است. کافران، مشرکان و گناهکاران، سرکشان و منکران دین و پیامبران الله، بسیار سخت و دشوار محاسبه می شوند. برخی از مؤمنان که به کثرت گناه و نافرمانی کرده توبه نکرده اند، نیز با محاسبه سخت و طولانی روبرو می شوند. برخی دیگر به محاسبه بسیار آسان روبرو می شوند. در محاسبه آنان مناقشه، دقت و جزئیات بررسی صورت نمی گیرد، گناهان آنان بر ایشان نمایان می گردند و سپس بخشیده می شوند. چنانچه عبد الله بن عمر - رضی الله عنه - می گوید: شنیدم نبی اکرم - ﷺ - را که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُدْنِي الْمُؤْمِنَ فَيَضَعُ عَلَيْهِ كَفَّهُ وَيَسْتُرُهُ فَيَقُولُ أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا فَيَقُولُ نَعَمْ أَيُّ رَبِّ حَتَّى إِذَا قَرَّرَهُ بِذُنُوبِهِ وَرَأَى فِي نَفْسِهِ أَنَّهُ هَلْكَ قَالَ سَتَرْتُهَا عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَعْفُوهَا لَكَ الْيَوْمَ فَيُعْطَى كِتَابَ حَسَنَاتِهِ وَأَمَّا الْكَافِرُ وَالْمُنَافِقُونَ فَيَقُولُ الْأَشْهَادُ {هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ} [هود: ۱۸]»^۱.

ترجمه: الله تعالى به مؤمن نزدیک می شود، او را زیر آغوش گرفته می پوشاند، سپس از وی می پرسد: فلان و فلان گناه را به یاد داری؟ می گوید: بلی، پروردگارا. وی به گناهان خود اعتراف کرده و فکر می کند که هلاک شدنی است. الله تعالى می فرماید: گناهانت را در دنیا پوشاندم و امروز نیز از آنها می گذرم. آن گاه الله متعال نامه اعمال نیکش را به او می سپارد. اما در باره کافران و منافقان گواهان می گویند: {هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ} ترجمه: اینان پروردگارشان را انکار کردند. آگاه باشید که دوری از رحمت الله بر ستمگاران است.

د: برخی انسانها بدون محاسبه وارد بهشت می شوند.

^۱ صحیح البخاری، کتاب المطالم، باب قول الله تعالى {أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ}، حدیث: ۲۴۴۱، 128/3

ابن عباس - رضي الله عنهما - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأُمَمُ فَجَعَلَ النَّبِيُّ وَالنَّبِيَّانِ يَمُرُونَ مَعَهُمُ الرَّهْطُ وَالنَّبِيُّ لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ حَتَّى رُفِعَ لِي سَوَادٌ عَظِيمٌ قُلْتُ مَا هَذَا أُمَّتِي هَذِهِ قِيلَ بَلْ هَذَا مُوسَى وَقَوْمُهُ قِيلَ انظُرْ إِلَى الْأُفُقِ فَإِذَا سَوَادٌ يَمَلَأُ الْأُفُقَ ثُمَّ قِيلَ لِي انظُرْ هَا هُنَا وَهَذَا هُنَا فِي آفَاقِ السَّمَاءِ فَإِذَا سَوَادٌ قَدْ مَلَأَ الْأُفُقَ قِيلَ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ هَؤُلَاءِ سَبْعُونَ أَلْفًا بَغَيْرِ حِسَابٍ»^۱.

ترجمه: امت ها به من عرضه شدند. یک یا دو پیامبر گذشتند و گروهی همراه هر کدام از آنها بود. پیامبری از آنجا گذشت که هیچکس همراهش نبود تا اینکه گروه بزرگی به من عرضه گردید، پرسیدم: اینها کی هستند؟ امت من هستند؟ گفتند: اینها موسی و قومش هستند. به افق نگاه کن. ناگهان دیدم که سیاهی بزرگی، افق را فرا گرفته است. سپس به کناره های آسمان اشاره کردند و به من گفتند: این طرف و آن طرف را نگاه کن. دیدم که سیاهی بزرگی سراسر افق را فرا گرفته است. گفتند: این امت تو است که هفتاد هزار نفر از آنان بدون محاسبه وارد بهشت می شوند.

اگر چه حساب هر شخص با تفاوت در عقیده و عمل ایشان متفاوت می باشد، در مجموع گفته میتوان حساب دو نوع است:

۱- حساب یسیر یا آسان

الله متعال می فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾﴾ الانشقاق: ۷ - ۸ ترجمه: پس کسی که نامه اعمالش بدست راستش داده شود، پس با او حساب آسان خواهد شد.

برخی گفته اند: قیام شب درازی ایستادن حساب در روز قیامت را آسان می سازد. و اگر از جمله کسانی باشد که بدون حساب به جنت داخل شود پس او از ایستادن برای حساب راحت می شود.^۲

۲- حساب سخت یا مناقشه

الله متعال می فرماید: ﴿لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَتَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٨﴾﴾ الرعد: ۱۸

معه ولافتدوا به ۗ أولئك لهم سوء الحساب وماوهم جهنم وبئس المهاد ﴿١٨﴾ الرعد: ۱۸

^۱ صحیح البخاری، کتاب الطب، باب من اکتوی أو کوی غیره وفضل من لم یکتو، حدیث: ۵۷۰۵، ۱۲۶/۷
^۲ ببینید: لوامع الانوار ۱۸۰/۲

ترجمه: و کسانی که دعوت حق را اجابت نکردند، اگر تمام آنچه را در زمین است و همانند اش برای آنها باشد، البته (برای رهایی از عذاب) آن را عوض می دهند، (ولی باز هم پذیرفته نخواهد شد)، آن جماعه حساب سختی دارند و دوزخ جای آنها دوزخ است و بد جای است.

از عایشه - رضی الله عنها - روایت است رسول الله - ﷺ - فرمود: «لَيْسَ أَحَدٌ يُحَاسِبُ إِلَّا هَلَكَ قَالَتْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ {فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا} قَالَ ذَلِكَ الْعَرَضُ يُعْرَضُونَ وَمَنْ نُوقِشَ الْحِسَابَ هَلَكَ»^۱.

ترجمه: هر کس که محاسبه شود، هلاک می گردد. عایشه - رضی الله عنها - می گوید: گفتم: الله مرا فدایت بگرداند، آیا الله تعالی چنین ارشاد نفرموده؟: {فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا} هر آنکه را عمل نامه اش به دست راست اش داده شود، بزودی محاسبه آسانی خواهد شد. ایشان فرمود: این عرضه اعمال است ولی اگر حساب دقیق به عمل آید، هلاک می گردد.

مطلب سوم: موارد محاسبه و قصاص

بنده از ذره ذره اعمالش، اقوالش و نعمتهای که برایش داده شده است، پرسیده می شود. الله ذوالجلال می فرماید: ۱- ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾﴾ الزلزلة: ۷

۸ -

ترجمه: پس کسی که مقداری ذره نیکی کند، پاداشت آن را خواهد دید. و کسی که به اندازه ذره بدی کند، (کیفر) آن را خواهد دید.

۲- ﴿قَوْلِكَ لَسَاءَ لَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾ الحجر: ۹۲ - ۹۳

ترجمه: پس سوگند به پروردگارت که از همه آنها سوال خواهیم کرد. از آنچه که می کردند.

^۱ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، باب فسوف يحاسب حسابا يسيرا، حديث: 4939، ۱۶۷/۶

آنچه را آشکار یا پنهان انجام داده باشد، محاسبه می شود. الله ذو الجلال می فرماید: ۱ - ﴿لِلَّهِ مَا فِي

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ

وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۸۴﴾ البقرة: ۲۸۴

ترجمه: برای الله تعالى است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اگر آنچه را در دل دارید، آشکار یا پنهان کنید، الله در برابر آن، شما را محاسبه می کند، پس کسی را که می خواهد می آمرزد و کسی را که می خواهد عذاب می کند و الله بر هر چیز توانا است.

۲ - ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۶﴾ المجادلة: ۶

ترجمه: روزی که الله همه گان را بر می انگیزد، سپس آنها را به آنچه کرده اند، خبر می دهد، الله همه ی اعمال آنها را ثبت کرده است ولی آنها فراموش کرده اند. و الله بر هر چیز مطلع است.

از ابو ذر - رضی الله عنه - روایت است، نبی - ﷺ - از پروردگار خویش حکایت نموده فرمود: «يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصِيهَا لَكُمْ، ثُمَّ أَوْفِيكُمْ بِهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ، فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»^۱.

ترجمه: ای بنده گان من، این اعمال شما را من حساب می کنم، سپس جزای اعمال تان را پوره می دهم، پس کسی که خیر دریافت باید الله را ستایش کند و کسی که غیر آن را در یافت، جز خودش کسی دیگر را ملامت نکند.

یعنی الله متعال در حق کسی ظلم نمی کند، اگر پاداش یا جزا می دهد، این همه عمل کرد خود شخص است که به پاداش اش رسیده است.

^۱ صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والأداب، باب تحريم الظلم، حديث: ۲۵۷۷، ۴/۱۹۹۴

مهم ترین پرسشی که در روز رستاخیز از انسانها می شود، در مورد کفر و شرک است. از آنها در مورد معبودان شان سوال می شود. الله متعال می فرماید: ﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ

هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾ الشعراء: ٩٢ - ٩٣

ترجمه: و به ایشان گفته می شود: کجا است آنچه را که به جز الله عبادت می کردید. آیا آنها شما را یاری می دهند، یا خود را نصرت می دهند.

جواب: (نه به شما یاری رسانده می توانند و نه به خودشان)

همچنان در مورد انکار پیامبران بازخواست می شوند. الله تعالی می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ

مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ القصص: ٦٥

ترجمه: و روزی که الله مشرکان را آواز می کند، پس می گوید: پیغمبران را چی جواب دادید؟

هر قول و فعلی که با دست و پا انجام داده باشد، یا چشم و گوش، یا عمل قلبی باشد، از هر کدام اینها سوال می شود. الله رب العزت در مورد این که بدون علم سخن نگویند، تنبیه می کند، چنانچه می فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾

﴿ الإسراء: ٣٦

ترجمه: و از چیزی پیروی مکن که در مورد آن علم نداری؛ زیرا گوش و چشم و دل هر کدام آنها از عملکرد صاحبش پرسیده می شوند.

از رسول الله - ﷺ - روایت است که ایشان فرمود: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ فِيمَا فَعَلَ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ»^١.

ترجمه: در روز رستاخیز هیچ کس نمی تواند قدم بردارد، تا این که در مورد چهار چیز از او سوال شود: ١- عمرش را در چه چیز صرف نمود؟ ٢- علمش را در چه چیز به کار برد؟ ٣-

^١ سنن الترمذی، ابواب صفة القيامة والرقائق والورع، باب في القيامة، حديث: ٢٤١٧، ٦١٢/٤ البانی در صحیح سنن ترمذی، شماره: ٥٧٢/٢، ٢٤١٧، این حدیث را صحیح خوانده است.

دارایش را از چه راهی بدست آورد و در چه چیزی صرف نمود؟ ۴- بدنش را در چه راهی به کار برد؟

اولین چیزی که در مورد آن از عبادات پرسیده می شود، نماز است. ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْءٌ، قَالَ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ: انظُرُوا هَلْ لِعِبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكَمَّلَ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ، ثُمَّ يَكُونُ سَائِرُ عَمَلِهِ عَلَى ذَلِكَ»^۱.

ترجمه: نخستین عملی که انسان در مورد آن مورد سوال قرار می گیرد، نماز است. اگر نمازش درست باشد، پیروز و موفق است، اما اگر درست نباشد، زیان کار است. اگر در فرایض کوتاهی و کاستی باشد، الله می فرماید: نگاه کنید آیا بنده ام نفل دارد، اگر دارد کاستی های فرایضش از آن جبران شود. سپس سائر دیگر اعمال اش نیز به همین صورت است.

اولین چیزی که در مورد آن از حقوق العباد پرسیده می شود، خون مسلمان است که چرا ریختانده شده است. عبد الله بن مسعود - رضی الله عنهما - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحْكَمُ بَيْنَ الْعِبَادِ فِي الدِّمَاءِ»^۲.

ترجمه: نخستین چیزی که در روز رستاخیز میان انسانها بررسی می شود، خون ها هستند.

اولین چیزی که در مورد آن از نعمتها پرسیده می شود، صحت انسان و آب پاک است. ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - يَعْنِي الْعَبْدَ مِنَ النَّعِيمِ - أَنْ يُقَالَ لَهُ: أَلَمْ نُصِحَّ لَكَ جِسْمَكَ، وَتُرْوَيْكَ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ»^۳.

ترجمه: اولین چیزی که در روز رستاخیز انسان در مورد آن (نعمتها) بازخواست می شود، این است که آیا جسمی سالم به تو ندادیم و از آب سرد تو را سیراب نکردیم؟

^۱ سنن الترمذی، ابواب الصلاة، بَابُ مَا جَاءَ أَنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ، حدیث: ۴۱۳، ۲۶۹/۲. البانی در صحیح الجامع الصغیر (حدیث: ۲۰۲۰، ۴۰۵/۱) این حدیث را صحیح خوانده است.

^۲ سنن الترمذی، ابواب الدیات، باب الحكم في الدماء، حدیث: 1396، ۱۷/۴. البانی در صحیح الجامع الصغیر (حدیث: ۲۰۲۱، ۴۰۶/۱) این حدیث را صحیح خوانده است.

^۳ سنن الترمذی، ابواب التفسیر، باب و من سورة الهاکم التکاتیر، حدیث: ۳۳۵۸، ۴۴۸/۵. البانی در صحیح الجامع الصغیر (حدیث: ۲۰۲۲، ۴۰۶/۱) این حدیث را صحیح خوانده است.

بعد از عرض و حساب عمل نامه هر شخص برایش داده می شود. عمل نامه برخی به دست راست و برخی را از پشت سر و به دست چپ داده می شود. کسانی که عمل نامه اش به دست راستش داده شود، آنها کامیاب اند. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِ فَيَقُولُ

هَٰؤُلَاءِ أَفْرَاءُ أَوْ كَتَبَتْ إِلَيَّ مِنْ قَبْلُ مَا مَنَعَنِي اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي الْبُرْجَانُ فَاصْلَاهُ إِنَّ اللَّهَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩﴾ الْحَاقَّةُ: ١٩ - ٢٢

ترجمه: پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، پس گوید: بیا بید نامه اعمال مرا بخوانید! من یقین داشتم که به حساب خویش روبرو خواهم شد. پس او در یک زندگی رضایت بخشی خواهد بود. در بهشت بسیار والا و بلند جایگزین خواهد شد.

و کسانی که عمل نامه شان به دست چپ شان داده می شود، الله متعال از آنها چنین حکایت می کند: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ وَلَمْ أَدْرِمَاجِسَابِيَهٗ يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٠﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي

مَالِيَهٗ ﴿٢١﴾ هَٰكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ ﴿٢٢﴾ خُدُوهُ فَعَلُوهُ ﴿٢٣﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٢٤﴾ الْحَاقَّةُ: ٢٥ - ٣١

ترجمه: و اما کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده شود، او می گوید: ای کاش! نامه اعمالم برایم داده نمی شد. و من نمی دانستم که حساب من چیست؟ ای کاش! مرگ پایان دهنده زندگی ام می بود. سرمایه ام هیچ چیزی را از من دفع نکرد. قدرت و سلطنتم برباد رفت. (گفته می شود) او را بگیرید، او را زنجیر بند نمائید. سپس او را به دوزخ بیا نوازید.

همچنان می فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ الانشقاق: ١٠

١٢ -

ترجمه: و اما کسی که نامه اعمالش (به دست چپ) از پشت سرش داده شود، پس او مرگ را فریاد خواهد کرد. و در آتش سوزان دوزخ داخل می شود.

ذره ذره اعمال در عمل نامه ها در ج می باشد، الله متعال می فرماید: ﴿وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ

مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُوقَاتِنَا مَا لِي هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا

حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ الكهف: ٤٩

ترجمه: و کتاب اعمال هر کس پیش رویش نهاده می شود، پس گنهگاران را می بینی که از آنچه که در آن کتاب ثبت است، ترسان اند و می گویند: ای وای بر ما! این چگونه کتابی است که هیچ گناه صغیره و کبیره را نمی گذارد مگر اینکه آنرا بر شمرده و ثبت نموده است، و آنچه انجام داده بودند همه را حاضر یافتند و پروردگارت بر هیچکسی ستم نمی کند.

در مورد مسلمان گنهکار و فاسق که در حالت فسق بدون توبه از دنیا رفته باشد، اختلاف است، برخی گفتند: عمل نامه اش به دست راست داده می شود. برخی گفتند: به دست چپ داده می شود. بنا بر این، دلیلی در این مورد نیست عمل نامه اش مانند مومنان دیگر به دست راست داده می شود.

عده گفتند: قبل از رفتن به آتش (بخاطر جزای گناهان شان) به دست راست برای شان داده می شود و این یک نشانی است که او مخلص در آتش نمی ماند. عده دیگر گفتند: بعد از خروج شان از آتش به دست راست عمل نامه های شان داده می شود. والله اعلم

ماوردی می گوید: «مشهور این است که عمل نامه مومن فاسق به دست راستش داده می شود».^۱ بعد از نشر عمل نامه ها اگر کسی در حق بنده ها (حقوق العباد) هر نوع ظمی کرده باشد از او انتقام و قصاص گرفته می شود، حتی از حیوانات قصاص گرفته می شود. از حیوانی شاخدار برای حیوان بی شاخ قصاص گرفته می شود.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقُ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَلْحَاءِ، مِنَ الشَّاةِ الْفَرْنَاءِ».^۲

^۱ لوامع الانوار البهية، ۱۸۳/۲

^۲ صحيح مسلم، كتاب البر والصلة والآداب، باب تحريم الظلم، حديث: 2582، ۱۹۹۷/۴

ترجمه: بی گمان روز رستاخیز حق را به حقدار خواهد داد تا جایی که از حیوان شاخدار که به حیوان بی شاخی آزار رسانده است، نیز قصاص گرفته می شود.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ مِنْ عَرَضِهِ أَوْ شَيْءٍ فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِهِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ».^۱

ترجمه: هر کس که ظلمی به برادرش کرده باشد، خواه به آبروی او لطمه زده و یا حق دیگری از او را پامال کرده باشد، باید همین امروز (در دنیا) از او طلب بخشش کند، پیش از این که روزی (قیامت) فرا رسد که در آن درهم و دیناری وجود ندارد؛ زیرا اگر اعمال نیکی داشته باشد، در آن روز به اندازه ظلمی که کرده است، از آنها کم می گردد و اگر اعمال نیکی نداشته باشد، گناهان ستمدیده را گرفته بر دوش او می گذارند.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟» قَالُوا: الْمُفْلِسُ فَبَيْنَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ، فَقَالَ: «إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ، وَصِيَامٍ، وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا، وَفَدَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُفْضَى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ».^۲

ترجمه: آیا می دانید که مفلس چه کسی است؟ گفتند: کسی که درهم و دیناری نداشته باشد. فرمود: اما مفلس امت من کسی است که در روز رستاخیز با نمازها و روزه و زکات بیاید، ولی به این کس ناسزا گفته و مال آن یکی را خورده و خون دیگری را ریخته و آن یکی را کتک زده است. پس اعمال نیکش بین این و آن تقسیم می گردد و اگر پیش از ادای حقوق دیگران نیکی هایش تمام شود، از گناهان ستم دیدگان به او انداخته می شود و وارد جهنم می گردد.

^۱ صحیح البخاری، کتاب ، باب مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ عِنْدَ الرَّجُلِ فَحَلَّلَهَا لَهُ هَلْ يُبَيِّنُ مَظْلَمَتَهُ، حدیث: 2449، 129/3

^۲ صحیح مسلم، کتاب البر و الصلة والاداب، باب تحریم الظلم، حدیث: 2581، 1997/4

حتی اگر کسی خادم یا غلامش را به زنا متهم کند، در روز رستاخیز حد قذف بر وی جاری می گردد. ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ بِالزَّانَا، يُقَامُ عَلَيْهِ الْحَدُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ كَمَا قَالَ»^۱.

ترجمه: هر کس غلامش را به زنا متهم کند، در روز رستاخیز حد در مورد او اجرا می شود، در صورتی که قولش در مورد غلامش راست باشد.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب التَّغْلِيظِ عَلَى مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ بِالزَّانَا، حدیث: ۱۶۶۰، ۱۲۸۲/۳

مبحث چهارم: بیان میزان و حوض در قرآن و سنت

مطلب اول: بیان میزان در قرآن و سنت

المیزان: الآلة التي توزن بها الأشياء والسنجة من الحجارة والحديد ونحوها والمقدار.^۱

میزان در لغت، آله که توسط آن اشیاء وزن کرده می شود و مقدار سنگ و آهن و غیره سنجیده می شود.

بعد از حساب و قصاص الله متعال ترازوی برای وزن کردن اعمال می گذارد تا هر یک اعمال خود را سنجیده عدل الهی را مشاهده کند و به جزای اعمال خود برسد.

قرطبی می گوید: «وقتی حساب به پایان رسید وزن کردن اعمال آغاز می شود تا به اندازه ی آن پاداش داده شود. ترازوی رستاخیز ترازوی حقیقی بوده دارای زبان و دو پله می باشد که هر پله آن به اندازه طبق های آسمان است».^۲

الف: ثبوت میزان

در اثبات میزان آیات واحادیث فراوان ذکر گردیده است:

الله متعال می فرماید: 1- ﴿فَإِذَا نْفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ

﴿فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾﴾

المؤمنون: ۱۰۱ - ۱۰۳

ترجمه: پس هنگامی که در صور دمیده شود، در آن روز درمیان ایشان، نسب و قرابتی نمی ماند و نه از یکدیگر سوال می کنند. پس کسانی که ترازوی اعمال ایشان سنگین شود، آنها قطعا رستگار اند. و کسانی که ترازوی اعمال ایشان سبک باشد، پس آنها کسانی هستند که خویششان را زیان رسانده اند، در دوزخ جاویدان می مانند.

^۱ المعجم الوسيط، ۲/۱۰۳۰

^۲ التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، ۱/۷۱۵ و ۷۲۳

۲- ﴿وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۸﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿۹﴾ الأعراف: ۸ - ۹

ترجمه: و سنجش اعمال در آن روز حق است، پس کسی که پله نیکی های او گران باشد، پس آنها رستگار اند. و کسی که پله نیکی های وی سبک باشد، پس آنها خویشتن را از دست داده اند، به سبب آن که به آیت های ما تکذیب می نمودند.

۳- ﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿۶﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿۷﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿۸﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿۹﴾ وَمَا

أَدْرَبَكَ مَا هِيَ ﴿۱۰﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿۱۱﴾﴾ القارعة: ۶ - ۱۱

ترجمه: پس کسی که پله ترازوی حسناتش سنگین باشد. او در زندگی رضایت بخشی بسر می برد. و اما کسی که پله ترازوی حسناتش سبک شود. پس جای او هاویه (پرتگاه عمیق دوزخ) است. تو چی میدانی که هاویه چیست؟ آتش بسیار گرم و سوزان است.

۴- ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿۷﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿۸﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾﴾

الرحمن: ۷ - ۹

ترجمه: و آسمان را برافراشت و عدالت را گذاشت، تا از مرز عدالت تجاوز نکنید. و عادلانه وزن کنید و از (چیز موزون) مکاهید.

در تفسیر (اقیموا الوزن) بخاری نقل کرده است که مراد از آن زبان ترازو است.^۱

۵- ﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ﴿۷﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿۸﴾﴾ الشوری: ۱۷

ترجمه: الله ذاتی است که کتاب برحق و میزان را فرو فرستاده است. تو چی میدانی شاید آمدن، قیامت نزدیک باشد.

^۱ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، سورة الرحمان، ۱۴۴/۶

۶- ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ

فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۲۵﴾ الحديد: ۲۵

ترجمه: بدون شک ما پیغمبران خویش را با دلایل (و معجزات) روشن فرستادیم و با آنها کتابهای (آسمانی) و میزان (معرفت حق و عدالت) را نازل کردیم، تا مردم عادلانه عمل کنند.

تمام این آیات به ثبوت میزان دلالت می کند، بر علاوه آن احادیث رسول الله - ﷺ - نیز به ثبوت میزان دلالت می کند، چنانچه ابو هریره - رضي الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «يَدُ اللَّهِ مَلَأَى لَا يَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَقَالَ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مِنْذُ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ وَقَالَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْأُخْرَى الْمِيزَانَ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ»^۱.

ترجمه: دست های الله متعال پر است، خرچ کردن شب و روز از او چیزی کم نمی کند. سپس گفت: مگر ندیدید آنچه را که خرچ کرده است از هنگام آفرینش آسمانها و زمین، آنچه را که در دست او است. چیزی کم نکرده است. و گفت: عرشش بر آب است و به دست دیگرش ترازو است، بالا و پایان می برد.

از ابو مالک اشعری - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُنِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۲.

ترجمه: پاکیزگی نصف ایمان است و (الحمد لله) ترازو را پر می کند و سبحان الله و الحمد لله بین آسمان ها و زمین را پر می کنند.

قرطبی از برخی نقل کرده است که آن ها میزان را به عدالت و داوری تفسیر کرده اند، ذکر کردن میزان و وزن را مثال دانسته اند.^۳

^۱ صحیح البخاری، کتاب التوحید، باب قول الله تعالى { لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ }، حدیث: ۷۴۱۱، ۱۲۲/۹

^۲ صحیح مسلم، کتاب الطهارة، باب فضل الوضوء، حدیث: ۲۲۳، ۲۰۳/۱

^۳ بیبئید: التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، ۷۲۳/۱

شنقیطی^۱ می گوید: میزان در سوره شوری و حدید به معنای عدل و انصاف است، چنانچه بسیاری از مفسرین این گونه تفسیر کرده اند. میزان در سوره رحمان به معنای پیمان است، آنکه مبیعه توسطش پیمان می شود؛ زیرا در سوره رحمان با کلمه میزان تعبیر به (وضع و گذاشتن) شده است. در سوره شوری و حدید تعبیر به نزول شده است.^۲

دلایل اثبات میزان زیاد است. میتوان گفت: در موارد مذکور به معنای غیر باشد، اما دلایلی که میزان روز رستاخیز را به اثبات می رساند خیلی زیاد بوده به آن اجماع صورت گرفته است.

ب: کیفیت میزان

قرطبی می گوید: «ترازوی رستاخیز ترازوی حقیقی بوده دارای زبان و دو پله می باشد که هر پله آن به اندازه طبق های آسمان است».^۳

در مورد کیفیت میزان نصی از قرآن و حدیث وجود ندارد، اما ما به ترازو یا میزانی که برای وزن کردن اعمال در روز آخرت گذاشته می شود، ایمان داریم و آن را به معنای حقیقی اش می پذیریم. الله متعال به هر چیز قادر است.

معتزله منکر ترازو هستند و میزان را در همه موارد عدل و انصاف تفسیر می کنند.

ابن فورک^۴ می گوید: معتزله بدان جهت منکر وزن اعمال شدند که اعمال، صفات هستند و وجود خارجی ندارند و آن چه که مستقل نباشد و وجود خارجی نداشته باشد، وزن کردن آن غیر ممکن است. برخی دانشمندان علم کلام از ابن عباس - رضی الله عنهما - نقل می کنند که الله صفت ها را به صورت جسم می آفریند و می سنجد. درست این است که ترازو توسط همان عمل نامه ها ثقیل و سبک می شود؛ زیرا اعمال در کتب صحف نوشته می شود، چنانچه قرآن و حدیث به آن

^۱ الشنقیطی: محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجکني الشنقیطی، (۱۳۲۵ - ۱۳۹۳ هـ = ۱۹۰۷ - ۱۹۷۳ م)، مفسر مدرّس از علماء شنقیط (موریتانیا) بوده آنجا متولد شده و در مدینه المنوره و ریاض تدریس کرده است. أضواء البیان فی تفسیر القرآن، منع جواز المجاز، آداب البحث و المناظره از جمله تألیفات وی است. (الأعلام للزركلی: ۴۵/۶)

^۲ ببینید: الشنقیطی، محمد الأمين بن محمد بن المختار الجکني الشنقیطی، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م، ۶۵/۷

^۳ التذکره فی أحوال الموتی و امور الآخرة، ۷۱۵/۱ و ۷۲۳

^۴ ابن فورک أبو بکر مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ الأصبهاني، إمام، علامه، شیخ متکلمین اشعری مذهب بود. در موردش گفته شده: أصُولی، أدیب نحوی و واعظ بود. حدود یک صد تصنیفات دارد. در اصول دین و اصول فقه و تفسیر تألیفات دارد. حل الآیات المتشابهات، غریب القرآن، رساله فی علم التوحید از جمله تصنیفات وی است. وی زهر داده شد و در سال ۴۰۶ هـ وفات نمود. (ببینید: سیر اعلام النبلاء: ۲۱۶/۱۷)

دلالت می کند. ابن عمر می گوید: عمل نامه ها وزن کرده می شود، پس این صحف و کتب دارای جسم است که توسط آن ترازو بالا و پایین می شود.^۱

الله متعال به مجسم ساختن اعمال، سپس وزن کردن آن قادر است. ابو هریره رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».^۲

ترجمه: دو کلمه هستند که گفتن آنها بر زبان بسیار آسان و در ترازوی اعمال وزن آنها سنگین و نزد پروردگار بسیار پسندیده اند. آن دو کلمه: (سبحان الله و بحمده سبحان الله العظيم) هستند.

به همین طور احادیث زیادی دلالت به این می کند که در روز رستاخیز، اعمال به شکلی که حقیقت آن را الله بهتر می داند، خواهند آمد.

ابو امامه - رضی الله عنه - می گوید: شنیدم که رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ، أَقْرَأُوا الزُّهْرَاوِينَ الْبَقْرَةَ، وَسُورَةَ آلِ عِمْرَانَ، فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا عَمَامَتَانِ، أَوْ كَأَنَّهُمَا غَيَابَتَانِ، أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافٍ، تُحَاجَّانِ عَنِ أَصْحَابِهِمَا، أَقْرَأُوا سُورَةَ الْبَقْرَةِ، فَإِنَّ أَخْذَهَا بَرَكَةٌ، وَتَرْكُهَا حَسْرَةٌ، وَلَا تَسْتَطِيعُهَا الْبِطْلَةُ».^۳

ترجمه: قرآن بخوانید. همانا روز رستاخیز قرآن برای خواننده خود شفاعت می کند، بخوانید دو گل را (بقره و آل عمران) را تلاوت کنید؛ زیرا آن دو در روز رستاخیز به صورت دو ابر یا دو دسته پرند ه های بال گشوده در می آیند و برای صاحبان خود شفاعت می کنند. سوره بقره را بخوانید یقیناً گرفتن آن برکت، ترک کردن آن حسرت است و ساحران بر آن توان ندارند.

در روایت دیگر رسول الله - ﷺ - فرموده اند: «بُؤْتَى بِالْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَهْلِهِ الَّذِينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِهِ تَقْدُمُهُ سُورَةُ الْبَقْرَةِ، وَالْآلِ عِمْرَانَ» ... قَالَ: «كَأَنَّهُمَا عَمَامَتَانِ، أَوْ ظُلَّتَانِ سَوْدَاوَانِ بَيْنَهُمَا شَرْقٌ، أَوْ كَأَنَّهُمَا جِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافٍ، تُحَاجَّانِ عَنِ صَاحِبَيْهِمَا».^۴

ترجمه: در روز رستاخیز قرآن همراه با اهلیش، یعنی کسانی که به آن عمل کرده اند، آورده می شود و در جلو آن، سوره بقره و سوره آل عمران خواهند آمد... فرمود: این دو سوره مانند دو

^۱ التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، 722/1

^۲ صحيح البخاري، كتاب الدعوات، باب فضل التَّسْبِيح، حديث: 6406، 86/8

^۳ صحيح مسلم، كتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب فضل قراءة القرآن، و سورة البقرة، حديث: 804، 553/1

^۴ صحيح مسلم، كتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب فضل قراءة القرآن، و سورة البقرة، حديث: 805، 504/1

ابر یا دو سایه، که در وسط آن ها نوری قرار دارد، یا مانند دو دسته پرنده با بال های گشوده، میابند و این دو از عاملان به قرآن دفاع می کنند.

علمای اهل سنت می گویند: ما به ترازویی که اعمال خیر و شر بنده ها در آن وزن می شود ایمان داریم. آن ترازویی است که یک زبان و دو پله دارد. صحیح این است که روز رستاخیز ترازوی حقیقی گذاشته می شود و اعمال وزن کرده می شود، بر خلاف عده از دانشمندان که آنها ترازو را عدل پروردگار تفسیر کرده اند. در این مورد آیات و احادیث زیاد وجود دارد که به حد تواتر می رسد. همچنان علما در این مورد اجماع دارند.^۱

ج: تعدد موازین

الله متعال می فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ آتَيْنَاهَاُ وَكَفَىٰ بِمَا حَسِبِينَ ﴿٤٧﴾﴾

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ آتَيْنَاهَاُ وَكَفَىٰ بِمَا حَسِبِينَ ﴿٤٧﴾﴾ الأنبياء: ٤٧

ترجمه: و ما ترازوهای عدل را روز قیامت در میان می نهیم (و اعمال نیک و بد بندگان را وزن می کنیم) و بر هیچکسی کمترین ستمی کرده نمی شود، و اگر عمل به اندازه یک دانه سپند باشد، آن را حاضر خواهیم کرد و همین بس است که ما خود حسابگر (اعمال بندگان) باشیم.

شنقیطی می گوید: « فظاهر القرآن يدل على أن للعامل الواحد موازين يوزن بكل واحد منها صنف من أعماله».^۲

«ظاهر قرآن به این دلالت می کند که هر شخص چندین ترازو دارد که با هر ترازو هر یک نوع اعمالش وزن می شود. باید گفت که قاعده اصولی این است: رجوع از ظاهر قرآن جایز نیست تا این که دلیلی برای رجوع از آن نباشد».

ابن کثیر می گوید: «الأكثر على أنه إنما هو ميزان واحد، وإنما جمع باعتبار تعدد الأعمال الموزونة فيه».^۳

^۱ ببینید: لوامع الانوار البهية، ۱۸۵/۲

^۲ أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، ۱۰۹/۴.

^۳ تفسير القرآن العظيم، ۳۴۵/۵

اکثر به این نظر هستند که ترازو یکی است. برای تعدد اعمالی که در آن وزن می شود، موازین صیغه جمع ذکر گردیده است.

در مورد کافران الله متعال می فرماید ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِمْ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنَّا﴾ الكهف: ۱۰۵

ترجمه: آنها کسانی اند که بر آیتهای پروردگار شان و به ملاقات او کافر شدند، و اعمال شان برباد شد، پس روز قیامت برای ایشان هیچ میزانی برپا نمی کنیم.

ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: ترازوی اعمال شان را ثقیل نمی کنیم؛ زیرا از خیر خالی می باشد.^۱

ابو هریره - رضي الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّهُ لَيَأْتِي الرَّجُلُ الْعَظِيمُ السَّمِينُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَزُنُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ وَقَالَ اقْرَأُوا {فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنَّا} [الكهف: ۱۰۵]». ^۲

ترجمه: در رستاخیز مرد بزرگ چاقی را می آورند که نزد الله حتی به اندازه ی پر پشه ای نیز وزن ندارد. این آیه را بخوانید: {فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنَّا} پس روز قیامت برای ایشان هیچ میزانی برپا نمی کنیم.

مطلب دوم: بیان حوض در قرآن و سنت

حوض در زبان عربی مجتمعی آب را گوید. در زبان دری نیز به نام حوض یاد می گردد. جمعش احواض و حیاض است. اینجا مراد حوض رسول الله - ﷺ - است که در روز قیامت امتش از آن سیراب می شوند. مسافت و مساحت، همه صفات آن در احادیث پیامبر - ﷺ - ذکر گردیده است، چنانچه برخی می گویند: (سَقَاكَ اللهُ بِحَوْضِ الرَّسُولِ) الله متعال تو را از آب حوض رسول - صلی الله علیه وسلم - بنوشاند.^۳

^۱ تفسیر القرآن العظيم، ۳۴۵/۵

^۲ صحيح البخاري، كتاب التفسير، باب { أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِمْ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ } الآية، حديث: 4729، 93/6

^۳ لسان العرب، ۱۴۱/۷.

حوضی که توسط آن به پیامبر - ﷺ - اکرام بخشیده شده است حق است، احادیث وارد شده در این مورد به حد تواتر می رسد. آشامیدن از حوض قبل از صراط می باشد؛ زیرا کسانی که مرتد شدند از حوض منع کرده می شوند و چنین اشخاص از صراط عبور کرده نمی توانند.^۱

الله رب العزت می فرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرِ ۝ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝﴾ الكوثر: ۱ - ۳

ترجمه: به راستی که ما به تو کوثر را عطا کریم. پس تو تنها برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. شکی نیست که دشمن تو بی نام و نشان خواهد شد.

از عایشه - رضی الله عنها - در مورد این سخن الله متعال پرسیده شد: {إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ}. گفت: «نَهَرُ أُعْطِيَهُ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاطِئَاهُ عَلَيْهِ ذُرٌّ مُجَوَّفٌ أَيْنُهُ كَعَدَدِ النُّجُومِ».^۲

ترجمه: نهری است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن مرواریدهای میان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است.

انس - رضی الله عنه - می گوید: بعد از این که پیامبر - ﷺ - بسوی آسمان به معراج برده شد فرمود: «أَتَيْتُ عَلَى نَهْرٍ حَاقَتَاهُ قِيَابُ اللَّوْلُؤِ مُجَوَّفًا فَقُلْتُ مَا هَذَا يَا جِبْرِيْلُ قَالَ هَذَا الْكَوْثَرُ».^۳

ترجمه: به نهری رسیدم که دو طرف آن، خیمه های ساخته شده از مروارید میان تهی وجود داشت. پرسیدم: ای جبریل! این چیست؟ گفت: این کوثر است.

در تعریفات فقهی کوثر را چنین تعریف کرده است: الكوثر: حوضٌ على باب الجنة يسقي المؤمنون منه.^۴

کوثر حوضی است در دروازه جنت، مومنان از آن می نوشند.

قرطبی می گوید: «کوثر در کلام عرب خیر کثیر را گوید».^۵

^۱ ببینید: شرح العقيدة الطحاوية، ۲۲۸/۱

^۲ صحيح البخاري، كتاب التفسير، سورة إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، حديث: ۵۹۶۵، ۱۷۸/۶

^۳ صحيح البخاري، كتاب التفسير، سورة إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، حديث: ۵۹۶۴، ۱۷۸/۶

^۴ التعريفات الفقهية، ۱۸۵/۱

^۵ التذكرة في احوال الموتى و امور الآخرة، ۷۰۲/۱

ابن عباس - رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا - در مورد کوثر می گوید: «خیری است که الله متعال خاص به پیامبر ﷺ عطا کرده است. از سعید بن جبیر پرسیده شد: مردم در مورد کوثر فکر می کنند که نهری در جنت است. او گفت: نهری که در جنت است، از خیری است که خاص به پیامبر - ﷺ - عطا گردیده است»^۱.

حوضی که به رسول الله - ﷺ - در روز قیامت عطا گردیده از خیر کثیر است، چنانچه اطلاق کوثر در حدیث بر حوض شده است.

تمام اهل سنت از سلف و خلف بر اثبات حوض اجماع دارند، مگر گروهی از مبتدعه، خوارج و معتزله از آن انکار ورزیده است. درحالیکه احادیث حوض به تواتر می رسد. چهل تن از اصحاب کرام حوض را روایت کرده اند که اکثر آن احادیث، صحیح می باشد.^۲

جندب - رضی الله عنه - می گوید: نَبِيٌّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - را شنیدم که فرمود: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ»^۳.

ترجمه: من در ورود بر حوض بر شما پیشی می گیرم.

أُسَيْدُ بْنُ حُضَيْرٍ - رضی الله عنه - می گوید: مردی از انصار با رسول الله - ﷺ - خلوت کرد و گفت: آیا همان گونه که به فلانی، مسئولیتی واگذار نموده ای، به من واگذار نمی نمایی؟ رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي أَثْرَةً فَاصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ»^۴.

ترجمه: بعد از من، تبعیض های زیادی مشاهده می نمایید. پس صبر کنید تا با من در کنار حوض (کوثر) ملاقات نمایید.

در یک روایت صحیح برای هر نبی یک حوض ذکر گردیده است. هر نبی را روز آخرت در روز محشر حوضی است که امتش از آن می نوشد. اما برتری حوض پیامبر - ﷺ - در این است که آب آن حوض از جنت می آید. سمره بن جندب - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی

^۱ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، سُورَةُ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ، حدیث: ۵۹۶۶، ۱۷۸/۶

^۲ ببینید: فتح الباری، ابن حجر، ۴۶۷/۱۱

^۳ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، بَابُ إِثْبَاتِ حَوْضِ نَبِيِّنَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصِفَاتِهِ، حدیث: ۲۲۸۹، ۱۷۹۲/۴

^۴ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، بَابُ الْأَمْرِ بِالصَّبْرِ عِنْدَ ظُلْمِ الْوَلَدِ وَاسْتِئْثَارِهِمْ، حدیث: ۱۸۴۵، ۱۴۷۴/۳

الله عليه وسلم - فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَإِنَّهُمْ يَنْبَاهُونَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةٌ، وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً»^۱.

ترجمه: هر نبي را حوضی است و آنها به كثرت وارد شونده گان آن حوض بر یک دیگر فخر می کنند و من امید وارم بیشترین وارد شونده گان بر حوض امت من باشد.

الف: محل حوض

در مورد محل حوض اختلاف است که آیا در جنت است یا در محشر و ورود مومنان بر حوض چی وقت است.

ابن حجر می گوید: «دیدگاه بخاری - رحمه الله - این است که حوض کوثر پس از صراط است؛ زیرا امام بخاری احادیث مربوط به حوض را پس از بیان احادیث (پل صراط) و شفاعت آورده است»^۲.

قرطبی می گوید: «برخی گفته اند که حوض بعد از صراط است. درست این است که نبی - ﷺ - را دو حوض است. یک حوض در موقف محشر قبل از صراط، و حوض دیگر در جنت است، و اطلاق کوثر بر هر دو می شود». همچنان در ترتیب حوض و میزان هم اختلاف را ذکر کرده مقدم بودن حوض را بر میزان ترجیح داده است.^۳

ابو هریره - رضی الله عنه - روایت می کند که نبی اکرم - ﷺ - فرمود: «بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا رُمِرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ حَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي وَبَيْنَهُمْ فَقَالَ هَلُمَّ فَقُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ قُلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى ثُمَّ إِذَا رُمِرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ حَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي وَبَيْنَهُمْ فَقَالَ هَلُمَّ قُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ قُلْتُ مَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ»^۴.

ترجمه: در حالی که کنار حوض ایستاده ام، ناگهان چشم ام به گروهی می افتد و آنها را می شناسم. در این هنگام، مردی از میان من و آنان، بیرون می آید و به آنان می گوید: بباید. من می

^۱ سنن الترمذی، ابواب صفة القيامة و الرقاق و الورع، باب ما جاء في صفة الحوض، حديث: 2443، 4/ 628، الباني این حدیث را در صحیح سنن الترمذی، شماره (2443، 2/ 583) صحیح خوانده است.

^۲ فتح الباری، ابن حجر، 466/11

^۳ ببینید: التذکرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، 703/1

^۴ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب في الحوض وقول الله تعالى { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ }، حديث: 6587، 8/ 1211

گویم: کجا؟ می گوید: به خدا سوگند که بسوی آتش. می گویم: آنان چه کار کرده اند؟ می گوید: آنها بعد از تو به پشت سر شان برگشتند و مرتد شدند. سپس ناگهان گروه دیگر، آشکار می شود و هنگامی که آنها را می شناسم، مردی از میان من و آنان بیرون می آید و به آنان می گوید: بیایید. می گویم: کجا؟ می گوید: سوگند به خدا که بسوی آتش. می گویم: چه کار کرده اند؟ می گوید: آنها بعد از تو به پشت سر شان برگشتند و مرتد شدند. فکر نمی کنم که از میان آنان، جز افراد کمی که به اندازه تعداد شتران سر گردان هستند کسی نجات پیدا کند.

قرطبی می گوید: «این حدیث قوی ترین دلیل بر این است که ورود به حوض قبل از صراط است؛ زیرا صراط، پل راهی بر جهنم است. کسی از آن پل گذشت او به جنت می رود کسی نگذشت به جهنم می رود. همچنان حوض های انبیای دیگر نیز در موقف روز محشر می باشد»^۱.

همچنان به حدیث ثوبان استدلال می کند: ثوبان - رضی الله عنه - می گوید: نَبِيَّ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فرمود: «إِنِّي لَبِعُفْرٍ حَوْضِي أَدُوْدُ النَّاسِ لِأَهْلِ الْيَمَنِ أُضْرِبُ بِعَصَايَ حَتَّى يَرْفُضَ عَلَيْنِهِمْ». فَسُئِلَ عَنْ عَرْضِهِ فَقَالَ: «مَنْ مَقَامِي إِلَى عَمَانَ» وَسُئِلَ عَنْ شَرَابِهِ فَقَالَ: «أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ، وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، يَعْثُ فِيهِ مِيزَابَانِ يَمْدَانِهِ مِنَ الْجَنَّةِ، أَحَدُهُمَا مِنْ ذَهَبٍ، وَالْآخَرُ مِنْ وَرَقٍ»^۲.

ترجمه: همانا من در جایگاه اصلی حوض می ایستم و مردم را با عصایم برای آمدن اهل یمن، کنار می زنم تا آبش برای آنان جاری گردد. سپس مردم از پیامبر - ﷺ - در مورد پهنای حوض پرسیدند. فرمود: از اینجا تا عمان است. سپس مردم از آب آن پرسیدند. فرمود: سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل است. دو دریا که از بهشت، با قدرت و فشار، جریان دارند، آب آن را تهیه می کنند که یکی آن از طلا و دیگری از تفره است.

ب: طول و عرض حوض

در تعریفات فقهی اندازه حوض چنین ذکر گردیده است: وَالْكَبِيرُ مِنْهُ مَا يَكُونُ عَشْرًا فِي عَشْرِ، وَالصَّغِيرُ مَا لَا يَكُونُ عَشْرًا بَلْ أَقَلَّ مِنْهُ.

^۱ التذكرة في احوال الموتى و امور الآخرة، ۷۰۳/۱

^۲ صحيح مسلم، كتاب الفضائل، باب إثبات حوض نبينا صلى الله عليه وسلم وصفاته، حديث: ۲۳۰۱، ۱۷۹۹/۴

بزرگ ترین آن ده در ده (۱۰/۱۰) گز شرعی می باشد و کوچک آن از ده (۱۰) کمتر می باشد. و همچنان اطلاق حوض بر کوثر می شود.^۱

حوض کوثر از حوض های دیگر مستثنی است؛ زیرا این حوضی است که در روز قیامت خاص به محمد - ﷺ - داده می شود. مساحت و اندازه ی آن در احادیث متعدد، مختلف ذکر گردیده است. این که نبی - ﷺ - در موارد مختلف مسافت حوض را مختلف ذکر کرده است، به سبب معرفت و شناخت مردم همان جا و همان قوم است.^۲

ابن عمر- رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا - از نبی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - روایت می کند که ایشان فرمود: «أَمَامَكُمْ حَوْضٌ كَمَا بَيْنَ جَرَبَاءَ وَأَذْرَحَ».^۳

ترجمه: پیش روی شما حوضی وجود دارد که به اندازه مسافت میان دو روستای جرباء و اذرح است.

أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - می گوید: رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فرمود: «إِنَّ قَدْرَ حَوْضِي كَمَا بَيْنَ أَيْلَةَ وَصَنْعَاءَ مِنَ الْيَمَنِ وَإِنَّ فِيهِ مِنَ الْأَبَارِيقِ كَعَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ».^۴

ترجمه: بزرگی حوض من به اندازه مسافت میان ایله و صنعای یمن، و تعداد آفتابه های آن به اندازه ستارگان آسمان است.

در حدیث دیگر از نبی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - در مورد حوض چنین روایت شده است: «كَمَا بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَصَنْعَاءَ».^۵

ترجمه: به اندازه مسافت میان مدینه و صنعاء است.

جمع بین دو حدیث را قرطبی ذکر کرده است: این که نبی - ﷺ - در موارد مختلف مسافت حوض را مختلف ذکر کرده است، به سبب معرفت و شناخت مردم همان جا و همان قوم است.^۶

^۱ البرکتی، محمد عمیم الإحسان المجددی البرکتی، التعریفات الفقہیة، ناشر: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۳م، ۸۲/۱

^۲ ببینید: التذکرة في احوال الموتی و امور الآخرة، ۷۰۶/۱

^۳ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب فی الحوض وقول الله تعالى { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ }، حدیث: ۶۵۷۷، ۱۱۹/۸

^۴ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب فی الحوض وقول الله تعالى { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ }، حدیث: ۶۵۸۰، ۱۱۹/۸

^۵ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب فی الحوض وقول الله تعالى { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ }، حدیث: ۶۵۹۱، ۱۲۱/۸

^۶ ببینید: التذکرة في احوال الموتی و امور الآخرة، ۷۰۶/۱

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - مَيَّ غَوِيْد: رَسُوْلُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فرمود: «حَوْضِي مَسِيْرَةُ شَهْرٍ، وَزَوَايَاهُ سَوَاءٌ، وَمَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرَقِ، وَرِيْحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَكِيْرَانُهُ كَنُجُوْمِ السَّمَاءِ، فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَطْمَأْ بَعْدَهُ أَبَدًا».^۱

ترجمه: گستردگی حوض به اندازه مسافت یک ماه است. زاویه هایش برابر است. آبش از شیر سفید تر و از مشک خوشبو تر و پیمانه هایش مانند ستارگان آسمان است. هر کس یک بار از آن بنوشد، هر گز تشنه نخواهد شد.

ابو ذر - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - مَيَّ غَوِيْد: كَفْتَم: اَي رَسُوْلُ اللَّهِ! تَعْدَادُ ظَرْفِ هَاي حَوْضِ كُوْثَرِ چَه قَدْرِ اسْت؟ فرمود: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيْدِهِ لَا يَنْبِيْتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُوْمِ السَّمَاءِ وَكَوَاكِبِهَا، أَلَا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُصْحِيَةِ، آيَةُ الْجَنَّةِ مَنْ شَرِبَ مِنْهَا لَمْ يَطْمَأْ آخِرَ مَا عَلَيْهِ، يَشْخَبُ فِيْهِ مِيْرَابَانِ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ لَمْ يَطْمَأْ، عَرْضُهُ مِثْلُ طُوْلِهِ، مَا بَيْنَ عَمَانَ إِلَى آيَلَةَ، مَاؤُهُ أَشَدُّ بِيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ، وَأَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ».^۲

ترجمه: قسم به ذاتی که نفس محمد در دست او است، تعداد ظرف های حوض بیشتر از تعداد ستارگان کوچک و بزرگ آسمان در یک شب تاریک و بدون ابر می باشد. و همان ها نیز ظرف های بهشت هستند. هر کس از آن بنوشد هر گز تشنه نمی شود. دو دریاب از بهشت به آن، جریان دارد. هر کس از آن بنوشد، تشنه نمی شود. عرضش مانند طولش می باشد. و هر ضلع آن به اندازه فاصله ی میان عمان تا ایله است. آبش سفید تر از شیر، و شیرین تر از عسل است.

بنا بر دلایل مذکور، مساحتی حوض مشخص نیست، آنچه در مورد مساحت حوض در احادیث ذکر گردیده است، دلالت به عظمت و بزرگی حوض می کند.

ج: صفات حوض و کسانی که از حوض رانده می شوند

ابو هریره - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «تَرَدُّ عَلَيَّ أُمَّتِي الْحَوْضِ، وَأَنَا أَدُوْدُ النَّاسِ عَنْهُ، كَمَا يَدُوْدُ الرَّجُلُ إِبِلَ الرَّجُلِ عَنِ إِبِلِهِ» قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَتَعْرِفُنَا؟ قَالَ: «نَعَمْ لَكُمْ سِيْمَا لَيْسَتْ لِأَحَدٍ غَيْرِكُمْ تَرُدُّونَ عَلَيَّ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ، وَلْيُصَدَّنَّ عَلَيَّ طَائِفَةٌ

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، بَابُ إِثْبَاتِ حَوْضِ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصِفَاتِهِ، حدیث: ۲۲۹۲، ۱۷۹۳/۴
^۲ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، بَابُ إِثْبَاتِ حَوْضِ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصِفَاتِهِ، حدیث: ۲۳۰۰، ۱۷۹۸/۴

مِنْكُمْ فَلَا يَصِلُونَ، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ هُوَ لَاءِ مِنْ أَصْحَابِي. فَيَجِيبُنِي مَلَكٌ، فَيَقُولُ: وَهَلْ تَدْرِي مَا أَخَذْتُوا بَعْدَكَ؟^۱»

ترجمه: امتم نزد من بر حوض می آیند و من گروهی از آنان را از خود دور می کنم، همان گونه که شخصی شتران دیگران را از شترش دور می کند. گفتند: ای رسول الله - ﷺ - آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره ای نورانی و دست و پای درخشان از وضو بر من وارد می شوید. اما گروهی از شما که نماز را ادا نمی کردند، از ورودشان جلوگیری می شود. می گویم: پروردگار! اینان از امتم هستند. فرشته ای می گوید: آیا می دانی آن ها پس از توجه بدعتی کردند؟

در روایت دیگر چنین آمده است: «إِنَّ حَوْضِي أَبْعَدُ مِنْ أَيْلَةٍ مِنْ عَدَنِ لَهُوَ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ النَّجْحِ، وَأَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ بِاللَّبَنِ، وَلَا يَبِيْتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ النُّجُومِ وَإِنِّي لِأَصْدُ النَّاسِ عَنْهُ، كَمَا يَصْدُ الرَّجُلُ إِبِلَ النَّاسِ عَنْ حَوْضِهِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَعْرِفُنَا يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: «نَعَمْ لَكُمْ سِيْمَا لَيْسَتْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ تَرُدُونَ عَلَيَّ غُرًّا، مُحَجَّلِينَ مِنْ أَثَرِ الْوُضُوءِ».^۲

ترجمه: مسافت حوض بیشتر از مسافت ایله تا عدن است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر است و پیمانه هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. من برخی از مردم را پس می زنم، همان گونه که شخصی شتران دیگران را از حوضش دور می سازد. گفتند: ای رسول الله آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره ای نورانی و دست و پای درخشان از وضو بر من وارد می شوید.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - به قبرستان آمد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَجْفُونَ، وَدِدْتُ أَنَا قَدْ رَأَيْنَا إِخْوَانَنَا». قَالُوا: أَوْلَسْنَا إِخْوَانَكَ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانُنَا الَّذِينَ لَمْ يَأْتُوا بَعْدُ» فَقَالُوا: كَيْفَ نَعْرِفُ مَنْ لَمْ يَأْتِ بَعْدُ مِنْ أُمَّتِكَ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: (أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَهُ حَيْلٌ عُرٌّ مُحَجَّلَةٌ بَيْنَ ظَهْرِي حَيْلٍ دُهْمٍ بُوْهُمُ إِلَّا يَعْرِفُ حَيْلَهُ؟) قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «فَإِنَّهُمْ يَأْتُونَ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنَ الْوُضُوءِ، وَأَنَا فَرَطُهُمْ

^۱ صحیح مسلم، کتاب ، بابِ اسْتِحْبَابِ إِطَالَةِ الْغُرَّةِ وَالتَّحْجِيلِ فِي الْوُضُوءِ ، حدیث: ۲۴۷، ۲۱۷/۱
^۲ صحیح مسلم، کتاب ، بابِ اسْتِحْبَابِ إِطَالَةِ الْغُرَّةِ وَالتَّحْجِيلِ فِي الْوُضُوءِ ، حدیث: ۲۴۷، ۲۱۷/۱

عَلَى الْحَوْضِ إِلَّا لِيُذَادَنَّ رَجَالٌ عَنِ حَوْضِي كَمَا يُذَادُ الْبَعِيرُ الضَّالُّ أُنَادِيهِمْ إِلَّا هَلُمَّ فَيَقَالُ: إِنَّهُمْ قَدْ
بَدَّلُوا بَعْدَكَ فَأَقُولُ سُحْقًا سُحْقًا»^۱.

ترجمه: سلام بر شما ای ساکنان مومن این سرزمین، ما هم به خواست الهی بزودی به شما ملحق می شویم. دوست داشتیم که برادرانمان را می دیدیم. صحابه عرض کردند: یا رسول الله! آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: شما یاران من هستید، برادران ما کسانی هستند که تا کنون نیامده اند. صحابه گفتند: یا رسول الله! کسانی را از امتیانت که تا کنون نیامده اند، چگونه می شناسی؟ فرمود: اگر شخصی در میان اسبهای بسیار سیاه، اسبهایی داشته باشد که پیشانی و دست و پای آنها سفید باشد، آیا اسبهایش را نمی شناسد؟ صحابه گفتند: بلی یا رسول الله. پس ایشان فرمود: آنان روز قیامت بر اثر وضو با چهره و دست و پای درخشان می آیند و من ساقی آنها بر حوض (کوثر) هستم. بدانید که روز قیامت همان گونه که شتران بیگانه از حوض رانده می شوند، افرادی را از حوض من دور کرده می شوند، من آنان را صدا می زنم که بیایید. ندا می آید که: آنان بعد از تو دینت را تغییر دادند. آنگاه من می گویم: دور شوید، دور شوید.

در روایت دیگری رسول الله - ﷺ - را شنیدم که می فرمود: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ وَرَدَ شَرِبَ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا، وَلَيَرَدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرَفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي، ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ»^۲.

ترجمه: من در ورود بر حوض بر شما پیشی می گیرم. هر کس بر من بگذرد، از آن می نوشد و هر کس بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد، گروهی که من آن ها را شناخته و آن ها مرا می شناسند، می خواهند بر من وارد شوند، ولی از ورودشان جلوگیری می شود.

د: اولین کسانی که بر حوض وارد می شوند

اولین کسانی که بر حوض وارد می شوند، فقراء و مهاجرین هستند، چنانچه ثوبان - رضي الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کنی که ایشان فرمود: «حَوْضِي مِنْ عَدَنَ إِلَى عَمَانَ الْبَلْقَاءِ، مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَأَكْوَابُهُ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَ لَمْ

^۱ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، بَابُ اسْتِحْبَابِ إِطَالَةِ الْغُرَّةِ وَالتَّحْجِيلِ فِي الْوُضُوءِ، حدیث: ۲۴۹، ۲۱۸/۱
^۲ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، بَابُ إِثْبَاتِ حَوْضِ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصِفَاتِهِ، حدیث: ۲۲۹۰، ۱۷۹۳/۴

يَظْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا، أَوَّلُ النَّاسِ وَرُودًا عَلَيْهِ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ، الشُّعْتُ رُءُوسًا، الدُّنْسُ ثِيَابًا الَّذِينَ لَا يَنْكِحُونَ الْمُتَنَعِمَاتِ وَلَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السُّدَدِ»^۱.

ترجمه: مساحت حوض بیشتر از مسافت عدن تا عمان است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر است و پیمانۀ هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. هر کس یک بار از آن بنوشد، هر گز تشنه نخواهد شد. اولین کسانی که بر آن وارد می شوند، فقراء و مهاجرینی که ژولیده مو و لباس های چرک به تن داشتند، آنانی که با زنهای ناز پرور نکاح کرده نمی توانند و دروازه های بسته به روی شان باز نمی شود، می باشند.

بنا بر عدم تعیین محل حوض در احادیث و این که حوض و کوثر یکی است یا هر کدام جدا بوده کوثر بر هر دو اطلاق می گردد، میتوان گفت: حوض کوثر در روز محشر خواه قبل از صراط یا بعد از صراط باشد به نبی اکرم - ﷺ - داده می شود تا امتش را از آن سیراب کند. کسانی که از دین الله مرتد شدند، یا در دین الله چیزهایی ایجاد کردند که الله به آن اجازه نداده است، ناراضی می شود، از حوض رانده می شوند. همچنان کسانی که از جماعت مسلمانها جدا شده اند مانند خوارج به شدت رانده می شوند.^۲

^۱ سنن الترمذی، ابواب صفة القيامة و الرقاق و الورع، باب صفة اوانی الحوض، حدیث: ۲۴۴۴، ۶۲۹/۴ البانی این حدیث را در صحیح سنن الترمذی، شماره (۲۴۴۴، ۵۸۴ / ۲) صحیح خوانده است.
^۲ التذکرة فی أحوال الموتی و امور الآخرة، ۷۱۰/۱

فصل سوم: بیان تعیین سرنوشت خلائق در آخرت در قرآن و سنت

فصل سوم: بیان تعین سرنوشت خلائق در آخرت در قرآن و سنت

روز آخرت و مرحله تعین سرنوشت خلائق را رسول الله - ﷺ - در حدیث طویل چنین به تصویر می کشاند: ابو سعید خدری - رضی الله عنه - روایت می کند. رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَذَّنُ مُؤَدِّنٌ لِيَتَّبِعَ كُلُّ أُمَّةٍ مَا كَانَتْ تَعْبُدُ، فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ كَانَ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ الْأَصْنَامِ وَالْأَنْصَابِ إِلَّا يَتَسَاقَطُونَ فِي النَّارِ، حَتَّى إِذَا لَمْ يَبْقَ إِلَّا مَنْ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ مِنْ بَرٍّ وَفَاجِرٍ وَغَبْرٍ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَيُدْعَى الْيَهُودُ، فَيَقَالُ لَهُمْ: مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ؟ قَالُوا: كُنَّا نَعْبُدُ عَزِيرَ ابْنِ اللَّهِ، فَيَقَالُ: كَذَّبْتُمْ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ صَاحِبَةٍ وَلَا وَلَدٍ، فَمَاذَا تَبْعُونَ؟ قَالُوا: عَطِشْنَا يَا رَبَّنَا، فَاسْقِنَا، فَيُشَارُ إِلَيْهِمْ أَلَّا تَرُدُّونَ؟ فَيُحْشَرُونَ إِلَى النَّارِ كَأَنَّهَا سَرَابٌ يَحِطُّ بِعَضُهَا بَعْضًا، فَيَتَسَاقَطُونَ فِي النَّارِ، ثُمَّ يُدْعَى النَّصَارَى، فَيَقَالُ لَهُمْ: مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ؟ قَالُوا: كُنَّا نَعْبُدُ الْمَسِيحَ ابْنَ اللَّهِ، فَيَقَالُ لَهُمْ: كَذَّبْتُمْ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ صَاحِبَةٍ وَلَا وَلَدٍ، فَيَقَالُ لَهُمْ: مَاذَا تَبْعُونَ؟ فَيَقُولُونَ: عَطِشْنَا يَا رَبَّنَا، فَاسْقِنَا، قَالَ: فَيُشَارُ إِلَيْهِمْ أَلَّا تَرُدُّونَ؟ فَيُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ كَأَنَّهَا سَرَابٌ يَحِطُّ بِعَضُهَا بَعْضًا، فَيَتَسَاقَطُونَ فِي النَّارِ حَتَّى إِذَا لَمْ يَبْقَ إِلَّا مَنْ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى مِنْ بَرٍّ وَفَاجِرٍ أَنَاهُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى فِي أَدْنَى صُورَةٍ مِنَ الَّتِي رَأَوْهُ فِيهَا قَالَ: فَمَا تَنْتَظِرُونَ؟ تَتَّبِعُ كُلُّ أُمَّةٍ مَا كَانَتْ تَعْبُدُ، قَالُوا: يَا رَبَّنَا، فَارْقِنَا النَّاسَ فِي الدُّنْيَا أَفْقَرٌ مَا كُنَّا إِلَيْهِمْ، وَلَمْ نُصَاحِبْهُمْ، فَيَقُولُ: أَنَا رَبُّكُمْ، فَيَقُولُونَ: نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْكَ لَا نُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، حَتَّى إِنَّ بَعْضَهُمْ لَيَكَادُ أَنْ يَنْقَلِبَ، فَيَقُولُ: هَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ آيَةٌ فَتَعْرِفُونَهُ بِهَا؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَكْتَسِفُ عَنْ سَاقِ فَلَا يَبْقَى مَنْ كَانَ يَسْجُدُ لِلَّهِ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ إِلَّا أَيْنَ اللَّهُ لَهُ بِالسُّجُودِ، وَلَا يَبْقَى مَنْ كَانَ يَسْجُدُ اتِّقَاءً وَرِيَاءً إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ظَهْرَهُ طَبَقَةً وَاحِدَةً، كُلَّمَا أَرَادَ أَنْ يَسْجُدَ حَرَّ عَلَى قَفَاهُ، ثُمَّ يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ وَقَدْ تَحَوَّلَ فِي صُورَتِهِ الَّتِي رَأَوْهُ فِيهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ، فَقَالَ: أَنَا رَبُّكُمْ، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ رَبَّنَا، ثُمَّ يُضْرَبُ الْجِسْرُ عَلَى جَهَنَّمَ، وَتَحِلُّ الشَّفَاعَةُ، وَيَقُولُونَ: اللَّهُمَّ سَلِّمْ، سَلِّمْ " قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْجِسْرُ؟ قَالَ: " نَحْضُ مَزَلَّةٍ، فِيهِ خَطَاطِيفٌ وَكَالَلَيْبِ وَحَسَاكُ تَكُونُ بِنَجْدٍ فِيهَا شَوْبِكَةٌ يُقَالُ لَهَا السَّعْدَانُ، فَيَمُرُّ الْمُؤْمِنُونَ كَطَرْفِ الْعَيْنِ، وَكَالْبَرْقِ، وَكَالرَّيْحِ، وَكَالطَّيْرِ، وَكَالْجَاوِيدِ الْخَيْلِ وَالرِّكَابِ، فَجَاجٍ مُسَلِّمٌ، وَمَخْدُوشٌ مُرْسَلٌ، وَمَكْدُوسٌ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»¹.

ترجمه: در روز آخرت منادی ندا می کند: هر امتی از معبودش پیروی کند. تمام کسانی که غیر از الله، یعنی بت و سنگ ها را عبادت می کردند، به دوزخ سقوط می کنند، تا این که جز افراد نیک و بدی که الله را پرستش کرده اند و بقایایی از اهل کتاب کسی دیگر باقی نمی ماند. سپس

¹ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بابُ مَعْرِفَةِ طَرِيقِ الرُّؤْيَةِ، حدیث: 183، 167/1

یهود فراخوانده می شود. برای شان گفته می شود: شما چه چیزی را پرستیدید؟ می گویند: عزیز پسر الله را پرستش کردیم. به آنها گفته می شود: دروغ گفتید، الله هیچ زن و فرزند نداشته است پس چه می خواهید؟ می گویند: پروردگار! تشنه هستیم و به آب نیاز داریم، به ما آب بده. به آن ها اشاره کرده می شود: آیا وارد دوزخ نمی شوید؟ آن گاه به سوی آتش رانده می شوند. آتشی که مانند سراب به نظر می رسد و چنان سوزان است که گویی شعله های آن یکدیگر را نابود می کند. آن گاه همه آن ها به میانه دوزخ سرازیر می شوند.

سپس نصارا فرا خوانده می شوند: از آنها سوال می شود: چه چیز را می پرستیدید؟ می گویند: مسیح پسر الله را پرستش کردیم. به آنها گفته می شود: دروغ گفتید، الله هیچ زن و فرزند نداشته است پس چه می خواهید؟ می گویند: پروردگار! تشنه هستیم و به آب نیاز داریم، به ما آب بده. پس به صورت استهزاء به آنها گفته می شود: آیا وارد دوزخ نمی شوید؟ آن گاه به سوی آتش رانده می شوند. آتشی که مانند سراب به نظر می رسد و چنان سوزان است که گویی شعله های آن یکدیگر را نابود می کند. آن گاه همه آن ها به میانه دوزخ سقوط می کنند. تا این که جز افراد نیک و بدی که الله را عبادت کرده اند کسی دیگری باقی نمی ماند. پس الله در شبیه ترین صورتی که دیده اند نزد آنها می آید و سوال می کند: در انتظار چه چیزی نشسته اید؟ هر امتی در پی معبودش به راه افتاده است. می گویند: پروردگار! در دنیا مردم را در حالی رها کردیم که به شدت ما به آنها نیاز داشتیم و با آن ها همراه نشدیم. پروردگار می گوید: من پروردگار شما هستم. پس آنها سه یا دو مرتبه می گویند: از تو به تو پناه می خواهیم و هیچ کسی را به پروردگار مان شریک نمی گیریم. پروردگار سوال می کند: آیا علامتی میان شما و او وجود دارد که او را بدان بشناسید؟ می گویند: آری، آن گاه الله ساق خود را ظاهر می کند همه کسانی که در دنیا به میل و رغبت خود الله را سجده کرده اند، به آنان اجازه سجده داده خواهد شد و سجده می کنند و همه کسانی که در دنیا از روی تقیه و یا ریا کاری الله را سجده کرده اند، الله پشت او را بصورت یک تخته که خم شدنی نیست در می آورد که هرگاه خواسته باشد سجده کند، به پشت سر به زمین می افتد. پس سرشان را بلند می کنند، در حالی که الله به شکل و صورت اصلی خود در آمده است، می گوید: من پروردگار شما هستم. گویند: آری، تو پروردگار ما هستی.

سپس پل صراط آورده شده و در دو طرف جهنم قرار می گیرد. شفاعت مجاز می شود و می گویند: پروردگارا! سلامت بدار، سلامت بدار، سوال کرده شد: ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - جسر چیست؟ فرمود: لغزشگاهی که قدم بر آن استوار نشود، آهن ها و میخ های نوک تیز، اره های برنده و درخت حسک که در منطقه نجد به نام سعدان معروف است و خاری سه طرفه که نوک کجی دارد که عابر از آن درامان نمی ماند، بر آن گذارده شده است، مؤمن در یک چشم به هم زدن (طرفه عین) یا همچون برق و یا مانند باد و یا مثل اسپان تیز رو و یا همچون شتر سوار از آن عبور می کنند پس کسی که از افتیدن به سلامت ماند نجات می یابد، کامیاب است و کسی که خدشه دار شد رها شده است و کسی که افتید به آتش جهنم وارد می شود و گروهی نیز با جهنم، دست و پنجه نرم کرده و تا اینکه آخرین نفر کشان کشان از آن عبور می نماید.

مبحث اول: صراط و شفاعتی که سبب دخول به جنت و بیرون کردن از آتش می گردد

مطلب اول: بیان صراط در قرآن و سنت

صراط در زبان عربی راه و مسیر را گفته می شود.^۱

الله متعال می فرماید: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ الفاتحة: ۶

ترجمه: بنما ما را راه راست.

در اصطلاح: الصراط يطلق على جسر جهنم: هو على متن جهنم أدق من الشعر وأحد من السيف.^۲

اطلاق صراط بر پلی می شود که بالای جهنم قرار دارد. از مو نازک تر و از شمشیر تیز تر است.

برخی هم مفصل تر تعریف می کنند و می گویند: «جسمی ممدود بر جهنم است که اولین و آخرین مردم بر آن می گذرند و او پلی میان جنت و جهنم بوده زمان خلقت صراط با خلقت جهنم یکجا می باشد».^۳

الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا﴾ مریم: ۷۱

ترجمه: و هیچ کسی از شما نیست مگر اینکه وارد دوزخ میشود، این امر فیصله حتمی پروردگار است.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: نبی کریم - ﷺ - فرمود: «لَا يَمُوتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَالِدِ فَيَلِجَ النَّارَ إِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ { وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا }».^۴

^۱ المعجم الوسيط، ۵۱۲/۱

^۲ التعريفات الفقهية، ۱۲۸/۱

^۳ لوامع الأنوار البهية، ۱۸۹/۲

^۴ صحيح البخاري، كتاب الجنائز، باب فضل من مات له ولد فأحسب، حديث: 1251، ۷۳/۲

ترجمه: هر مسلمانی که سه فرزند را از دست دهد، آتش به او نمی رسد مگر به اندازه ای که قسم الله متعال حلال شود. بخاری می گوید: چنانکه فرموده است: {وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا} و هیچ کسی از شما نیست مگر اینکه وارد دوزخ می شود.

طبری در تفسیر این آیت از قناده نقل می کند: مراد از ورود تیر شدن بر جهنم است و از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - چنین نقل کرده است: مراد از (صراط) راهی بر جهنم است مانند تیزی شمشیر است. طبقه اول مسلمانان از آن مانند الماسک می گذرند. طبقه دوم مانند باد، طبقه سوم مانند اسپ تیز، طبقه چهارم مانند سائر چهارپایان، به همین ترتیب می گذرند و ملایکه دعا می کنند: یا الله برای شان سلامتی عطا کن، الاها برای شان سلامتی عطا کن و از ابن عباس - رضی الله عنه - چنین نقل می کند: مراد از ورود، داخل شدن به جهنم است و این دخول مختص به کفار است، شامل مؤمنان نمی شود. برخی دیگر نیز به همین نظر هستند.

سپس می گوید: عده گفتند: ورود عام است شامل مومن و کافر می شود. میان ورود مؤمن و کافر فرق وجود دارد: ورود مومنان مرور و تیر شدن شان بر جهنم است. ورود کافران داخل شدن شان است.^۱

الله رب العزت می فرماید: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرًا لِّبِئْسَ

جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا

نَفْتَبِسُ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ

الْعَذَابُ ﴿١٤﴾ ينادونهم ألم نكن معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم أنفسكم وتربصتم وارتبتم وعرثكم الأمانى حتى جاء أمر الله

وعرثكم بالله الغرور ﴿١٥﴾ فالיום لا يؤخذ منكم فدية ولا من الذين كفروا ما يؤتكم النار هي مولاكم وبئس المصير

﴿١٥﴾ الحديد: ١٢ - ١٥

^۱ ببینید: تفسیر الطبری، ۲۳۲/۱۸

ترجمه: بیاد آور روزی را که مردان و زنان مومن را خواهی دید که (به سوی بهشت حرکت می کنند) در حالیکه نور ایمانشان پیشاپیش ایشان، و از طرف راست شان می درخشد، (برای ایشان) گفته می شود: مژده باد شما را امروز بوستانهایی که میرود از زیر درختانش جویها، در آن جا جاویدان خواهید ماند، این پیروزی بزرگ است. روزی که مردان و زنان منافق برای مومنان می گویند: منتظر ما بمانید تا از نور شما پرتوی بگیریم، (در جواب ایشان گفته میشود) به پشت سر برگردید و آنجا تلاش نور کنید، بس در میان هردو گروه، دیواری زده می شود که دروازه ای دارد، درونش (که به طرف مومنان است) رحمت است، و بیرون آن (که به طرف منافقان است) پیش رویش عذاب (دوزخ) است. منافقان، مومنان را فریاد می کنند، آیا ما با شما نبودیم؟ (مومنان) می گویند: آری با ما بودید، و لیکن شما خود را در بلا افکندید و (شکست مومنان را) انتظار داشتید و (درباره دعوت پیغمبران و قرآن و معاد) شک و تردید داشتید، و آرزو های باطل تان شما را فریب داد، تا آنکه فرمان الله (درباره مرگ شما) فرا رسید، و شیطان نیز شما را در باره الله فریب داد. پس امروز از شما نه کدام عوض گرفته می شود و نه از کافران، جای شما آتش دوزخ است، دوزخ سزاوار شما است و چه بد جایی است.

عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - در تفسیر (يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ) می گوید: هر شخص نورش به اندازه اعمالش بوده بر صراط می گذرد. نور برخی شان مانند کوه، نور برخی شان مانند درخت خرما، نور برخی شان مانند مرد ایستاده و کم ترین شان از نگاه نور کسی است که نورش در انگشتش می باشد، گاهی می افروزد و گاهی خاموش می شود.

و در تفسیر (رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ) چنین روایت شده است: در روز قیامت برای همه مردم روشنایی و نوری داده می شود. وقتی به صراط رسیدند نور منافقان خاموش می شود و مومنان می ترسند که مبادا نور آنها نیز خاموش نشود، پس آنها می گویند: ﴿رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ﴾ التحريم: ۸

ترجمه: ای پروردگار! نور ما پوره کن.^۱

امام بخاری در کتاب صحیح خود یک بابی بنام (بَابُ الصِّرَاطِ جَسْرُ جَهَنَّمَ) باب صراط پل جهنم، گذاشته است. از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت می کند که صحابه در مورد دیدن مؤمنان

^۱ ببینید: تفسیر ابن کثیر، ۱۵/۸

الله متعال را در روز قیامت پرسیدند. رسول الله - ﷺ - در جواب سوال آنها فرمود: «هَلْ تُمَارُونَ فِي الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ لَيْسَ دُونَهُ سَحَابٌ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَهَلْ تُمَارُونَ فِي الشَّمْسِ لَيْسَ دُونَهَا سَحَابٌ قَالُوا لَا قَالَ فَإِنَّكُمْ تَرَوْنَهُ كَذَلِكَ يُحْشِرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ شَيْئًا فَلْيَتَّبِعْ مِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الشَّمْسَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الْقَمَرَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الطَّوَاعِيَةَ وَتَبَتَّى هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا فَيَأْتِيهِمْ اللَّهُ فَيَقُولُ أَنَا رَبُّكُمْ فَيَقُولُونَ هَذَا مَكَانُنَا حَتَّى يَأْتِينَا رَبُّنَا فَإِذَا جَاءَ رَبُّنَا عَرَفْنَا فَيَأْتِيهِمْ اللَّهُ فَيَقُولُ أَنَا رَبُّكُمْ فَيَقُولُونَ أَنْتَ رَبُّنَا فَيَدْعُوهُمْ فَيُضْرَبُ الصِّرَاطُ بَيْنَ ظَهْرَانِي جَهَنَّمَ فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَجُورُ مِنَ الرُّسُلِ بِأُمَّتِهِ وَلَا يَتَكَلَّمُ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا الرُّسُلُ وَكَلَامُ الرُّسُلِ يَوْمَئِذٍ اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَسَلِّمْ وَفِي جَهَنَّمَ كَاللَّيْبِ مِثْلُ شَوْكِ السَّعْدَانِ هَلْ رَأَيْتُمْ شَوْكَ السَّعْدَانِ قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَإِنَّهَا مِثْلُ شَوْكِ السَّعْدَانِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ قَدْرَ عِظْمِهَا إِلَّا اللَّهُ تَخَطَّفَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ فَمِنْهُمْ مَنْ يُوبِقُ بِعَمَلِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يُحْرَدِلُ ثُمَّ يَنْجُو»¹.

ترجمه: مگر در دیدن ماه در یک شب مهتابی که هیچ ابری نباشد، تردیدی دارید؟ اصحاب گفتند: خیر ای رسول الله - ﷺ -! فرمود: مگر در دیدن ماه در یک شب مهتابی که هیچ ابری نباشد، تردیدی دارید؟ اصحاب گفتند: خیر. فرمود: پس شما هم همین طور آشکارا پروردگارتان را می بینید. مردم در روز رستاخیز جمع کرده می شوند، پس پروردگار ﷻ می فرماید: هر کسی هر چیزی را که پرستش نموده است، پیروی نماید. برخی از مردم از خورشید پیروی می کنند و برخی از ماه و برخی دیگر از سایر معبودان دروغین، تنها امت اسلام در حالی که منافقان نیز در میان آنها هستند، باقی می ماند.

آن گاه الله متعال (به منظور امتحان این امت، در شکلی متجلی می شود که برای امت شناخته شده نیست) می فرماید: من پروردگار شما هستم. ولی آنان می گویند: همین جا می مانیم تا پروردگار مان بیاید و وقتی بیاید ما او را می شناسیم. آن گاه پروردگار به شکلی متجلی می شود که مردم او را می شناسند و می فرماید: من پروردگار شما هستم. مسلمانان می گویند: شما پروردگار ما هستی.

آنها به دنبال الله می روند. پلی در وسط جهنم قرار می گیرد. پیامبر - ﷺ - می فرماید: من نخستین پیغمبری خواهم بود که از آن پل می گذرم. پیامبران دعا می کنند: یا الله نجات بده، یا الله

¹ صحیح البخاری، کتاب، باب الصِّرَاطِ جَسْرُ جَهَنَّمَ، حدیث: 6573، 117/8

نجات بده. در آن مسیر خارهایی همچون خاربوتۀ سعدان وجود دارد. آیا خار سعدان^۱ را دیده اید؟ گفتند: آری، ای رسول الله ﷺ! فرمود: آن همچون خار بوتۀ سعدان است؛ ولی اندازه اش را فقط الله می داند. هر کس به اندازه اعمالش گرفتار می شود. گروهی با اعمال شان هلاک می گردند و گروهی پس از زخمی شدن، نجات می یابند.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - در حدیث طویل روایت می کند که ایشان فرمود: «وَتُرْسَلُ الْأَمَانَةُ وَالرَّحْمُ، فَتَقُومَانِ جَنْبَتِي الصِّرَاطِ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَيَمُرُّ أَوْلَاكُمْ كَالْبَرْقِ» قَالَ: قُلْتُ: يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي أَيُّ شَيْءٍ كَمَرَ الْبَرْقِ؟ قَالَ: «أَلَمْ تَرَوْا إِلَى الْبَرْقِ كَيْفَ يَمُرُّ وَيَرْجِعُ فِي طَرْفَةِ عَيْنٍ؟ ثُمَّ كَمَرَ الرَّيْحِ، ثُمَّ كَمَرَ الطَّيْرِ، وَشَدَّ الرَّجَالَ، تَجْرِي بِهِمْ أَعْمَالُهُمْ وَنَبِيُّكُمْ فَأَيُّكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ يَقُولُ: رَبِّ سَلِّمْ سَلِّمْ، حَتَّى تَعْجَزَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ، حَتَّى يَجِيءَ الرَّجُلُ فَلَا يَسْتَطِيعُ السَّيْرَ إِلَّا زَحْفًا»، قَالَ: «وَفِي حَافَتِي الصِّرَاطِ كَلَالِيْبُ مُعَلَّقَةٌ مَأْمُورَةٌ بِأَخْذِ مَنْ أَمَرَتْ بِهِ، فَمَخْدُوشُ نَاجٍ، وَمَكْدُوسٌ فِي النَّارِ».^۲

ترجمه: امانت و خویشاوندی نیز فرستاده شده و در دو طرف صراط، سمت چپ و راست آن قرار می گیرند. نخستین نفرتان همچون برق می گذرد. گفتم: پدر و مادرم فدایت باد ای رسول الله - ﷺ -! عبور همچون برق چگونه است؟ فرمود: آیا برق را ندیده اید که در یک چشم به هم زدن می آید و می رود؟ سپس همانند باد و همچون پرندگان و مردان تیز رو عبور می کنند. اعمال شان آن ها را حرکت می دهد. پیامبران بر صراط ایستاده است و دعا می کند: یا الله! سلامت بدار، سلامت بدار، وقتی اعمال بندگان کم می شود، قدرت عبور نیز ضعیف می گردد و برخی کشان کشان عبور می کنند و در دو لبه صراط اره های و خارهایی موجود هستند که طبق دستور مانع عبور گردند. خلاصه گروهی با خراش و زخم و دشواری های بسیار می گذرند و گروهی نیز به جهنم سرازیر می گردند.

همه علماء بر اثبات صراط متفق اند؛ لیکن اهل حق آن را به معنای ظاهرش حمل می کنند و قاضی عبد الجبار معتزلی و اتباع شان از آن انکار ورزیده اند، به دلیل این که عبور بر چنین پلی نا ممکن است. می گویند: اگر امکانش باشد، این امر تعدی برای مومنان می باشد، در حالی که

^۱ سعدان: گیاهی است که خارش در بین عرب آن زمان معروف بوده است. (لسان العرب، ۳/۲۱۵)
^۲ صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب ادنى اهل الجنة منزلة، حدیث: 195، ۱/۱۸۶

مومنان و نیکان در روز قیامت عذاب داده نمی شوند. صراط مومنان جدا و از کفار جدا می باشد، چنانچه الله متعال در مورد مومنان می فرماید: ﴿سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بِالْهَمِّ﴾ محمد: ۵

ترجمه: به زودی الله آنها را (به سوی بهشت) رهنمائی می کند، و حال شان را خوب می کند.

و در مورد کفار چنین می فرماید: ﴿مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ﴾ الصافات: ۲۳

ترجمه: پس ایشان را بسوی راه دوزخ سوق دهید.

برخی هم به معنای آسانی و سختی حمل کرده است. همه این تأویلات، بنا بر دلایل صحیح و واضح، باطل و مردود است. رسول الله - ﷺ - برای کسی که سوال کرد: چگونه الله متعال کافران را به چهره های شان حشر می کند؟ فرمود: آیا ذاتی که قادر به گشتاندن آن بالای قدم هایش است، قادر به حشر کردنش با چهره اش نیست؟ پس همه نصوص به ظاهرش تفسیر شده، الله متعال بر همه چیز قادر است. و کسی به جنت داخل نمی شود تا این که این پل را عبور نکند. و عبور هر شخص از یکدیگر متفاوت است.^۱

قرطبی می گوید: «برخی می گویند: باریکیش نسبت به تار موی و تیزی اش نسبت به شمشیر اشاره به آسانی و سختی آن طبق طاعات و معاصی است. برخی هم گفته اند: تیز بودنش مانند شمشیر و باریک بودن آن ثابت نیست. این سخن مردود است؛ زیرا نصوص صحیح در این مورد ذکر گردیده است و ایمان به آن واجب است. این الفاظ به معنای حقیقی اش حمل می شود. نیاز به مجاز نیست. ذاتی که قادر به امساک پرنده در فضا است، قادر به امساک مومنان بر سر چنین پل و عبور دادن شان بر آن نیز است».^۲

برخی می گویند: باقی ماندن این پل تا زمانی که مومنان گنهگار از آتش بیرون شده به جنت وارد شوند، ثابت نیست. احتمال دارد، این پل یک مرتبه از بین برده شود دوباره برگشتانده شود و یا هم برگشتانده نشود. و یا این که ملائکه آنها را بر اعراف (دیواری میان جنت و جهنم) بالا کند.

^۱ ببینید: لوامع الأنوار البهية، ۱۹۲/۲ و ۱۹۳
^۲ التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة، ۷۵۸/۱

در مورد حکمت آن چنین نقل شده است: حکمت صراط، ظاهر شدن فضل الله متعال بر مومنان (نجات دادن شان از آتش) بوده تا جنت برای شان بسیار خوشایند باشد. تا باشد کافران، پس از یکجا عبور کردن شان با مومنان بر کامیابی آنها حسرت ببرند.^۱

اما ابن حجر می گوید: در آن موقفی که عرض و میزان و نشر عمل نامه ها صورت می گیرد، صدا کننده ندا می زند: هر کسی که هر چه را عبادت می کرد پیرو آن باشد، پس کفار در آتش جهنم می افتند و الله متعال میان مومنان و منافقان توسط سجده کردن شان، هنگام کشف ساق جدایی میارد. سپس اعلان به نصب صراط و عبور بر آن می شود. نور منافقان خاموش شده در آتش می افتند و مومنان بر آن عبور کرده به جنت می روند. مومنان عاصی برخی شان می افتند و برخی توقف داده شده بعد از قصاص به جنت داخل کرده می شوند.^۲

در مورد این آیه: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّٰ إِخْوَانًا عَلٰٓیٰ سُرُرٍ مَّتَقٰٓبِلٰٓیۡنَ ۗ﴾ الحجر: ۴۷

ترجمه: و هر نوع کینه را از سینه های شان دور می کنیم و برادرانه بر تختها رویای روی یکدیگر می نشینند.

ابو سعید خدری - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «يَخْلُصُ الْمُؤْمِنُونَ مِنَ النَّارِ فَيُحْبَسُونَ عَلَىٰ فَنَطْرَةِ بَيْنِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ فَيُقَصُّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضِ مَظَالِمِ كَانَتْ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَتَّىٰ إِذَا هُدُّبُوا وَنُفُوا أُذِنَ لَهُمْ فِي دُخُولِ الْجَنَّةِ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَأَحَدُهُمْ أَهْدَىٰ بِمَنْزِلِهِ فِي الْجَنَّةِ مِنْهُ بِمَنْزِلِهِ كَانَ فِي الدُّنْيَا».^۳

ترجمه: مومنان از دوزخ نجات می یابند و روی پلی میان بهشت و دوزخ متوقف می شوند. سپس به خاطر ستم هایی که برخی بر برخی روا داشته اند، قصاص می شوند. تا این که از گناهان پاک می گردند. آن گاه به آنان اجازه ی ورود به بهشت داده می شود. سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، هر کدام از آن ها جایگاهش در بهشت را بهتر از منزلش در دنیا می شناسد.

^۱ ببینید: لوامع الأنوار البهية، ۱۹۴/۲

^۲ فتح الباري از ابن حجر، ۶۲۱/۶

^۳ صحيح البخاري، كتاب الرقاق، باب القصاص يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حديث: ۶۵۳۵، ۱۱۱/۸

قرطبی می گوید: «این حدیث در مورد عاصیان مومنان که به آتش داخل نشده اند، می باشد. آنانی که به آتش داخل شوند سپس بیرون کرده شوند، آنها بر صراط توقف داده نمی شوند، در نهرهای جنت انداخته می شوند، تا شستشو شوند».^۱

ابن حجر می گوید: «مراد از نجات مومنان از آتش، نجات شان از سقوط در جهنم در وقت تیر شدن شان از صراط است».^۲

در مورد (قنطرة) پل مذکور در حدیث اختلاف است. برخی گفتند: همان تتمه پل صراط است که نزدیک جنت می باشد، چنانچه ابن حجر این نظر را ترجیح داده است.^۳

برخی هم می گویند: این پل دیگری است. چنانچه قرطبی می گوید: در آخرت دو صراط می باشد. صراط اول پلی بالای جهنم است که او جای عبور تمام اهل محشر است، مگر کسانی که بدون حساب به جنت داخل شوند، یا آنهایی که از آتش رهایی حاصل نمودند. جز مومنان کسی دیگر از این صراط نجات نمی یابد.

برخی می گویند: هنگامی که مومنان پلی جهنم را عبور کردند بر پلی دیگر (قنطرة) میان جنت و جهنم توقف داده می شوند و از آنها قصاص گرفته می شود، هرگاه از گناهان پاک شدند رضوان (مالک جنت) برای شان می گوید: سلامتی باد بر شما به جنت خانه ی همیشگی داخل شوید.^۴

در نتیجه نصوص و اقوال علما و تحقیق می توان میان آنها توافق ایجاد نموده تعارض را دفع کرد. آنچه از احادیث صحیحه ثابت شده است، یکی بنام صراط و دیگری بنام قنطرة است که از لحاظ معنای لغوی هر دو به یک معنا است اما آنچه در مورد هر کدام ثابت می شود، این است: صراط: پلی بالای جهنم بوده، نسبت به شمشیر تیز تر و نسبت به مو نازکتر می باشد. تمام اهل محشر بر آن عبور می کنند. کافران به جهنم می افتند و مومنان هر کدام طبق ایمان و عمل صالحش، از همدیگر به گونه متفاوت عبور می کنند. برخی مانند برق و برخی مانند باد و برخی افتیده و برخاسته از آن عبور می کنند.

^۱ التذكرة في أحوال الموتى وأمور الآخرة، ۱/۷۶۷ و ۷۶۸

^۲ فتح الباري از ابن حجر، ۱۱/۳۹۹

^۳ ببینید: فتح الباري از ابن حجر، ۵/۹۶

^۴ ببینید: التذكرة في أحوال الموتى وأمور الآخرة، ۱/۷۶۸

قنطرة: پلی است میان جنت و جهنم که بر آن تنها مسلمانان عبور می کنند. بالای آن پل هر یک توقف داده می شود، تا از آن قصاص گرفته شود. هر که در حق دیگری ظلمی کرده باشد، از نیکی هایش گرفته به مظلوم داده می شود. هر گاه از گناهان پاک گردید به جنت داخل کرده می شود.

پس در حقیقت صراط جدا و قنطره جدا است. کسانی که می گویند: دو صراط است، از لحاظ معنای لغوی قنطره را نیز به نام صراط یاد می کنند. کسانی که می گویند: یک صراط است، قنطره را صراط نمی نامند. والله اعلم

در مورد عبور کافران بر صراط از کلام ابن حجر دانسته می شود که کافران اصلاً بر صراط آورده نمی شوند. برخی گفتند: کافران و مومنان همه برای ورود صراط آورده می شوند.

فرقی نمی کند که کافران بر صراط آورده شوند، سپس به جهنم انداخته شوند، یا این که بنا بر قول ابن حجر از ابتدا انداخته شوند؛ زیرا آنها بر صراط عبور کرده نمی توانند.

مطلب دوم: شفاعتی که سبب دخول به جنت و خروج از آتش می گردد

در فصل دوم شفاعت را، از جهت مشفوع، به سه نوع تقسیم کردیم.

۱- شفاعت کبری که مختص به محمد - ﷺ - است

۲- شفاعت برای دخول جنت و رفع درجات در آن

۳- شفاعت برای خروج از جهنم و تخفیف عذاب در آن

نوع اول آن که شفاعت کبری است در فصل دوم ذکر گردید. انواع دیگر آن را در این مطلب بیان می داریم:

۲- شفاعت برای دخول جنت و رفع درجات در آن

در مورد شفاعت برای دخول جنت و رفع درجات انس بن مالک - رضي الله عنه - می گوید: شنیدم که رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا»^۱.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب فی قول النبی صلی الله علیه وسلم: «أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا»، حدیث: ۱۹۶، ۱۸۸/۱

ترجمه: من نخستین کسی هستم که برای ورود به بهشت شفاعت می کنم و از میان پیامبران بیشترین پیروان را دارم.

در روایت دیگر می فرماید: «أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَفْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ».^۱

ترجمه: من از میان پیامبران بیشترین پیروان را دارم و من نخستین کسی هستم که در بهشت را جهت باز کردن می زوم، دقُ الباب می کنم.

انس بن مالک - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَسْتَفْتِحُ، فَيَقُولُ الْحَازِنُ: مَنْ أَنْتَ؟ فَأَقُولُ: مُحَمَّدٌ، فَيَقُولُ: بِكَ أَمْرٌ لَا أَفْتَحُ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ».^۲

ترجمه: روز قیامت به در بهشت می روم و درخواست می نمایم که در آن را باز کند. خازن (نگهبان بهشت) می گوید: به من دستور داده اند که در بهشت را فقط برای شما باز کنم و برای هیچ کس قبل از شما باز نکنم.

از حذیفه - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «يَجْمَعُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى النَّاسَ، فَيَقُومُ الْمُؤْمِنُونَ حَتَّى تُزْلَفَ لَهُمُ الْجَنَّةُ، فَيَأْتُونَ آدَمَ، فَيَقُولُونَ: يَا أَبَانَا، اسْتَفْتِحْ لَنَا الْجَنَّةَ، فَيَقُولُ: وَهَلْ أَحْرَجَكُم مِّنَ الْجَنَّةِ إِلَّا حَاطِيَةُ أَبِيكُمْ آدَمَ، لَسْتُ بِصَاحِبِ ذَلِكَ، اذْهَبُوا إِلَى ابْنِي إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ»، قَالَ: «فَيَقُولُ إِبْرَاهِيمُ: لَسْتُ بِصَاحِبِ ذَلِكَ، إِنَّمَا كُنْتُ خَلِيلًا مِّنْ وَرَاءِ وَرَاءِ، اعْمِدُوا إِلَى مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَأْتُونَ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُولُ: لَسْتُ بِصَاحِبِ ذَلِكَ، اذْهَبُوا إِلَى عِيسَى كَلِمَةِ اللَّهِ وَرُوحِهِ، فَيَقُولُ عِيسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَسْتُ بِصَاحِبِ ذَلِكَ، فَيَأْتُونَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُومُ فَيُؤَدِّنُ لَهُ، وَتُرْسَلُ الْأَمَانَةُ وَالرَّحِمُ، فَتَقُومَانِ جَنَّتَيْ الصِّرَاطِ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَيَمُرُّ أَوْلَاكُمْ كَالْبَرْقِ».^۳

ترجمه: الله تبارک و تعالی همه ی مردم را گرد می آورد. مومنان بلند می شوند تا این که بهشت به آنان نزدیک می شود، پس نزد آدم می آیند و می گویند: ای پدر! دروازه های بهشت را برای

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب فی قولِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا»، حدیث: ۱۹۶، ۱۸۸/۱

^۲ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب فی قولِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا»، حدیث: ۱۹۷، ۱۸۸/۱

^۳ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب فی قولِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا»، حدیث: ۱۹۵، ۱۸۶/۱

ما باز کنید، آدم می گوید: مگر غیر از اشتباه پدر تان چیز دیگری شما را از بهشت بیرون آورد؟ من شایسته ی این کار نیستم، نزد پسر ابراهیم بروید؛ زیرا او دوست خالص الله است.

ابراهیم نیز می گوید: من شایسته ی این کار نیستم، دوستی من برای الله پس از این کار است، نزد موسی بروید، که الله مستقیم با او حرف زده است. پس نزد موسی می روند، او نیز می گوید: من شایسته ی این کار نیستم، نزد عیسی بروید، زیرا او کلمه و روح الله است. عیسی می گوید: من شایسته ی این مقام نیستم، پس نزد محمد ﷺ می آیند. ایشان بلند می شوند و برای شان اجازه داده می شود و امانت و خویشاوندی نیز فرستاده شده و در دو طرف راه، سمت چپ و راست ایشان قرار می گیرند و نخستین شخص از میان شما از صراط هم چون برق می گذرد.

الف: شفاعت برای دخول جنت بدون حساب

در حدیث طویل شفاعت، ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند، بعد از این که الله متعال اجازه شفاعت را به پیامبر - ﷺ - داد برایش گفته می شود: «ثُمَّ يُقَالُ يَا مُحَمَّدُ ارْفَعْ رَأْسَكَ سَلِّ تَعْطَهُ وَاشْفَعْ تُشَفَّعْ فَأَرْفَعُ رَأْسِي فَأَقُولُ أُمَّتِي يَا رَبِّ أُمَّتِي يَا رَبِّ أُمَّتِي يَا رَبِّ فَيَقَالُ يَا مُحَمَّدُ ادْخُلْ مِنْ أُمَّتِكَ مَنْ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَابِ الْأَيْمَنِ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَهُمْ شُرَكَاءُ النَّاسِ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْأَبْوَابِ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ مَا بَيْنَ الْمِصْرَاعَيْنِ مِنْ مَصَارِعِ الْجَنَّةِ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَحَمِيرَ أَوْ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَبُصْرَى»^۱.

ترجمه: آنگاه می گوید: ای محمد! سرت را بردار. بخواه، اجابت می شود. شفاعت کن، پذیرفته شده اجازه شفاعت برایت داده می شود. پس من سرم را بلند می کنم و می گویم: پروردگار! امتم. پروردگار! امتم. پس می گویند: ای محمد! گروه از امتت را که حساب و کتابی ندارند از دروازه سمت راست درهای بهشت، وارد کن. و همچنین آنها می توانند از سایر دروازه های بهشت، وارد شوند. سپس افزود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، فاصله دو مصراع درهای بهشت به اندازه فاصله میان مکه و حمیر یا مکه و بصره است.

در روایت صحیح رسول الله - ﷺ - فرمودند: الله متعال برای من گفت: از امتت هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت می شوند.

^۱ صحیح بخاری، کتاب التفسیر، باب { ذُرِّيَّةٌ مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا }، حدیث: ۸۴/۴۷۱۲، ۶

ابن عباس - رضي الله عنهما - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأُمَمُ فَجَعَلَ النَّبِيُّ وَالنَّبِيَّانِ يَمُرُونَ مَعَهُمُ الرَّهْطُ وَالنَّبِيُّ لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ حَتَّى رُفِعَ لِي سَوَادٌ عَظِيمٌ قُلْتُ مَا هَذَا أُمَّتِي هَذِهِ قِيلَ بَلْ هَذَا مُوسَى وَقَوْمُهُ قِيلَ انظُرْ إِلَى الْأُفُقِ فَإِذَا سَوَادٌ يَمَلَأُ الْأُفُقَ ثُمَّ قِيلَ لِي انظُرْ هَا هُنَا وَهَذَا هُنَا فِي آفَاقِ السَّمَاءِ فَإِذَا سَوَادٌ قَدْ مَلَأَ الْأُفُقَ قَبْلَ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ هَؤُلَاءِ سَبْعُونَ أَلْفًا بَعِيرٍ حِسَابٍ»^۱.

ترجمه: امت ها به من عرضه شدند. یک یا دو پیامبر گذشتند و گروهی همراه هر کدام از آنها بود. پیامبری از آنجا گذشت که هیچکس همراهش نبود تا اینکه گروه بزرگی به من عرضه گردید، پرسیدم: اینها کی هستند؟ امت من هستند؟ گفتند: اینها موسی و قومش هستند. به افق نگاه کن. ناگهان دیدم که سیاهی بزرگی، افق را فرا گرفته است. سپس به کناره های آسمان اشاره کردند و به من گفتند: این طرف و آن طرف را نگاه کن. دیدم که سیاهی بزرگی سراسر افق را فرا گرفته است. گفتند: این امت تو است که هفتاد هزار نفر از آنان بدون محاسبه وارد بهشت می شوند.

پس این ورود قبل از شفاعت است. آنچه مورد استدلال است طلب زیادت بر تعداد وارد شوندگان است.^۲

ب: شفاعت برای کسانی که مستحق عذاب گردیدند تا از عذاب نجات یافته به جنت داخل شوند

هنگامی که پیامبر - ﷺ - بر صراط ایستاده شفاعت می کند و از الله متعال می خواهد. می گوید: یا الله مومنان را از افتیدن در آتش نجات بده. پس الله متعال برخی را به شفاعت محمد - ﷺ - از افتیدن در جهنم نجات می دهد.

در حدیث طویل ابو هریره - رضی الله عنه - در مورد صراط از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «وَنَبِيُّكُمْ قَائِمٌ عَلَى الصِّرَاطِ يَقُولُ: رَبِّ سَلِّمْ سَلِّمْ، حَتَّى تَعَجَرَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ، حَتَّى يَجِيءَ الرَّجُلُ فَلَا يَسْتَطِيعُ السَّيْرَ إِلَّا رَحْفًا»، قَالَ: «وَفِي حَافَتِي الصِّرَاطِ كَلَالِيْبٌ مُعَلَّقَةٌ مَأْمُورَةٌ بِأَخْذِ مَنْ أَمَرَتْ بِهِ، فَمَخْدُوشٌ نَاجٍ، وَمَكْدُوسٌ فِي النَّارِ».^۳

^۱ صحیح البخاری، کتاب الطب، باب مَنْ اُكْتُوِيْ أَوْ كَوِي غَيْرَهُ وَفَضْلُ مَنْ لَمْ يَكْتُو، حدیث: ۵۷۰۵، ۱۲۶/۷

^۲ ببینید: فتح الباری، 238/6

^۳ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب ادنی اهل الجنة منزلة، حدیث: 195، ۱۸۶/۱

ترجمه: پیامبرتان بر صراط ایستاده است و دعا می کند: یا الله! سلامت بدار، سلامت بدار، وقتی اعمال بندگان کم می شود، قدرت عبور شان نیز ضعیف می گردد و برخی کشان کشان عبور می کنند و در دو لبه ی صراط اره های و خارهایی هستند که طبق دستور مانع عبود گردند. خلاصه گروهی با خراش و زخم و دشواری های بسیار می گذرند، آنها ناجی اند و گروهی نیز به جهنم سرازیر می گردند.

ج: شفاعت برای رفع درجات در جنت

انس - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَنَا أَوْلُ شَفِيعٍ فِي الْجَنَّةِ، لَمْ يُصَدَّقْ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ، وَإِنَّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ نَبِيًّا مَا يُصَدِّقُهُ مِنْ أُمَّتِهِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ».^۱

ترجمه: من نخستین شفاعت کننده برای ورود به بهشت هستم، هیچ پیامبری به اندازه من تصدیق نشده است و در میان پیامبران، پیامبری وجود دارد که فقط یک نفر از امتش او را تصدیق نموده است.

د: شفاعت برای اهل مدینه

ابن عمر - رضي الله عنهما - می گوید: شنیدم که رسول الله - ﷺ - فرمود: «مَنْ صَبَرَ عَلَى لَأْوَائِهَا، كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا أَوْ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۲

ترجمه: هر کس بر دشواری های مدینه صبر کند، من روز قیامت برایش شفاعت می کنم یا گواهی می دهم.

تمام انواع مذکور تحت شفاعت برای دخول جنت و رفع درجات در آن قرار می گیرد.

۳- شفاعت برای خروج از جهنم و تخفیف عذاب در آن

برخی از مومنان گنهگار که برای جزای اعمال شان به جهنم رفته اند، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در مورد آنها شفاعت می کند، تا از جهنم بیرون کرده شوند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب فی قول النبی صلی الله علیه وسلم: «أَنَا أَوْلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا»

، حدیث: 196، 1/188

^۲ صحیح مسلم، کتاب الحج، باب الترغیب فی سكن المدینة والصبر علی لأوائها، حدیث: 1377، 2/1004

از انس - رضی الله عنه - روایت شده است. در روز قیامت هنگامی که مردم نزد محمد - صلی الله علیه وسلم - میایند و طلب شفاعت می کنند، رسول الله - ﷺ - می فرماید: «فَيَأْتُونِي فَأَنْطَلِقُ فَأَسْتَأْذِنُ عَلَى رَبِّي فَيُؤْذَنُ لِي عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَيْتُ رَبِّي وَقَعْتُ لَهُ سَاجِدًا فَيَدْعُنِي مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَدْعَنِي ثُمَّ يُقَالُ لِي ارْفَعْ مُحَمَّدٌ وَقُلْ يُسْمَعُ وَسَلْ تُعْطَى وَاشْفَعْ تُشْفَعُ فَأَحْمَدُ رَبِّي بِمَحَامِدِ عَلَمَنِيهَا ثُمَّ أَسْفَعُ فَيَحْدُ لِي حَدًّا فَأَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ ثُمَّ أَرْجِعُ فَإِذَا رَأَيْتُ رَبِّي وَقَعْتُ سَاجِدًا فَيَدْعُنِي مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَدْعَنِي ثُمَّ يُقَالُ ارْفَعْ مُحَمَّدٌ وَقُلْ يُسْمَعُ وَسَلْ تُعْطَى وَاشْفَعْ تُشْفَعُ فَأَحْمَدُ رَبِّي بِمَحَامِدِ عَلَمَنِيهَا رَبِّي ثُمَّ أَسْفَعُ فَيَحْدُ لِي حَدًّا فَأَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ ثُمَّ أَرْجِعُ فَإِذَا رَأَيْتُ رَبِّي وَقَعْتُ سَاجِدًا فَيَدْعُنِي مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَدْعَنِي ثُمَّ يُقَالُ ارْفَعْ مُحَمَّدٌ قُلْ يُسْمَعُ وَسَلْ تُعْطَى وَاشْفَعْ تُشْفَعُ فَأَحْمَدُ رَبِّي بِمَحَامِدِ عَلَمَنِيهَا ثُمَّ أَسْفَعُ فَيَحْدُ لِي حَدًّا فَأَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ ثُمَّ أَرْجِعُ فَأَقُولُ يَا رَبِّ مَا بَقِيَ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ حَبَسَهُ الْقُرْآنُ وَوَجِبَ عَلَيْهِ الْخُلُودُ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَانَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَزِنُ شَعِيرَةً ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَانَ فِي قَلْبِهِ مَا يَزِنُ بُرَّةً ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَانَ فِي قَلْبِهِ مَا يَزِنُ مِنَ الْخَيْرِ ذَرَّةً»^۱.

ترجمه: سپس مردم نزد من می آیند. آنگاه میروم و از پروردگام اجازه می خواهم. پس به من اجازه داده می شود. هنگامی که پروردگام را می بینم سجده کنان می افتم، تا زمانی که خواست الله تعالی باشد، مرا در حالت سجده باقی می گذارد. گفته می شود: ای محمد! سرت را بلند کن، بگو که شنیده می شود، بخواه که به تو داده می شود، شفاعت کن که پذیرفته می شود، اجازه شفاعت داده می شود.

پس الله تعالی را با سپاس و ستایشی که آن را به من تعلیم می دهد، ستایش می کنم، سپس درخواست شفاعت می نمایم و الله مقداری را برایم مشخص می نماید، آن مقدار را وارد بهشت می کنم، سپس بر می گردم همانا که پروردگام را می بینم به سجده می افتم، تا زمانی که خواست الله تعالی باشد، مرا در حالت سجده باقی می گذارد. گفته می شود: ای محمد! سرت را بلند کن، بگو که شنیده می شود، بخواه که به تو داده می شود، شفاعت کن که پذیرفته می شود، اجازه شفاعت داده می شود.

پس الله تعالی را با سپاس و ستایشی که آن را به من تعلیم می دهد، ستایش می کنم، سپس درخواست شفاعت می نمایم و الله مقداری را برایم مشخص می نماید، آن مقدار را وارد بهشت

^۱ صحیح البخاری، کتاب التوحید، باب قوله تعالی: {لما خلقت بيدي}، حدیث: ۷۴۱۰، ۱۲۱/۹

می کنم، سپس بر می گردم همانا که پروردگارم را می بینم به سجده می افتم، تا زمانی که خواست الله تعالی باشد، مرا در حالت سجده باقی می گذارد. گفته می شود: ای محمد! سرت را بلند کن، بگو که شنیده می شود، بخواه که به تو داده می شود، شفاعت کن که پذیرفته می شود.

پس الله تعالی را با سپاس و ستایشی که آن را به من تعلیم می دهد، ستایش می کنم، سپس درخواست شفاعت می نمایم و الله مقداری را برایم مشخص می نماید، آن مقدار را وارد بهشت می کنم، سپس بر می گردم و می گویم: پروردگارا! در دوزخ جز آن مقداری که ماندن در آن، بر آنان واجب شده است، کسی دیگری نمانده اند.

نبی - ﷺ - فرمود: کسی که (لا اله الا الله) بگوید و در قلبش به وزن یک جو یا گندم و یا یک ذره، ایمان باشد، از آتش جهنم بیرون آورده می شود.

این حدیث دلیل بر اثبات شفاعت نبی - ﷺ - برای مرتکبین گناهان کبیره از امتش است، برخلاف نظر کسانی که منکر چنین شفاعت هستند از معتزله و قدریه و خوارج. آنها استدلال به این آیه

می کنند: الله ذوالجلال می فرماید: ﴿فَمَا تَفْعُلُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ ^{٤٨} المذثر: ٤٨

ترجمه: پس شفاعت شفاعت کنندگان به ایشان سودی نمی بخشد.

گاهی گروهی از معتزله بنا بر ظاهر کتاب الله، شفاعت پیامبر - ﷺ - را برای آن عده امت هایش که از گناهان کبیره توبه کرده باشند و کسانی که تنها مرتکب گناهان صغیره شده از کبائر خود داری نموده است، یا مومنی که بی گناه باشد مانند: توبه کننده جایز دانسته اند و این برخلاف اصول و اعتقادات شان است.^۱

در حالی که این آیه در مورد نجات منکرین آخرت از عذاب است. و شفاعت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای ابو طالب عذاب را دور نمی سازد، بلکه تخفیف در عذاب می بخشد. الله متعال قبل از این آیه می فرماید: ﴿عَنِ الْمُجْرِمِينَ﴾ ^{٤١} مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ^{٤٢} قَالُوا لَوْلَا لَرْنَاكَ مِنَ الْمُصَلِّينَ ^{٤٣} وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ

الْمُسْكِينِ ^{٤٤} وَكُنَّا نَحْوُكُمْ مَعَ الْحَايِضِينَ ^{٤٥} وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ^{٤٦} حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ ^{٤٧} المذثر: ٤١ - ٤٧

^۱ شرح صحیح البخاری - لابن بطلان، ۴۳۷/۱۰ و ۴۳۸

ترجمه: از گناهگاران (پرسیده می شود). چه چیز شما را به سقر داخل ساخت؟ مجرمین می گویند: ما از جمله نماز گزاران نبودیم. و به مسکین خوراک نمی دادیم. و ما همواره با باطل پرستان (در باطل و یاوه گویی هایشان) فرو می رفتیم. و روز جزا را دروغ می شمردیم. تا هنگامی که مرگ به ما آمد.

در روایت ابو سعید - رضی الله عنه - در حدیث طویل از رسول الله - ﷺ - چنین روایت می کند که ایشان فرمود: «حَتَّى إِذَا خَلَصَ الْمُؤْمِنُونَ مِنَ النَّارِ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ بِأَشَدَّ مُنَاسَدَةً لِلَّهِ فِي اسْتِفْصَاءِ الْحَقِّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لِلَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَخْوَانِهِمُ الَّذِينَ فِي النَّارِ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا كَانُوا يَصُومُونَ مَعَنَا وَيُصَلُّونَ وَيَحُجُّونَ، فَيَقَالُ لَهُمْ: أَخْرَجُوا مَنْ عَرَفْتُمْ، فَتَحَرَّمْ صُورُهُمْ عَلَى النَّارِ، فَيُخْرِجُونَ خَلْقًا كَثِيرًا قَدْ أَخَذَتِ النَّارُ إِلَى نَصْفِ سَاقِيهِ، وَإِلَى رُكْبَتَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُونَ: رَبَّنَا مَا بَقِيَ فِيهَا أَحَدٌ مِمَّنْ أَمَرْتَنَا بِهِ، فَيَقُولُ: ارْجِعُوا فَمَنْ وَجَدْتُمْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ دِينَارٍ مِنْ خَيْرٍ فَأَخْرِجُوهُ، فَيُخْرِجُونَ خَلْقًا كَثِيرًا، ثُمَّ يَقُولُونَ: رَبَّنَا لَمْ نَذَرْ فِيهَا أَحَدًا مِمَّنْ أَمَرْتَنَا، ثُمَّ يَقُولُ: ارْجِعُوا فَمَنْ وَجَدْتُمْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ دِينَارٍ مِنْ خَيْرٍ فَأَخْرِجُوهُ، فَيُخْرِجُونَ خَلْقًا كَثِيرًا، ثُمَّ يَقُولُونَ: رَبَّنَا لَمْ نَذَرْ فِيهَا مِمَّنْ أَمَرْتَنَا أَحَدًا، ثُمَّ يَقُولُ: ارْجِعُوا فَمَنْ وَجَدْتُمْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ مِنْ خَيْرٍ فَأَخْرِجُوهُ، فَيُخْرِجُونَ خَلْقًا كَثِيرًا ثُمَّ يَقُولُونَ: رَبَّنَا لَمْ نَذَرْ فِيهَا خَيْرًا "، وَكَانَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ يَقُولُ: إِنْ لَمْ تُصَدِّقُونِي بِهَذَا الْحَدِيثِ فَاقْرَأُوا إِنْ شِئْتُمْ: {إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا} [النساء: ٤٠]، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: شَفَعَتِ الْمَلَائِكَةُ، وَشَفَعَ النَّبِيُّونَ، وَشَفَعَ الْمُؤْمِنُونَ، وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِنَ النَّارِ، فَيُخْرِجُ مِنْهَا قَوْمًا لَمْ يَعْمَلُوا خَيْرًا قَطُّ قَدْ عَادُوا حُمَمًا، فَيُلْقِبُهُمْ فِي نَهْرٍ فِي أَفْوَاهِ الْجَنَّةِ يُقَالُ لَهُ: نَهْرُ الْحَيَاةِ، فَيُخْرِجُونَ كَمَا تَخْرُجُ الْحَبَّةُ فِي حَمِيلِ السَّيْلِ، أَلَا تَرَوْنَهَا تَكُونُ إِلَى الْحَجَرِ، أَوْ إِلَى الشَّجَرِ، مَا يَكُونُ إِلَى الشَّمْسِ أُصْفِيرُ وَأُخْيِضِرُ، وَمَا يَكُونُ مِنْهَا إِلَى الظِّلِّ يَكُونُ أَبْيَضَ؟ " فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَأَنَّكَ كُنْتَ تَرَعَى بِالْبَادِيَةِ، قَالَ: " فَيُخْرِجُونَ كَاللُّؤْلُؤِ فِي رِقَابِهِمُ الْخَوَائِمَ، يَعْرِفُهُمْ أَهْلُ الْجَنَّةِ هَوْلَاءِ عِتْقَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ أَدَخَلَهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ عَمَلُوهُ، وَلَا خَيْرٍ قَدَّمُوهُ، ثُمَّ يَقُولُ: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَمَا رَأَيْتُمُوهُ فَهُوَ لَكُمْ، فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا، أَعْطَيْتَنَا مَا لَمْ تُعْطِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، فَيَقُولُ: لَكُمْ عِنْدِي أَفْضَلُ مِنْ هَذَا، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا، أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا؟ فَيَقُولُ: رِضَايَ، فَلَا أَسْحَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا.^١

^١ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بابُ معرفة طریق الرؤیة، حدیث: ١٦٧/١، ١٨٣

ترجمه: تا این که مومنان از آتش نجات یافتند، قسم به ذاتی که نفسم در دست اوست، نیست هیچ کسی از شما سخت تر در قسم خوردن بر الله در روز قیامت برای جستجوی حق برای برادران مومن شان که در آتش هستند. می گویند: ای پروردگارا! اینها با ما روزه می گرفتند، نماز می خواندند و حج را ادا می کردند. پس برای شان گفته می شود: کسانی را که می شناسید از آتش بیرون کنید و چهره های آنها بر آتش حرام گردانیده می شود. پس آنها گروه زیادی از مردم را که آتش تا نصف ساقهای شان و تا زانو های شان رسیده است، از دوزخ بیرون می کنند. سپس می گویند: ای پروردگارا! از آنهایی که ما را امر کردی کسی در دوزخ باقی نماند. الله متعال می گوید: برگردید، کسی را یافتید که به اندازه مثقال دینار خیر و خوبی در قلبش باشد، او را از دوزخ بیرون کنید. پس گروه بزرگ را از دوزخ بیرون می کنند و می گویند: پروردگارا! از کسانی که امر شدیم هیچ کسی را در دوزخ نگذاشتیم. باز الله متعال می گوید: برگردید، کسی را یافتید که به اندازه نصف مثقال دینار خیر و خوبی در قلبش باشد، او را از دوزخ بیرون کنید. پس گروه بزرگ را از دوزخ بیرون می کنند و می گویند: پروردگارا! از کسانی که امر شدیم هیچ کسی را در دوزخ نگذاشتیم. باز الله متعال می گوید: برگردید، کسی را یافتید که به اندازه مثقال یک ذره خیر و خوبی در قلبش باشد، او را از دوزخ بیرون کنید. پس گروه بزرگ را از دوزخ بیرون می کنند و می گویند: پروردگارا! ما در دوزخ هیچ خیری نگذاشتیم.

ابو سعید خدری رضی الله عنه می گفت: اگر من را در این حدیث تصدیق نمی کنید، این آیه را بخوانید: {إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا} [النساء: ۴۰]

ترجمه: یقیناً الله متعال به اندازه یک ذره ظلم نمی کند، اگر نیکی باشد دوچندش می سازد و از جانب خود اجر بزرگ عطا می کند.

پس الله متعال می گوید: ملایکه شفاعت کردند، پیامبران شفاعت کردند، مؤمنان شفاعت کردند و جز مهربان ترین مهربانان کسی نماند، پس با قبضه خویش (که کیفیت اش را ما نمی دانیم) یک قبضه را از دوزخ می گیرد و گروهی را که هیچ عمل خیر انجام نداده اند از آتش بیرون می کند، در حالی که آنها سیاه گشته اند. آنها را در نهری نزدیک جنت که بنام نهر حیاة است، می اندازد. پس آنها مانند دانه در لب ساحل می رویند. آیا نمی بینید آنها را که به سوی سنگ یا درخت

می باشد. آنهایی که بهسوی آفتاب می باشند زرد و سبز اند و آنهایی که در سایه می باشند سفید اند.

صحابه گفتند: ای رسول الله! گویا شما در صحرا رمه می چراندید. فرمود: پس بیرون می شوند، مانند مروارید در گردنهای شان مهر است که اهل جنت آنها را می شناسند. اینها کسانی اند که الله متعال بدون کدام عمل خیر شان به جنت داخل کرده است. و نه کدام خیری پیش فرستاده اند. پس الله متعال برایشان می گوید: به جنت داخل شوید، هر آنچه می بینید برای سما است. پس می گویند: ای پروردگار! برای ما آنچه که برای هیچ فرد از عالم نداده ای عطا کردی. الله تعالی می گوید: نزد من برای شما از این بهتر است. می گویند: ای پروردگار! چه چیزی از این بهتر خواهد بود؟ الله تعالی می گوید: رضامندی من، بعد از این هیچ گاه بر شما خشم نمی گیرم.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِّأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»^۱.

ترجمه: هر پیامبری یک دعای مستجاب دارد. همه ی پیامبران در دنیا این دعا را کرده اند، و من دعای خود را برای شفاعت امتم در روز رستاخیز نگه داشته ام، ان شاء الله شفاعت من شامل تمام امتم که به الله شرک نورزند، می شود.

جابر - رضی الله عنه - از نبی اکرم - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «أُعْطِيْتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ وَأَجَلْتُ لِي الْمَعَانِمُ وَلَمْ تَحِلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَأُعْطِيْتُ الشَّفَاعَةَ وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً»^۲.

ترجمه: پنج چیز به من عطا شده است که قبل از من، به هیچ پیامبری عطا نشده است: ۱- در مقابله با دشمن به من کمک کرده شده بواسطه افتیدن رعب و ترس در دل دشمن از فاصله یک ماهه سیر. ۲- زمین برای من مسجد و پاک قرار داده شده است. بنا بر این هر کجا وقت نماز فرا رسید، امتیاز می توانم همانجا (اگر آب نبود، تیمم نمایند) و نماز بخوانم. ۳- مال غنیمت برای من حلال گردانده شده است در حالی که قبل از من، برای هیچ پیامبری حلال نبوده است. ۴- حق

^۱ صحیح مسلم، کتاب الايمان، بابُ اخْتِبَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعْوَةَ الشَّفَاعَةِ لِأُمَّتِهِ، حديث: ۱۹۹، ۱/۱۸۹
^۲ صحیح البخاری، کتاب التيمم، باب ، حديث: ۱، ۷۴/۳۳۵

شفاعت به من عنایت شده است. ۵- هر پیامبری فقط برای قوم خودش فرستاده شده است در حالی که من برای تمام مردم دنیا مبعوث شده ام.

در شرح این حدیث ابن رجب می گوید: مراد از شفاعتی که برای محمد - ﷺ - در این حدیث خاص گردیده است، کثرت کسانی که برای شان شفاعت کرده می شود از امتش می باشد؛ زیرا ایشان شفاعت خود را به آخرت ذخیره کرده است. در شفاعتی بیرون کردن عاصیان از آتش همه انبیاء و مؤمنان شامل هستند، چنانچه از آیات و احادیث دانسته می شود.^۱

جابر بن عبد الله - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ قَوْمًا مِنَ النَّارِ بِالشَّفَاعَةِ».^۲

ترجمه: یقیناً الله متعال قومی را از آتش توسط شفاعت بیرون می کند.

امام مسلم در صحیحش یک باب بنام (بَابُ بَيَانِ أَنَّ مَنْ مَاتَ عَلَى الْكُفْرِ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَلَا تَنَالُهُ شَفَاعَةٌ، وَلَا تَنْفَعُهُ قَرَابَةُ الْمُقَرَّبِينَ) گذاشته است.

ترجمه: بیان این که کسی بر کفر بمیرد او در آتش است و او مستحق شفاعت نمی شود و برای او قرابت هیچ خویشاوندش نفع نمی رساند.

الف: شفاعت در مورد ابو طالب برای تخفیف عذابش

عباس بن عبد المطلب - رضی الله عنه - می گوید: به نبی اکرم - ﷺ - گفتیم: چه کاری برای عمویت انجام دادی؟ زیرا از تو حمایت می کرد و به خاطر تو خشمگین می شد. فرمود: «نَعَمْ هُوَ فِي ضَحَضَاحٍ مِنْ نَارٍ لَوْلَا أَنَا لَكَانَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ».^۳

ترجمه: او در عمق کم جهنم به سر می برد و اگر من نبودم، در درک اسفل (پایین ترین عمق) آتش قرار می گرفت.

^۱ ببینید: فتح الباری شرح صحیح البخاری، لابن رجب، ۲/۲۱۴

^۲ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب ادنی اهل الجنة منزلة، حدیث: 191، ۱/۱۷۸

^۳ صحیح البخاری، کتاب، باب کُتِبَ الْمُشْرِكُ، حدیث: 6208، 8/46

از ابو سعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که نزد رسول الله - ﷺ - ابو طالب کاکای ایشان ذکر گردید، ایشان فرمود: «لَعَلَّهُ تَنْفَعُهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَجْعَلُ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نَارٍ يَبْلُغُ كَعْبِيهِ، يَغْلِي مِنْهُ دِمَاعُهُ»^۱.

ترجمه: امید است که شفاعت من در روز قیامت برایش نفع برساند، پس او در عمق کم آتش که تا بجلک پاهایش می رسد به سر می برد، که مغز سرش از آن می جوشد.

ابن عباس - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَهْوَنُ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا أَبُو طَالِبٍ، وَهُوَ مُتَعَلٌّ بِنَعْلَيْنِ يَغْلِي مِنْهُمَا دِمَاعُهُ»^۲.

ترجمه: آسان ترین عذاب را در میان جهنمیان ابو طالب می بیند؛ وی دو کفش آتشین پوشیده است که مغز سرش از آنها می جوشد.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بَابُ شَفَاعَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَبِي طَالِبٍ وَالتَّخْفِيفِ عَنْهُ بِسَبَبِهِ، حدیث: ۲۱۰، ۱۹۵/۱

^۲ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بَابُ أَهْوَنِ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا، حدیث: ۲۱۰، ۱۹۶/۱

مبحث دوم: بیان جنت در قرآن و سنت

الله متعال جنت را برای مکافات به مسلمانانی که از اوامر الله متعال اطاعت می کنند و از نواهی او اجتناب می کنند، آفریده است. و دوزخ را برای مجازات کفار و مسلمانانی گنهگار که بدون توبه از دنیا رفتند، آفریده است.

جنت و جهنم (بهشت و دوزخ) آفریده شده اند. آن دو فنا ناپذیر هستند و هرگز از بین نمی روند. الله متعال بهشت و دوزخ را پیش از آفرینش انسان آفرید و برای هر کدام نیز ساکنانی ایجاد نمود. هر کسی را که به بهشت می برد، از لطف و فضل اوست و هر کسی را که به دوزخ می برد، از عدل و انصاف اوست. پس هر کس کاری را انجام می دهد که قصد آن را کرده است و به جایی می رود که برای آن آفریده شده است. لازم به یادآوری است که نیکی و بدی در سرنوشت انسانها معین شده است.

تمام اهل سنت اتفاق نظر دارند که بهشت و دوزخ آفریده شده اند و هم اکنون وجود دارند. اما معتزله و قدریه وجود بهشت و دوزخ را در حال حاضر انکار کردند و گفتند: الله متعال در روز رستاخیز بهشت و دوزخ را می آفریند. اعتقاد باطل شان به حسن و قبح عقلی در مورد کارهای الله متعال، آنان را واداشت تا بگویند: بهشت و دوزخ آفریده نشده اند. آنان افعال الله را با افعال آفریدگانش مقایسه می کنند. پس آنان در افعال، مشابه هستند و در عین حال معطله نیز هستند و می گویند: آفریدن بهشت پیش از جزا و پاداش بیهوده است؛ زیرا با این کار، بهشت تا مدت مدیدی غیر قابل استفاده می ماند. در نتیجه آنان به رد نصوصی پرداختند که مخالف این اصل باطل است. آنان نصوص را از مفاهیم اصلی تحریف می کنند و کسانی را که مخالف اصل آن ها هستند، گمراه و اهل بدعت می دانند.^۱

نصوص زیادی دلالت به این می کند که جنت و جهنم آفریده شده اند. امام بخاری در کتاب صحیح خود دو بابی را بنام (بَابُ صِفَةِ النَّارِ وَأَنَّهَا مَخْلُوقَةٌ) و (بَابُ مَا جَاءَ فِي صِفَةِ الْجَنَّةِ وَانْهَا الْمَخْلُوقَةُ) در بیان صفات دوزخ، ویژگی بهشت و در بیان این که دوزخ و بهشت آفریده شده اند، گشوده است و اختصاص داده است. همین عقیده اهل سنت است.

^۱ ببینید: ابن ابی العز الحنفی، صدر الدین علی بن محمد بن ابی العز الحنفی، شرح الطحاویة فی العقیدة السلفية، تحقیق: احمد محمد شاکر، ناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، چاپ اول، سال: ۱۴۱۸ هـ، ۳/۳۲ و ۳۳

عایشه - رضي الله عنها - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «رَأَيْتُ فِي مَقَامِي هَذَا كُلَّ شَيْءٍ وَعِدْتُمْ، حَتَّى لَقَدْ رَأَيْتُنِي أُرِيدُ أَنْ أَخَذَ قِطْفًا مِنَ الْجَنَّةِ حِينَ رَأَيْتُمُونِي جَعَلْتُ أَقْدَمَ وَأَلْفَدُ رَأَيْتُ جَهَنَّمَ يَحْطُمُ بَعْضُهَا بَعْضًا، حِينَ رَأَيْتُمُونِي تَأَخَّرْتُ».^۱

ترجمه: در همین دنیا، هر آنچه را که به شما وعده داده شده است مشاهده کردم؛ خودم را در حال چیدن میوه از بهشت دیدم و این همان لحظه ای بود که شما مرا دیدید که به جلو رفتم و آتش دوزخ را دیدم که از شدت حرارت شعله هایش یکدیگر را خرد می کردند و این همان لحظه ای بود که شما مرا دیدید که به عقب رفتم.

عبد الله بن عباس - رضي الله عنهما - می گوید: در زمان رسول الله - ﷺ - خورشید خسوف کرد. اصحاب گفتند: ای پیامبر الله! تو را دیدیم که چیزی را می گرفتی. سپس دیدیم که به عقب رفتی؟ ایشان فرمود: «إِنِّي أَرَيْتُ الْجَنَّةَ فَتَنَّاوَلْتُ مِنْهَا عُقُودًا وَلَوْ أَصَبْتُهُ لَأَكَلْتُمْ مِنْهُ مَا بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَأَرَيْتُ النَّارَ فَلَمْ أَرَ مَنْظَرًا كَالْيَوْمِ قَطُّ أَفْطَعُ».^۲

ترجمه: بهشت را دیدم و خواستم خوشه انگوری از آن بچینم. اگر آن خوشه را می چیدم، شما تا پایان دنیا از آن می خوردید. دوزخ نیز به من نشان داده شد. تا کنون صحنه ای هولناک تر از آن ندیده ام.

عبد الله بن عباس - رضي الله عنهما - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَرَيْتُ النَّارَ فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا النِّسَاءُ يَكْفُرْنَ قَبْلَ أَنْ يَكْفُرْنَ بِاللَّهِ قَالَ يَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ وَيَكْفُرْنَ الْإِحْسَانَ لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئًا قَالَتْ مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ».^۳

ترجمه: دوزخ به من نشان داده شد، دیدم که بیشتر دوزخیان زن هستند. سوال شد: ای پیامبر الله! چرا چنین است؟ فرمود: بدلیل کفران و ناسپاسی. سوال شد: کفر به الله؟ ایشان فرمود: کفران و ناسپاسی در برابر شوهر و ناسپاسی در برابر احسان و نیکو کاری در میان زنان زیاد مشاهده می شود، که اگر در طول عمر در حق آنان نیکی کنی، سپس یک اشتباه از تو ببیند، خواهند گفت: هیچ گاه کار خوبی- خیری را از تو ندیده ام.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الکسوف، باب صلاة الكسوف، حدیث: ۹۰۱، ۶۱۹/۲

^۲ صحیح البخاری، کتاب الجمعة، باب طول السجود في الكسوف، حدیث: ۱۰۵۲، ۳۷/۲

^۳ صحیح البخاری، کتاب الايمان، باب كفران العشير وكفر بعد كفر، حدیث: ۲۹، ۱۵/۱

عایشه - رضی الله عنها - می گوید: کودکی فوت کرد، من گفتم: خوشا به حال این کودک، گنجشکی از گنجشکان بهشت است. رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَوْ لَا تُدْرِينَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ وَخَلَقَ النَّارَ، فَخَلَقَ لِهَذِهِ أَهْلًا وَلِهَذِهِ أَهْلًا»^۱.

ترجمه: آیا نمیدانی؟ الله متعال بهشت و دوزخ را آفرید، پس برای بهشت افرادی را و برای دوزخ افرادی را آفرید.

انس - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «عُرِضَتْ عَلَيَّ النَّارُ وَأَنَا أَصَلِّي»^۲.

ترجمه: در حالی که نماز می خواندم آتش دوزخ بر من عرضه شد.

عدی بن ابی حاتم می گوید: نبی کریم - ﷺ - آتش را یاد کردند پس از آن پناه خواستند و روی گردانیدند، سپس آتش را یاد کردند پس از آن پناه خواستند و روی گردانیدند.^۳

گویا نبی - ﷺ - آتش را دیدند. تمام این احادیث دلالت به این می کند که جنت و دوزخ آفریده شده اند.

چنانچه همه می دانیم بحث از جنت و دوزخ همه از امور غیبی بوده از ارکان شش گانه ایمان است، لذا ما در بیان احوال جنت و دوزخ جز آنچه الله متعال فرموده است چیزی از خود وارد کرده نمی توانیم. نظر به این که اسلام دین بشارت و آسانی است بحث خود را از بیان جنت آغاز می نمایم.

الف: جنت در لغت و اصطلاح

جَنٌّ: در لغت به معنای پنهان کردن است.

الجنة: هر باغی که درختان اش زمین را پنهان کرده باشد.

بهشت را به سبب مشابهت اش با باغ، جنت نامیده است و یا اینکه به سبب پنهان شدنش با نعمتها به نام جنت نامیده شده است.^۴

^۱ صحیح مسلم، کتاب القدر، باب معنی کل مولود یولد علی الفطرة و حکم اموات اطفال الکفار و المسلمین، حدیث: ۲۶۶۲، ۲۰۵۰/۴

^۲ صحیح البخاری، کتاب الصلاة، باب مَنْ صَلَّى وَقَدَّامَهُ تَنُورٌ أَوْ نَارٌ أَوْ شَيْءٌ مِمَّا يُعْبَدُ فَأَرَادَ بِهِ اللَّهُ، حدیث: ۴۳۱، ۹۴/۱

^۳ صحیح البخاری، کتاب الادب، باب طیب الکلام، حدیث: ۶۰۲۳، ۱۱/۸

^۴ ببینید: الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی (متوفی: ۵۰۲هـ)، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان الداودی، ناشر: دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ، ۲۰/۴

بهشت سرای پاداش است که الله متعال آن را برای مؤمنان، فرمانبرداران و دوستانش آماده نموده است. الله متعال از آن روزی که زمین و آسمان را آفرید، بهشت را نیز آفرید.

پاداش مرد و زن در آخرت یک نوع بوده، جنت برای مرد و زن هر دو پیدا کرده شده است. الله متعال می فرماید: ۱- ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ

الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿۱۲۴﴾ النساء: ۱۲۴

ترجمه: و هر کس کارهای شایسته انجام میدهد، مرد باشد یا زن و او مومن باشد، آنها به بهشت داخل می شوند و مقدار داغ خسته خرما ستم نخواهند شد.

۲- ﴿فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَلَّذِينَ هَاجَرُوا
وَأُخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿۱۹۰﴾ آل عمران: ۱۹۰

ترجمه: پس پروردگار شان درخواست آنها را پذیرفت (و گفت:) من عمل هیچ کس از شما را مرد باشد یا زن ضایع نخواهم کرد، بعضی شما از جنس بعضی دیگر هستید، پس آنانی که هجرت کردند و از خانه های شان بیرون رانده شدند و در راه من آزار داده شدند و جنگ کردند و کشته شدند، از آنها گناهان شان را دور خواهم کرد و آنها را در بوستانهایی داخل می کنم که از زیر درختانش جویها، جاری است. این پاداش از جانب الله است و نزد الله بهترین پاداش است.

مطلب اول: جنت و صفات آن

جنت دارای صفات بی نظیر است که چنین صفات را نه کسی دیده است و نه شنیده است و نه تصور آن را کرده می تواند.

الله متعال می فرماید: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كَالْمَاءِ دَائِبٍ وَّظِلُّهَا تِلْكَ

عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿۳۵﴾ الرعد: ۳۵

ترجمه: صفت بهشتی که پرهیزگاران به آن وعده داده شده اند (این است که) از زیر درختانش نهرها جاری است، میوه های آن همیشه و سایه های آن جاویدانی است، این است سر انجام کسانی که پرهیزگاری کردند، و سر انجام کافران آتش است.

ابو هریره - رضي الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: الله متعال می فرماید: «أَعْدَدْتُ لِعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، مُصَدِّقٌ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿١٧﴾ السجدة: ١٧»^١.

ترجمه: برای بندگان شایسته ی خویش چیزهایی آماده کرده ام که هیچ چشمی آن ها را ندیده و هیچ گوشی آنها را نشنیده و قلب هیچ بشری آنها را تصور نکرده است. برای اطمینان این آیه را بخوانید: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿١٧﴾ السجدة: ١٧

ترجمه: پس هیچ کس نمیداند که چه چیزهایی مسرت بخش و مایه روشنای چشمها، برای ایشان پنهان داشته شده است، پاداش داده میشوند به سبب کارهایی که می کردند.

در حدیث دیگر از نبی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - چنین روایت شده است که ایشان فرمود: «أَنَّهُ مَنْ قُتِلَ مَنَّا صَارَ إِلَى الْجَنَّةِ فِي نَعِيمٍ لَمْ يَرَ مِثْلَهَا قَطُّ وَمَنْ بَقِيَ مِنَّا مَلَكَ رِقَابَكُمْ»^٢.

ترجمه: هر کسی که از ما کشته شدند به جنت های پر نعمتی که مانند آن هیچ گاه دیده نشده است رفته اند و کسی که از ما باقی مانده اند مالک گردنهای خواهند شد.

الف: نهرها و چشمه های جنت

الله منان می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ؕ آمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ

غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾ الحجر: ٤٥ - ٤٨

ترجمه: شکی نیست که پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ها هستند. به آنها گفته می شود: به سلامت و امنیت داخل این باغها شوید. و هر نوع کینه را از سینه های شان دور می کنیم، و

^١ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة وأنها مخلوقة، حدیث: ٣٢٤٤، ١١٨/٤

^٢ صحیح البخاری، کتاب الخمس، ابواب الجزية و المواعدة، باب الجزية و المواعدة مع أهل الذمة و الحرب، حدیث: ٣١٥٩، ٩٧/٤

برادرانه بر تختها روی یکدیگر می نشینند. در آنجا هیچ رنجی به آنها نمی رسد و نه از آنجا بیرون کرده می شوند.

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ الدخان: ٥١ - ٥٢

ترجمه: حقا که پرهیزگاران در جایگاه بسیار با امن می باشند. در میان باغها و چشمه ها.

ب: در جنت ۴ نوع نهر وجود دارد

الله متعال می فرماید: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ

خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّرِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ

أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾ محمد: ١٥

ترجمه: صفت بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است، این است که در آن نهرهایی از آبی خالصی است که گندیده و بدبو نشده است، و نهرهایی از شیری است که مزه آن تغییر نکرده است، و نهرهایی از شراب لذت بخشی برای نوشنده گان است، و نهرهایی از عسل تصفیه شده است، و برای ایشان در آنجا هر گونه میوه است، و برای ایشان از جانب پروردگار شان آمرزش است، آیا این جماعه همسان کسانی اند که در آتش دوزخ جاویدانند، و از آب بسیار گرم نوشانیده می شوند، روده های شان را پاره می کند.

در حدیث طویل معراج از رسول الله - ﷺ - روایت روایت شده است که ایشان فرمود: «ثُمَّ رُفِعَتْ إِلَيَّ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى فَإِذَا نَبَقُهَا مِثْلُ قِلَالٍ هَجَرَ وَإِذَا وَرَقُهَا مِثْلُ آدَانِ الْفَيْبَلَةِ قَالَ هَذِهِ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى وَإِذَا أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٍ نَهْرَانِ بَاطِنَانِ وَنَهْرَانِ ظَاهِرَانِ فَقُلْتُ مَا هَذَانِ يَا جَبْرِيْلُ قَالَ أَمَّا الْبَاطِنَانِ فَنَهْرَانِ فِي الْجَنَّةِ وَأَمَّا الظَّاهِرَانِ فَالنَّيْلُ وَالْفَرَاتُ ثُمَّ رُفِعَ لِي الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ ثُمَّ أُتِيْتُ بِإِنَاءٍ مِنْ خَمْرٍ وَإِنَاءٍ مِنْ لَبَنٍ وَإِنَاءٍ مِنْ عَسَلٍ فَأَخَذْتُ اللَّبَنَ فَقَالَ هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا وَأَمْتُكَ»^١.

^١ صحیح البخاری، کتاب فضائل الصحابة، باب المعراج، حدیث: ۳۸۸۷، ۵/۵۲

ترجمه: سپس بالا برده شدم تا به سدره المنتهی رسیدم. ناگهان دیدم که میوه هایش به اندازه کوزه های شهر (هجر) و برگهای آن به اندازه گوش فیل است. جبریل گفت: این سدره المنتهی است. و در آنجا نگاهم به چهار نهر افتاد که دو تا پنهان و دو تای دیگر آشکار بودند. پرسیدم: ای جبریل! اینها چیست؟ گفت: دو نهر پنهان، نهرهای بهشت اند. و دو نهر آشکار نیل و فرات می باشند. سپس بیت المعمور را به من نشان دادند. آنگاه برایم یک ظرف شراب، یک ظرف شیر و یک ظرف عسل آوردند. من شیر را برداشتم. جبریل گفت: این فطرتی است که تو و امت ات بر آن هستید.

انس - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «بَيْنَمَا أَنَا أُسِيرُ فِي الْجَنَّةِ إِذَا أَنَا بِنَهْرٍ حَافَتَاهُ قَبَابُ الدَّرِّ الْمَجْرُوفِ قُلْتُ مَا هَذَا يَا جِبْرِيْلُ قَالَ هَذَا الْكُوْتُرُ الَّذِي أَعْطَاكَ رَبُّكَ فَإِذَا طَيْبُهُ أَوْ طَيْبُهُ مَسْكٌ أَدْفُرٌ»^۱.

ترجمه: در حالی که در بهشت راه می رفتم، ناگهان با رودی برخوردیم که گنبدهایی از مروارید آن را در برگرفته بود. پرسیدم: ای جبریل! این چیست؟ گفت: این همان کوثری است که پروردگار به تو داده است. متوجه شدم که خاک آن از مسک است

ج: خاک جنت

از انس بن مالک - رضی الله عنه - در حدیث طویل فرضیت نماز، روایت است که رسول الله - ﷺ - فرمود: «ثُمَّ انْطَلَقَ بِي حَتَّى انْتَهَى بِي إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَغَشِيَهَا أَلْوَانٌ لَا أُدْرِي مَا هِيَ ثُمَّ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا فِيهَا حَبَائِلُ اللَّوْلُوْ وَإِذَا تُرَابُهَا الْمَسْكُ»^۲.

ترجمه: آنگاه جبریل مرا باخود برد تا اینکه به سدره المنتهی رسیدیم. در آنجا چیزهای گونا گونی دیدم که از آنها سر در نیاوردم. سپس وارد بهشت شدم. در آنجا با زنجیر های ساخته شده از مروارید بود و خاک بهشت که از مشک و عنبر بود، روبرو شدم.

د: میوه های گوناگون و درخت های جنت

^۱ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب فی الحوض وَقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْتُرَ }، حدیث: ۶۵۸۱، ۱۲۰/۸
^۲ صحیح البخاری، کتاب الصَّلَاةِ، باب كَيْفَ فُرِضَتْ الصَّلَاةُ فِي الْإِسْرَاءِ، حدیث: ۳۴۹، ۷۸/۱

الله منان می فرماید: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مُمْتَهَرَةٌ

وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ البقرة: ٢٥

ترجمه: و آنانی را که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، مزده ده به اینکه ایشان را ست بوستانهای که می رود از زیر آنها نهرها، هر باری که از میوه از آنها روزی داده شوند گویند: این همان روزی است که پیش داده شده بودیم، و در بهشت روزی همسان داده میشوند، و آنها راست در آنجا همسران پاکیزه و آنها در آنجا جاویدانند.

همچنان می فرماید: ﴿مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَلَكَهَاتٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ ص: ٥١

ترجمه: در حالی که در آنجا بر تختها تکیه می زنند، و در آنجا میوه های بسیار و آشامیدنی فراوانی را می طلبند.

انس بن مالک - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يَسِيرُ الرَّكِبُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَا يَقْطَعُهَا»^١.

ترجمه: در بهشت درختی وجود دارد که شخص سواره، صد سال در زیر سایه آن حرکت می کند اما نمی تواند آنرا ببیند.

هـ سایه بانهای جنت

جنت دارای سایه بانهای راحت بخش است

الله مهربان می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مُمْتَهَرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ النساء: ٥٧

^١ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة و أنها مخلوقة، حدیث: 3251، ١١٩/٤

ترجمه: و آنانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، آنها را در بوستانهایی خواهیم درآورد که میرود از زیر قصرهای آنان نهرها، جاویدان اند در آنجا برای ایشان در آنجا همسران پاکیزه است، و آنها را در سایه های انبوه خواهیم در آورد.

همچنان می فرماید: ﴿وَوَيْلٌ لِلْمَمْدُورِ﴾ الواقعة: ۳۰

ترجمه: سایه طولانی که در بهشت وجود دارد.

حدیثی که فوق ذکر کردیم سایه یک درخت جنت به اندازه مسیر صد سال است: انس بن مالک - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجْرَةً لَيَسِيرُ الرَّكْبُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَا يَقْطَعُهَا»^۱.

ترجمه: در بهشت درختی وجود دارد که شخص سواره، صد سال در زیر سایه آن حرکت می کند اما نمی تواند آنرا ببیند.

و: کاخ ها و قصر های جنت

الله متعال می فرماید: ﴿وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

التوبة: ۷۲ ﴿۷۲﴾

ترجمه: و مسکنهای پاکیزه را در باغهای جاویدان (به ایشان وعده داده است) و خوشنودی الله از هر چیز بزرگتر است، همین پیروزی بزرگ است.

جابر - رضی الله عنهما - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «رَأَيْتُنِي دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِالرُّمَيْصَاءِ امْرَأَةٍ أَبِي طَلْحَةَ وَسَمِعْتُ حَشْفَةً فُقُلْتُ مَنْ هَذَا فَقَالَ هَذَا بِلَالٌ وَرَأَيْتُ قَصْرًا بِنَائِهِ جَارِيَةٌ فُقُلْتُ لِمَنْ هَذَا فَقَالَ لِعُمَرَ فَأَرَدْتُ أَنْ أَدْخُلَهُ فَأَنْظَرَ إِلَيَّ فَذَكَرْتُ غَيْرَتَكَ فَقَالَ عُمَرُ بِأَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعَلَيْكَ أَغَارٌ»^۲.

^۱ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة و أنها مخلوقة، حدیث: 3251، ۱۱۹/۴
^۲ صحیح البخاری، کتاب فضائل الصحابة، باب مناقب عمر بن الخطاب أبي حفص القرشي العدوي رضي الله عنه، حدیث: ۳۶۷۹، ۱۰/۵

ترجمه: خواب دیدم که وارد بهشت شدم و در آنجا رمیصاء همسر ابو طلحه را دیدم و صدای پایی شنیدم. پرسیدم: این کیست؟ فرشته گفت: این بلال است. و قصری دیدم که در حیاط آن دوشیزه ای نشسته بود. پرسیدم: این قصر مال کیست؟ گفت: از آن عمر است. خواستم وارد شوم و آن را ببینم اما به یاد غیرت تو افتادم. عمر گفت: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد. آیا برای تو هم به غیرت می آیم.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: جبریل نزد رسول الله - ﷺ - آمد و گفت: او خدیجه است که باظرفی از خورش یا غذا و یا آب می آید. پس هنگامی که نزد تو آمد، از طرف پروردگارش و از طرف من به او سلام برسان و او را به خانه ای در بهشت بشارت بده که از مرورید میان تهی، ساخته شده است و هیچگونه خستگی و سر و صدایی در آن وجود ندارد.^۱

ام حبیبه زوجه پیامبر - ﷺ - می گوید: شنیدم که ایشان فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُصَلِّيَ لِلَّهِ كُلَّ يَوْمٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً تَطَوُّعًا، غَيْرَ فَرِيضَةٍ، إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، أَوْ إِلَّا بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ».^۲

ترجمه: هر بنده مسلمان که در یک شبانه روز دوازده رکعت نماز نفل، علاوه بر فرض بخواند، الله متعال برای او در جنت خانه ی می سازد.

ز: بوی جنت

عبد الله بن عمرو - رضی الله عنه - می گوید: نبی ﷺ - فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا».^۳

ترجمه: هر کس هم پیمانی را به قتل برساند، بوی بهشت به مشامش نمی رسد که از مسافه چهل سال قابل استشمام است.

ح: ظرفهای جنت

^۱ صحیح البخاری، کتاب فضائل الصحابة، باب تزویج النبی صلی الله علیه وسلم خدیجة وفضلها رضی الله عنها، حدیث: ۳۸۲۰، ۳۹/۵
^۲ صحیح مسلم، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل السنن الراتبة قبل الفرائض وبعدهن، وبيان عذبهن، حدیث: ۷۲۸، ۵۰۳/۱
^۳ صحیح البخاری، کتاب الامارة، باب اثم من قتل ذميا بغير جرم، حدیث: ۶۹۱۴، ۱۲/۹

عبد الله بن قيس - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «جَنَّاتٍ مِنْ فِضَّةٍ أُنْبِئُهُمَا، وَمَا فِيهِمَا، وَجَنَّاتٍ مِنْ ذَهَبٍ أُنْبِئُهُمَا، وَمَا فِيهِمَا، وَمَا بَيْنَ الْقَوْمِ وَبَيْنَ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى رَبِّهِمْ إِلَّا رِذَاءَ الْكِبْرِيَاءِ عَلَى وَجْهِهِ فِي جَنَّةٍ عَدْنٍ»^۱.

ترجمه: دو باغ وجود دارد که ظروف و هر چه در آنها است از نقره ساخته شده است. و دو باغ دیگر وجود دارد که ظروف و هر چه در آنها است از طلا ساخته شده است. و در بهشت عدن بین مردم و نگاهشان به چهره پروردگار فقط حجاب کبرایابی وجود دارد.

در روایت دیگر رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ خَيْمَةً مِنْ لَوْلُؤَةٍ مُجَوَّفَةٍ عَرْضُهَا سِتُونَ مِثْلًا فِي كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا أَهْلٌ مَا يَرَوْنَ الْأَخْرِينَ يَطُوفُ عَلَيْهِمُ الْمُؤْمِنُونَ وَجَنَّاتٍ مِنْ فِضَّةٍ أُنْبِئُهُمَا وَمَا فِيهِمَا وَجَنَّاتٍ مِنْ كَدَا أُنْبِئُهُمَا وَمَا فِيهِمَا وَمَا بَيْنَ الْقَوْمِ وَبَيْنَ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى رَبِّهِمْ إِلَّا رِذَاءَ الْكِبْرِ عَلَى وَجْهِهِ فِي جَنَّةٍ عَدْنٍ»^۲.

ترجمه: در بهشت خیمه ای از مروارید میان تهی وجود دارد که عرض آن، شصت میل است. و در هر زاویه آن همسرانی (حورانی) وجود دارند که ساکنان زوایای دیگر را نمی بینند. و مومنان گرد آنان می چرخند. و دو باغی با ظرفهایش و آنچه که در آن است از نقره است، و دو باغی با ظرفهایش و آنچه که در آن است چنان است - توصیف کردند- و در بهشت عدن بین مردم و نگاهشان به چهره پروردگار فقط حجاب کبرایابی وجود دارد.

مطلب دوم: درجات و ابواب جنت

عدل و انصاف پروردگار تقاضا می کند که جنت دارای درجه و مرتبه های متفاوت باشد؛ زیرا اعمال بنده ها از همدیگر متفاوت است. کسی بیشتر عمل صالح انجام داده است و کسی کمتر انجام داده است، پس هر کدام به اندازه عملش پاداش داده می شود. الله متعال می فرماید: ﴿

وَمَنْ يَأْتِهِمْ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾ طه: ٧٥ - ٧٦

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بابُ إثباتِ رُؤْيَةِ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْأَخْرَةِ رَبِّهِمْ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، حدیث: ۱۸۰، ۱۶۳/۱
^۲ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، باب { حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ }، حدیث: ۴۸۷۹، ۱۴۵/۶

ترجمه: و هر که به پیش او تعالی با ایمان برود و کارهای شائسته انجام داده باشد پس برای آنان مراتب بلند است. باغهایی است که اقامتگاه جاودانی است، از زیر قصرها و درختان آنها نهرها جاری است، جاودان اند در آنجا، و آن پاداشی کسی است که خود را از کفر و معاصی پاک داشته است.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَصَامَ رَمَضَانَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ جَاهِدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ جَلَسَ فِي أَرْضِهِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا نُبَيِّئُ النَّاسَ قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ أَرَاهُ فَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ»^۱.

ترجمه: هر کس به الله و پیامبرش ایمان بیاورد و نماز را برپا دارد و رمضان را روزه بگیرد، الله متعال بر خود لازم کرد که او را وارد بهشت کند، خواه در راه الله جهاد کند یا در خانه بنشیند. اصحاب رضی الله عنهم گفتند: ای پیامبر الله به مردم نوید ندهیم؟ رسول الله - ﷺ - فرمود: همانا در بهشت صد درجه وجود دارد. الله متعال آن ها را برای مجاهدان آماده ساخته است و فاصله ی میان هر درجه تا درجه دیگر، به اندازه ی فاصله میان زمین و آسمان است. پس هر گاه از الله متعال چیزی می خواهید، فردوس را بخواهید؛ زیرا مرکز و بهترین نقطه ی بهشت است. راوی می گوید: به گمان من رسول الله - ﷺ - فرمود: عرش الله بالای فردوس قرار دارد و نهرهای بهشت از آن جا سرچشمه می گیرد.

ابو سعید خدری - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ مِنْ فَوْقِهِمْ كَمَا يَتَرَاءَوْنَ الْكُوكَبَ الدَّرِّيَّ الْغَابِرَ فِي الْأُفُقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوْ الْمَغْرِبِ لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تِلْكَ مَنَازِلُ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ قَالَ بَلَى وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ رَجَالَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ»^۲.

ترجمه: همانا بهشتیان، صاحبان غرفه هایی را که بالاتر از آنان، قرار دارند، مانند ستاره درخشان و در مانند می بینند که در گوشه از شرق یا غرب آسمان به چشم می خورد. و این تفاوت بخاطر تفاضلی است که میان آنان، وجود دارد. صحابه گفتند: ای رسول الله! اینها منازل

^۱ صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب درجات المجاهدين في سبيل الله، حديث: ۲۷۹۰، ۱۶/۴
^۲ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة و أنها مخلوقة، حديث: 3256، ۱۱۹/۴

انبیاست که دیگران به آن دست نخواستند یافت؟ پیامبر - ﷺ - فرمود: بلی اما سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، کسانی که به الله ایمان بیاورند و پیامبران را تصدیق کنند (به این منازل دست خواهند یافت).

عبد الله بن عمرو بن العاص از رسول الله - ﷺ - شنید که ایشان می فرمود: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَدِّينَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ، لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ»^۱.

ترجمه: هنگامی که صدای مؤذن را شنیدید، گفته هایش را تکرار کنید، سپس بر من درود بفرستید؛ زیرا هر کس یک درود بر من بفرستد، الله متعال در عوض آن ده بار برایش درود می فرستد. سپس از الله متعال برای من وسیله طلب کنید؛ چرا که وسیله مقام و منزلتی در بهشت است که فقط شایسته ی یک بنده از بندگان الله می باشد. و من امیدوارم که آن بنده من باشم. پس هرکس برای من درخواست وسیله کند، شفاعت من برایش واجب می گردد.

عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «إِنِّي لِأَعْلَمُ آخِرَ أَهْلِ النَّارِ خُرُوجًا مِنْهَا وَآخِرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دُخُولًا رَجُلٌ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ كَبُورًا فَيَقُولُ اللَّهُ اذْهَبْ فَادْخُلِ الْجَنَّةَ فَيَأْتِيهَا فَيُخَيَّلُ إِلَيْهِ أَنَّهَا مَلَأَى فَيَرْجِعُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ وَجَدْتُهَا مَلَأَى فَيَقُولُ اذْهَبْ فَادْخُلِ الْجَنَّةَ فَيَأْتِيهَا فَيُخَيَّلُ إِلَيْهِ أَنَّهَا مَلَأَى فَيَرْجِعُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ وَجَدْتُهَا مَلَأَى فَيَقُولُ اذْهَبْ فَادْخُلِ الْجَنَّةَ فَإِنَّ لَكَ مِثْلَ الدُّنْيَا وَعَشْرَةَ أَمْثَالِهَا أَوْ إِنَّ لَكَ مِثْلَ عَشْرَةِ أَمْثَالِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ تَسْحَرُ مِنِّي أَوْ تَضْحَكُ مِنِّي وَأَنْتَ الْمَلِكُ فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ وَكَانَ يَقُولُ ذَلِكَ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً»^۲.

ترجمه: من می دانم آخرین فردی که از دوزخ بیرون می آیدو آخرین فردی که وارد بهشت می شود، چه کسی است. مردی است که سینه خیز از دوزخ بیرون می آید. الله متعال به او می فرماید: به بهشت وارد شو. آن مرد به سوی بهشت می آید و فکر می کند که بهشت پر شده است. پس بر می گردد و می گوید: پروردگارا! بهشت را دیدم که پر است. الله متعال می فرماید: بر گرد و بهشت وارد شو. باز به سوی بهشت می آید و آن را پر می بیند، آن مرد بر می گردد و

^۱ صحیح مسلم، کتاب الصلاة، بابُ الْقَوْلِ مِثْلَ قَوْلِ الْمُؤَدِّينَ لِمَنْ سَمِعَهُ، ثُمَّ يُصَلِّي عَلَيَّ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يُسْأَلُ لَهُ الْوَسِيلَةَ، حديث: ۲۸۸/۱، ۳۸۴

^۲ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب صفة الجنة والنار، حديث: ۱۱۷/۸، ۶۵۷۱

می گوید: پروردگارا! بهشت را دیدم که پر شده است، الله متعال به او می فرماید: برگرد و به بهشت وارد شو و به اندازه ی دنیا و ده برابر آن در بهشت مال تو می باشد. آن مرد می گوید: مرا مورد تمسخر قرار می دهی؟ درحالی که تو پادشاه قدرتمند هستی. ابن مسعود می گوید: دیدم که در این هنگام پیغمبر - ﷺ - خندید، آن گونه که دندان هایش نمایان شد و فرمود: این آخرین نفر و فقیر ترین بهشتیان می باشد.

در روایت دیگر می گوید: «فَيَذْهَبُ فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ، فَيَجِدُ النَّاسَ قَدْ أَخَذُوا الْمَنَازِلَ، فَيَقَالُ لَهُ: أَتَذْكُرُ الزَّمَانَ الَّذِي كُنْتَ فِيهِ، فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقَالُ لَهُ: تَمَنَّ، فَيَتَمَنَّى، فَيَقَالُ لَهُ: «لَكَ الَّذِي تَمَنَيْتَ وَعَشْرَةَ أَضْعَافِ الدُّنْيَا»، قَالَ: «فَيَقُولُ: أَتَسْخَرُ بِي وَأَنْتَ الْمَلِكُ؟»، قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ»^۱

ترجمه: آن مرد می رود و داخل بهشت می شود، ناگهان می بیند که هر کس در منزل خود نشسته است. به او گفته می شود: آیا سرگذشت خود را به یاد می آوری؟ می گوید: آری، سپس گفته می شود: آرزوی چیزی را بکن. او نیز آرزوی چیزهایی می کند. به او گفته می شود: آن چه آرزو کردی و ده برابر دنیا نیز از آن تو باد. می گوید: پروردگارا! مرا مورد تمسخر قرار می دهی؟ در حالی که تو پادشاه و قدرتمند هستی. ابن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: در این هنگام دیدم که پیغمبر - ﷺ - آن گونه خندید که دندان هایش نمایان شد.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِنَّ أَدْنَى مَفْعِدٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ أَنْ يَقُولَ لَهُ: تَمَنَّ فَيَتَمَنَّى، وَيَتَمَنَّى، فَيَقُولُ لَهُ: هَلْ تَمَنَيْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ لَهُ: فَإِنَّ لَكَ مَا تَمَنَيْتَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ»^۲.

ترجمه: یقیناً کوچک ترین مرتبه یک فردی از شما کسی است که برایش گفته می شود: آرزوی چیزی را بکن. او نیز آرزوی چیزهایی را می کند. باز آرزوی چیزهایی را می کند به او گفته می شود: آیا آرزو کردی؟ او می گوید: آری. برایش گفته می شود: آنچه آرزو کردی و دو چند آن نیز از آن تو باد.

الف: دروازه های جنت

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بَابُ آخِرِ أَهْلِ النَّارِ خُرُوجًا، حدیث: ۱۸۶، ۱۷۴/۱
^۲ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بَابُ مَعْرِفَةِ طَرِيقِ الرُّؤْيَا، حدیث: ۱۸۲، ۱۶۷/۱

جنت دارای هشت دروازه است که از هر دروازه گروه مختلف وارد جنت می شود.

الله رب العزت می فرماید: ﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ

مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾ الرعد: ٢٣ - ٢٤

ترجمه: باغهای جاویدان بهشت که وارد آن می شوند، و هر کسی که از پدران و همسران و فرزندان شان نیکو کار باشند (نیز به بهشت داخل می شوند) و فرشتگان از هر دروازه بر آنها وارد می شوند. (می گویند:) سلام باد بر شما بخاطر صبر و استقامت تان، چه پایان خوبی است سر انجام شما.

دروازه های جنت به روی جنتیان باز می باشد

الله مهربان می فرماید: ﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَعَابٍ ﴿٤٩﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَهُمْ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾﴾ ص: ٤٩

- ٥٠ -

ترجمه: این قرآن پند و نصیحت است و یقیناً برای پرهیزگاران بهترین مرجع و مأوی است. (آن منزل و مأوی) بوستانهای جاویدانی محل اقامت دائمی است، در حالیکه دروازه های آن به روی ایشان باز است.

سهل بن سعد - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ فِيهَا بَابٌ يُسَمَّى الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ»^١.

ترجمه: بهشت هشت دروازه دارد. یکی از آنها ریان نامیده می شود. در روز رستاخیز فقط روزه داران از این دروازه وارد می شوند.

در روایت دیگر چنین آمده است: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ يُقَالُ أَيْنَ الصَّائِمُونَ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ»^٢.

^١ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب صفة أبواب الجنة، حدیث: 3257، 119/4

^٢ صحیح البخاری، کتاب الصوم، باب الريان للصائمين، حدیث: 1896، 25/3

ترجمه: بهشت دروازه دارد که به آن ریان می گویند: روز قیامت فقط روزه داران از آن دروازه وارد می شوند. و غیر از آنها کسی دیگر از آن وارد نمی شود. (روز قیامت) ندا داده می شود که کجايند روزه داران؟ پس آنها بر می خیزند و غیر از آنها کسی دیگر از این در وارد نمی شود. پس از اینکه روزه داران وارد شوند، آن در بسته می شود و هیچ کس دیگری از آن وارد نمی شود.

عباده بن صامت - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «مَنْ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ، وَإِبْنُ أُمَّتِهِ، وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاها إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شَاءَ».^۱

ترجمه: هر کس، گواهی دهد که هیچ معبودی بجز الله یگانه و بی همتا وجود ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست و عیسی بنده و پسر کنیز او، و کلمه الله است که او را بسوی مریم انداخت و روح از جانب الله است و یقیناً جنت حق است و یقیناً دوزخ حق است. الله تعالی او را از هر دروازه هشتگانه جنت بخواهد داخل جنت می سازد.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «مَنْ أَنْفَقَ رَوْحِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ نُودِيَ فِي الْجَنَّةِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، هَذَا خَيْرٌ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ، دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلَاةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ، دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ، دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ، دُعِيَ مِنْ بَابِ الرِّيَانِ» قَالَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا عَلَى أَحَدٍ يُدْعَى مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ، فَهَلْ يُدْعَى أَحَدٌ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ كُلِّهَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نَعَمْ، وَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ».^۲

ترجمه: هر کس دو نوع انفاق در راه الله نماید، از دروازه های بهشت ندا داده می شود: ای بنده الله! این است نتیجه کار خیر. پس هر کسی که اهل نماز بوده او را از دروازه نماز، و هر کس اهل جهاد بوده او را از دروازه جهاد، و کسی که اهل روزه بوده، او را از دروازه ریان و کسی که اهل صدقه بوده، او را از دروازه صدقه صدا می زنند. ابو بکر رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! پدر و مادرم فدایت باد، اگر کسی که از یک دروازه صدا زده شود، نیازی ندارد (که

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِالْإِيمَانِ وَهُوَ غَيْرُ شَاكٍ فِيهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ عَلَى النَّارِ، حدیث: ۲۸، ۵۷/۱
^۲ صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب مَنْ جَمَعَ الصَّدَقَةَ، وَأَعْمَلَ الْبِرَّ، حدیث: ۱۰۲۷، ۱۱۷/۲

از دروازه های دیگر او را صدا بزنند) ولی آیا چنین فردی وجود دارد که او را از همه درها صدا بزنند؟ فرمود: آری، امیدوارم که تو نیز یکی از آنها باشی.

از ابو هریره در روایت دیگر چنین آمده است: که ایشان فرمود: «مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ دَعَا حَزَنَةَ الْجَنَّةِ كُلَّ حَزَنَةٍ بَابٍ أَيْ قُلْ هَلُمَّ قَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَلِكَ الَّذِي لَا تَوَى عَلَيْهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي لِأَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ».^۱

ترجمه: هر کس دو نوع انفاق در راه الله نماید، خازن هر دروازه ی جنت او را از دروازه های بهشت ندا می زنند: ای فلان بیا به این در. ابو بکر رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! اگر کسی که از یک دروازه صدا زده شود، نیازی ندارد (که از دروازه های دیگر او را صدا بزنند) ایشان فرمود: امیدوارم که تو نیز یکی از آنها باشی.

عبد الله بن قیس در حضور دشمن گفت: رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ».^۲

ترجمه: یقیناً دروازه های جنت زیر سایه های شمشیرها است.

در حدیث طویل شفاعت ابو هریره رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - چنین روایت می کند: هنگامی که برای ایشان اجازه شفاعت داده شد. ایشان فرمود که من می گویم: «أُمَّتِي يَا رَبِّ أُمَّتِي يَا رَبِّ أُمَّتِي يَا رَبِّ فَيَقَالُ يَا مُحَمَّدُ ادْخُلْ مِنْ أُمَّتِكَ مَنْ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَابِ الْأَيْمَنِ مِنَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَهُمْ شُرَكَاءُ النَّاسِ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْبُؤَابِ».^۳

ترجمه: پروردگارا! امتم، الله متعال می فرماید: ای محمد! آن گروه از امت ات را که حساب و کتابی ندارند از در سمت راست در های بهشت، وارد بهشت گردان. همچنین آنها می توانند از سایر دروازه های بهشت وارد شوند.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، بَاب فَضْلِ النَّفَقَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، حدیث: ۲۸۴۱، ۲۶/۴

^۲ صحیح مسلم، کتاب الإمارة، بَابُ ثُبُوتِ الْجَنَّةِ لِلشَّهِيدِ، حدیث: ۱۹۰۲، ۱۵۱۱/۳

^۳ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، سورة بنی اسرائیل الاسراء، بَاب { ذُرِّيَّةٌ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا }، حدیث: ۴۷۱۲، ۴۸/۶

از اسامه - رضی الله عنه - روایت است که نبی - ﷺ - فرمود: «قُمْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَكَانَ عَامَّةً مَنْ دَخَلَهَا الْمَسَاكِينُ وَأَصْحَابُ الْجَدِّ مَحْبُوسُونَ غَيْرَ أَنْ أَصْحَابَ النَّارِ قَدْ أُمِرَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ وَقُمْتُ عَلَى بَابِ النَّارِ»^۱.

ترجمه: بر دروازه بهشت ایستادم و دیدم که بیشتر کسانی که وارد بهشت می شوند مساکین هستند سرمایه داران را (برای محاسبه) نگه داشته بودند، مگر جهنمیان؛ آنان که دستو داده شد که آنها را به جهنم ببرند.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانَ فَتَحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ»^۲.

ترجمه: وقتی ماه رمضان فرا می رسد، درهای بهشت گشوده می شوند.

مطلب سوم: اهل جنت و احوال ایشان

۱- جنتیان

بهشتیان کسانی هستند که ایمان آورده، از الله ترسیدند، اوو پیامبرش را اطاعت کردند. اولین شرط برای دخول جنت و مهم ترین عملی که سبب دخول به بهشت می گردد ایمان است؛ زیرا جز مؤمن کسی به بهشت داخل نمی شود. بعد از ایمان عمل صالح تعیین کننده مرتبه و منزلت در جنت می باشد. الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۹﴾ یونس: ۹

ترجمه: یقیناً کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند پروردگار شان آنان را به سبب ایمان شان رهنمایی می کند (بسوی بهشتی که) می رود از زیر (کاخهای) آنها نهرها، در باغهای پر از نعمت.

^۱ صحیح البخاری، کتاب النکاح، باب لا تأذن المرأة في بيت زوجها لأحد إلا بإذنه، حدیث: ۵۱۹۶، ۳۰/۷
^۲ صحیح البخاری، کتاب الصوم، باب هل يقال رمضان أو شهر رمضان، حدیث: ۱۸۹۸، ۲۵/۳

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّ الْإِيمَانَ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٧﴾ خَلِيدِينَ فِيهَا لَا يَبْعُونَ

عَنْهَا حَوْلًا ﴿١٧٨﴾ الكهف: ١٠٧ - ١٠٨

ترجمه: یقیناً کسانی که ایمان آوردند و عمل نیک انجام دادند، باغهای بهشت محل پذیرایی ایشان است. جاویدان اند در آن مقام، نمی خواهند از آنجا نقل مکان کنند.

عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - می گوید: در روز فتح خیبر چند تن از صحابه نزد نبی - ﷺ - آمدند و گفتند: فلان و فلان شهید هستند، تا این که بر فردی گذشتند و گفتند: فلان شهید است. رسول الله - ﷺ - فرمود: «كَلَّا، إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي النَّارِ فِي بُرْدَةٍ عَلَّهَا - أَوْ عَبَاءَةٍ» ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «يَا ابْنَ الْخَطَّابِ، اذْهَبْ فَنَادِ فِي النَّاسِ، أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ»^١.

ترجمه: هرگز چنان نیست که شما گفتید، من او را در آتش دیدم به سبب بردی که خیانت کرده بود، سپس فرمود: ای ابن الخطاب برو، در میان مردم صدا کن: این که به جنت جز مؤمنان نمی روند. عمر رضی الله عنه می گوید: پس بیرون شدم و صدا کردم: قطعاً به جنت جز مؤمنان نمی روند.

ابو ذر - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَتَانِي آتٍ مِنْ رَبِّي فَأَخْبَرَنِي أَوْ قَالَ بَشَّرَنِي أَنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ قُلْتُ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ قَالَ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ»^٢.

ترجمه: فرستاده ای از جانب الله نزد من آمد و به من خبر داد یا مژده داد که هر کس از امتیان من بمیرد، ولی به الله شرک نورزیده باشد، به بهشت می رود. ابو ذر می گوید: از رسول الله - ﷺ - پرسیدم: اگرچه دزدی و زنا کرده باشد؟ ایشان فرمود: اگرچه دزدی و زنا کرده باشد.

روز قیامت جنت به متقیان و پرهیزگاران بخاطر عزت و اکرام شان نزدیک کرده می شود. الله

متعالمی فرماید: ﴿وَأَزَلَفَتْ الْجَنَّةَ الْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ الشعراء: ٩٠

ترجمه: و بهشت برای پرهیزگاران نزدیک آورده می شود.

^١ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بابُ غَلَطِ تَخْرِيمِ الْغُلُولِ، وَأَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ، حدیث: ١١٤، ١٠٧/١

^٢ صحیح البخاری، کتاب الجنائز، باب فی الجنائز و من کان آخر کلامه لا إله إلا الله، حدیث: ١٢٣٧، ٧١/٢

متقیان کسانی هستند که از الله می ترسند و از خواهشات نفسانی دوری می کنند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾﴾

النازعات: ۴۰ - ۴۱

ترجمه: و اما کسی که از ایستاد شدن در پیشگاه پروردگارش ترسیده باشد، و خود را از شهوات باز داشته باشد. پس یقیناً جنت جایگاه اوست.

همچنان می فرماید: ﴿قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَرْوَجُ مُطَهَّرَةً وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾﴾ آل عمران: ۱۵

ترجمه: بگو آیا شما را به بهترین از آن چیزها آگاهی دهم؟ پرهیزگاران را نزد پروردگار شان باغهایی است که می رود از زیر درختانش جوی ها، جاویدان اند در آنجا و نیز ایشان را همسران پاکیزه و خوشنودی الله است، والله به اعمال و احوال بندگانش بینا است.

همچنان می فرماید: ﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ

عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ﴿١٨﴾﴾ آل عمران: ۱۹۸

ترجمه: لیکن آنانیکه از پروردگارشان ترسیدند ، آنها را بوستانهایی است که می رود از زیر درختانش نهرها، جاویدان اند در آنجا، مهمانی می شوند از نزد الله و آنچه نزد الله است برای نیکو کاران بهتر است.

ابو سعید خدری - رضی الله عنه - از نبی - ﷺ - روایت می کند که ایشان فرمود: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَىٰ يَا آدَمُ فَيقُولُ لَنَبِيِّكَ وَسَعْدِيكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ فَيَقُولُ أَخْرَجَ بَعَثَ النَّارَ قَالَ وَمَا بَعَثَ النَّارَ قَالَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مِائَةٍ وَتِسْعِينَ فَعِنْدَهُ يَشِيبُ الصَّغِيرُ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ} قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَيْنَا ذَلِكَ الْوَاحِدُ قَالَ أَبَشِرُوا فَإِنَّ مِنْكُمْ رَجُلًا وَمِنْ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ أَلْفًا ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي أَرْجُو أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَكَبَّرْنَا فَقَالَ أَرْجُو أَنْ تَكُونُوا ثُلُثَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَكَبَّرْنَا فَقَالَ أَرْجُو أَنْ تَكُونُوا نِصْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَكَبَّرْنَا

فَقَالَ مَا أَنْتُمْ فِي النَّاسِ إِلَّا كَالشَّعْرَةِ السُّودَاءِ فِي جِلْدِ ثَوْرٍ أَبْيَضٍ أَوْ كَشَعْرَةِ بَيْضَاءٍ فِي جِلْدِ ثَوْرٍ أَسْوَدٍ»^۱.

ترجمه: الله متعال می فرماید: ای آدم! آدم در جواب می گوید: آماده و گوش به فرمان تو ام و خیر فقط در دست توست. الله متعال خطاب به او می فرماید: جهنمیان را جدا کن. می گوید: جهنمیان چقدر هستند؟ می فرماید: از هر هزار نفر نه صد و نود و نه نفر. باشنیدن این سخن کودک، پیر می شود. {وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ} ترجمه: (و همه زنان باردار، سقط جنین می کنند و مردمان را مست می بینی ولی مست نیستند بلکه عذاب الله شدید است) صحابه پرسیدند: آن یک نفر از میان ما چه کسی است؟ فرمود: خوشحال باشید؛ زیرا یک نفر از شما و هزار نفر از یاجوج و ماجوج به دوزخ می رود. سپس افزود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، امیدوارم که یک چهارم بهشتیان شما باشید. ما تکبیر گفتیم. سپس فرمود: امیدوارم یک سوم بهشتیان شما باشید. ما تکبیر گفتیم. بعد از آن فرمود: شما در میان مردم مانند موی سیاهی هستید که بر پوست گاو سفیدی باشد و یا مانند موی سفیدی هستید که بر پوست گاو سیاهی باشد.

الف: کسانی که از اهل کتاب ایمان آورده اند اهل جنت اند

الله رب العزت می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

وَلَا دَخَلْنَا لَهُمُ جَنَّةَ النَّعِيمِ ﴿۶۵﴾ المائدة: ۶۵

ترجمه: و اگر اهل کتاب ایمان آوردند و پرهیزگاری کنند، البته ما از آنها گناهان شان را دور می سازیم و البته آنها را در بوستانهایی پر از نعمت داخل می کنیم.

کسانی که اطاعت الله و رسول را می کنند از اهل بهشت اند

همچنان می فرماید: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۳﴾ النساء: ۱۳

^۱ صحیح البخاری، کتاب الأنبياء، باب قصة ياجوج و ماجوج، حدیث: ۳۳۴۸، ۱۳۹/۴

ترجمه: این همه حدود مقرر کرده الله است و هر کس الله ورسول را فرمان برداری کند در بوستان هایی داخل می کند که جاری است از زیر آنها نهرها، جاویدان اند در آنجا این پیروزی بزرگ است.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبِي قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يُأْبَى قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى»^۱.

ترجمه: همه امتیان من وارد بهشت خواهند شد مگر کسی که امتناع ورزد. صحابه عرض کردند: ای رسول الله! چه کسی امتناع می ورزد؟ فرمود: هر کس که از من اطاعت کند، وارد بهشت می شود و هر کس از من نافرمانی کند، در حقیقت امتناع ورزیده است.

ب: کسانی که پابند نماز هستند و حلال و حرام را می دانند و اعمال نیک انجام می دهند از اهل جنت هستند

جابر - رضی الله عنه - می گوید: نعمان بن قوفل نزد نبی - ﷺ - آمد و گفت: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَةَ، وَحَرَمْتُ الْحَرَامَ، وَأَحَلَلْتُ الْحَلَالَ، أَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «نَعَمْ»^۲.

ترجمه: ای رسول الله اگر من نماز فرض را خوانده حرام را حرام، و حلال را حلال بدانم به جنت داخل می شوم؟ فرمود: بلی.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: مردی بادیه نشین نزد رسول الله - ﷺ - آمد و گفت: عملی به من معرفی کن که اگر آنرا انجام دهم، وارد بهشت شوم. رسول الله - ﷺ - فرمود: «تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ»^۳.

ترجمه: الله را عبادت کن و چیزی را با او شریک نگردان، نماز های فرض را بخوان، زکات مالت را بده و رمضان را روزه بگیر.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الاعتصام بالکتاب والسنة، باب الاقتداء بسنن رسول الله صلى الله عليه وسلم، حدیث: ۷۲۸۰، ۹۲/۹

^۲ صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب بيان الايمان الذي يدخل به الجنة، وأن من تمسك بما أمر به دخل الجنة، حدیث: ۱۵، ۴۴/۱

^۳ صحیح البخاری، کتاب الزكاة، باب وجوب الزكاة، حدیث: 1397، ۱۰۵/۲

عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: گفتیم ای پیامبر الله کدام عمل به جنت نزدیک کننده است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى مَوَاقِيَّتِهَا» قُلْتُ: وَمَاذَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ قَالَ: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ» قُلْتُ: وَمَاذَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».^۱

ترجمه: خواندن نماز به وقتش، گفتیم: بعد از آن کدام عمل نزدیک کننده به جنت است؟ فرمود: نیکی به والدین. گفتیم: بعد از آن کدام عمل؟ فرمود: جهاد در راه الله متعال.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ، أَوْ رَاحَ، أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَزْلًا، كُلَّمَا غَدَا، أَوْ رَاحَ».^۲

ترجمه: کسی که صبح یا شام به مسجد رفت، الله متعال همان صبح و شام برای او مهمانی آماده می کند.

ج: کسانی که هجرت کردند و کسانی که آنها را کمک کردند از اهل جنت اند

الله متعال می فرماید: ﴿وَالسَّيِّقُونَ الْأَوْلَادَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۳

التوبة: ۱۰۰

ترجمه: پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، الله از آنها خوشنود و آنها از الله خوشنود اند، و آماده ساخته است برای آنها باغهایی را که از زیر قصرهایش نهرها جاری است، جاویدانند در آنجا، این پیروزی بزرگ است.

انس بن مالک - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «لِرَوْحَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ غَدْوَةٍ خَيْرٌ مِنْ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَلِقَابُ قَوْسٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ أَوْ مَوْضِعُ قَيْدٍ يَعْنِي سَوْطَهُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا».^۳

^۱ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بَابُ بَيَانِ كَوْنِ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ تَعَالَى أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ، حدیث: ۸۵، ۸۹/۱

^۲ صحیح مسلم، کتاب المساجد ومواضع الصلاة، بَابُ مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ، حدیث: ۶۶۹، ۴۶۳/۱

^۳ صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، بَابُ حُورِ الْعَيْنِ، حدیث: ۲۷۹۶، ۱۷/۴

ترجمه: حتما صبحگاهی یا شامگاهی در راه الله متعال از دنیا و آنچه که در آن است، بهتر است. اندازه کمان هر کدام شما در بهشت یا محل یک تازیانه در راه الله از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد.

د: راست گویان از اهل جنت اند

عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكُونَ صِدِّيقًا وَإِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا»^۱.

ترجمه: همانا راستگویی انسان را بسوی نیکی رهنمون می شود. و نیکی انسان را به بهشت می رساند. و شخص به اندازه راست می گوید که در زمره صدیقین قرار می گیرد. و همانا دروغگویی انسان را به بهشت می رساند. و شخص به اندازه راست می گوید که در زمره صدیقین قرار می گیرد. و همانا دروغگویی انسان را بسوی فسق و فجور سوق می دهد. و فسق و فجور انسان را به جهنم می کشاند. و شخص به اندازه دروغ می گوید که نزد الله در زمره دروغگویان نوشته می شود.

۲- احوال ایشان

الف: خوراک و آشامیدنی جنتیان

بهشتیان هر چه بخواهند می خورند و می نوشند و هر آنچه بخواهند برای شان داده می شود.

الله متعال می فرماید: ﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ

وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿۳۱﴾ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿۳۲﴾ فصلت: ۳۱ - ۳۲

ترجمه: و برای شما در آخرت هر چیزی که نفسهایتان آرزو کند مهیا است، و هر چه بخواهید فراهم است. این همه پذیرائی و ضیافت است از سوی الله آمرزگار مهربان.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الادب، باب قول الله تعالى { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } وَمَا يُنْهَى عَنِ الْكُذْبِ، حديث: ۲۵/۸، ۶۰۹۴

برخی چیزهای که در این دنیا بالای مومنان حرام بود در جنت حلال می باشد، مانند شراب و غیره

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَمَدَدْنَهُمْ بِفِكَهَةٍ وَحَمِيمًا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَغُوفٍ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمُ ﴿٢٣﴾﴾

الطور: ۲۲ - ۲۳

ترجمه: و همواره هر نوع میوه و گوشتی را که بخواهند به ایشان عطا می کنیم. و آنها در بهشت جام های پر از شراب طهور را دست به دست می گیرند که در آن نه یاهه سرائی است و نه گناه کردنی است.

همچنان می فرماید: ﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ

يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾ النحل: ۳۱

ترجمه: سرای پرهیزگاران باغهای جاویدان است که به آن وارد می شوند و از زیر (قصرها و درختانش) نهرها جاری است، برای ایشان هر چه میخواهند میسر است، الله پرهیزگاران را همینگونه پاداش می دهد.

ب: اولین خوراک جنتیان جگر ماهی است

در حدیث انس - رضی الله عنه - عبد الله بن سلام از پیامبر - ﷺ - می پرسد: اولین طعام بهشتیان چی است؟ ایشان می فرماید: «وَأَمَّا أَوْلُ طَعَامٍ يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرِيَادَةُ كَبِدِ حُوتٍ»^۱.

ترجمه: و نخستین غذایی که بهشتیان می خورند زایده جگر ماهی است.

ثوبان - رضی الله عنه - برده آزاد شده رسول الله - ﷺ - می گوید: یکی از دانشمندان یهودی نزد رسول الله - ﷺ - آمد و گفت: سلام بر تو ای محمد. من او را به شدت پس زدم طوری که می خواست به زمین بیفتد. او گفت: چرا مرا پس می زنی؟ گفتم: چرا نمی گویی: یا رسول الله! یهودی گفت: با همان اسمی که خانواده اش بر او گذاشته اند، صدایش می زنیم، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «إِنَّ اسْمِي مُحَمَّدٌ الَّذِي سَمَّانِي بِهِ أَهْلِي»، فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: جُنْتُ أَسْأَلُكَ، فَقَالَ

^۱ صحیح البخاری، کتاب الأنبياء، باب خَلْقِ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدُرِّيَّتِهِ، حدیث: ۳۳۲۹، ۱۳۲/۴

لَهُ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «أَيُنْفَعُكَ شَيْءٌ إِنْ حَدَّثْتُكَ؟» قَالَ: أَسْمَعُ بِأُذُنِي، فَكَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِعُودٍ مَعَهُ، فَقَالَ: «سَلْ» فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: أَيَنْ يَكُونُ النَّاسُ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «هُمْ فِي الظُّلْمَةِ دُونَ الْحِجْرِ» قَالَ: فَمَنْ أَوَّلُ النَّاسِ إِجَارَةٌ؟ قَالَ: «فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ» قَالَ الْيَهُودِيُّ: فَمَا تُحْفَنُهُمْ حِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: «زِيَادَةُ كَيْدِ النَّوْنِ»، قَالَ: فَمَا غِدَاؤُهُمْ عَلَى إِثْرِهَا؟ قَالَ: «يُنْحَرُ لَهُمْ ثَوْرُ الْجَنَّةِ الَّذِي كَانَ يَأْكُلُ مِنْ أَطْرَافِهَا» قَالَ: فَمَا شَرَابُهُمْ عَلَيْهِ؟ قَالَ: «مِنْ عَيْنٍ فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» قَالَ: صَدَقْتُ.¹

ترجمه: اسمی که خانواده ام بر من گذاشته اند، محمد است. دانشمند یهودی گفت: آمده ام تا سوالاتی از شما بپرسم. رسول الله - ﷺ - فرمود: اگر صحبت کنم نفعی برایت دارد؟ او گفت: سعی می کنم خوب گوش کنم. رسول الله - ﷺ - چوبی را که در دست داشت، به زمین زد و فرمود: بپرس. مردی یهودی گفت: روزی که زمین و آسمانها دگرگون می شوند، مردم کجا خواهند بود؟ ایشان فرمود: آنها در تاریکی نزدیک پل صراط خواهند بود. او پرسید: نخستین انسانهایی که از پل صراط عبور می کنند، چه کسانی هستند؟ ایشان فرمود: فقراى مهاجرین هستند. مردی یهودی گفت: هنگامی که وارد بهشت می شوند، چه تحفه ای به آنان می دهند؟ فرمود: زایده جگر ماهی. مرد یهودی گفت: بعد از آن تحفه آنها چه خواهد بود؟ فرمود: گاو بهشت که در اطراف آن چریده است. برای آنها ذبح کرده می شود. یهودی پرسید: بعد آن از کجا آب می نوشند؟ فرمود: از چشمه ای که سلسبیل نام دارد. یهودی گفت: راست می گویی.

ج: لباس و زینت جنتیان

الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾ الْحَج: ٢٣

ترجمه: یقیناً الله کسانی را که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، در باغهایی داخل می کند که از زیر (درختان و قصرهای) آن نهرها جاری است، آنان در آنجا با دستبندهایی که از طلا و مروارید زینت داده می شوند، و لباس ایشان در آنجا از ابریشم است.

¹ صحیح مسلم، کتاب الحیض، بابُ بَیانِ صِفَةِ مَنِي الرَّجُلِ، وَالْمَرْأَةِ وَأَنَّ الْوَلَدَ مَخْلُوقٌ مِنْ مَائِهِمَا، حدیث: ۳۱۵، ۲۵۲/۱

همچنان می فرماید: ﴿يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾﴾ الدخان: ٥٣

ترجمه: از لباسهای ابریشمی نازک و ضخیم می پوشند و روبروی یکدیگر می نشینند.

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ

جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا

عَلَى الْأَرْزَاقِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾﴾ الكهف: ٣٠ - ٣١

ترجمه: یقیناً کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، ما پاداش کسی را که عمل شایسته انجام داده است، ضایع نمی کنیم. ایشان را است جنتهای همیشگی که از زیر آنها نهرها جاری است، در آنجا با دستبندهای طلا آراسته می شوند و لباسهای سبز رنگ از ابریشم نازک و ضخیم می پوشند، در حالی که در آنجا بر تختها تکیه می کنند ، بهشت چه پاداش خوبی و چه خوب آرامگاهی است.

در جای دیگر می فرماید: ﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا

حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾﴾ فاطر: ٣٣

ترجمه: پاداش بیشتران در نیکی ها باغهای اقامت گاه است که بدانها داخل می شوند، در آنجا با دستبندهای زرین و مروارید آراسته می شوند، و لباس های ایشان در آنجا از ابریشمی است.

انس - رضی الله عنه - می گوید: عبایی ابریشمی به نبی اکرم - ﷺ - هدیه دادند حال آنکه ایشان از پوشیدن آن عبا مورد پسند مردم، قرار گرفت: ایشان فرمود: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَمَنَادِيلُ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْ هَذَا»^۱.

ترجمه: سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، دستمالهای سعد بن معاذ در بهشت زیباتر از این است.

د: سلام و دعای جنتیان

^۱ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة وأنها مخلوقة، حدیث: ۳۲۴۸، ۱۱۸/۴

الله متعال می فرماید: ﴿دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ يونس: ١٠

ترجمه: دعای آنان در بهشت این است: بار الها تو را به پاکی یاد می کنیم و دعای خیر ایشان در آنجا با یکدیگر سلام است، و پایان دعایشان این است که حمد و ثنای مخصوص پروردگار جهانیان است.

همچنان می فرماید: ﴿وَأَدْخِلْ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾ إبراهيم: ٢٣

ترجمه: و آنهایی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، در باغهای بهشت درآورده می شوند که از زیر آن، نهرها جاری است، به حکم پروردگار شان در آنجا جاویدان می مانند، احترام شان به یکدیگر ایشان در آنجا سلام است.

بار دیگر می فرماید: ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٢﴾ مريم: ٦٢

ترجمه: در آنجا جز سلام، هیچ سخن بیهوده را نمی شنوند و روزی ایشان در آنجا صبح و شام آماده است.

الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ النحل: ٣٢

ترجمه: کسانی که فرشتگان ارواح آنها را قبض می کنند در حالیکه از کفر و شرک و معاصی پاکیزه اند. فرشتگان به آنها می گویند: سلام باد بر شما و به سبب اعمالی که انجام می دادید وارد بهشت شوید.

مطلب چهارم: نعمتهای جنت

نعمت های الله متعال در دنیا بالای مومن و کافر شمار شدنی نیست چه رسد به نعمتهای جنت که سرای پاداش مومنان و نیکو کاران است. در این مبحث به برخی از نعمتهای جنت اشاره می کنیم:

الله منان می فرماید: ۱- ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُوبٍ ﴿۱۷﴾ فَلَكَاهِنَ بِمَاءٍ آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَدِهِمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ

الْجَحِيمِ ﴿۱۸﴾ كُلُوا وَأَشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۹﴾ مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجَتْهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿۲۰﴾ وَالَّذِينَ

ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلٌّ أَمْرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿۲۱﴾

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَخَمْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿۲۲﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمُ ﴿۲۳﴾ * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ

كَأَنَّهُمْ لَوْلُؤُكُمْ كُنُوفٌ ﴿۲۴﴾ الطور: ۱۷ - ۲۴

ترجمه: شکی نیست که پرهیزگاران در میان باغها و نعمتهای فراوان قرار خواهند داشت. شاد و مسرور می باشند در برابر چیزهایی که پروردگار شان به آنها مرحمت می کند، و این که پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ نگاه می دارد. به ایشان گفته می شود: بخورید و بیاشامید مبارک و گوارا باد بخاطر اعمالی که انجام می دادید. آنان بر تختهای کنار هم چیده شده تکیه می زنند، و حوران کشاده چشم زیبا را همسران ایشان می سازیم. و کسانی که ایمان آوردند و فرزندان شان را که در ایمان آوردن به ایشان پیروی کردند، به ایشان ملحق می سازیم و هیچ چیزی از عمل آنها را نمی گاهیم، هر کسی در گرو اعمالی است که انجام داده است. و همواره هر نوع میوه و گوشتی را که بخواهند به ایشان عطا می کنیم. و آنها در بهشت جام های پر از شراب طهور را دست به دست می گیرند که در آن نه یاوه سرائی است و نه گناه کردنی است. و بر گرد آنها نوجوانانی گردش می کنند که گویا ایشان مروارید های پنهان در صدف اند.

۲- ﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿۴۰﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿۴۱﴾ فَوَكَهَهُمْ مَكْرَمُونَ ﴿۴۲﴾ فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿۴۳﴾ عَلَى سُرُرٍ

مُتَقَابِلِينَ ﴿۴۴﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ ﴿۴۵﴾ بِيَضَاءٍ لَذَّةٍ لِلشَّرِيبِينَ ﴿۴۶﴾ لَا فِيهَا عَاوِلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْفَوْنَ ﴿۴۷﴾ ﴿۴۸﴾

الصفات: ۴۰ - ۴۷

ترجمه: مگر بندگان مخلص و برگزیده الله. برای ایشان روزی معلوم و مشخص است. آن روزی عبارت از انواع میوه های رنگارنگ است، و ایشان محترم و معزز اند. در باغهای پر از نعمت بسر می برند. بر تختها رو بروی یکدیگر می نشینند. جامی که پر از شراب چشمه جاری است برای شان گردانده می شود. شراب سفید رنگ لذت بخش برای نوشنده گان است. نه در آن شراب سر دردی است، و نه به سبب آن بیهوش می شوند.

۳- ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْعُونَ عَنْهَا حَوْلًا ﴿١٨﴾ ﴾

الكهف: ١٠٧ - ١٠٨

ترجمه: یقینا کسانی که ایمان آوردند و عمل نیک انجام دادند، باغهای بهشت محل پذیرایی ایشان است. در آن مقام جاویدان اند، نمی خواهند از آنجا نقل مکان کنند.

۴- ﴿ وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتُ الطَّرَفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾ كَانَهُنَّ بَيْضٌ مَّكَوْنٌ ﴿٤٩﴾ ﴾ الصافات: ٤٨ - ٤٩

ترجمه: و نزد ایشان همسرانی است که تنها به سوی شوهران شان چشم دوخته اند و کشاده چشم اند. گویا آنها تخم های مستور در پرده اند.

۵- ﴿ كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَلَكَهَةٍ ءَامِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا

الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّعَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضَلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ ﴾

الدخان: ٥٤ - ٥٧

ترجمه: همیگونه است حال بهشتیان، و برای آنها زنان بهشتی چشم کلان به تزویج می دهیم. و آنها هر میوه را که بخواهند مطالبه می کنند، در حالیکه در امن و امانند. آنان در همانجا جز مرگ نخستین که در دنیا چشیده بودند مرگ دیگری را نمی چشند و الله آنان را از عذاب دوزخ محفوظ داشته است. احسان است از جانب پروردگارت، این است کامیابی بزرگ.

۶- ﴿ وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتُ الطَّرَفِ أَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقًا مَّا لَهُ مِن تَفَادٍ ﴿٥٤﴾ ﴾

ص: ٥٢ - ٥٤

ترجمه: و نزد ایشان همسرانی است که تنها بسوی شوهران شان چشم می دوزند، و همگی همسن و سال اند. این چیزهای است که برای روز حساب وعده داده می شوند. یقیناً این روزی ما است هرگز آن راپایان و زوالی نیست.

۷- ﴿ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا

يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا الْغُوبُ ﴿٣٥﴾ فاطر: ۳۴ - ۳۵

ترجمه: و می گویند: سپاس الله را است، آنکه غم و اندوه را از ما دور کرد، حقا که پروردگار ما آمرزگار و قدردان است. آنکه در پرتو لطف و کرمش ما را در اقامتگاه جاویدان جای داد که در آن به ما هیچگونه رنج و مشقت جسمانی و هیچ خستگی روحانی نمی رسد.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ فَيَقُولُ هَلْ رَضِيتُمْ فَيَقُولُونَ وَمَا لَنَا لَا نَرْضَى وَقَدْ أُعْطِينَا مَا لَمْ نَعْطُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ فَيَقُولُ أَنَا أُعْطِيتُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ قَالُوا يَا رَبِّ وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ فَيَقُولُ أَجَلٌ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي فَلَا أَسْحَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا»^۱.

ترجمه: الله متعال خطاب به بهشتیان می فرماید: ای بهشتیان! آنان می گویند: لیبیک ای پروردگار ما! آماده خدمتیم. می فرماید: آیا راضی و خوشنود هستید؟ می گویند: چرا راضی نباشیم؟ تو به ما نعمتهای ارزانی داشته ای که به هیچ یک از مخلوقات ات عنایت نکرده ای. الله متعال می فرماید: بهتر از این به شما عنایت می کنم. آنان می گویند: پروردگار! چه چیزی بهتر از این است؟ می فرماید: رضایت و خوشنودی ام را شامل حال شما می گردانم و بعد از آن هر گز از شما ناخشنود نمی شوم.

صهیب - رضی الله عنه - می گوید: نبی - ﷺ - فرمود: «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: تُرِيدُونَ شَيْئًا أَزِيدُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: أَلَمْ تُبَيِّضْ وُجُوهَنَا؟ أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ، وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ؟ قَالَ: فَيَكْشِفُ الْحِجَابَ، فَمَا أُعْطُوا شَيْئًا أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَى رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ»^۲.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الرقاق، بَابُ صِفَةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، حدیث: 6549/8، 114،

^۲ صحیح مسلم، کتاب الایمان، بَابُ إِثْبَاتِ رُؤْيَةِ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْأَخْرَةِ رَبِّهِمْ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، حدیث: ۱۸۱، ۱۶۳/۱

ترجمه: وقتی بهشتیان وارد بهشت می شوند. الله متعال به آنها می فرماید: آیا می خواهید چیزی بیشتری به شما بدهم؟ می گویند: پروردگارا! مگر شما ما را خوشحال و روهای ما را منور نساختید؟ ما را وارد بهشت نکردی و از دوزخ نجات ندادی؟ رسول الله - ﷺ - فرمود: سپس الله متعال پرده و حجاب را بر می دارد. بهشتیان احساس می کنند که هیچ نعمتی بهتر از نگاه کردن به سوی پروردگار به آنها داده نشده است.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أَوَّلُ زُمْرَةٍ تَلِجُ الْجَنَّةَ صُورَتُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ لَا يَبْصُقُونَ فِيهَا وَلَا يَمْتَخِطُونَ وَلَا يَتَغَوَّطُونَ أَيْنَهُمْ فِيهَا الذَّهَبُ أَمْشَاطُهُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةُ وَمَجَامِرُهُمُ الْأَلْوَةُ وَرَشْحُهُمُ الْمَسْكُ وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ يُرَى مِخُّ سَوْقِهِمَا مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْحُسْنِ لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبَاغُضَ قُلُوبُهُمْ قَلْبٌ وَاحِدٌ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ بُكْرَةً وَعَشِيًّا»^۱.

ترجمه: اولین گروهی که وارد بهشت می شوند، چهره های شان مانند ماه شب چهارده است. در آنجا آب دهان و بینی نمی اندازند، و ادرار و مدفوعی نیز وجود ندارد. ظروف شان از طلا، شانه موهایشان از طلا و نقره و آتشدانی های شان از عود ساخته شده است. عرقشان مشک است. هر یک از آنان، دو همسر دارد که از شدت زیبایی، مغزساقهای شان از ورای گوشت، دیده می شود. آنان هیچگونه اختلاف و بغض و کینه ای به یکدیگر ندارند. قلوبشان قلب واحد است و در صبح و شام الله را تسبیح می گویند.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: روزی رسول الله - ﷺ - در حالی که یک مرد بادیه نشین نزدش نشسته بود، فرمود: «أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ فِي الزَّرْعِ فَقَالَ لَهُ أَلَسْتَ فِيمَا شِئْتَ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَزْرَعَ قَالَ فَبَدَّرَ فَبَادَرَ الطَّرْفَ نَبَاتُهُ وَاسْتَوَاؤُهُ وَاسْتَحْصَادُهُ فَكَانَ أَمْثَالَ الْجِبَالِ فَيَقُولُ اللَّهُ دُونَكَ يَا ابْنَ آدَمَ فَإِنَّهُ لَا يُشْبِعُكَ شَيْءٌ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ وَاللَّهِ لَا تَجِدُهُ إِلَّا فُرْشِيًّا أَوْ أَنْصَارِيًّا فَإِنَّهُمْ أَصْحَابُ زَرْعٍ وَأَمَّا نَحْنُ فَلَسْنَا بِأَصْحَابِ زَرْعٍ فَصَحَّكَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -»^۲.

ترجمه: مردی از بهشتیان از پروردگارش اجازه می خواهد تا کشت و زرع نماید. الله متعال به او می فرماید: آیا خواسته ات برآورده نشده است؟ می گوید: بلی، ولی دوست دارم کشاورزی نمایم. پیامبر - ﷺ - فرمود: او بذر می افشاند، آنگاه روییدن، رشد کردن و برداشت آن، کمتر از

^۱ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة وأنها مخلوقة، حديث: ۳۲۴۵، ۱۱۸/۴
^۲ صحیح البخاری، کتاب المزارعة، باب كراء الأرض بالذهب والفضة، حديث: ۲۳۴۸، ۱۰۸/۳

یک چشم بهم زدن، پایان می یابد و خرمی مانند کوه، فراهم می گردد. الله متعال می فرماید: اینها را بردار و هیچ چیزی تو را سیر نخواهد کرد. آن مرد بادیه نشین گفت: به الله سوگند، آن مرد غیر از قریش یا انصار کسی دیگر نخواهد بود؛ زیرا آنها کشاورزند، ولی ما کشاورز نیستیم. نبی اکرم - ﷺ - از شنیدن این سخن تبسم نمود.

انس بن مالک - رضی الله عنه - می گوید: نبی کریم - ﷺ - فرمود: «لَرَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ غَدُوءٌ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَلَقَابٌ قَوْسٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ أَوْ مَوْضِعٌ قِيدِ سَوِّطِهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ اطَّلَعَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِأَضَاءَتِ مَا بَيْنَهُمَا وَلَمَلَأَتْهُ رِيحًا وَلَنْصِيفُهَا عَلَى رَأْسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^۱.

ترجمه: حتما صبحگاهی یا شامگاهی را در راه الله متعال گزراندن از دنیا و آنچه که در آن است، بهتر است. ندازه کمان هر کدام شما در بهشت یا محل یک تازیانه در راه الله از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد. اگر زنی از زنان بهشت بر روی زمین ظاهر شود، میان زمین و آسمان را روشن و معطر می گرداند و نقابش از دنیا و آفریده های آن بهتر است.

^۱ صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب حور العين، حدیث: ۲۷۹۶، ۱۷/۴

مبحث سوم: بیان دوزخ در قرآن و سنت

دوزخ سرایی است که الله متعال آن را برای کافران آماده کرده است، تا در آخرت کافران و مؤمنان گناهکار را در آن تعذیب کند. در آن آتشی افروخته است که دوزخیان را می سوزاند. در آن دوزخیان را عذاب های گوناگون به اندازه اعمال هر کدام داده می شود که در قرآن و حدیث تفصیل آن کدام ذکر گردیده است.

الله متعال می فرماید: ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ البقرة: ۲۴
ترجمه: پس حذر کنید از آتشی که آتش انگیز آن مردمان و سنگ است، برای کافران آماده کرده شده است.

جهنم در روز آخرت آورده می شود و به جهنمیان آشکار می گردد.

همچنان می فرماید: ﴿وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ﴾ الشعراء: ۹۱

ترجمه: و دوزخ برای گمراهان آشکار کرده می شود.

در جای دیگر می فرماید: ﴿وَعَرَّضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرَضًا﴾ الكهف: ۱۰۰

ترجمه: و آن روز دوزخ را برای کافران یقیناً عرضه می داریم.

عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «يُؤْتَى بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ زَمَامٍ، مَعَ كُلِّ زَمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَجْرُؤْنَهَا»^۱.

ترجمه: روز قیامت دوزخ را می آورند در حالی که هفتاد هزار افسار دارد، و با هر افساری هفتاد هزار فرشته وجود دارد که آن را می کشند.

مطلب اول: نامها و صفات دوزخ

۱-نامهای دوزخ

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب في شدة حر نار جهنم و بعد قعرها و ما تأخذ من المعدبين، حدیث: 2842، ۲۱۸۴/۴

دوزخ در قرآن کریم به نامهای مختلف ذکر گردیده است:

دوزخ بنام جحیم یاد شده است: الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ﴾^(۱۲) التکویر: ۱۲
ترجمه: و هنگامی که دوزخ افروخته شود.

همچنان می فرماید: ﴿وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى﴾^(۳۶) النازعات: ۳۶

ترجمه: و دوزخ برای هر بیننده آشکار کرده می شود (و از کسی پنهان نمی ماند).

همچنان می فرماید: ﴿لَتَرُونَ الْجَحِيمَ﴾^(۷) ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿التکاثر: ۶ - ۷

ترجمه: شما حتما دوزخ را می بینید. باز هم شما البته دوزخ را آشکارا و عیان حتما می بینید.

در قرآن کریم در آیههای بی شمار دوزخ به نام جحیم ذکر گردیده است.

ابن منظور می گوید: «جحیم اسمی از اسمای دوزخ است و هر گودال بزرگ از آتش را جحیم گفته می شود»^۱.

و بنام جهنم یاد شده است: الله ذو الجلال می فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أَعْدَنُّ لِي وَلَا تَقْتَبِي﴾^(۴۹) الْآفِي الْفِتْنَةِ

سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿التوبة: ۴۹

ترجمه: جهنم احاطه کننده کافران است.

همچنان می فرماید: ﴿هَذَا يَوْمَ جَهَنَّمَ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^(۱۳) أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ

عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكْمَلُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿يس: ۶۲ - ۶۵

ترجمه: این همان دوزخی است که شما وعده داده می شدید. امروز به دوزخ وارد شوید، به سبب این که کفر ورزیدید. امروز بر دهانهای ایشان مهر می نهیم و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان گواهی می دهند به آنچه انجام می دادند.

^۱ لسان العرب، ۸۴/۱۲

عائشه - رضی الله عنها - می گوید: نبی کریم - ﷺ - فرمود: «الْحُمَّى مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرَدُوهَا بِالْمَاءِ»^۱.

ترجمه: گرمای تب برگرفته از گرمای جهنم است. پس بوسیله آب، آن را سرد کنید.

ابن منظور می گوید: «جهنم، جهنم: گودال چقر را گوید. سبب تسمیه دوزخ به جهنم چقری آن است»^۲.

دوزخ بنام حطمة هم یاد شده است: الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطْمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا

أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئَةِ ﴿٧﴾﴾ الهمة: ٤ - ٧

ترجمه: چنین نیست (که او گمان می کند)، البته به آتش خرد کننده و شکننده انداخته می شود. و تو چه میدانی که خرد کننده و درهم شکننده چیست؟ آتش افروخته شده الهی است. آتشی که بر دلها چیره می شود.

حطم خورد کردن به اندازه ذره ذره را گوید.^۳ جهنم نیز دوزخیان را ذره ذره می کند.

عائشه رضی الله عنها از رسول الله ﷺ روایت می کند که ایشان فرمود: «رَأَيْتُ فِي مَقَامِي هَذَا كُلَّ شَيْءٍ وُعِدْتُمْ، حَتَّى لَقَدْ رَأَيْتُنِي أُرِيدُ أَنْ أَخَذَ قِطْفًا مِنَ الْجَنَّةِ حِينَ رَأَيْتُمُونِي جَعَلْتُ أُقَدِّمُ وَلَقَدْ رَأَيْتُ جَهَنَّمَ يَحْطِمُ بَعْضُهَا بَعْضًا، حِينَ رَأَيْتُمُونِي تَأَخَّرْتُ»^۴.

ترجمه: در همین دنیا، هر آنچه را که به شما وعده داده شده است مشاهده کردم؛ خودم را در حال چیدن میوه از بهشت دیدم و این همان لحظه بود که شما مرا دیدید که به جلو رفتم و آتش دوزخ را دیدم که از شدت حرارت شعله هایش یکدیگر را خرد می کردند و این همان لحظه بود که شما مرا دیدید که به عقب رفتم.

^۱ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب صفة النار وأنها مخلوقة، حدیث: ۳۲۶۳، ۱۲۱/۴

^۲ لسان العرب، ۱۱۲/۱۲

^۳ المفردات فی غریب القرآن، ۳۹۹/۱

^۴ صحیح مسلم، کتاب الکسوف، باب صلاة الکسوف، حدیث: ۹۰۱، ۶۱۹/۲

دوزخ بنام سجین هم یاد شده است: الله متعال می فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا

سَجِينٌ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَّرْفُومٌ ﴿٩﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ المطففين: ٧ - ١٠

ترجمه: هر گز (چنین نیست که در باره قیامت می پندارند) یقیناً کتاب بدکاران در سجین است. تو چه میدانی که سجین چیست؟ کتابی است که (اعمال کفار و فجار در آن) نوشته شده است. وای در آن روز به حال تکذیب کنندگان.

از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - ﷺ - در حدیث طویل در مورد احوال قبر مومن و کافر فرمود: «وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالِ مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ سَوْدُ الْوُجُوهِ مَعَهُمُ الْمُسُوحُ فَيَجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكٌ وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا الْمَوْتِ حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيثَةُ أَخْرَجِي إِلَى سَخَطٍ مِنْ اللَّهِ وَغَضَبٍ قَالَتْ فَتَفَرَّقُ فِي جَسَدِهِ فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يُنْتَزَعُ السَّقُودُ مِنَ الصُّوفِ الْمَبْلُولِ فَيَأْخُذُهَا فَإِذَا أَحَدَهَا لَمْ يَدْعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةً عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تَلْكَ الْمُسُوحِ وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنَّ رِيحَ جِبْفَةٍ وَجَدَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُونَ بِهَا عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الْخَبِيثُ فَيَقُولُونَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَفْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يُسَمِّي بِهَا فِي الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتَحُ لَهُ فَلَا يُفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ {لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ} [الاعراف: ٤٠] فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سَجِينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى فَتَطْرَحُ رُوحَهُ طَرْحًا»^١.

ترجمه: و بنده کافر هنگام قطع تعلقش از دنیا و رفتن بسوی آخرت یعنی هنگام قبض روح کافر، ملائک سیاه چهره که نزدشان جامه های که از موی ساخته شده است می باشد. نزد کافر فرود می آیند و تا جای که نظر آن شخص می رسد آنجا می نشینند. سپس ملک الموت می آید، تا این که نزد سرش می نشیند و می گوید: ای نفس پلید! به سوی قهر و غضب الله بیرون شو. آنگاه روح کافر به تمام بدنش پراکنده می شود. سپس ملک الموت روح او را چنان بیرون می کند، چنانچه خار از پشم ترشده کشیده می شود، پس آن را می گیرد. وقتیکه آن را گرفت به اندازه پلک زدن در دست نمی گزارند تا که آن را در آن پوست داخل می کنند و از آن بدترین بوی

^١ الشیبانی، أحمد بن حنبل الشیبانی، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ١٤٢٠ هـ، ١٩٩٩ م، حدیث: ١٨٥٣٤، ٥٠٢/٣٠، البانی در صحیح الجامع الصغیر، شماره: ١٦٧١، ٣٤٤/١ این حدیث را صحیح خوانده است.

مانند بوی خودمرده که در دنیا وجود دارد می‌براید. ملایک آن را به آسمان می‌برند، آنها بر هیچ گروهی از ملایک نمی‌گذرند مگر این که آنها می‌گویند: چه است این روح ناپاک؟ پس آنها جواب می‌دهند: فلان پسر فلان، به بدترین نامهای که در دنیا یاد می‌شد ذکر می‌کنند تا این که او به آسمان دنیا برده می‌شود و اجازه باز کردن در آسمان برایش خواسته می‌شود. در آسمان برایش باز کرده نمی‌شود. پس رسول الله ﷺ این آیه را خواند: { لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ } هر گز دروازه های آسمان برای آنها گشوده نمی‌شود و نه وارد بهشت می‌شوند تا آنکه شتر در سوراخی سوزن داخل شود.

پس الله متعال می‌گوید: عمل نامه او را در سجین که پایین ترین طبقه زمین است بنویسید. پس روحش در سجین به شدت دور انداخته می‌شود.

راغب اصفهانی^۱ می‌گوید: «سجن زندان را گوید. سجین در مقابل علین آمده است و زیادت الفاظ در سجین به نسبت سجن تنبیه بر زیادت معنا است».^۲

دوزخ بنام السعیر هم یاد شده است: الله ذو الجلال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ فاطر: ٦

ترجمه: شکی نیست که شیطان برای شما دشمن است. پس شما هم او را دشمن بگیرید، یقیناً او پیروان خویش را فرا می‌خواند تا از ساکنان دوزخ باشد.

همچنان می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ

فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿٧﴾ الشوری: ٧

ترجمه: و این گونه وحی فرستادیم به سوی تو قرآن را که به زبان عربی است، تا ساکنان مکه و کسانی را که در اطراف آن قرار دارند، بترسانی و (همه مردمان را) از روز گردهم آیی

^۱ الراغب: الحسين بن محمد الراغب أبو القاسم الأصبهاني، یکی از علمای بزرگ و مشهور به فنون است. او را تألیفات زیاد است، از آن جمله تفسیر القرآن، أحداق عیون الشعر، المحاضرات، الذریعة إلى معالم الشریعة، المفردات من تفسیر القرآن است. (یاقوت حموی، شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله الرومی الحموی) (المتوفی: ۶۲۶ هـ)، معجم الأدباء: إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، محقق: إحسان عباس، ناشر: دار الغرب الإسلامي، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م، ۱۱۵۶/۳)
^۲ المفردات في غريب القرآن، ۳۹۹/۱

(قیامت) که در وقوع آن شکی نیست، بیم دهی، (در آن روز مردمان به دو گروه تقسیم میشوند) گروهی در بهشت قرار می گیرند و گروهی در دوزخ.

در جای دیگر می فرماید: ﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾ الملك: ۱۱

ترجمه: پس به گناهان خویش اعتراف می کنند، (ولی برای شان سودی نمی بخشد)، پس دوری باد برای دوزخیان (از رحمت الله).

از رسول الله - ﷺ - روایت گردیده است که فرمود: «رَمَضَانَ شَهْرٌ مُبَارَكٌ تَفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَتُعَلَّقُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّعِيرِ وَتُصَفَّدُ فِيهِ الشَّيَاطِينُ ، وَيُنَادِي مُنَادٍ كُلَّ لَيْلَةٍ : يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ هَلُمَّ ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ»^۱.

ترجمه: رمضان ماه پر برکت است. در این ماه دروازه های جنت باز گردیده دروازه های آتش بسته شده شیطانها در زنجیرها بسته می شوند. هر شب صدا دهنده صدا می زند: ای طلب کننده خیز بشتاب و ای طلب کننده ی شر پس بمان.

راغب اصفهانی می گوید: سحر شعله و حرارت آتش را گوید.^۲

دوزخ به سبب گرمایش و حرارتش به سعیر مسمی گردیده است.

السقر: الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ

سَقَرٍ ﴿٤٨﴾ القمر: ۴۷ - ۴۸

ترجمه: قطعا گناهگاران (در دنیا) در گمراهی و (در آخرت) در میان آتش شعله ور قرار خواهند داشت. روزی که مجرمین بر روهای شان کش کرده در آتش انداخته می شوند، (برای شان گفته می شود) لمس آتشی را بچشید.

همچنان می فرماید: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ المدثر: ۴۲

ترجمه: چه چیز شما را به سقر داخل ساخت؟

^۱ صحیح الجامع الصغیر، حدیث: ۳۵۱۹، ۶۶۰/۱
^۲ المفردات فی غریب القرآن، ۴۱۱/۱

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: مشرکین قریش نزد رسول الله - ﷺ - آمدند و با ایشان در مورد تقدیر و سرنوشت خصومت و جدل کردند. آنگاه این آیه نازل گردید: ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى

وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ﴾^(۴۸) اِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿۴۹﴾ القمر: ۴۸ - ۴۹»^۱.

ترجمه: روزی در آتش جهنم بر چهره های شان روی زمین کشیده می شوند (و به آنان گفته می شود) لمس دوزخ را بچشید. ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده ایم.

ابن منظور می گوید: «آتش دوزخ را به این سبب سقر نامیده شد؛ زیرا جسم و روح را ذوب می کند. در عربی می گویند: (سَقَرْتُهُ الشَّمْسُ) یعنی آفتاب آن را ذوب کرد»^۲.

اللظى: الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّهَا لَلْظَىٰ ﴿۱۵﴾ نَزَاعَةٌ لِّلسَّوِیٰ ﴿۱۶﴾ المعارج: ۱۵ - ۱۶

ترجمه: هر گز (چنین نیست که شما می پندارید) آتش زبانه می کشد. پوست سر و اندام را برکننده است.

ابن منظور می گوید: «لظى شعله خالص را گوید. دوزخ به سبب آتش شدیدش، لظى نامیده شده است»^۳.

الهاویة: الله ذوالجلال می فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿۸﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿۹﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ ﴿۱۰﴾ نَارُ

حَامِيَةٌ ﴿۱۱﴾ القارعة: ۸ - ۱۱

ترجمه: و اما کسی که پله ترازوی حسناتش سبک شود. پس جای او هاویه (پرتگاه عمیق دوزخ) است.

قرطبی می گوید: «سبب تسمیه دوزخ به هاویه چقری آن است؛ زیرا دوزخیان از بلندی به پایان در آن انداخته می شوند»^۴.

^۱ صحیح مسلم، کتاب القدر، بابُ كُلِّ شَيْءٍ بِقَدَرٍ، حدیث: ۲۶۵۶، ۲۰۴۶/۴

^۲ لسان العرب، ۳۷۲/۴

^۳ لسان العرب، ۲۴۸/۱۵

^۴ قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (متوفى: ۶۷۱ هـ)، الجامع لأحكام القرآن، محقق: هشام سمير البخاري، ناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية، سال چاپ: ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۳ م، ۱۶۷/۲۰

۲-صفات دوزخ

الف: عمق و بزرگی دوزخ

دوزخ گودال بسیار بزرگ و عمیق است. شمار کسانی که وارد دوزخ می شوند از حساب بیرون است. با وجود این که دوزخ همه کافران و گناهکاران تاریخ حیات بشریت را در خود جای می دهد و باز هم در آن جایی باقی می ماند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ

وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ﴿۳۰﴾ ق: ۳۰

ترجمه: روزی که به دوزخ می گوییم: آیا پر شده بی؟ و دوزخ می گوید: آیا از این هم بیشتر است؟!

انس - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند: «لَا تَزَالُ جَهَنَّمُ { تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ } حَتَّى يَضَعَ رَبُّ الْعِزَّةِ فِيهَا قَدَمَهُ فَنَقُولُ قَطُّ قَطُّ وَعِزَّتِكَ وَيُرَوَّى بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ».^۱

ترجمه: پیاپی گناهکاران در دوزخ ریخته می شوند و جهنم می گوید: افزون بر این هم هست؟ تا این که الله متعال پایش را بر آن می گذارد. آنگاه می گوید: به عزت تو سوگند، کافی است، کافی است، هرگز زیاده ازین نمی خواهم. و گوشه هایش جمع و مجاله می شود.

ابو هریره در پایان حدیثی می گوید: «وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي هُرَيْرَةَ بِيَدِهِ إِنَّ قَعَرَ جَهَنَّمَ لَسَبْعُونَ خَرِيفًا».^۲

ترجمه: سوگند به ذاتی که نفسم در دست او است، یقیناً که به عمق دوزخ به اندازه هفتاد سال است، رسیده می شود.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: همراه رسول الله - ﷺ - بودیم، ناگهان صدای افتادن چیزی را شنید. آن گاه فرمود: «أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟». گفتیم الله و رسولش بهتر می دانند. ایشان فرمود: «هَذَا حَجَرٌ رُمِيَ بِهِ فِي النَّارِ مُنْذُ سَبْعِينَ خَرِيفًا، فَهُوَ يَهْوِي فِي النَّارِ الْآنَ، حَتَّى انْتَهَى إِلَى قَعْرِهَا».^۳

^۱ صحیح البخاری، کتاب الايمان والنور، باب الخلف بعزة الله وصفاته وكلماته، حدیث: ۶۶۶۱، ۱۳۴/۸

^۲ صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب ادنى اهل الجنة منزلة، حدیث: 195، ۱۸۶/۱

^۳ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها واهلها، باب في شدة حر نار جهنم وبعدها قعرها وما تأخذ من المعدنين، حدیث: 2844،

۲۱۸۴/۴

ترجمه: این سنگی است که هفتاد سال پیش در دوزخ انداخته شد و هنوز هم به طرف قعر دوزخ تا رسیدن به نهایت عمق آن در حال سقوط است.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ، يَنْزِلُ بِهَا فِي النَّارِ أَبْعَدَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»^۱.

ترجمه: چه بسا بنده بدون فکر سخنی به زبان آورد و آن سخن باعث شود تا به اندازه مسافتی بیشتر از فاصله ی میان مشرق و مغرب در آتش جهنم سقوط کند.

ب: هیزم دوزخ

هیزم جهنم کافران، مشرکان و سنگ ها هستند. کسانی که کلمه خوانده اند و مسلمان هستند، آنها اگر چه به اندازه ی گناه شان وارد جهنم می شوند، اما آنها را هیزم جهنم گفته نمی شود؛ زیرا آنها در جهنم جاویدان نمی مانند.

الله متعال می فرماید: ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾ البقرة: ٢٤

ترجمه: پس حذر کنید از آتشی که آتش انگیز آن مردمان و سنگ است، برای کافران آماده کرده شده است.

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾

الأنبياء: ٩٨

ترجمه: یقیناً شما ای کافران و چیزهایی که جز الله می پرستیدید، هیزم دوزخ اند، شما حتما وارد شونده آن اید.

ج: حرارت دوزخ

گرمی و حرارت دوزخ شصت و نه درجه از آتش دنیا شدید تر است.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الزهد والرقائق، بَابُ التَّكَلُّمِ بِالْكَلِمَةِ يَهْوِي بِهَا فِي النَّارِ، حدیث: ۲۹۸۸، ۴/۲۲۹۰

الله متعال می فرماید: ﴿فَرِحَ الْمُحَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ التوبة: ٨١

ترجمه: باز ماندگان (منافق از گروه تبوک) به نشستن شان برخلاف پیغمبر، شادمان شدند و بد پنداشتند که به مالها و جانهای خود در راه الله جهاد کنند (و یکدیگر را گفتند: که) در گرمی بیرون مشوید، بگو آتش دوزخ از این هم سخت گرمتر است، اگر بفهمند.

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند: «نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ كَانَتْ لَكَافِيَةً قَالَ فَضَلَّتْ عَلَيْهِنَّ بِتِسْعَةٍ وَسِتِّينَ جُزْءًا كُلُّهُنَّ مِثْلُ حَرِّهَا»^١.

ترجمه: آتش دنیا یک هفتادم آتش دوزخ است. گفتند: یا رسول الله! مگر آتش دنیا، کافی نیست؟ - حرارت آتش دنیا کافی بود که دوزخیان را بسوزاند و عذاب دهد- فرمود: آتش دوزخ شصت و نه مرتبه، سوزنده تر از آتش دنیا است. و هر مرتبه آن به اندازه آتش دنیا سوزندگی دارد.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «اشتكتك النار إلى ربها فقالت رب أكل بعصي بعضا فأذن لها بنفسين نفس في الشتاء ونفس في الصيف فأشد ما تجدون من الحر وأشد ما تجدون من الزمهرير»^٢.

ترجمه: دوزخ نزد پروردگارش شکایت کرد و گفت: پروردگارا! پاره ای من پاره ای دیگرم را می خورد. یعنی اجزای من از شدت گرما خودم را از بین می برد. الله متعال به آن اجازه داد تا دو مرتبه نفس بکشد: یک نفس در زمستان و یک نفس در تابستان. شدت گرما و سرمایی که احساس می کنید، به خاطر این دو نفس است.

ابو سعید خدری - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «أبردوا بالظهر فإن شدة الحر من فئح جهنم»^٣.

ترجمه: نماز ظهر را دیرتر بخوانید؛ زیرا گرمای زیاد از تنفس دوزخ است.

^١ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب صفة النار وأنها مخلوقة، حدیث: ۳۲۶۵، ۱۲۱/۴

^٢ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب صفة النار وأنها مخلوقة، حدیث: ۳۲۶۰، ۱۲۰/۴

^٣ صحیح البخاری، کتاب مواقیب الصلاة، باب الإبراد بالظهر في شدة الحر، حدیث: ۵۳۸، ۱۱۳/۱

د: شعله های دوزخ

سایه و هوای دوزخ نیز گرم بوده شعله های بسیار بزرگ به مانند قصر ها دارد

الله متعال می فرماید: ﴿ فِي سُمُورٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٤﴾ وَظِلٍّ مِّن يَّحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ الواقعة:

٤٢ - ٤٤

ترجمه: آنان در میان بادهای سوزان و آبهای جوشان قرار دارند. در سایه دود سیاه بسیار گرم به سر می برند. آن سایه نه سرد است و نه مفید.

همچنان می فرماید: ﴿ أَنْظِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي تَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِّ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ

كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾ المرسلات: ٣٠ - ٣٣

ترجمه: روان شوید به سوی سایه که دارای سه شاخه است. این سایه نه آسایش بخش است و نه حرارت شعله آتش را دفع می کند. یقیناً این آتش شراره ها و آتشیاره های بزرگی همانند قصر را می افکند. گویا این که این آتشیاره ها، شتران زردی هستند.

هـ صدای دوزخ

دوزخ در حال جوشیدن صدایش بلند می شود تا این که از جای دور شنیده می شود.

الله ذوالجلال می فرماید: ﴿ إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْطًا وَرَفِيرًا ﴿١٢﴾ الفرقان: ١٢

ترجمه: هنگامی که دوزخ ایشان را از مسافت دور ببینید، آواز پر از خشم، و جوش و خروش آن را می شنوند.

همچنان می فرماید: ﴿ إِذَا الْقُوفِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيْقًا وَهِيَ تَفُوْرٌ ﴿٧﴾ الملك: ٧

ترجمه: هر گاه به دوزخ انداخته شوند، آواز سهمگینی را از آن می شنوند، در حالی که پیوسته می جوشد.

و: نگهبان دوزخ

صاحبان و نگهبانان دوزخ ملایک بسیار قوی هستند که از امر الهی هیچ گاه سر پیچی نمی کنند.

الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَوْاْ أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَفُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللهُ مَا ءَامَرُهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ التحريم: ٦

ترجمه: ای مومنان! خود و خانواده خویش را از آتشی نگه دارید که مواد سوخت آن انسانها و سنگها است، فرشتگانی بر آن موظف اند که نهایت خشن و بسیار سختگیر اند، نافرمانی نمی کنند از الله در باره آنچه به ایشان دستور دهد، و انجام می دهند آنچه را که به آن دستور داده شوند.

صاحب و بزرگ جهنم که از طرف الله تعالی جهت رسیدگی به امور دوزخ موظف است، مالک نامیده می شود. و نقباء دیگر نوزده عدد بوده کمک گاران و لشکر های بزرگ دیگر با آنها در خدمت هستند که تعداد آنها را جز الله کسی نمیداند.

الله ذوالجلال می فرماید: ﴿وَنَادُوايَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَلَائِكُونَ ﴿٧٧﴾ الزخرف: ٧٧

ترجمه: و آنان فریاد می کشند: ای مالک! خواهش می کنیم که پروردگارت فیصله مرگ را بر ما صادر کند (تا از عذاب نجات بیابیم، مالک به ایشان) می گوید: یقینا شما اینجا (همیشه) می مانید.

سمره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ رَجُلَيْنِ أَتَيَانِي قَالَا الَّذِي يُؤَقِدُ النَّارَ مَالِكٌ خَازِنُ النَّارِ وَأَنَا جِبْرِيْلُ وَهَذَا مِيكَائِيْلُ»^١.

ترجمه: ام شب دو مردی را دیدم که نزد من آمدند، گفتند: آن مردی که آتش می افروخت مالک، نگهبان دوزخ بود، من جبریل و این میکائیل است.

مراد همان شب اسراء است که در روایت دیگر صراحت شده است.

الله متعال می فرماید: ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشْرَةَ ﴿٣٠﴾ المدثر: ٣٠

ترجمه: نوزده فرشته بر آن گمارده شده است.

^١ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ذُكْرُ الْمَلَائِكَةِ، حدیث: ٣٢٣٦، ١١٦/٤

برخی می گویند: «نوزده عدد ملایکه خازن های آتش هستند و آنها دیگر کمک گاران و لشکر های از ملایکه دارند که جز الله کسی نمیداند».^۱

برخی دیگر می گویند: مراد از عدد نوزده: نوزده ملایکه یا تعداد صف های شان یا اقسام شان و یا نقبای شان است.^۲

الله متعال می فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنْ

الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾ غافر: ٤٩

ترجمه: و دوزخیان به نگهبانان دوزخ می گویند: شما از پروردگارتان بخواهید که یک روز عذاب را از ما تخفیف کند.

ز: دروازه ها و درکات دوزخ

درک مانند درج (زینه) است اما فرق اش در این است که درج به اعتبار بلند رفتن است و درک به اعتبار پایین آمدن است بدین سبب برخی می گویند: برای جنت کلمه ای (درجات) و برای دوزخ (درکات) استفاده می شود.^۳

جهنم دارای هفت دروازه بوده دارای درکات، که از نظر شدت گرما و نوع عذابی که الله متعال برای اهل آن در نظر گرفته است متفاوت می باشد. الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ

أَجْمَعِينَ ﴿٥٦﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٥٤﴾ الحجر: ٤٣ - ٤٤

ترجمه: و یقیناً دوزخ وعده گاه همه آنها است. آن را هفت دروازه است، و برای هر دروازه ای، گروه معینی از آنها تقسیم شده است.

^۱ تفسیر البغوی، ۲۷۱/۸

^۲ ببینید: ابو السعود، أبو السعود العمادی محمد بن محمد بن مصطفی (متوفی: ۹۸۲هـ)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ۵۹/۹

^۳ المفردات فی غریب القرآن، ۳۱۱/۱

همچنان می فرماید: ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ رُمًّا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ أُفُحِتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾﴾ الزمر: ٧١

٧٢ -

ترجمه: و کافران گروه گروه به سوی دوزخ روان کرده شوند تا آنگاه که به (نزدیک) دوزخ برسند، دروازه هایش به روی ایشان کشوده میشود و نگهبانان دوزخ به ایشان می گویند: آیا به سوی شما از میان خودتان پیغمبران نیامده بودند که آیتهای پروردگار تان را بر شما میخواندند و شما را از ملاقات این روز میترسانیدند؟ کافران می گویند: آری آمده بودند ولی فرمان عذاب مقدر بر کافران حق و حتمی گردیده است. گفته می شود: وارد دروازه های دوزخ شوید، در آنجا جاویدان خواهید ماند پس جای متکبران چه بد جائی است!

حذیفه بن الیمان می گوید: مردم از رسول الله - ﷺ - همواره در مورد خیر می پرسیدند و من از ترس این که شر مرا فرا نرسد، در مورد شر می پرسیدم. گفتم: ای رسول الله ما در جهالت و شر بودیم، پس الله متعال این خیر را آورد. آیا بعد از این خیر شری است؟ فرمود: بلی. گفتم: آیا بعد از آن شر خیری است؟ فرمود: بلی با سیاهی و دودی در آن می باشد. گفتم: دود آن چه است؟ فرمود: قَوْمٌ يَهْدُونَ بَعِيرَ هَدْيِي تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنَكِّرُ قُلْتُ فَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الْخَيْرُ مِنْ شَرِّ قَالَ نَعَمْ دُعَاءُ إِلَىٰ أَبْوَابِ جَهَنَّمَ مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَذَفُوهُ فِيهَا قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا فَقَالَ هُمْ مِنْ جَلْدَتِنَا وَيَتَكَلَّمُونَ بِالسِّنِّتِنَا قُلْتُ فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ قَالَ تَلَزَمْ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةٌ وَلَا إِمَامٌ قَالَ فَاعْتَزِلْ تِلْكَ الْفِرْقَ كُلَّهَا وَلَوْ أَنْ تَعْضَّ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ حَتَّىٰ يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَىٰ ذَلِكَ.^١

ترجمه: گروهی است که به روش و طریقه من نمی روند برخس شناخته می شود وعده اش شناخته نمی شود. گفتم: آیا بعد از آن خیر شری است؟ فرمود: بلی صدا دهنده گان بر دروازه های دوزخ هستند. هر که آنها را اجابت کرد در دوزخ می اندازند. گفتم: آنها را برای ما بیان دار. فرمود: آنها از جلد و پوست ما بوده به زبان ما سخن می گویند. گفتم: اگر چنین وقت مرا

^١ صحیح البخاری، کتاب المناقب، باب علامات النبوة، حدیث: ٣٦٠٦، ١٩١/٤

فرا گرفت، مرا چه توصیه می کنی؟ فرمود: با جماعت و امام شان پیوست شو. گفتیم: اگر جماعت و امامی نداشتند؟ فرمود: پس از همه گروهها دوری کن اگر چه به تنه ی یک درخت جنگ بزنی تا این که مرگ برایت فرا رسد و تو در همان حالت باشی.

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَابِرِينَ﴾ النساء: ۱۴۵

ترجمه: شکی نیست که منافقان در طبقه زیرین آتش اند و برای آنها یآوری نخواهی یافت.

برخی می گویند: دوزخ هفت دروازه دارد که همان هفت طبقه است برخی آن بالای برخی دیگرش است. در بلند ترین طبقه اهل توحید هستند که به اندازه ای اعمال و عمرهای شان در دنیا عذاب داده می شوند، سپس بیرون کرده می شوند. در طبقه دوم یهود، در سوم نصاری، در چهارم صابئون، در پنجم مجوسیان، در ششم مشرکین عرب، در هفتم منافقان هستند.

از برخی در مورد این آیت { لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ } نقل شده است: هفت دروازه اول آن جهنم، سپس لظى، به همین ترتیب حطمه، سعیر، سقر، جحیم و آخرش هاویه است که در آن ابو جهل می باشد.^۱

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانَ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ».^۲

ترجمه: با فرا رسیدن رمضان دروازه های بهشت باز و دروازه های دوزخ بسته می شوند. شیاطین و جن های سرکش نیز به زندان انداخته می شوند.

برخی می گویند: این گونه تقسیم بندی و نام گذاری صحت ندارد و ثابت نیست. دیدگاه راجح و صحیح آن است که نام های ذکر شده مانند: جهنم، لظى، حطمه... نام های برای دوزخ هستند، نه اینکه هر کدام نام بخشی از دوزخ باشند. البته این مطلب که مردم به لحاظ کفر و گناهان خود، مراتب گوناگونی دارند، درست است.^۳

^۱ ببینید: ابن رجب، زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامی، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (متوفی: ۷۹۵هـ)، التخويف من النار والتعريف بحال دار البوار، محقق: بشیر محمد عیون، ناشر: مكتبة المؤيد - الطائف، دار البيان - دمشق، چاپ دوم، ۱۴۰۹ - ۱۹۸۸، ۷۰/۱

^۲ صحیح مسلم، کتاب الصیام، بابُ فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ، حدیث: ۱۰۷۹، ۷۵۸/۲ص

^۳ اشقر، دکتر عمر سلیمان اشقر، بهشت و دوزخ، ترجمه: گروه فرهنگی انتشارات حرمین، ناشر: انتشارات حرمین، ۳۴/۱

در نصوص فقط شمار دروازه های جهنم که هفت دروازه است، ذکر گردیده است. و در مورد نام های دروازه ها و درکات، تفصیلی ذکر نگردیده است.

مطلب دوم: دوزخیان و احوال ایشان

۱- دوزخیان

در نصوص کسانی که وارد دوزخ می شوند، کافران، مشرکان، منافقان و مومنان گناهکار اند. مومنان گناهکار به اندازه گناهان شان به آتش انداخته می شوند، سپس بیرون کرده می شوند. برخی اعمال در آیات و احادیث ذکر گردیده است که باعث دخول به جهنم می گردد. الله متعال در مورد کافران و مشرکان می فرماید: ۱- ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُّ غَلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

وَيَسَّ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾ آل عمران: ۱۲

ترجمه: به کافران بگو: در دنیا شکست خواهید خورد، و در آخرت به سوی دوزخ بر انگیخته خواهید شد و دوزخ بد جائی است.

۲- ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِن مَّصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ إبراهيم: ۳۰

ترجمه: و برای الله شریکان قرار دادند تا مردم را از راه الله منحرف سازند، بگو: از زندگی دنیا چند روزی بهره گیرید، پس یقیناً بازگشت شما بسوی دوزخ است.

۳- ﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِك بَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ بَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٦١﴾ الأنبياء: ۲۹

ترجمه: و هر کس از ایشان بگوید: جز الله من معبودهستم ، پس او را به آتش دوزخ مجازات خواهیم کرد، ستمگاران را همین گونه سزا خواهیم داد.

۴- ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾ المائدة: ۱۰

ترجمه: و آنانی که کافر شدند و آیتهای ما را تکذیب نمودند، آنها اهل دوزخ اند.

۵- ﴿لَا يَعْرَنَكُ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبَلَدِ ﴿١٩٦﴾ مَتَّعَ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَهَادُ ﴿١٩٧﴾﴾ آل

عمران: ۱۹۶ - ۱۹۷

ترجمه: نباید رفت و آمد کافران در شهر ها تو را بفریبد. این بهره اندک است، باز جای آنها دوزخ است و دوزخ بد جانی است.

۶- ﴿قَالَ أَخْرِجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾﴾ الأعراف: ۱۸

ترجمه: الله متعال به شیطان گفت: ذلیل رانده شده از آنجا بیرون شو، سوگند یاد می کنم هر کسی که از آنها تو را پیروی کند، دوزخ را از همه شما پر خواهم ساخت.

۷- ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾﴾

هود: ۱۱۹

ترجمه: و سخن پروردگارت که البته دوزخ را از جن و انس پر خواهم نمود، به اتمام رسید.

۸- ﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءآخَرَ فَتُنْفِقَ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿٣٩﴾﴾

الإسراء: ۳۹

ترجمه: و با الله معبود دیگری شریک مگردان که در دوزخ افکنده می شوی و مورد ملامت و لعنت قرار می گیری.

جابر بن عبد الله - رضی الله عنه - می گوید: مردی خدمت نبی اکرم - ﷺ - آمد و گفت: دو کاری که باعث رفتن به بهشت و جهنم می شوند، کدام اند؟ ایشان فرمود: «مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ».^۱

ترجمه: هر کس در حالی بمیرد که به الله شرک نمی ورزد، وارد بهشت می شود. و هر کس در حالی بمیرد که به الله شرک می ورزد وارد جهنم می شود.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ، حدیث: ۹۳، ۹۴/۱

کافران و مشرکان همه با اهل و عیال مشرک خود یکجا حشر شده به سوی جهنم سوق داده می شوند. الله ذوالجلال می فرماید: ﴿ أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۲۲﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَىٰ

صِرَاطِ الْجَبْرِ ﴿۲۳﴾ الصافات: ۲۲ - ۲۳

ترجمه: (گفته می شود: ای فرشتگان) جمع کنید کسانی را که به خود ستم کرده اند همراه با همفکرانشان و همراه با آنچه که می پرستیدند. به جز الله متعال، پس ایشان را بسوی راه دوزخ سوق دهید.

همچنان می فرماید: ﴿ قَوْلِكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيْطِينَ ثُمَّ لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿۲۸﴾ مريم:

۶۸

ترجمه: پس سوگند به پروردگارت، البته ما این منکران را با شیاطینی که آنها را گمراه نمودند، گرد هم می آوریم، سپس آنها را در اطراف دوزخ، به زانو افتاده حاضر می سازیم.

کافران و مشرکان اهل کتاب نیز در جهنم می باشند: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي

نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿۶﴾ البينة: ۶

ترجمه: یقیناً کافران اهل کتاب و مشرکان جاویدانه در آتش دوزخ خواهند ماند، واقعا آنان بدترین مخلوق اند.

در مورد منافقان الله متعال می فرماید: ﴿ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكَ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا

وَيَسْتَهْزِئُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِذْ كُفِرْتُمْ إِذَا مَثَلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي

جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿۱۴۰﴾ النساء: ۱۴۰

ترجمه: شکی نیست الله همه کافران و منافقان را در دوزخ جمع کننده است.

همچنان می فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَنَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ

وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾ التوبة: ٦٨

ترجمه: الله به مردان و زنان منافق و به کافران، آتش دوزخ را وعده داده است، در آنجا جاویدان خواهند ماند و دوزخ برای عذاب ایشان کافی است. و الله آنها را لعنت کرده است و برای آنها عذاب دائمی است.

کسانی که آیات الله متعال را استهزاء می کنند، الله متعال آنها را اهل دوزخ خوانده است چنانچه

می فرماید: ﴿ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْكَفْرِ وَأَلْتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾ الكهف: ١٠٦

ترجمه: این است کیفر ایشان که دوزخ است، به سبب این که کافر شدند و آیتها و پیغمبران مرا، مورد استهزا قرار دادند.

همچنان می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ الحج: ٥١

ترجمه: و کسانی که در راه مبارزه با قرآن و غالب شدن بر آیات ما تلاش میورزند، ایشان اهل دوزخ اند.

کسانی که الله و رسول را مخالفت می کنند و از احکام و حدود آن تجاوز می کنند آنها نیز اهل دوزخ هستند. الله ذوالجلال می فرماید: ١- ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ

سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۗ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ النساء: ١١٥

ترجمه: و هر کس بعد از آن که راه حق برایش معلوم گردد، از پیغمبر مخالفت ورزد و راه غیر مومنان را پیروی کند، او را (در این جهان) به همان راهی که خود انتخاب کرده است متوجه اش می سازیم و در آخرت او را در دوزخ میدراریم و بد جای است.

٢- ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مِنْ يُحَادِدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَأَبَىٰ لَهُ وَنَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾

التوبة: ٦٣

ترجمه: آیا ندانستند هر کسی که با الله و رسولش مخالفت کند، سزای او آتش دوزخ است که در آن جاویدان می ماند، این رسوائی بزرگ است.

۳- ﴿إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتٍ مِّنْهُ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ ﴿٣٣﴾ الجن: ۲۳

ترجمه: و کسی که از الله و رسولش نافرمانی کند، پس نصیب او عذاب آتش دوزخ است، جاویدان در آن می ماند.

۴- ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِيبٌ﴾

﴿النساء: ۱۴﴾

ترجمه: و هر کس که الله و رسولش را نافرمانی کند و از حدود مقررۀ او تجاوز کند، او را در آتشی داخل می کند که در آنجا جاویدان می ماند و او را عذاب ذلت باری است.

همچنان جزای قاتل مسلمان را الله متعال جهنم قرار داده است: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا

فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ ﴿النساء: ۹۳﴾

ترجمه: و هر کس مومنی را قصدا بکشد، پس جزای او دوزخ است جاویدان است در آنجا، و الله بر وی خشم کند و او را مورد لعنت قرار دهد، و برای او عذاب بزرگی را آماده سازد.

کسانی که زکات اموال شان را نمی دهند برای چشیدن عذاب به جهنم داخل کرده می شوند چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿*يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ

أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ ﴿يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ

وَوُجُوهُهُمْ هَٰذَا مِمَّا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾ ﴿التوبة: ۳۴ - ۳۵﴾

ترجمه: و کسانی که طلا و نقره را ذخیره می کنند و آنرا در راه الله مصرف نمی کنند، پس آنها را به عذاب دردناکی مژده ده. در روزیکه آن (طلا و نقره) را در آتش دوزخ، گرم و سوزان کرده میشود، و به آن پیشانیها و پهلوها و پشتهای شان داغ کرده میشود (به آنها گفته میشود) این کیفر همان چیزی است که برای خویشتن ذخیره میکردید، پس (جزای) آنچه را که ذخیره میکردید بجشید.

الف: کسانی که ظلم می کنند

اگر چه بالای حیوان هم باشد، جزای عملش را در جهنم می چشد، الله رب العزت می فرماید: ﴿

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾ النساء: ١٦٨ - ١٦٩

ترجمه: شکی نیست آنانی که کافر شدند و ستم کردند، الله آنها را هر گز نخواهد آمرزید نه آنها را به راهی رهنمائی خواهد کرد. جز به راه دوزخ که آنجا جاویدان خواهند ماند. و این کار بر الله آسان است.

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَمَا يُؤْبَأُ لَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾﴾

البروج: ١٠

ترجمه: کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه می کنند، سپس توبه نمی کنند، بدون شک برای ایشان عذاب دوزخ است و برای ایشان عذاب آتش سوزان است.

اسماء بنت ابو بکر - رضی الله عنهما - می گوید: نبی - ﷺ - نماز کسوف را خواند، پس فرمود: «دَنْتُ مِنِّي النَّارَ حَتَّى قُلْتُ أَيُّ رَبِّ وَأَنَا مَعَهُمْ فَإِذَا امْرَأَةٌ حَسِبْتُ أَنَّهُ قَالَ تَحْدِثُهَا هَرَّةٌ قَالَ مَا شَأْنُ هَذِهِ قَالُوا حَبَسْتَهَا حَتَّى مَاتَتْ جُوعًا»^١.

^١ صحیح البخاری، کتاب الشرب و المساقاة، باب فُضِّلَ سَقْيُ الْمَاءِ، حدیث: ٢٣٦٤، ١١٢/٣

ترجمه: دوزخ به من چنان نزدیک شد که گفتم: ای پروردگار! مگر من هم از دوزخیانم؟ در آن هنگام چشمم به زنی افتاد که گربه ی چهره اش را می خراشید، گفتم: چرا این زن گرفتار چنین عذابی است؟ گفتند: این زن آن گربه را نزد خود اسیر کرد تا این که آن گربه از گرسنگی مرد.

تکبر کنندگان و سرکشان نیز اهل دوزخ هستند. الله ﷻ می فرماید: ۱- ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَآثَرَ الْحَيَاةَ

الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾ النازعات: ۳۷ - ۳۹

ترجمه: پس کسی که طغیان کرده باشد. و زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده باشد. پس یقیناً دوزخ جایگاه اوست. برای سرکشان محل بازگشت است.

۲- ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٤١﴾ لِلظَّالِمِينَ مَاءِ بَابٍ ﴿٤٢﴾﴾ النبا: ۲۱ - ۲۲

ترجمه: به راستی که جهنم کمین گاه بزرگی است.

۳- ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٤٤﴾ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٤٥﴾ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ

الشَّدِيدِ ﴿٤٦﴾﴾ ق: ۲۴ - ۲۶

ترجمه: الله فرمان می دهد: هر کافر معاند (سرکش) را در دوزخ بیفکنید. آن کسی را که از انجام دادن کارهای نیک سخت منع کننده و تجاوز کار و درشک اندازه (دیگران در باره دین الله بوده) است. آنکه با الله معبود دیگری قرار داده است، پس او را در عذاب سختی بیندازید.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «تَحَاجَّتْ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فَقَالَتِ النَّارُ أُوتِرْتُ بِالْمُتَكَبِّرِينَ وَالْمُتَجَبِّرِينَ وَقَالَتِ الْجَنَّةُ مَا لِي لَا يَدْخُلْنِي إِلَّا ضِعْفَاءُ النَّاسِ وَسَقَطُهُمْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْجَنَّةِ أَنْتِ رَحْمَتِي أَرْحَمُ بِكَ مِنْ أَشَاءِ مَنْ عِبَادِي وَقَالَ لِلنَّارِ إِنَّمَا أَنْتِ عَذَابِي أُعَذِّبُ بِكَ مَنْ أَشَاءُ مِنْ عِبَادِي وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مَلُؤَهَا فَأَمَّا النَّارُ فَلَا تَمْتَلِي حَتَّى يَضَعَ رَجُلُهُ فَنَقُولُ قَطُّ قَطُّ فَهَذَا لِكَ تَمْتَلِي وَيُرَوَّى بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ وَلَا يَطْلُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ خَلْقِهِ أَحَدًا وَأَمَّا الْجَنَّةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُنْشِئُ لَهَا خُلُقًا»^۱.

^۱ صحیح البخاری، کتاب التفسیر، باب قَوْلِهِ { وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ }، حدیث: ۴۸۵۰، ۱۳۸/۶

ترجمه: بهشت و دوزخ با یکدیگر مجادله کردند. دوزخ گفت: من به جباران و متکبرین اختصاص داده شده ام. بهشت گفت: مرا چه شده است که فقط افراد ضعیف و حقیر وارد من می شوند. الله متعال به بهشت گفت: تو رحمت من هستی بوسیله تو به هر یک از بندگانم که بخواهیم رحم می کنم. و به دوزخ گفت: همانا تو عذاب من هستی و بوسیله تو هر یک از بندگانم را که بخواهم عذاب می دهم. و هر دو پر خواهد شد. ولی دوزخ پر نمی شود مگر این که الله متعال پایش را در آن بگذارد. آنگاه دوزخ می گوید: بس است، بس است. در این هنگام دوزخ پر می شود. و الله متعال به هیچ کسی از مخلوقاتش ظلم نمی کند. و برای بهشت مخلوق دیگری می آفریند.

در حدیث طویل روایت شده است که رسول الله ﷺ - فرمود: «وَأَهْلُ النَّارِ خَمْسَةٌ: الضَّعِيفُ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ، الَّذِينَ هُمْ فِيكُمْ تَبَعًا لَا يَبْتَغُونَ أَهْلًا وَلَا مَالًا، وَالْخَائِنُ الَّذِي لَا يَخْفَى لَهُ طَمَعٌ، وَإِنْ دَقَّ إِلَّا خَانَهُ، وَرَجُلٌ لَا يُصْبِحُ وَلَا يُمَسِي إِلَّا وَهُوَ يُخَادِعُكَ عَنْ أَهْلِكَ وَمَالِكَ «وَذَكَرَ» الْبُخْلَ أَوْ الْكُذِبَ وَالشَّنْظِيرُ الْفَحَّاشُ»^۱.

ترجمه: جهنمیان پنج گروه هستند: ۱- افراد ضعیفی که از عقل کافی برخوردار نیستند و دنباله رو هستند و در جستجوی خانواده و مال نیستند. ۲- افراد خائنی که هیچ طمع و خیانتی از نگاهشان پنهان نمی ماند؛ هر چند که کوچک و نا چیز باشد. ۳- افرادی که صبح و شام، با خانواده و اموال شان شما را فریب می دهند. ۴- آنگاه رسول اکرم ﷺ از بخل یا دروغ صحبت نمود (صاحب یکی از این دو وصف را جهنمی دانست). ۵- افراد بد اخلاقی که بسیار بد و بی راه می گویند.

ب: تکذیب کنندگان و دروغ گویان بالای رسول الله ﷺ -

تکذیب کنندگان و دروغ گویان بر رسول الله ﷺ - به دوزخ می روند. علی رضی الله عنه در حالی که خطبه می داد از رسول الله ﷺ - روایت کرد که ایشان فرمود: «لَا تَكْذِبُوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ يَكْذِبُ عَلَيَّ يَلِجُ النَّارَ»^۲.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها واهلها، باب الصِّفَاتِ الَّتِي يُعْرَفُ بِهَا فِي الدُّنْيَا أَهْلُ الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ، حدیث: ۲۸۶۵، ۴/۲۱۹۷
^۲ صحیح مسلم، مقدمه باب في التَّحْذِيرِ مِنَ الْكُذْبِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حدیث: ۱، ۹/۱

ترجمه: به دروغ سخنی را به من نسبت ندهید. هر کس بالای من دروغ می بندد وارد آتش می شود.

ج: مصورین (کسانی که تصاویر ذی روح را ترسیم می کنند) در جهنم عذاب داده می شوند.

عبد الله بن عباس - رضی الله عنهما - می گوید: رسول الله - ﷺ - را شنیدم که فرمود: «كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ، يَجْعَلُ لَهُ، بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا، نَفْسًا فَتُعَذِّبُهُ فِي جَهَنَّمَ».^۱

ترجمه: هر تصویرگر وارد دوزخ می شود. در آنجا هر تصویری که کشیده است جان داده می شود و او را شکنجه می کند.

د: زن های که مردان را بسوی خود جلب می کنند اهل دوزخ هستند.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا، قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ، وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ، رُءُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُحْتِ الْمَائِلَةِ، لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ، وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا، وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مَسِيرَةَ كَذَا وَكَذَا».^۲

ترجمه: دو دسته دوزخیان هستند که من آنها را ندیده ام (در زمان من نیستند)، دسته ی نخست گروهی هستند که شلاق هایی به سان دم گاو در دست دارند و با آن ها مردم را می زنند. گروه دوم زنانی هستند که با این که لباس پوشیده اند، اما برهنه هستند. به بیگانگان و مردان نامحرم گرایش دارند و توجه آنان را به خود جلب می کنند. موهای بسته ی سرشان مانند کوهان شتر است. این دو وارد بهشت نخواهند شد و بوی بهشت هم به مشام شان نخواهد رسید؛ حال آن که بوی بهشت از فاصله ی بسیار دور استشمام می شود.

ه: همچنان زن های ناشکر و لعن گوینده اهل دوزخ خوانده شده اند.

عمران بن حصین رضی الله عنه از نبی ﷺ روایت می کند که ایشان فرمود: «اطَّلَعْتُ فِي الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءَ وَاطَّلَعْتُ فِي النَّارِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا النَّسَاءَ».^۳

^۱ صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب لاتدخل الملائكة بيتا فيه كلب ولا صورة، حدیث: 2110، ۱۶۷۰/۳
^۲ صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، بابُ النِّسَاءِ الْكَاسِيَاتِ الْعَارِيَاتِ الْمُمِيلَاتِ، حدیث: ۲۱۲۸، ۱۶۸۰/۳
^۳ صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب ما جاء في صفة الجنة وأهلها مخلوقه، حدیث: ۱۱۷/۴

ترجمه: به بهشت سر زدم و دیدم که اکثر بهشتیان از فقرا هستند و به دوزخ نظر انداختم و دیدم که اکثریت دوزخیان دا زنان تشکیل می دهند.

در روایت دیگر علت اش ذکر گردیده است که به سبب لعن گفتن و ناشکری شان به شوهران ایشان است.

۲- احوال دوزخیان

احوال دوزخیان نسبت به کسانی که در دنیا مورد تعذیب قرار می گیرند و مجازات می شوند متفاوت بوده که به شرح آن به استناد از آیات قرآنی و احادیث نبوی می پردازم.

الف: بزرگی جسم کافر در آتش

ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول الله - ﷺ - روایت می کند: «مَا بَيْنَ مَنْكَبِي الْكَافِرِ فِي النَّارِ، مَسِيرَةٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، لِلرَّاكِبِ الْمُسْرِعِ»^۱.

ترجمه: فاصله میان دو شانۀ کافر به اندازه ی مسافتی است که یک شخص سوار با شتاب، در سه روز طی می کند.

ب: طعام دوزخیان

طعام دوزخیان از درخت زقوم است. الله متعال می فرماید: ﴿أَذَلِكْ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٦﴾ إِنَّا

جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ

لَأَكَلُونَ مِنْهَا فَأَلْوَنَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ الصافات: ۶۲ - ۶۶

ترجمه: آیا آنچه (از نعمتهای بهشت) ذکر شد بهترین پذیرائی است، یا درخت زقوم؟ یقیناً ما این درخت را مایه عقوبت ستمگاران ساخته ایم. شکی نیست که آن درختی است که در قعر دوزخ میروید. میوه آن گویا سرهای شیاطین است. پس حتماً دوزخیان از آن میخورند و شکمهای خویش را از آن پر می کنند.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب النار يَدْخُلُهَا الْجَبَّارُونَ وَالْجَنَّةُ يَدْخُلُهَا الضُّعَفَاءُ، حديث: 2852، ۲۱۸۹/۴

همچنان می فرماید: ﴿ إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامٌ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِيِّ

الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ الدخان: ٤٣ - ٤٦

ترجمه: قطعا درخت زقوم، خوراک گنهگاران است. همچون فلز گداخته شده در شکمها می جوشد. همانند جوشش آب بسیار گرم.

ج: شراب (آشامیدنی) دوزخیان

آشامیدنی جهنمیان از خون و ریم و آب بسیار گرم می باشد. قرآن کریم در باب نوشیدنی اهل

دوزخ چنین می فرماید: ١- ﴿ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٤٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٤٥﴾ النبا: ٢٤ - ٢٥

ترجمه: در آن نه هوای سردی را می چشند و نه آب آشامیدنی را. لیکن آب نهایت گرم و سوزان و زرد آبه (زخمهای دوزخیان) را می نوشند.

٢- ﴿ مِّنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ

مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ ابراهيم: ١٦ - ١٧

ترجمه: پیش روی آن دوزخ است و از زرداب و خونابه نوشانده می شود. به زحمت جرعه جرعه آن را می نوشد و نزدیک نیست که به سهولت آن را فرو برد، و اسباب مرگ از هر سو به سراغش می آید، ولی نمی میرد و به دنبال آن عذابی شدیدی است.

٣- ﴿ تَرَىٰ فِيهَا عِزًّا ﴿١٧﴾ وَالشُّرَكَاءَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِيهَا لَشَرٌّ لِّمَنْ كَفَرَ ﴿١٨﴾ الصافات: ٦٧

ترجمه: سپس برای ایشان از آب داغ آلوده آشامیدنی است.

٤- ﴿ وَقِيلَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ

يَسْتَعِينُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿١٩﴾ الكهف: ٢٩

ترجمه: بگو این قرآن حق است و از جانب پروردگارتان آمده است، پس هر کس میخواهد ایمان بیاورد، و هر کس میخواهد کافر شود، شکی نیست که ما برای ستمگاران آتشی را آماده کرده ایم که سراپا پرده (و یا خیمه) آن آنها را احاطه می کند و اگر آب تقاضا کنند، به آبی دست یابی پیدا می کنند که همانند فلز گذاخته شده است که رویها را بریان میکند، چه بد نوشابه ای است، و چه بد منزل است دوزخ!

د: لباس دوزخیان

الله متعال در مورد لباس دوزخیان می فرماید: ﴿سَرَابِيلُهُمْ مِّن قَطْرَانٍ وَتَعَشَىٰ جُوهَهُمُ النَّارُ ۗ﴾

ابراهیم: ۵۰

ترجمه: پیراهن های شان از قطران است، و آتش سراپای وجود ایشان را می پوشاند.

همچنان می فرماید: ﴿هُدَانٍ خَصْمَانٍ اخْتَصَمُوا فِي رَيْبِهِمُ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ

يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ۗ﴾ الحج: ۱۹

ترجمه: پس کسانی که کافر شدند برای ایشان لباسهای آتشین برایش کرده شده است، از بالای سر هایشان آب بسیار گرم و جوشان ریخته می شود.

ج: فرش و لحاف جهنمیان

جهنمیان فرش های آتشین و بالای شان لحاف های از آتش دارند. الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ۗ﴾ لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۚ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۗ﴾ الأعراف: ۴۰ -

۴۱

ترجمه: آنانی که آیتهای ما را تکذیب نمودند، و در برابر آنها سرکشی کردند، هر گز دروازه های آسمان برای آنها گشوده نمیشود و نه وارد بهشت می شوند تا آنکه شتر در سوراخی سوزن داخل

شود، و گنهگاران را همینگونه جزا میدهیم. آنها را از دوزخ فرشی و از بالای سرشان پوششهایی است و ستمگاران را همینگونه جزا می دهیم.

ه: فریاد دوزخیان

جهنمیان چیغ و فریاد می کشند، اما فایده نمی کند. الله متعال می فرماید: ۱- ﴿لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ

وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿۱۰۰﴾ الانبیاء: ۱۰۰

ترجمه: آنان در دوزخ ناله و فریاد غم انگیز دارند، و آنها در آنجا هرگز نمی شنوند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ

كُفُورٍ ﴿۳۶﴾ وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ

فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ التَّنْذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿۳۷﴾ فاطر: ۳۶ - ۳۷

ترجمه: و کسانی که کافر شدند برای ایشان آتش دوزخ است، فرمان مرگ بر آنها صادر نمی شود تا بمیرند و نه عذاب دوزخ از ایشان تخفیف کرده می شود، همینگونه سزا می دهیم هر انسان کافر را. و اهل دوزخ در آنجا فریاد می کشند؛ ای پروردگار ما! ما را از اینجا بیرون کن تا کارهای شایسته انجام دهیم، برخلاف آنچه که پیش انجام میدادیم. (به ایشان پاسخ میدهیم) آیا برای شما عمر دراز نداده بودیم، بدان اندازه که در آن پند می پذیرفت کسی که پند میگرفت؟ و بیم دهنده به سوی شما آمد، پس بجشید عذاب را و ستمگاران را هیچ یآوری نیست.

۳- ﴿وَإِذَا الْقُؤُومَةُ مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿۱۳﴾ الفرقان: ۱۳

ترجمه: و چون دست و پا بسته به مکان تنگی از آن افکنده شوند، در آنجا هلاکت را فریاد می کنند.

جهنمیان دست و پا بسته با زنجیرها به جهنم برده می شوند، الله متعال می فرماید: ﴿حُدُوهُ

فَاعْتَلَوْهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ الدخان: ٤٧

ترجمه: (به نگهبانان دوزخ میگوئیم) این گنهگار را بگیرید، پس با شدت تمام بسوی دوزخ بکشیدش.

همچنان می فرماید: ﴿حُدُوهُ فَعَلُوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلْوَهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾﴾

الحاقة: ٣٠ - ٣٢

ترجمه: (گفته می شود) او را بگیرید، و طوق را در گردنش بیفکنید. سپس او را به دوزخ بیاندازید. باز او را به زنجیری ببندید که اندازه آن هفتاد گز است.

مطلب سوم: انواع عذابها

الله متعال ذات عادل و قادر است. عدل او تقاضا می کند که هر شخص طبق عمل اش پاداش داده شود. از این جهت عذاب و جزای همه مردم یکسان و یک نوع نمی باشد. کسی در عذاب شدید تر و کسی در عذاب کمتر دست و پا نرم می کنند. کسانی که کلمه خواندند و مسلمان هستند آنها به اندازه ی گناه شان عذاب می بینند. سپس به جنت می روند و کافران تا ابد در آتش می ماند.

الف: جاویدان ماندن کافران در جهنم

ابو سعید - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - ﷺ - فرمود: «يُجَاءُ بِالْمَوْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَأَنَّهُ كَبْشٌ أَمْلَحٌ - زَادَ أَبُو كُرَيْبٍ: فَيُوقَفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَاتَّفَقَا فِي بَاقِي الْحَدِيثِ - فَيُقَالُ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ وَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، قَالَ: وَيُقَالُ: يَا أَهْلَ النَّارِ هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ قَالَ فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ وَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، قَالَ فَيُؤَمَّرُ بِهِ فَيُدْبَحُ، قَالَ: ثُمَّ يُقَالُ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، وَيَا أَهْلَ النَّارِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ " قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} [مریم: ۳۹] وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الدُّنْيَا»^۱.

ترجمه: در روز رستاخیز مرگ را به صورت یک قوچ سفید و سیاه می آورند- در روایت ابو کریب این لفظ اضافه شده است: میان جنت و جهنم ایستاد کرده می شود- پس گفته می شود: ای بهشتیان! آن ها سر شان را بلند می نمایند و نگاه می کنند. منادی به ایشان می گوید: آیا این قوچ را می شناسید؟ بهشتیان نگاه می کنند و می گویند: آری، این مرگ است. سپس دوزخیان را صدا می کند و میگوید: ای دوزخیان! سر شان را بلند کرده و نگاه می کنند. به ایشان گفته می شود: آیا این را می شناسید؟ نگاه می کنند و می گویند: آری، او مرگ است. سپس آن قوچ را سر می برند. آن گاه منادی می گوید: ای بهشتیان! شما جاویدان هستید و هر گز نمی میرید. ای دوزخیان! ماندگارید و هرگز نمی میرید. سپس این آیه را تلاوت نمود: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} [مریم: ۳۹] (ترجمه: آنان را که اینک در بی خبری به سر می برند و ایمان نمی آورند، از حسرت و پشیمانی که کار یکسره می شود، بترسان). وبا دست خود اشاره کرد، یعنی دنیا مراد است.

الله ذوالجلال می فرماید: ۱- ﴿هَذَا نَحْصَمَانِ أَحْتَصِمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ شِيَابٌ مِّنْ

نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿۱۱﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿۱۲﴾ وَلَهُمْ مَقْلِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿۱۳﴾ كَلَّمَآ

أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۱۴﴾ الحج: ۱۹ - ۲۲

ترجمه: پس کسانی که کافر شدند برای ایشان لباسهای آتشین پاره کرده شده است، از بالای سر هایشان آب بسیار گرم و جوشان ریخته می شود. به سبب آن آب هر چه که در شکمهای شان باشد گداخته می شود، و پوستهای بدنشان نیز ذوب می شود. و باری (سر کوبی) ایشان چکش های بزرگ از آهن (آماده کرده شده) است. هر گاه دوزخیان بخواهند از غم و اندوهیکه عائد حال شان شده است، از دوزخ بیرون شوند، به سوی آن باز گردانده می شوند و (برای آنها گفته می شود) عذاب آتش سوزان را بچشید.

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب النار يَدْخُلُهَا الْجَبَّارُونَ وَالْجَنَّةُ يَدْخُلُهَا الضُّعَفَاءُ، حديث: 2849، ۴/۲۱۸۸

۲- ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ

كُفُورٍ ﴿٣٦﴾ فاطر: ۳۶

ترجمه: و کسانی که کافر شدند برای ایشان آتش دوزخ است، فرمان مرگ بر آنها صادر نمی شود تا بمیرند و نه عذاب دوزخ از ایشان تخفیف کرده می شود، همینگونه سزا می دهیم هر انسان کافر را.

۳- ﴿ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ

تَمَتُّونَ ﴿٥٠﴾ الدخان: ۴۸ - ۵۰

ترجمه: سپس بر سر او آب بسیار جوشان بریزید. و (برایش گفته می شود) بچش که تو (بزعم خود) بسیار مقتدر و گرامی هستی. واقعا این همان چیزی است که درباره آن شک می کردید. جلد دوزخیان تبدیل کرده می شود تا عذاب را بچشند.

۴- ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَمَا فَضَّجَتْ جُلُودَهُمْ بِدَلَّتِهِمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ

اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ النساء: ۵۶

ترجمه: شکی نیست آنانیکه به آیتهای ما کافر شدند، آنها را به آتش دوزخ خواهیم درآورد، هر گاه پوستهای بدن شان بسوزد، پوستهای دیگری را بجای آن قرار می دهیم تا عذاب را بچشند، شکی نیست که الله غالب و با حکمت است.

سمره بن جندب رضی الله عنه میگوید: نبی ﷺ فرمود: (مِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَىٰ كَعْبِيهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَىٰ رُكْبَتَيْهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَىٰ حُجْرَتِهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَىٰ تَرْفُوتِهِ).^۱

^۱ صحیح مسلم، کتاب الجنة و صفة نعيمها و اهلها، باب في شدة حر نار جهنم و بُعد قعرها و ما تأخذ من المعدنين، حدیث: 2845، ۲۱۸۵/۴

ترجمه: آتش جهنم بعضی از مردم را تا بجلک ها (قوزک پا)، بعضی را تا زانوها، برخی را تا کمر، و تعدادی را هم تا گلو فرامی گیرد.

ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «رَأَيْتُ عَمْرَو بْنَ عَامِرِ بْنِ لُحَيْيِ الْخَزَاعِيِّ يَجْرُ فُصْبَهُ فِي النَّارِ وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ سَيَّبَ السَّوَائِبَ»^۱.

ترجمه: عمرو بن عامر را دیدم که روده هایش در آتش کشیده می شود. او نخستین کسی بود که بت پرستی را رواج داد.

ب: عذاب دروغ گویان، عالمان بی عمل، زنا کاران، سود خوران

سمره بن جندب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ - بعد از نماز رو به طرف مردم می کرد و می پرسید: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ اللَّيْلَةَ رُؤْيَا»

ترجمه: آیا دیشب کسی از شما خوابی دیده است؟

اگر کسی خوابی دیده بود، بیان می کرد و رسول الله ﷺ - آنطور که الله می خواست آن را تعبیر می کرد. روزی ایشان حسب عادت پرسید: «هَلْ رَأَى أَحَدٌ مِنْكُمْ رُؤْيَا فَلَنَا لَا قَالَ لِكُنِّي رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أَتْيَانِي فَأَخَذَا بِيَدِي فَأَحْرَجَانِي إِلَى الْأَرْضِ الْمُقَدَّسَةِ فَإِذَا رَجُلٌ جَالِسٌ وَرَجُلٌ قَائِمٌ بِيَدِهِ كَلُوبٌ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُوسَى أَنَّهُ يُدْخَلُ ذَلِكَ الْكَلُوبُ فِي شِدْقِهِ حَتَّى يَبْلُغَ قَفَاهُ ثُمَّ يَفْعَلُ بِشِدْقِهِ الْآخَرَ مِثْلَ ذَلِكَ وَيَلْتَنِمُ شِدْقُهُ هَذَا فَيَعُودُ فَيَصْنَعُ مِثْلَهُ فُلْتُ مَا هَذَا قَالَا انْطَلِقْ فَاَنْطَلَقْنَا حَتَّى أَتَيْنَا عَلَى رَجُلٍ مُضْطَجِعٍ عَلَى قَفَاهُ وَرَجُلٌ قَائِمٌ عَلَى رَأْسِهِ بِفَهْرٍ أَوْ صَخْرَةٍ فَيَشْدُخُ بِهِ رَأْسَهُ فَإِذَا ضَرَبَهُ نَدَّهَدَهُ الْحَجْرُ فَاَنْطَلَقَ إِلَيْهِ لِيَأْخُذَهُ فَلَا يَرْجِعُ إِلَى هَذَا حَتَّى يَلْتَنِمَ رَأْسَهُ وَعَادَ رَأْسَهُ كَمَا هُوَ فَعَادَ إِلَيْهِ فَضَرَبَهُ فُلْتُ مَنْ هَذَا قَالَا انْطَلِقْ فَاَنْطَلَقْنَا إِلَى نَقْبِ مِثْلِ النَّتُّورِ أَعْلَاهُ ضَيْقٌ وَأَسْفَلُهُ وَاسِعٌ يَتَوَقَّدُ تَحْتَهُ نَارًا فَإِذَا اقْتَرَبَ ارْتَفَعُوا حَتَّى كَادَ أَنْ يَخْرُجُوا فَإِذَا خَمَدَتْ رَجَعُوا فِيهَا وَفِيهَا رَجَالٌ وَنِسَاءٌ عَرَاءٌ فَقُلْتُ مَنْ هَذَا قَالَا انْطَلِقْ فَاَنْطَلَقْنَا حَتَّى أَتَيْنَا عَلَى نَهْرٍ مِنْ دَمٍ فِيهِ رَجُلٌ قَائِمٌ عَلَى وَسْطِ النَّهْرِ رَجُلٌ بَيْنَ يَدَيْهِ حِجَارَةٌ فَأَقْبَلَ الرَّجُلَ الَّذِي فِي النَّهْرِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ رَمَى الرَّجُلُ بِحَجَرٍ فِي فِيهِ فَرَدَّهُ حَيْثُ كَانَ فَجَعَلَ كُلَّمَا جَاءَ لِيَخْرُجَ رَمَى فِي فِيهِ بِحَجَرٍ فَيَرْجِعُ كَمَا كَانَ فَقُلْتُ مَا هَذَا قَالَا انْطَلِقْ فَاَنْطَلَقْنَا حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى رَوْضَةٍ خَضْرَاءَ فِيهَا شَجَرَةٌ عَظِيمَةٌ وَفِي أَصْلِهَا شَيْخٌ وَصِيبَانٌ وَإِذَا رَجُلٌ قَرِيبٌ مِنْ الشَّجَرَةِ بَيْنَ يَدَيْهِ نَارٌ يُوقِدُهَا فَصَعِدَا بِي فِي الشَّجَرَةِ وَأَدْخَلَانِي دَارًا لَمْ أَرِ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهَا فِيهَا رَجَالٌ

^۱ صحيح البخاري، كتاب المناقب، باب قصة خزاعة، حديث: ۳۵۲۱، ۱۸۴/۴

شُبُوخٌ وَشَبَابٌ وَنِسَاءٌ وَصِيبَانٌ ثُمَّ أَخْرَجَانِي مِنْهَا فَصَعِدَا بِي الشَّجْرَةَ فَأَدْخَلَانِي دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ فِيهَا شُبُوخٌ وَشَبَابٌ قُلْتُ طَوَّفْتُمَانِي اللَّيْلَةَ فَأَخْبِرَانِي عَمَّا رَأَيْتُ قَالَا نَعَمْ أَمَّا الَّذِي رَأَيْتَهُ يُشَدُّ شِدْفَهُ فَكَذَّابٌ يُحَدِّثُ بِالْكَذِبِ فَنُحْمَلُ عَنْهُ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَفَاقَ فَيُصْنَعُ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ يُشَدُّ رَأْسَهُ فَرَجُلٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَنَامَ عَنْهُ بِاللَّيْلِ وَلَمْ يَعْمَلْ فِيهِ بِالنَّهَارِ يُفْعَلُ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ فِي النَّقَبِ فَهُمْ الرُّنَاةُ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ فِي النَّهْرِ أَكَلُوا الرَّبَا وَالشَّيْخُ فِي أَصْلِ الشَّجْرَةِ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالصِّبْيَانُ حَوْلُهُ وَالَّذِي يُوقِدُ النَّارَ مَالِكُ حَازِنُ النَّارِ وَالِدَارُ الْأُولَى الَّتِي دَخَلْتَ دَارَ عَمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمَّا هَذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ وَأَنَا جَبْرِيْلُ وَهَذَا مِيكَائِيلُ فَارْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا فَوْقِي مِثْلُ السَّحَابِ قَالَا ذَلِكَ مَنْزِلُكَ قُلْتُ دَعَانِي أَدْخُلْ مَنْزِلِي قَالَا إِنَّهُ بَقِيَ لَكَ عُمْرٌ لَمْ تَسْتَكْمِلْهُ فَلَوْ اسْتَكْمَلْتَ أَتَيْتَ مَنْزِلُكَ»^١.

ترجمه: آیا دیشب کسی از شما خوابی دیده است؟ گفتیم: خیر، ایشان فرمود: ولی من دیشب خواب دیدم که دو نفر نزد من آمدند، دستم را گرفتند و مرا به طرف سرزمین مقدس بردند. در آنجا یک شخص نشسته و شخصی دیگری ایستاده و ساتولی در دست داشت. شخص ایستاده ساتول را در یک طرف دهان شخص نشسته فرو می برد و تا پشت سر او می کشید و بعد آن را در طرف دیگر دهانش قرار می داد و تا پشت سر او می کشید. در این فاصله طرف اول دهانش درست می شد. و مرد ایستاده دوباره همان کارش را تکرار می کرد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: برویم جلوتر. به راهمان ادامه دادیم تا اینکه به شخصی رسیدیم که به پشت خوابیده است و شخصی دیگری کنارش ایستاده و تخته سنگی را که در دست دارد، بر سرش می کوبد. آن سنگ می غلند و دور می افتد. تا وقتی که آن شخص سنگ را می آورد، سر شکسته او دوباره به حالت اول بر می گردد و آن شخص، مجدداً آن سر را با سنگ می کوبد و این عمل همچنان تکرار می شود. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: جلوتر برویم. به راه مان ادامه دادیم تا اینکه کنار خندقی که مانند تنور بود، رسیدیم. دهانه آن تنگ و داخلش بسیار وسیع بود. و در زیر آن آتشی افروخته شده بود. عده ای از زنان و مردان لخت و برهنه در آن خندق بودند. هنگامی که آتش زبانه می کشید، آنها بالا می آمدند بطوریکه نزدیک بود از دهانه خندق بیرون بیایند. و هنگامی که آتش فروکش می کرد، داخل خندق فرو می رفتند. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده. سپس به راه افتادیم تا اینکه به نهری از خون رسیدیم و شخصی را دیدیم که در وسط نهر ایستاده و شخصی دیگر کنار

^١ صحیح البخاری، کتاب الجنائز، باب ما قیل فی اولاد المشرکین، حدیث: ۱۳۸۶، ۱۰۰/۲-۱۰۲

نهر ایستاده است. و مقداری سنگ پیش رویش قرار دارد. مردی که وسط نهر بود به راه می افتاد و می خواست بیرون بیاید. اما شخصی که بیرون نهر بود، سنگی را در دهانش می کوبید و او را به وسط نهر بر می گرداند. و این کار همچنان تکرار می شد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده. به راه خویش ادامه دادیم تا این که به باغی بسیار سرسبز و شاداب رسیدیم که در آن درخت بسیار بزرگی وجود داشت. و در زیر آن یک پیر مرد و چند کودک نشسته بودند. و نزدیک آن درخت مردی آتش روشن می کرد. آن دو نفر مرا بالای درخت به ساختمانی بردند که هر گز ساختمانی به زیبایی آن ندیده بودم. عده ای پیر مرد، جوان، زن و کودک در آن ساختمان زندگی می کردند. سپس مرا از آن ساختمان بیرون کردند و به ساختمانی دیگر بردند که از ساختمان اول بسیار بهتر و زیباتر بود. در این ساختمان هم تعدادی پیر مرد و جوان زندگی می کردند. گفتم: تمام شب صحنه های مختلفی را به من نشان دادید. هم اکنون آن صحنه های مختلفی را برایم توضیح دهید. آن دو نفر گفتند: بله، شخصی که دهان او پاره می شد، دروغگویی بود که مردم دروغ های او را گوش کرده به دیگران می رساندند بطوریکه دروغهایش به گوشه و کنار دنیا می رسید. و این مجازات دروغگو تا روز قیامت است. و کسی که سر او با سنگ کوبیده میشد، کسی بود که الله متعال او را علم و معارف قرآن داده بود، اما او بدان عمل نمی کرد. شبها می خوابید و روزها با به غفلت می گذراند و به احکام الهی عمل نمی کرد. او تا قیامت در همین عذاب گرفتار خواهد بود. کسانی را که برهنه در تنوردیدی، زناکاران بودند. شخصیرا که در نهر خون دیدی، ربا خوار بود. و مرد کهنسالی را که با چند بچه زیر درخت دیدی، ابراهیم علیه السلام بود که بچه های مردم اطراف او جمع شده بودند. و آن که آتش را می افروخت مالک نگهبان دوزخ بود. اولین خانه ای که داخل آن شدی، خانه و ساختمان عموم مومنان بود. و اما این ساختمان بسیار زیبا برای شهداء ساخته شده است. من جبریل هستم و این میکائیل است. اکنون سرت را بلند کن. رسول الله - ﷺ - می فرماید: وقتی سرم را بلند کردم، بالای سرم چیزی مانند ابر دیدم. آن دو به من گفتند: این منزل و مکان تو است. گفتم: اجازه بدهید تا وارد منزلم شوم. گفتند: هنوز عمر تو باقی است و کامل نشده است. وقتی عمر مبارک به پایان رسد، وارد آن خواهی شد.

ج: عذاب خودکشی کنندگان

ابو هريره - رضى الله عنه - مى گويد: نبي ﷺ فرمود: «مَنْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ فَفَتَلَ نَفْسَهُ فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَتَرَدَّى فِيهِ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ تَحَسَّى سُمًّا فَفَتَلَ نَفْسَهُ فَسُمُّهُ فِي يَدِهِ يَتَحَسَّاهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يَجَأُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا»^۱.

ترجمه: هر کس خودش را از بالای کوهی بیندازد و خود کشی کند، برای همیشه و بطور دائم در آتش جهنم سقوط می کند. و هر کس با خوردن زهر خودکشی کند برای همیشه و بطور دائم آن زهر را در آتش جهنم در دست خواهد داشت و جرعه جرعه آن را خواهد نوشید. و هر کس با آهنی خود کشی کند، برای همیشه و بطور دائم آن آهن را در آتش جهنم بدست خواهد داشت و در شکم اش فرو خواهد برد.

د: عذاب کسانی که زکات نمی دهند

ابو هريره - رضى الله عنه - مى گويد: رسول الله - ﷺ - فرمود: «مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ، لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ، فَأُحْمِي عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيَكْوَى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ، فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُفْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ، فَيَرَى سَبِيلَهُ، إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ»

قبیل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَلْبِلُ؟ قَالَ: «وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا، وَمَنْ حَقَّهَا حَلَبَهَا يَوْمَ وَرْدِهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بُطِحَ لَهَا بِقَاعِ قَرْقَرٍ، أَوْفَرَ مَا كَانَتْ، لَا يَفْقُدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاجِدًا، تَطَّوُّهُ بِأُخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ بِأَفْوَاهِهَا، كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أَوْلَاهَا رَدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا، فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُفْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ، فَيَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ»

قبیل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَالْبَقَرُ وَالْعَنَمُ؟ قَالَ: «وَلَا صَاحِبُ بَقَرٍ، وَلَا عَنَمٍ، لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بُطِحَ لَهَا بِقَاعِ قَرْقَرٍ، لَا يَفْقُدُ مِنْهَا شَيْئًا، لَيْسَ فِيهَا عَفْصَاءٌ، وَلَا جُلْحَاءٌ، وَلَا عَضْبَاءٌ تَنْطَحُهُ بِفُرُونِهَا وَتَطَّوُّهُ بِأُظْلَافِهَا، كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أَوْلَاهَا رَدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا، فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُفْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ، فَيَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ»

قبیل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَالْخَيْلُ؟ قَالَ: «الْخَيْلُ ثَلَاثَةٌ: هِيَ لِرَجُلٍ وَزُرٌّ، وَهِيَ لِرَجُلٍ سِنْرٌ، وَهِيَ لِرَجُلٍ أَجْرٌ، فَأَمَّا الَّتِي هِيَ لَهُ وَزُرٌّ، فَرَجُلٌ رَبَطَهَا رِيَاءً وَفَخْرًا وَنِوَاءً عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَهِيَ لَهُ وَزُرٌّ، وَأَمَّا

^۱ صحیح البخاری، کتاب الطب، باب شرب السمِّ والدَّواءِ به وبِمَا يُخَافُ مِنْهُ وَالْحَبِيبِ، حدیث: ۵۷۷۸، ۱۳۹/۷

الَّتِي هِيَ لَهُ سِنْرٌ، فَرَجُلٌ رَبَطَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ لَمْ يَنْسَ حَقَّ اللَّهِ فِي ظُهُورِهَا وَلَا رِقَابِهَا، فَهِيَ لَهُ سِنْرٌ وَأَمَّا الَّتِي هِيَ لَهُ أَجْرٌ، فَرَجُلٌ رَبَطَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، فِي مَرْجٍ وَرَوْضَةٍ، فَمَا أَكَلَتْ مِنْ ذَلِكَ الْمَرْجِ، أَوْ الرَّوْضَةِ مِنْ شَيْءٍ، إِلَّا كُتِبَ لَهُ، عَدَدَ مَا أَكَلَتْ حَسَنَاتٍ، وَكُتِبَ لَهُ، عَدَدَ أَرْوَائِهَا وَأَبْوَالِهَا، حَسَنَاتٍ، وَلَا تَقْطَعُ طَوْلَهَا فَاسْتَنْتَّ شَرْفًا، أَوْ شَرْفَيْنِ، إِلَّا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ عَدَدَ آثَارِهَا وَأَرْوَائِهَا حَسَنَاتٍ، وَلَا مَرَّ بِهَا صَاحِبُهَا عَلَى نَهْرٍ، فَشَرِبَتْ مِنْهُ وَلَا يُرِيدُ أَنْ يَسْفِيَهَا، إِلَّا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ، عَدَدَ مَا شَرِبَتْ، حَسَنَاتٍ « قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَلْحُمُرُ؟ قَالَ: «مَا أَنْزَلَ عَلَيَّ فِي الْأَحْمُرِ شَيْءٌ، إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ الْفَائِدَةُ الْجَامِعَةُ»: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾^٧ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾^٨ [الزلزلة: ٧ - ٨].^١

ترجمه: هر صاحب طلا و نقره که زکات آنها را ندهد، روز قیامت آن طلا و نقره برایش به ورق های آتشین تبدیل شده با آتش جهنم گرم می شوند و بوسیله ی آنها پشت، پهلو و پیشانی اش داغ می گردد. و هرگاه سرد شوند دوباره داغ می شوند. و این کار در روزی که به اندازه ی پنجاه هزار سال (دنیا) است، تکرار می شود تا آنکه میان بندگان فیصله گردد و راهش را بسوی بهشت یا جهنم مشاهده کند.

مردم گفتند: یا رسول الله! حکم شتر چیست؟ فرمود: همچنین هر صاحب شتری که حق آنها را ادا نکند و یکی از حقوق آنها این است که در محل آبشخور، آنها را بدوشد تا اگر فقیری و رهگذری آمد از آن شیر به او بدهد) روز قیامت روی زمینی هموار و پهناور خوابانده می شود و شتران با بیشترین تعدادی که در دنیا داشته اند بدون اینکه حتی یک بچه شتر از آنها کم شده باشد، او را زیر دست و پای خود لگد مال می کنند و با دهانشان می گزند. و هر گاه آخرین شتر از بالای او عبور کند، اولین شتر دوباره بر می گردد. و این کار در روزی که به اندازه ی پنجاه هزار سال (دنیا) است، تکرار می شود تا آنکه میان بندگان فیصله گردد و راهش را بسوی بهشت یا جهنم مشاهده کند.

مردم دوباره گفتند: یا رسول الله! گاو و گوسفند چه حکمی دارند؟ فرمود: هم چنین صاحب گاو و گوسفندی که حق آنها را ادا نمی کند (زکاتشان را نمی دهد) روز قیامت روی زمینی هموار و پهناور خوابانده می شود و آن گاو و گوسفندان در حالی که حتی یک عدد از آنها کم نیست و همگی دارای شاخ های صحیح و سالم اند او را زیر سم های خود می گیرند و شاخ می زنند. و

^١ صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب اثم مانع الزکاة، حدیث: ۹۸۷، ۶۸۰/۲

هر گاه آخرین رأس حیوان از بالای او بگذرد، دوباره اولی بر می گردد. و این کار در روزی که به اندازه ی پنجاه هزار سال (دنیا) است، تکرار می شود تا آنکه میان بندگان فیصله گردد و راهش را بسوی بهشت یا جهنم مشاهده کند.

بار دیگر مردم گفتند: یا رسول الله! حکم اسب چیست؟ فرمود: اسب ها سه دسته اند: نگهداری آن برای بعضی باعث گناه، برای بعضی باعث نجات و برای بعضی دیگر باعث اجر و ثواب می شود. شخصی که اسب را برای فخر و ریا و دشمنی با مسلمانان نگهداری کند، آن اسب برایش باعث گناه خواهد شد. و شخصی که اسب را برای خشنودی الله نگهداری کند و حق سواری و نگهداری آن را ادا کند، آن اسب باعث نجات وی خواهد شد. و کسی که اسب را برای جهاد در راه الله و دفاع از مسلمانان در چراگاه بزرگ یا باغچه ای نگهداری کند، چنین اسب برای صاحبش اجر و پاداش به ارمغان می آورد و هر اندازه که از آن چراگاه یا باغچه تغذیه کند به همان اندازه برای صاحبش نیکی نوشته می شود. همچنین به اندازه سرگین ها و ادراهای آن اسب برای صاحبش نیکی ثبت می گردد. و اگر طنابش پاره شود و آن اسب یک یا دو تپه را پشت سر بگذارد، در برابر هر قدم و هر سرگین به صاحبش اجر و پاداش می رسد. و اگر این اسب از کنار نهری عبور کند و بدون اینکه صاحبش قصد آب دادن آن را داشته باشد، آب بنوشد، باز هم به صاحبش اجر و ثواب می رسد.

مردم گفتند: یا رسول الله! حکم خرهای اهلی چیست؟ فرمود: در این باره چیزی بر من نازل نشده است، مگر این آیه ی جامع و بی نظیر: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۗ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۗ

﴿٨﴾ {پس کسی که مقدار ذره نیکی کند، پاداش آن را خواهد دید. و کسی که به اندازه ذره بدی کند، کیفر آن را خواهد دید}.

ثمرات ایمان به آخرت

ایمان به آخرت سبب کامیابی دنیا و آخرت است.

ایمان به آخرت سبب نجات از مصیبت‌های دنیا می‌گردد.

ایمان به آخرت باعث می‌شود که ایمان مسلمان قوی شود.

ایمان به آخرت سبب دوری از شرک و کفر می‌گردد.

ایمان به آخرت باعث تقوی و پرهیزگاری می‌شود.

ایمان به آخرت انسان را به اعمال صالح و ترک گناه می‌خواند.

ایمان به آخرت انسان را برای مرگ آماده می‌سازد.

ایمان به آخرت سبب استقامت بر سختی‌ها می‌شود.

خاتمه

- 1 آخرت پایان زندگی دنیا است که هر مسلمان به آن ایمان دارد.
- 2 آخرت پایان امتحان و عمل و آغاز زندگی جاویدانی است.
- 3 آخرت هر فرد با مرگ اش آغاز می گردد؛ زیرا او دیگر قادر به عمل نمی باشد.
- 4 قبر اولین مرحله آخرت است که دارای نعمت و نعمت می باشد.
- 5 ایمان و عمل صالح سبب نجات از سختی و عذاب قبر می گردد. بر خلاف آن کفر و شرک و اعمال بد باعث عذاب در قبر می گردد.
- 6 هنگام وقوع آخرت را هیچ کسی جز الله متعال نمی داند. اما برخی علامات آن را الله متعال برای ما بیان کرده است تا باشد که هر لحظه در فکرش بوده از اعمال صالح دریغ نورزیم.
- 7 روز آخرت دو بار در صور دمیده می شود که با نفخه اولی همه می میرند سپس با نفخه دوم همه زنده گردیده، وقایع آخرت آغاز می گردد.
- 8 بعد از زنده شدن بعد از مرگ، هول و شدت آخرت همه را فرا می گیرد مگر کسی را که الله متعال بخواهد از آن در امان می ماند.
- 9 محمد - ﷺ - یگانه کسی است که الله متعال او را اجازه شفاعت کبری می دهد.
- 10 روز آخرت الله متعال ترازوی می گذارد که توسط آن اعمال بنده ها را وزن می کند، پس هیچ عملی را چه خیر باشد یا شر کوچک نپندارید.
- 11 تمام اعمال بنده ها که در دنیا انجام می دهند در عمل نامه ها نوشته می شود و در روز آخرت عمل نامه هر شخص برایش داده می شود.
- 12 کسی که عمل نامه اش به دست راست اش داده شود، او خوشبخت است. کسی که به دست چپ از پشت سر عمل نامه اش داده شود، او بدبخت است.
- 13 روز آخرت هر شخص در عرق خود به اندازه ای گناهایش غرق و تشنه می باشد. کسی که ایمان و عمل صالح انجام داده پیرو محمد - ﷺ - بوده اجازه ورود بر حوض رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش داده می شود و کسی که پیرو رسول الله - ﷺ - نبوده از نوشیدن از حوض پیامبر - ﷺ - منع کرده می شود.

14 روز آخرت روز عدل و انصاف است. برای مظلوم از ظالم انتقام گرفته می شود حتی عدل پروردگار تقاضا می کند که از حیوانات نیز انتقام گرفته شود، پس حیوانات شاخ دار که بر حیوانات بی شاخ ظلم کرده باشند از آنها نیز انتقام گرفته می شود چه رسد به انسانها!

15 یکی از وقایع روز آخرت گذاشتن پل صراط بر جهنم است. انسانها نظر به ایمان و عمل شان به اشکال مختلف از آن عبور می کنند. کسی مانند برق، کسی مانند اسپ سوار، کسی به سرعت و کسی افتیده و برخاسته، و برخی هم آن را عبور کرده نمی توانند و در جهنم می افتند. نعوذ بالله من ذلک.

۱۶ جنت را الله متعال برای مکافات به مسلمانانی که از اوامر الله متعال اطاعت می کنند و از نواهی اش اجتناب می کنند، آفریده است. و دوزخ را برای مجازات کفار و مسلمانانی گنهگار که بدون توبه از دنیا رفتند، آفریده است.

۱۷ بعد از مراحل مذکور و حساب و کتاب هر فرد طبق ایمان و عمل اش به جنت یا جهنم می رود.

۱۸ برخی مسلمانهای گنهگار که بدون توبه از دنیا رفته اند برای مجازات به جهنم می روند، سپس الله متعال آنها را وارد جنت می کند. اما کفار و کسانی که شرک ورزیدند و در حالت شرک و کفر از دنیا رفته اند، آنها تا ابد در جهنم جاویدان می مانند. الله متعال جنت الفردوس را نصیب ما گردانده از جهنم ما را نجات دهد.

پیشنهادات

بحث آخرت بحث از امور غیبی است. باید هر مسلمان بطور تذکیر و یاد آوری کتابهای مرتبط به امور اخروی را مطالعه کند؛ زیرا فطرت انسان فراموشی است. بعض اوقات انسان در امور دنیوی به حدی مصروف می گردد که آخرت را فراموش می کند، پس مطالعه چنین بحث ها میتواند ایمان مسلمان را قوت بخشیده او را از محرّمات مانع شود. و برای کسی که به آخرت ایمان ندارد امید است ایمان آورده از عقیده ای نادرست اش بر گردد.

فهرست آیات

شماره صفحه	آیات	شماره
۱۴۱	﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ الفاتحة: ٦	1
۱۰ و ۹	﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ البقرة: ٤	2
۹	﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا...﴾ البقرة: ٨	3
۲۰۲ و ۱۹۴	﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ البقرة: ٢٤	4
۱۶۸	﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ البقرة: ٢٥	5
۴۳	﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ...﴾ البقرة: ٥٥ - ٥٦	6
۱	﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...﴾ البقرة: ١٧٧	7
۴۴	﴿* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ...﴾ البقرة: ٢٤٣	8
۴۱	﴿أَوَكَلَّذِي مَرَّةٍ عَلَى قَرْيَةٍ...﴾ البقرة: ٢٥٩	9
۱۱۴	﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...﴾ البقرة: ٢٨٤	10
۲۰۹	﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ...﴾ آل عمران: ١٢	11
۱۸۰	﴿* قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَالِكُمْ...﴾ آل عمران: ١٥	12
۹۰	﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ...﴾ آل عمران: ١٠٦	13

٩٢	﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ...﴾ آل عمران: ١٠٦ - ١٠٧	14
٢٢	﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا...﴾ آل عمران: ١٦٩	15
١٦٤	﴿فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ...﴾ آل عمران: ١٩٥	16
٢١٠	﴿لَا يَغْرِبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ...﴾ آل عمران: ١٩٦ - ١٩٧	17
١٨٠	﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ...﴾ آل عمران: ١٩٨	18
١٨١	﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ...﴾ النساء: ١٣	19
٢١٣	﴿وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾ النساء: ١٤	20
٢٢٤	﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا...﴾ النساء: ٥٦	21
١٦٨	﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ النساء: ٥٧	22
٣٠	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾ النساء: ٥٩	23
٩٨	﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفَعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِمَّا...﴾ النساء: ٨٥	24
٢١٣	﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ...﴾ النساء: ٩٣	25
٢١٢	﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ...﴾ النساء: ١١٥	26
١٦٤	﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ...﴾ النساء: ١٢٤	27
٣٠	﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...﴾ النساء: ١٣٦	28

٢١١	﴿ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ... ﴾ النساء: ١٤٠	29
٢٠٨	﴿ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَرِيحًا ﴾ النساء: ١٤٥	30
٢١٤	﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... ﴾ النساء: ١٦٨ - ١٦٩	31
٢٠٩	﴿ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا... ﴾ المائدة: ١٠	32
١٨١	﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا... ﴾ المائدة: ٦٥	33
٦٧	﴿ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴾ الأنعام: ٢٩ - ٣٠	34
١٠	﴿ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ... ﴾ الأنعام: ٣٢	35
٧٧	﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ... ﴾ الأنعام: ٣٨	36
٥٧	﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ... ﴾ الأنعام: ٧٣	37
٢١	﴿ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي عَمْرَاتِ الْمَوْتِ... ﴾ الأنعام: ٩٣	38
١٢٢	﴿ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ... ﴾ الأعراف: ٨ - ٩	39
٢١٠	﴿ قَالَ أَخْرِجْ مِنْهَا مَذَّةً وَمَا مَدْحُورًا... ﴾ الأعراف: ١٨	40
٢٢٠	﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا... ﴾ الأعراف: ٤٠ - ٤١	41
٣٢	﴿ وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ... ﴾ الأعراف: ٤٤	42
٣٣	﴿ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ... ﴾ الأعراف: 50	43

٦٩	﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا...﴾ (١٤٣) ﴿الأعراف: ١٤٣﴾	44
٥٤	﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا...﴾ (١٧٧) ﴿الأعراف: ١٨٧﴾	45
٢١	﴿وَلَوْ تَرَى إِذِ اتَّوَفَى الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ (٥١) ﴿الأنفال: ٥٠ - ٥١﴾	46
٢١٣	﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَجْبَارِ...﴾ (٣٥) ﴿التوبة: ٣٤ - ٣٥﴾	47
١٩٥	﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أُنذُنِي لِئَلَّا تُفْتِنَنِي...﴾ (٤٩) ﴿التوبة: ٤٩﴾	48
٢١٢	﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾ (٦٣) ﴿التوبة: ٦٣﴾	49
٢١٢	﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارِنَا رَجَهَتَهُمْ...﴾ (٦٨) ﴿التوبة: ٦٨﴾	50
١٦٩	﴿وَمَسَكِنَ طَيْبَةً فِي جَنَّتِ عَدْنٍ...﴾ (٧٢) ﴿التوبة: ٧٢﴾	51
٢٠٣	﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ...﴾ (٨١) ﴿التوبة: ٨١﴾	52
١٨٣	﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ...﴾ (١٠٠) ﴿التوبة: ١٠٠﴾	54
١٩	﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ...﴾ (١٠١) ﴿التوبة: ١٠١﴾	55
١٧٨	﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ...﴾ (٩) ﴿يونس: ٩﴾	56
١٨٨	﴿دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ...﴾ (١٠) ﴿يونس: ١٠﴾	57
٩١	﴿الْآيَاتِ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ...﴾ (٦٢) ﴿يونس: ٦٤ - ٦٤﴾	58
٢١٠	﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ...﴾ (١١٩) ﴿هود: ١١٩﴾	59

٦٦	﴿وَإِن تَعَجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ...﴾ الرعد: ٥	60
١١٢	﴿لَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى...﴾ الرعد: ١٨	61
١٧٥	﴿جَنَّتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا...﴾ الرعد: ٢٣ - ٢٤	62
١٦٤	﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ...﴾ الرعد: ٣٥	63
ب	﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...﴾ إبراهيم: ٧	64
٢١٩	﴿مَنْ وَرَأَيْهٖ جَهَنَّمَ وَيُسْقَى مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ...﴾ إبراهيم: ١٦ - ١٧	65
١٨٨	﴿وَأَدْخَلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ...﴾ إبراهيم: ٢٣	66
٢٤	﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ...﴾ إبراهيم: ٢٧	67
٢٠٩	﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ إبراهيم: ٣٠	68
٧٩	﴿يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ...﴾ إبراهيم: ٤٨	69
٩٦	﴿وَتَرَى الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ...﴾ إبراهيم: ٤٩	70
٢٢٠	﴿سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ وَتَعْنَى وُجُوهُهُمُ النَّارُ...﴾ إبراهيم: ٥٠	71
٢٠٦	﴿وَإِن جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ...﴾ الحجر: ٤٣ - ٤٤	72
١٦٥	﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ...﴾ الحجر: ٤٥ - ٤٨	73
١٤٧	﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ...﴾ الحجر: ٤٧	74

١١٣	﴿فَوَرِّبَاكَ لِنَسْعَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾ الحجر: ٩٢ - ٩٣	75
١٨٥	﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... ﴿٣١﴾﴾ النحل: ٣١	76
١٨٨	﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكَةُ طَيِّبِينَ... ﴿٣٢﴾﴾ النحل: ٣٢	77
٤٠	﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا... ﴿١١١﴾﴾ النحل: ١١١	78
١١٥	﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ... ﴿٣٦﴾﴾ الإسراء: ٣٦	79
٢١٠	﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ... ﴿٣٩﴾﴾ الإسراء: ٣٩	80
٩٠	﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِسْمِهِمْ... ﴿٧١﴾﴾ الإسراء: ٧١	81
١٠٤	﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ... ﴿٧٩﴾﴾ الإسراء: ٧٩	82
٩٦	﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ... ﴿٩٧﴾﴾ الإسراء: ٩٧	83
٤٣	﴿وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَن وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا... ﴿٢١﴾﴾ الكهف: ٢١	84
٤٢	﴿وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا... ﴿٢٥﴾﴾ الكهف: ٢٥	85
٢١٩	﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ... ﴿٢٩﴾﴾ الكهف: ٢٩	86
١٨٧	﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... ﴿٣٠﴾﴾ الكهف: ٣٠ - ٣١	87
١١٨	﴿وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ... ﴿٤٩﴾﴾ الكهف: ٤٩	88
١٩٤	﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا... ﴿١٠٠﴾﴾ الكهف: ١٠٠	89

١٢٧	﴿وَأُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ...﴾ (١٥٥) ﴿الكهف: ١٠٥﴾	90
٢١٢	﴿ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا﴾ (١١٦) ﴿الكهف: ١٠٦﴾	91
١٩٠	﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ (١١٨) ﴿الكهف: ١٠٧ - ١٠٨﴾	92
٣٤	﴿وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (١٣١) ﴿مريم: ٣٩﴾	93
١٨٨	﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعَاؤَ إِلَّا سَلْمًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعِشْيَاءٌ﴾ (١٣٦) ﴿مريم: ٦٢﴾	94
٢١١	﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ...﴾ (١٣٨) ﴿مريم: ٦٨﴾	95
١٤١	﴿وَلَنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا﴾ (١٤١) ﴿مريم: ٧١﴾	96
٩٢	﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا﴾ (١٤٥) ﴿مريم: ٨٥﴾	97
١٠٠	﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ (١٤٧) ﴿مريم: ٨٧﴾	98
٣٨	﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ﴾ (١٥٥) ﴿طه: ١٥﴾	99
١٧١	﴿وَمَنْ يَأْتِهِ مَوْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ...﴾ (١٧٦) ﴿طه: ٧٥ - ٧٦﴾	100
٩٥	﴿يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ (١٧٦) ﴿طه: ١٠٢﴾	101
٨٣	﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ...﴾ (١٧٧) ﴿طه: ١٠٥ - ١٠٧﴾	102
٨٩	﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَأَعْوَجَ لَهُ...﴾ (١٧٨) ﴿طه: ١٠٨﴾	103
١٠٠	﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفْعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ (١٧٩) ﴿طه: ١٠٩﴾	104

١١٠	﴿ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾ ﴾ الأنبياء: ١	105
١٠٣	﴿ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ... ﴿٢٨﴾ ﴾ الأنبياء: ٢٦ - ٢٨	106
١٠٠	﴿ يَعْلَمُ مَا يَبْتَغِي أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ... ﴿٢٨﴾ ﴾ الأنبياء: ٢٨	107
٢٠٩	﴿ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ... ﴿٢٩﴾ ﴾ الأنبياء: ٢٩	108
١٢٦	﴿ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ... ﴿٤٧﴾ ﴾ الأنبياء: ٤٧	109
٢٠٢	﴿ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ... ﴿٩٨﴾ ﴾ الأنبياء: ٩٨	110
٢٢١	﴿ لَهَرَفِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ ﴾ الأنبياء: ١٠٠	111
٩٢	﴿ لَا يَخْزِيهِمُ الْقَرْعُ الْأَكْبَرُ... ﴿١٠٣﴾ ﴾ الأنبياء: ١٠٣	112
٨٢	﴿ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ... ﴿١٠٤﴾ ﴾ الأنبياء: ١٠٤	113
٨١	﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ كُمْ أَنْزَلْنَا السَّاعَةَ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ ﴾ الحج: ١	114
٨٩	﴿ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ... ﴿٢﴾ ﴾ الحج: ٢	115
٤٤	﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ... ﴿٧﴾ ﴾ الحج: ٥ - ٧	116
٢٢٠	﴿ هَذَا نِ حَصَمَانٍ أَحْتَصِمُوا فِي رَيْبِهِمْ... ﴿١٩﴾ ﴾ الحج: ١٩	117
٢٢٣	﴿ هَذَا نِ حَصَمَانٍ أَحْتَصِمُوا فِي رَيْبِهِمْ... ﴿٢٢﴾ ﴾ الحج: ١٩ - ٢٢	118
١٨٦	﴿ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... ﴿٢٣﴾ ﴾ الحج: ٢٣	119

٢١٢	﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ...﴾ ٥١ ﴿الحج: ٥١﴾	120
٢٤	﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ ٥٨ - ٥٩ ﴿الحج: ٥٨ - ٥٩﴾	121
١٦	﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرَزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ ١٠٠ ﴿المؤمنون: ١٠٠﴾	122
١٢١	﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ...﴾ ١٠١ - ١٠٣ ﴿المؤمنون: ١٠١ - ١٠٣﴾	123
٢٠٤	﴿إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا﴾ ١٢ ﴿الفرقان: ١٢﴾	124
٢٢١	﴿وَإِذَا أُلْفُوا مِنْهَا مَكَانًا صَبِيحًا مُّفْرِنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا﴾ ١٣ ﴿الفرقان: ١٣﴾	125
١٧٩	﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِمُتَّقِينَ﴾ ٩٠ ﴿الشعراء: ٩٠﴾	126
١٩٤	﴿وَبُرُزَّتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ﴾ ٩١ ﴿الشعراء: ٩١﴾	127
١١٥	﴿وَقِيلَ لَهُمْ إِن مَّا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ...﴾ ٩٢ - ٩٣ ﴿الشعراء: ٩٢ - ٩٣﴾	128
١١٠	﴿إِن حَسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَو تَشْعُرُونَ﴾ ١١٣ ﴿الشعراء: ١١٣﴾	129
٩٦	﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ ٨٣ ﴿النمل: ٨٣﴾	130
٦٨ ، ٦٥ و ٧٠	﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...﴾ ٨٧ ﴿النمل: ٨٧﴾	131
٩١	﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ ٨٩ ﴿النمل: ٨٩﴾	132
١١٥	﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ﴾ ٦٥ ﴿القصص: ٦٥﴾	133
١٣	﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ...﴾ ٦٤ ﴿العنكبوت: ٦٤﴾	134

٤٦	﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْحَيَاةَ ثُمَّ يُعِيدُهُ...﴾ (٢٧) ﴿الروم: ٢٧﴾	135
٣١	﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ...﴾ (٥٦) ﴿الروم: ٥٥ - ٥٦﴾	136
١٦٥	﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ...﴾ (١٧) ﴿السجدة: ١٧﴾	137
١٠٠	﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَن أَذِنَ لَهُ...﴾ (٢٣) ﴿سبأ: ٢٣﴾	138
١٩٨	﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا...﴾ (٦) ﴿فاطر: ٦﴾	139
٤٥	﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ...﴾ (٩) ﴿فاطر: ٩﴾	140
١٨٧	﴿جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا...﴾ (٣٣) ﴿فاطر: ٣٣﴾	141
١٩١	﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ...﴾ (٣٥) ﴿فاطر: ٣٤ - ٣٥﴾	142
٢٢٤	﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ...﴾ (٣٦) ﴿فاطر: ٣٦﴾	143
٢٢١	﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ...﴾ (٣٧) ﴿فاطر: ٣٦ - ٣٧﴾	144
٥٨	﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ...﴾ (٥٠) ﴿يس: ٤٩ - ٥٠﴾	145
٧٦	﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ...﴾ (٥٣) ﴿يس: ٥١ - ٥٣﴾	146
٢٠	﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا...﴾ (٥٥) ﴿يس: ٥٢﴾	147
١٩٥	﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ...﴾ (٦٥) ﴿يس: ٦٣ - ٦٥﴾	148
٢١١	﴿* أَحْسِرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ...﴾ (٣٣) ﴿الصفات: ٢٢ - ٢٣﴾	149

١٤٦	﴿مِن دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ﴾ ﴿٢٣﴾ الصافات: ٢٣	150
١١١	﴿وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْغُولُونَ﴾ ﴿٢٤﴾ الصافات: ٢٤	151
١٨٩	﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ...﴾ ﴿٤٧﴾ الصافات: ٤٠ - ٤٧	152
١٩٠	﴿وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتُ الظُّرُفِ عَيْنٌ...﴾ ﴿٤٩﴾ الصافات: ٤٨ - ٤٩	153
٢١٨	﴿أَذَلِك خَيْرٌ لَّا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ...﴾ ﴿٦٦﴾ الصافات: ٦٢ - ٦٦	154
٢١٩	﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوَابًا مِّن حَمِيمٍ﴾ ﴿٦٧﴾ الصافات: ٦٧	155
١١٠	﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْنَا قَوْمَنَا فَوَلَّوْنَاكَ يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ ﴿١٦﴾ ص: ١٦	156
٣٣	﴿إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ ﴿٢٦﴾ ص: ٢٦	157
١٧٥	﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِن لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَّكَابٍ...﴾ ﴿٥٠﴾ ص: ٤٩ - ٥٠	158
١٦٨	﴿مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ﴾ ﴿٥١﴾ ص: ٥١	160
١٩٠	﴿*وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتُ الظُّرُفِ أَتْرَابٌ...﴾ ﴿٥٤﴾ ص: ٥٢ - ٥٤	161
٤٧	﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...﴾ ﴿٤٢﴾ الزمر: ٤٢	162
٩٩	﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا...﴾ ﴿٤٤﴾ الزمر: ٤٤	163
٩٢	﴿وَيَسْجُدُ لِلَّهِ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ...﴾ ﴿٦١﴾ الزمر: ٦١	164
٨١	﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...﴾ ﴿٦٧﴾ الزمر: ٦٧	165

٦٠، ٦٣ و ٦٧	﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...﴾ ﴿٦٨﴾ الزمر: ٦٨	166
٢٠٧	﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا...﴾ ﴿٧٠﴾ الزمر: ٧١ - ٧٢	167
٣١	﴿رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ...﴾ ﴿١٥﴾ غافر: ١٥	168
١٠١	﴿مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ ﴿١٨﴾ غافر: ١٨	169
٣٢	﴿وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ...﴾ ﴿٣٣﴾ غافر: ٣٢ - ٣٣	170
١٨	﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا...﴾ ﴿٤٦﴾ غافر: ٤٦	171
٢٠٦	﴿وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ...﴾ ﴿٤٩﴾ غافر: ٤٩	172
٣٧	﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾ ﴿٥١﴾ غافر: ٥١	173
١٨٤	﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...﴾ ﴿٣٢﴾ فصلت: ٣١ - ٣٢	174
١٩٨ و ٣٣	﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا...﴾ ﴿٧﴾ الشورى: ٧	175
١٢٢	﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ...﴾ ﴿٧﴾ الشورى: ١٧	176
٢٠٥	﴿وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَلَائِكَةٌ﴾ ﴿٧٧﴾ الزخرف: ٧٧	177
٩٩	﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ...﴾ ﴿٨٦﴾ الزخرف: ٨٦	178
٢١٩	﴿إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ...﴾ ﴿٤٦﴾ الدخان: ٤٣ - ٤٦	179
٢٢٢	﴿خُدُوهُ فَاعْتَبِرْهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾ ﴿٤٧﴾ الدخان: ٤٧	180

٢٢٤	﴿ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ...﴾ (٥٠) الدخان: ٤٨ - ٥٠	181
١٦٦	﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾﴾ الدخان: ٥١ - ٥٢	182
١٨٧	﴿يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَلِبِينَ ﴿٥٣﴾﴾ الدخان: ٥٣	183
١٩٠	﴿كَذَلِكَ وَرَوَّجْتَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ...﴾ (٥٧) الدخان: ٥٤ - ٥٧	184
٢٣	﴿وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ...﴾ (٦) محمد: ٤ - ٦	185
١٤٦	﴿سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْقَوْلِ ﴿٥٠﴾﴾ محمد: ٥	186
١٦٦	﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ...﴾ (٥٠) محمد: ١٥	187
٦٠ و ٣٧	﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ ﴿٢٠﴾﴾ ق: ٢٠	188
٢١٥	﴿الْقِيَامِ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ...﴾ (٣٦) ق: ٢٤ - ٢٦	189
٢٠١	﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ﴿٣٠﴾﴾ ق: ٣٠	190
٣٤	﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾﴾ ق: ٣٤	191
٧٦	﴿يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾﴾ ق: ٤٤	192
٨٤	﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾﴾ الطور: ٩	193
١٨٩	﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ...﴾ (٢٤) الطور: ١٧ - ٢٤	194
١٨٥	﴿وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَلَكَهَاتٍ وَالْحَمِيمِ مَائِشَتَهُونَ...﴾ (٢٣) الطور: ٢٢ - ٢٣	195

٣٠	﴿أَزِفَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ لِلَّهِ كَأَشْفَقَةٍ﴾ النجم: ٥٧ - ٥٨	196
٩٥	﴿حُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ﴾ القمر: ٧	197
١٩٩	﴿إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ...﴾ القمر: ٤٧ - ٤٨	198
٢٠٠	﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ...﴾ القمر: ٤٨ - ٤٩	199
١٢٢	﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ...﴾ الرحمن: ٧ - ٩	200
٤٠	﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ الواقعة: ١	201
١٦٩	﴿وَطَلَّ مَمْدُودٍ﴾ الواقعة: ٣٠	202
٢٠٤	﴿فِي سَمُورٍ وَحَمِيمٍ...﴾ الواقعة: ٤٢ - ٤٤	203
٨	﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ الحديد: ٣	204
٩٣	﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ الحديد: ١٢	205
١٤٢	﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ الحديد: ١٢ - ١٥	206
١٢٣	﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ...﴾ الحديد: ٢٥	207
١١٤	﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا...﴾ المجادلة: ٦	208
٧٨ و ٧٤	﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...﴾ الحشر: ٢	209
٣١	﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ﴾ التغابن: ٩	210

٢٠٥	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...﴾ التحريم: ٦	211
١٤٣	﴿رَبَّنَا أَتَمَّمْ لَنَا نُورَنَا وَأَعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ التحريم: ٨	212
٢٠٤	﴿إِذَا الْقُوفَىٰ سَمِعُوا أَلْهَاهُمْ سَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ﴾ الملك: ٧	213
١٩٩	﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ الملك: ١١	214
٣٨	﴿الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَذْرَبِكِ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾﴾ الحاقة: ١ - ٣	215
٨٢ و ٦٠	﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ...﴾ الحاقة: ١٣ - ١٥	216
٨٤	﴿وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فِي يَوْمِئِذٍ وَهِيَ كَالْغَيْظِ الْمُبِينِ﴾ الحاقة: ١٦	217
١١٠	﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ الحاقة: ١٨	218
١١٧	﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَيَمِينِهِ...﴾ الحاقة: ١٩ - ٢٢	219
١١٧	﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ...﴾ الحاقة: ٢٥ - ٣١	220
٢٢٢	﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ...﴾ الحاقة: ٣٠ - ٣٢	221
٢٠٠	﴿كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْلَىٰ ﴿١٥﴾ نَزَاعَةً لِّلنَّوَىٰ ﴿١٦﴾﴾ المعارج: ١٥ - ١٦	222
٩٥	﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا...﴾ المعارج: ٤٣ - ٤٤	223
٢٠	﴿مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذَلُّوا نَارًا...﴾ نوح: ٢٥	224
٦٣	﴿يَوْمَ تَرُفُّ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾ المزمل: ١٤	225

٢١٣	﴿إِلَّا بَلَّغْنَا مِنْ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ...﴾ (٢٣) الجن: ٢٣	226
٥٧	﴿فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ...﴾ (١٠) المدثر: ٨	227
٦٠	﴿فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ...﴾ (١٠) المدثر: ٨ - ١٠	228
٢٠٥	﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ (٣٠) المدثر: ٣٠	229
١٥٥	﴿عَنِ الْمَجْرِمِينَ...﴾ (٤٧) المدثر: ٤١ - ٤٧	230
١٩٩	﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ (٤٤) المدثر: ٤٢	231
١٥٥	﴿فَمَا تَفْعَلُهُمْ شَفَعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ (٤٨) المدثر: ٤٨	232
٣٦	﴿لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ...﴾ (١٣) القيامة: ١ - ١٣	233
٨٥	﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ...﴾ (١٠) القيامة: ٧ - ١٠	234
٩٢	﴿فَوَقَّاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا﴾ (١١) الإنسان: ١١	235
٨٣	﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ﴾ (١٠) المرسلات: ١٠	236
٢٠٤	﴿أَنْظِلْفُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ...﴾ (٣٣) المرسلات: ٣٠ - ٣٣	237
٣٦	﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (١٧) النبا: ١٧	238
٩٠	﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ (١٨) النبا: ١٨	239
٨٤	﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ (١٩) النبا: ١٩	240

٨٣	﴿وَسَيَرِتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ ﴿٢٠﴾ النبا: ٢٠	241
٢١٥	﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا...﴾ ﴿٢٢﴾ النبا: ٢١ - ٢٢	242
٢١٩	﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا...﴾ ﴿٢٥﴾ النبا: ٢٤ - ٢٥	243
٣٧	﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا...﴾ ﴿٣٨﴾ النبا: ٣٨	244
٧٧	﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ بَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ ﴿٤٠﴾ النبا: ٤٠	245
٦٣	﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ...﴾ ﴿٧﴾ النازعات: ٦ - ٧	246
٤٦	﴿ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَوْ السَّمَاءُ بَدَنَهَا...﴾ ﴿٣٣﴾ النازعات: ٢٧ - ٣٣	247
٣٩	﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى...﴾ ﴿٣٦﴾ النازعات: ٣٤ - ٣٦	248
١٩٥	﴿وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى﴾ ﴿٣٦﴾ النازعات: ٣٦	249
٢١٥	﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى...﴾ ﴿٣٩﴾ النازعات: ٣٧ - ٣٩	250
١٨٠	﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ...﴾ ﴿٤١﴾ النازعات: ٤٠ - ٤١	251
٣٨	﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ...﴾ ﴿٣٧﴾ عبس: ٣٣ - ٣٧	252
٨٨	﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ...﴾ ﴿٣٧﴾ عبس: ٣٤ - ٣٧	253
٩٢	﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ...﴾ ﴿٣٩﴾ عبس: ٣٨ - ٣٩	254
٩٦	﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ...﴾ ﴿٤٢﴾ عبس: ٤٠ - ٤٢	255

٨٤	﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾﴾ التكوير: ١	256
٨٥	﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ... ﴿٢﴾﴾ التكوير: ١ - ٢	257
٧٧	﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾﴾ التكوير: ٥	258
٨٣	﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾﴾ التكوير: ٦	259
١٩٥	﴿وَإِذَا الْجِبَبُ سُعِرَتْ ﴿١٣﴾﴾ التكوير: ١٢	260
٨٤	﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ ﴿١﴾﴾ الانفطار: ١	261
٨٥	﴿وَإِذَا الْكُوكَبُ أُنثَرَتْ ﴿٢﴾﴾ الانفطار: ٢	262
٨٣	﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِرَتْ ﴿٣﴾﴾ الانفطار: ٣	263
٣٥	﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ... ﴿١٩﴾﴾ الانفطار: ١٣ - ١٩	264
٨٩ و ٣٧	﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾﴾ المطففين: ٦	265
١٩٧	﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ... ﴿١٠﴾﴾ المطففين: ٧ - ١٠	266
٨٤	﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ... ﴿٢﴾﴾ الانشقاق: ١ - ٢	267
١١٢	﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ... ﴿٨﴾﴾ الانشقاق: ٧ - ٨	268
١١٧	﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ... ﴿١٢﴾﴾ الانشقاق: ١٠ - ١٢	269
٢١٤ و ١٩	﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ... ﴿١٠﴾﴾ البروج: ١٠	270
٣٩	﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ ﴿١﴾﴾ الغاشية: ١	271

١١٠	﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ...﴾ الغاشية: ٢٥ - ٢٦	272
٢١١	﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ...﴾ البينة: ٦	273
١١٣، ٣٥ ٢٢٩ و	﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ...﴾ الزلزلة: ٧ - ٨	274
٣٩	﴿الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ...﴾ القارعة: ١ - ٥	275
٨٨	﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿١﴾﴾ القارعة: ٤	276
٨٣	﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾﴾ القارعة: ٥	277
١٢٢	﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ...﴾ القارعة: ٦ - ١١	278
٢٠٠	﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ...﴾ القارعة: ٨ - ١١	279
١٩٥	﴿لَتَرْوُنَّ الْجَحِيمَ...﴾ التكاثر: ٦ - ٧	280
١٩٦	﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ...﴾ الهمزة: ٤ - ٧	281
١٢٨	﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ...﴾ الكوثر: ١ - ٣	282

فهرست احاديث

شماره صفحه	احاديث	شماره
١٥٠	آتِي بَابِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاسْتَفْتِحُ	١
٢٦	اسْتَعْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُوا لَهُ التَّيْبَتَ فَإِنَّهُ الآنَ يُسْأَلُ	٢
٢١٧	اطَّلَعْتُ فِي الْجَنَّةِ	٣
١٢٥	اقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ	٤
٢٠٣	أَبْرِدُوا بِالظَّهْرِ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ	٥
١٧٩	أَتَانِي آتٍ مِنْ رَبِّي فَأَخْبَرَنِي أَوْ قَالَ بَشَّرَنِي	٦
١١٩	أَتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟	٧
١٢٨	أَتَيْتُ عَلَى نَهْرٍ حَافَتَاهُ قِيَابُ اللَّوْلُوِّ مُجَوِّفًا	٨
٢٢	أُرَوِّحُهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خُضِرَ لَهَا قَنَادِيلُ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ ...	٩
١٦٢	أَرَيْتُ النَّارَ فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا النِّسَاءُ	١٠
١٣١	أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ	١١
١٦٥	أَعْدَدْتُ لِعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ	١٢
١٥٨	أَعْطَيْتُ حَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي	١٣
٩٦	أَلَيْسَ الَّذِي أَمْشَاهُ عَلَى الرَّجْلَيْنِ فِي الدُّنْيَا...	١٤
١٣٢	أَمَامَكُمْ حَوْضٌ كَمَا بَيْنَ جَرْبَاءَ وَالدُّرِّحِ	١٥
١٧٧	أَمَّتِي يَا رَبِّ أَمَّتِي يَا رَبِّ أَمَّتِي	١٦

١٥٠	أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَنَا أَوْلُ مَنْ يَفْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ	١٧
١٥٣	أَنَا أَوْلُ شَفِيعٍ فِي الْجَنَّةِ، لَمْ يُصَدَّقْ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ	١٨
١٤٩	أَنَا أَوْلُ النَّاسِ يَشْفَعُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا	١٩
٦٨	أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	٢٠
١٠٦	أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	٢١
١٣٥ و ١٢٩	أَنَا فَرَطَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ	٢٢
٤٨	أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	٢٣
١٩٢	أَنْ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ فِي الزَّرْعِ	٢٤
١٦٥	أَنَّهُ مَنْ قُتِلَ مِنَّا صَارَ إِلَى الْجَنَّةِ	٢٥
١٦٣	أَوْ لَا تَتَذَرِينَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ وَخَلَقَ النَّارَ	٢٦
١٩٢	أَوْلُ زُمْرَةٍ تَلِجُ الْجَنَّةَ صُورَتُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ	٢٧
١٦٠	أَهْوَنُ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا أَبُو طَالِبٍ	٢٨
٢٠٨ و ١٧٨	إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فَتُحْتَفَتُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ	٢٩
١٩١	إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى	٣٠
١٧٣	إِذَا سَمِعْتُمْ الْمُؤَذِّنَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ	٣١
١٣٨	إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ	٣٢
٢٠٣	اسْتَنْكَتِ النَّارُ إِلَى رَبِّهَا	٣٣
١٧٧	إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ	٣٤
٢٥	إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ	٣٥

١٧٤	إِنَّ أَدْنَىٰ مَقْعَدِٰكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ	٣٦
٩٤	إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ	٣٧
١١٦	إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	٣٨
١١٦	إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَكَّمُ بَيْنَ الْعِبَادِ فِي الدِّمَاءِ	٣٩
١١٦	إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	٤٠
١٧٢	إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْعَرْفِ مِنْ فَوْقِهِمْ	٤١
١٨٥	إِنَّ اسْمِي مُحَمَّدٌ الَّذِي سَمَّانِي بِهِ أَهْلِي	٤٢
١٣٤	إِنَّ حَوْضِي أَبْعَدُ مِنْ أَيْلَةٍ مِنْ عَدَنٍ	٤٣
١٨٤	إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ	٤٤
٦١	إِنْ طَرَفَ صَاحِبُ الصُّورِ مُنْذُ وُكِّلَ بِهِ، مُسْتَعِدًّا، يَنْظُرُ نَحْوَ الْعَرْشِ	٤٥
٢٧	إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ	٤٦
٢٠٢	إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ، يَنْزِلُ بِهَا فِي النَّارِ	٤٧
٤٩	إِنَّ فِي الْإِنْسَانِ عَظْمًا لَا تَأْكُلُهُ الْأَرْضُ أَبَدًا	٤٨
١٧٥	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ	٤٩
١٧١	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ حَيْمَةَ مِنْ لَوْلُؤَةٍ مُجَوَّفَةٍ	٥٠
١٦٩ و ١٦٨	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجْرَةً يَسِيرُ الرَّابِطُ فِي ظِلِّهَا	٥١
١٣٢	إِنَّ قَدْرَ حَوْضِي كَمَا بَيْنَ أَيْلَةٍ وَصَنْعَاءَ مِنَ الْيَمَنِ	٥٢
١٢٩	إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي أَثْرَةً فَاصْبِرُوا	٥٣
٧٨	إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ رَجَالًا وَرُكْبَانًا	٥٤

٩٠	إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ رَجَالًا وَرُكْبَانًا وَتَجْرُونَ عَلَى وُجُوهِكُمْ	٥٥
١٣٠	إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا	٥٦
١١	إِنَّ الْقَبْرَ أَوَّلَ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ،	٥٧
٢٩	إِنَّ لِلْقَبْرِ ضَعْفَةَ	٥٨
١٩١	إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ	٥٩
١٥٩	إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ قَوْمًا مِنَ النَّارِ بِالشَّفَاعَةِ	٦٠
١١١	إِنَّ اللَّهَ يُدْنِي الْمُؤْمِنَ فَيَضَعُ عَلَيْهِ كَفَّهُ وَيَسْتُرُهُ	٦١
٥٨	إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ	٦٢
٧٤	إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلِهَا عَشْرَ آيَاتٍ	٦٣
٢٦	إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ تُبْتَلَى فِي قُبُورِهَا	٦٤
٢٨	إِنَّ هَذِهِ الْقُبُورَ مَمْلُوءَةٌ ظُلْمَةً عَلَى أَهْلِهَا	٦٥
١٢٧	إِنَّهُ لَيَأْتِي الرَّجُلَ الْعَظِيمُ السَّمِينُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	٦٦
٦٩	إِنِّي أَوَّلُ مَنْ يَرْفَعُ رَأْسَهُ بَعْدَ النَّفْحَةِ الْآخِرَةِ	٦٧
١٢	إِنْ يَعْشَ هَذَا، لَمْ يُدْرِكْهُ الْهَرَمُ، قَامَتْ عَلَيْكُمْ سَاعَتُكُمْ	٦٨
١٦٢	إِنِّي أَرَيْتُ الْجَنَّةَ فَتَنَاوَلْتُ مِنْهَا عُنُقُودًا	٦٩
٢٦	إِنِّي قَدْ رَأَيْتُكُمْ تُفْتَنُونَ فِي الْقُبُورِ كَفِتْنَةِ الدَّجَالِ	٧٠
١٧٣	إِنِّي لِأَعْلَمُ آخِرَ أَهْلِ النَّارِ خُرُوجًا مِنْهَا	٧١
١	الإِيمَانُ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ	٧٢
٧٠	أَوْلَيْكَ الشَّهَدَاءُ، وَإِنَّمَا يَصِلُ الْفَرْعُ إِلَى الْأَحْيَاءِ	٧٣

٥٠	بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةَ هَكَذَا	٧٤
١٣٠	بَيْنَمَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا زُمِرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتَهُمْ	٧٥
١٦٧	بَيْنَمَا أَنَا أُسِيرُ فِي الْجَنَّةِ	٧٦
٦٣	بَيْنَ النَّفَّاثِينَ أَرْبَعُونَ	٧٧
٢١٥	تَحَاجَّتِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ	٧٨
٩٠	تُذَنِّي الشَّمْسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْخَلْقِ	٧٩
١٣٣	تَرِدُ عَلَيَّ أُمَّتِي الْحَوْضِ، وَأَنَا أَدُودُ النَّاسِ عَنْهُ	٨٠
١٨٢	تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا	٨١
٨٠	تَكُونُ الْأَرْضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُبْزَةً وَاحِدَةً	٨٢
١٦٧	ثُمَّ انْطَلَقَ بِي حَتَّى انْتَهَى بِي إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى	٨٣
١٦٦	ثُمَّ رُفِعَتْ إِلَيَّ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى	٨٤
٧٢	ثُمَّ يُفِيضُ أَرْوَاحَ الْبَاقِينَ حَتَّى يَكُونَ آخِرُ مَنْ يَمُوتُ مَلَكُ الْمَوْتِ	٨٥
١٥١	ثُمَّ يُقَالُ يَا مُحَمَّدُ ارْفَعْ رَأْسَكَ سَلِّ تَعْطُهُ وَاشْفَعْ تُشَفِّعُ	٨٦
٥٩ و ٦٤	ثُمَّ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَلَا يَسْمَعُهُ أَحَدٌ إِلَّا أَصْعَى لَيْثًا وَرَفَعَ لَيْثًا	٨٧
١٧١	جَنَّتَانِ مِنْ فِضَّةٍ أُنْبِئْتُهُمَا، وَمَا فِيهِمَا	٨٨
١٥٦	حَتَّى إِذَا خَلَصَ الْمُؤْمِنُونَ مِنَ النَّارِ	٨٩
١٩٦	الْحَمَّى مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرَدُوهَا بِالْمَاءِ	٩٠
١٣٣	حَوْضِي مَسِيرَةٌ شَهْرٍ	٩١
١٣٥	حَوْضِي مِنْ عَدَنَ إِلَى عَمَانَ الْبَلْقَاءِ	٩٢

٥٤	خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فِيهِ خُلِقَ آدَمُ	٩٣
٢١٤	دَنَتْ مِنِّي النَّارُ	٩٤
٢٢٥	رَأَيْتُ عَمْرَو بْنَ عَامِرِ بْنِ لَحْيٍ الْحَرَّاعِيَّ يَجْرُ قُصْبَهُ فِي النَّارِ	٩٥
١٩٦ و ١٦٢	رَأَيْتُ فِي مَقَامِي هَذَا كُلَّ شَيْءٍ وَعِدَّتُمْ	٩٦
٢٠٥	رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أَتْيَانِي	٩٧
١٦٩	رَأَيْتُنِي دَخَلْتُ الْجَنَّةَ	٩٨
١٩٩	رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ تُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ	٩٩
٩٣	سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ تَعَالَى فِي ظِلِّهِ	١٠٠
٥٣	سَتَكُونُ فِتْنٌ، الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ	١٠١
١٣٤	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ،	١٠٢
١٠٣	شَفَعَتِ الْمَلَائِكَةُ، وَشَفَعَ النَّبِيُّونَ، وَشَفَعَ الْمُؤْمِنُونَ	١٠٣
٨٥	الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مُكْوَرَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	١٠٤
١٨٣	الصَّلَاةُ عَلَى مَوَاقِفِهَا	١٠٥
٢١٧	صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا	١٠٦
١٢٣	الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ	١٠٧
١٦٣	عُرِضَتْ عَلَيَّ النَّارُ وَأَنَا أَصْلِي	١٠٨
١٥٢ و ١١٢	عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأُمَّمُ	١٠٩
٥٥	عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأَيَّامُ	١١٠
٥٠	فَإِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ	١١١

٥٣	فَأَيُّ لَأَرَى الْفِتْنَةَ تَفْعُ خِلَالَ بُيُوتِكُمْ كَوَقْعِ الْقَطْرِ	١١٢
٢٨	فَذَكَرَ فِتْنَةَ الْقَبْرِ الَّتِي يَفْتِنُ فِيهَا الْمَرْءُ	١١٣
١٥٤	فَيَأْتُونِي فَأَنْطَلِقُ فَأَسْتَأْذِنُ عَلَى رَبِّي فَيُؤْذَنُ لِي عَلَيْهِ	١١٤
١٧٤	فَيَجِدُ النَّاسَ قَدْ أَخَذُوا الْمَنَازِلَ	١١٥
١٧٥	فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ	١١٦
٦٥	قَرْنٌ عَظِيمٌ يُنْفَخُ فِيهِ ثَلَاثُ نَفَخَاتٍ	١١٧
٥٧	قَرْنٌ يُنْفَخُ فِيهِ	١١٨
١٧٨	فَمُنْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَكَانَ عَامَّةً مَنْ دَخَلَهَا الْمَسَاكِينُ	١١٩
٢٠٧	قَوْمٌ يَهْدُونَ بِغَيْرِ هُدًى تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنْكِرُ	١٢٠
٤٩	كَذَّبَنِي ابْنُ آدَمَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ	١٢١
١٣٢	كَمَا بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَصَنْعَاءَ	١٢٢
١٧٩	كَأَنَّ، إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي النَّارِ فِي بُرْدَةٍ غَلَّهَا	١٢٣
١٨٢	كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى	١٢٤
٩٥	كُلُّ كَلِمٍ يُكَلِّمُهُ الْمُسْلِمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَكُونُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	١٢٥
١٢٥	كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ	١٢٦
٢١٧	كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ	١٢٧
٦١	كَيْفَ أَنْعَمُ وَقَدْ التَّقَمَ صَاحِبُ الْقُرْنِ الْقُرْنَ	١٢٨
٢٠١	لَا تَزَالُ جَهَنَّمُ { تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ } ...	١٢٩
١١٥	لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ...	١٣٠

٦٠ و ٦٨	لَا تَفْضَلُوا بَيْنَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ...	١٣١
٧٩	لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ ...	١٣٢
٤٨	لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطَّلَعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا...	١٣٣
٥١	لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُفْبِضَ الْعِلْمُ...	١٣٤
٥٢	لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقْتَتِلَ فِتْنَانِ دَعَوَاهُمَا وَاحِدَةً...	١٣٥
٥٣	لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ...	١٣٦
٢١٦	لَا تَكْذِبُوا عَلَيَّ...	١٣٧
١٤١	لَا يَمُوتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِنْ الْوَالِدِ فَيَلِجَ النَّارَ إِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ..	١٣٨
١١٨ و ٧٧	لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقَ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ...	١٣٩
١٩٣ و ١٨٣	لَرُوحَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ عِدْوَةٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا...	١٤٠
١٦٠	لَعَلَّهُ تَنْفَعُهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ...	١٤١
١٥٨	لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ...	١٤٢
١٠٥	لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ يَدْعُوهَا...	١٤٣
٨	اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ...	١٤٤
٢٦	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ...	١٤٥
٦٢	اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ...	١٤٦
١٨٧	لَمَنَادِيلُ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْ هَذَا...	١٤٧
١١٣	لَيْسَ أَحَدٌ يُحَاسِبُ إِلَّا هَلَكَ...	١٤٨
٢١٨	مَا بَيْنَ مَكِّيِّ الْكَافِرِ فِي النَّارِ...	١٤٩

٢٢٨	مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ...	١٥٠
١٧٠	مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُصَلِّيَ لِلَّهِ كُلَّ يَوْمٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً تَطَوُّعًا...	١٥١
٢٤	الْمُسْلِمُ إِذَا سُئِلَ فِي الْقَبْرِ...	١٥٢
١٧٢	مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ...	١٥٣
٥١	مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيُظْهَرَ الْجَهْلُ...	١٥٤
١٧٦	مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ نُودِيَ فِي الْجَنَّةِ...	١٥٥
١٧٧	مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ دَعَاهُ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ...	١٥٦
٢٢٨	مَنْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ فَقَتَلَ نَفْسَهُ...	١٥٧
٨٥	مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...	١٥٨
١٥٣	مَنْ صَبَرَ عَلَى لَأَوَائِهَا، كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا...	١٥٩
١٨٣	مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ، أَوْ رَاحَ...	١٦٠
١٧٦	مَنْ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ...	١٦١
١٠٥	مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ...	١٦٢
١٧٠	مَنْ قَتَلَ نَفْسًا مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ...	١٦٣
١٢٠	مَنْ قَدَفَ مَمْلُوكَهُ بِالزَّنَانِ...	١٦٤
١١٩	مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ مِنْ عَرَضِهِ...	١٦٥
٢١٠	مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ...	١٦٦
١٣٥	مَنْ وَرَدَ شَرِبَ...	١٦٧
٢٢٤	مِنْهُمْ مَنْ تَأَخَذَهُ النَّارُ إِلَى كَعْبِيهِ...	١٦٨

٩٤	الْمُؤَدَّبُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ...	١٦٩
٢٠٣	نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ...	١٧٠
١٥٩	نَعْمَ هُوَ فِي ضَحَضَاحٍ مِنْ نَارٍ...	١٧١
١٢٨	نَهْرٌ أُعْطِيَهُ نَبِيِّكُمْ	١٧٢
١٨٥	وَأَمَّا أَوَّلُ طَعَامٍ يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرِيَادَةٌ كَبِيدِ حُوتٍ...	١٧٣
٢١٦	وَأَهْلُ النَّارِ خَمْسَةٌ...	١٧٤
١٩٧	وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا...	١٧٥
١٤٥	وَتُرْسَلُ الْأَمَانَةُ وَالرَّحْمُ...	١٧٦
٢٨	وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا...	١٧٧
٩٤	وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَجْمَعُ لِعَبْدِي أَمْنَيْنِ وَلَا خَوْفَيْنِ...	١٧٨
٥٤	وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يُصَادِفُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ يُصَلِّي...	١٧٩
٥٩	وَأَلْتَقَوْا مِنَ السَّاعَةِ وَقَدْ نَشَرَ الرَّجُلَانِ ثَوْبَهُمَا بَيْنَهُمَا	١٨٠
٢٠١	وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي هُرَيْرَةَ بِيَدِهِ إِنْ فَعَرَ جَهَنَّمَ لَسَبْعُونَ حَرِيفًا	١٨١
١٣٣	وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا نَبِيَّئُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ...	١٨٢
٥٢	وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمُرَّ الرَّجُلُ عَلَى الْقَبْرِ...	١٨٣
٥٢	وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ	١٨٤
٩٤	وَمَنْ فَرَّجَ عَن مُسْلِمٍ كُرْبَةً...	١٨٥
١٥٢	وَنَبِيِّكُمْ قَائِمٌ عَلَى الصِّرَاطِ...	١٨٦
٢٠١	هَذَا حَجَرٌ رُمِيَ بِهِ فِي النَّارِ...	١٨٧

١٤٤	هَلْ تَمَارُونَ فِي الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ...	١٨٨
٢٢٥	هَلْ رَأَى أَحَدٌ مِنْكُمْ رُؤْيَا...	١٨٩
٧١	هُمُ الشَّهَدَاءُ مُتَقَلِّدُونَ أَسْيَافَهُمْ حَوْلَ الْعَرْشِ	١٩٠
٨١	هُمُ فِي الظُّلْمَةِ دُونَ الْجِسْرِ...	١٩١
٧١	هو جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملاك الموت...	١٩٢
١٨٢	يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَةَ...	١٩٣
١١٤	يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصِيهَا لَكُمْ...	١٩٤
٦٧	يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ...	١٩٥
٢٢٢ و٣٤	يُجَاءُ بِالْمَوْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...	١٩٦
١٥٠	يَجْمَعُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى النَّاسَ...	١٩٧
٧٥	يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى ثَلَاثِ طَرَائِقَ رَاغِبِينَ رَاهِبِينَ...	١٩٨
٨٩	يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خُفَاءَ عُرَاءَ عُرْلًا...	١٩٩
٨٠	يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ بَيْضَاءَ ...	٢٠٠
١٤٧	يُحْلَصُ الْمُؤْمِنُونَ مِنَ النَّارِ ...	٢٠١
١٢٣	يُدُّ اللَّهُ مَلَأَى لَا يَغِيضُهَا نَفَقَةَ سَحَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...	٢٠٢
٨٢	يَطْوِي اللَّهُ عَرْزَ وَجَلِّ السَّمَوَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...	٢٠٣
٢٥	يُعَذِّبَانِ وَمَا يُعَذِّبَانِ فِي كَبِيرٍ...	٢٠٤
٨٢	يَغْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ وَيَطْوِي السَّمَاءَ يَمِينَهُ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ...	٢٠٥
١٨٠	يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا آدَمُ فَيقُولُ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ...	٢٠٦

٢٧	يَهُودُ تُعَذِّبُ فِي قُبُورِهَا...	٢٠٧
١٩٤	يُوتَى بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ زَمَامٍ...	٢٠٨
١٢٥	يُوتَى بِالْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...	٢٠٩

فهرست اعلام

شماره صفحه	اعلام	شماره
۱۳	ابن تیمیه	۱
۳۸	ابن حجر	۲
۶۶	ابن حزم	۳
۱۰۱	ابن رجب	۴
۱۰۱	ابن عطیه	۵
۱۲۴	ابن فورک	۶
۱۶	ابن القيم	۷
۱۲	ابن کثیر	۸
۹۸	ابن منظور	۹
۷۱	البغوی	۱۰
۱۲	التوربشتی	۱۱
۷۱	الثعلبی	۱۲
۱۰	الرازی	۱۳
۱۹۸	الراغب	۱۴
۲۱	الزمخشری	۱۵
۹	الطبری	۱۶

۱۶	قتاده	۱۷
۶۲	قرطبی	۱۸
۲۳	الموردی	۱۹
۴۱	مجاهد	۲۰
۲۲	مسروق	۲۱
۱۲	ملا هروی قاری	۲۲
۹۹	النوی	۲۳

فهرست منابع

- ١ القرآن الكريم
- ٢ آل بسام، عبدالله بن عبد الرحمن بن صالح آل بسام، علماء نجد خلال ثمانية قرون، ناشر: دار العاصمة- المملكة العربية السعودية، چاپ: اول، ١٣٩٨ هـ
- ٣ الألوسي، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي (متوفى: ١٢٧٠ هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، محقق: علي عبد الباري عطية، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، ١٤١٥ هـ
- ٤ إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، المعجم الوسيط، تحقيق: مجمع اللغة العربية، ناشر: دار الدعوة
- ٥ ابن ابي حاتم، أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي (متوفى ٣٢٧ هـ) ، تفسير ابن أبي حاتم، تحقيق: أسعد محمد الطيب ناشر: المكتبة العصرية - صيدا، شماره: ٢١٤٦
- ٦ ابن ابي العز الحنفي، صدر الدين علي بن علي بن محمد بن أبي العز الحنفي، شرح الطحاوية في العقيدة السلفية، تحقيق: أحمد محمد شاكر، ناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، چاپ اول، سال: ١٤١٨ هـ
- ٧ ابن بطلال، أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البكري القرطبي، شرح صحيح البخاري، تحقيق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، چاپ دوم، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٣ م
- ٨ ابن تيميه، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني (المتوفى: ٧٢٨ هـ)، مجموع الفتاوى، محقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد- المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، سال نشر: ١٤١٦ هـ/ ١٩٩٥ م
- ٩ ابن الجوزي، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (متوفى: ٥٩٧ هـ)، زاد المسير في علم التفسير، محقق: عبد الرزاق المهدي، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ
- ١٠ ابن حجر، شهاب الدين ابن حجر العسقلاني، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ناشر: دار المعرفة، چاپ دوم، بيروت لبنان

١١ ابن خلكان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلكان البرمكي الإربلي (المتوفى: ٦٨١هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، محقق: إحسان عباس، ناشر: دار صادر - بيروت

١٢ ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم دمشق، الحنبلي (متوفى: ٧٩٥هـ)، التخويف من النار والتعريف بحال دار البوار، محقق: بشير محمد عيون، ناشر: مكتبة المؤيد - الطائف، دار البيان - دمشق، چاپ دوم، ١٤٠٩ - ١٩٨٨

١٣ ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم دمشق، الحنبلي (متوفى: ٧٩٥هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، تحقيق: محمود بن شعبان بن عبد المقصود، مجدي بن عبد الخالق الشافعي و إبراهيم بن إسماعيل القاضي با عده علمای دیگر، ناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، مكتب تحقيق دار الحرمين - القاهرة، چاپ اول، ١٤١٧ هـ

١٤ ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (متوفى: ١٣٩٣هـ)، التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد»، ناشر: الدار التونسية للنشر - تونس، سال: ١٩٨٤ هـ

١٥ ابن عبدالرحمن الخميس، محمد بن عبد الرحمن الخميس، أصول الدين عند الإمام أبي حنيفة، ناشر: دار الصميعة، المملكة العربية السعودية

١٦ ابن عطية، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (متوفى: ٥٤٢هـ)، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، محقق: عبد السلام عبد الشافي محمد، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ

١٧ ابن الفوزان، صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان، الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد والرد على أهل الشرك والإلحاد، ناشر: دار ابن الجوزي، چاپ چهارم، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م

١٨ ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري دمشق (متوفى: ٧٧٤هـ)، تفسير القرآن العظيم، محقق: محمد حسين شمس الدين، ناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت، چاپ اول - ١٤١٩ هـ

- ١٩ ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي [٧٠٠ - ٧٧٤ هـ]، تفسير القرآن العظيم، محقق: سامي بن محمد سلامة، ناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، چاپ دوم، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩ م
- ٢٠ ابن منظور، محمد بن مكرم بن منظور الأفرقي المصري، لسان العرب، ناشر: دار صادر - بيروت، چاپ اول
- ٢١ أبو حيان، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (متوفى: ٧٤٥هـ)، البحر المحيط في التفسير، محقق: صدقي محمد جميل، ناشر: دار الفكر - بيروت، چاپ: ١٤٢٠ هـ
- ٢٢ أبو السعود، أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى (متوفى: ٩٨٢هـ)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت
- ٢٣ أبي إسحاق الحويني، النبال بمعجم الرجال، ترتيب دهنده: أبو عمرو أحمد بن عطية الوكيل، ناشر: دار ابن عباس مصر، چاپ اول، ١٤٣٣ هـ - ٢٠١٢ م
- ٢٤ الأثري، عبدالله بن عبد الحميد الأثري، الوجيز في عقيدة السلف الصالح أهل السنة و الجماعة، ناشر: دار الراية- الرياض
- ٢٥ الأسفرايني، شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي (متوفى: ١١٨٨هـ)، لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضية في عقد الفرقة المرضية، ناشر: مؤسسة الخافقين ومكتبتها - دمشق، چاپ دوم، ١٤٠٢ هـ - ١٩٨٢ م
- ٢٦ اشقر، دكتور عمر سليمان اشقر، بهشت و دوزخ، ترجمه: گروه فرهنگي انتشارات حرمين، ناشر: انتشارات حرمين
- ٢٧ الالباني، محمد ناصر الدين الالباني، سلسلة الاحاديث الصحيحة و شيء من فقها و فوائدها، ناشر: مكتبة المعارف- الرياض
- ٢٨ الالباني، محمد ناصر الدين الالباني، صحيح الجامع الصغير وزيادته(الفتح الكبير)، ناشر: المكتب الاسلامي، چاپ سوم، بيروت-دمشق، ١٤٠٨هـ-١٩٨٨ م
- ٢٩ الالباني، محمد ناصر الدين الالباني، صحيح سنن أبي داود للامام الحافظ سليمان بن الأشعث السجستاني، ناشر: مكتبة المعارف- الرياض، چاپ اول، ١٤١٩هـ-١٩٩٨ م

- ٣٠ الباني، محمد ناصر الدين الالباني، صحيح سنن الترمذى للامام الحافظ محمد بن عيسى بن سورة، ناشر: مكتبة المعارف- الرياض، چاپ اول ١٤٢٠هـ-٢٠٠٠م
- ٣١ البخارى، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر: دار طوق النجاة، چاپ اول، سال: ١٤٢٢هـ
- ٣٢ البدخشاني، محمد اكرام الدين البدخشاني، ازهر البيان في تفسير كلام الرحمن، تحقيق: معتصم بالله اكرامى، المكتبة الاسلاميه- لاهور، الطبعة الاولى- ١٣٩٠هـ
- ٣٣ البركتي، محمد عميم الإحسان المجددي البركتي، التعريفات الفقهية، ناشر: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م
- ٣٤ البغوى، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي [متوفى ٥١٦ هـ]، معالم التنزيل، تحقيق و تخريج احاديث: محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، ناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، چاپ چهارم، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م
- ٣٥ الترمذي، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (متوفى: ٢٧٩هـ)، سنن الترمذي، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر (ج ١، ٢)، محمد فؤاد عبد الباقي (ج ٣) وإبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف (ج ٤، ٥)، ناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، چاپ دوم، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م
- ٣٦ التوربشتي، فضل الله بن حسن بن حسين بن يوسف أبو عبد الله، شهاب الدين التوربشتي (متوفى: ٦٦١ هـ)، ا لميسر في شرح مصابيح السنة، محقق: د. عبد الحميد هنداوي، ناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ دوم، ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ هـ، ١١٨١
- ٣٧ الثعلبي، أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، أبو إسحاق (متوفى: ٤٢٧ هـ)، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق: الأستاذ نظير الساعدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م
- ٣٨ الجرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني (متوفى: ٨١٦ هـ)، كتاب التعريفات، محقق: ضبط و تصحيح را گروهی از علما به اشراف ناشر کرده اند، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، چاپ اول، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م

٣٩ الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (متوفى):
٧٥١هـ)، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة،
ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت

٤٠ جلالين، جلال الدين محمد بن أحمد المحلي (متوفى: ٨٦٤هـ) وجلال الدين عبد الرحمن بن
أبي بكر السيوطي (متوفى: ٩١١هـ)، تفسير جلالين، ناشر: دار الحديث - القاهرة، چاپ
اول

٤١ الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي، سير اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة
٢٠٠١م / ٥١٤٢٢م

٤٢ الرازي، الإمام العالم العلامة والحبر البحر الفهامة فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي
الشافعي، مفاتيح الغيب، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م، چاپ
اول

٤٣ الراغب الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (متوفى):
٥٠٢هـ)، المفردات في غريب القرآن، محقق: صفوان عدنان الداودي، ناشر: دار القلم،
الدار الشامية - دمشق بيروت، چاپ اول، ١٤١٢ هـ

٤٤ الزبيدي، أبو الفيض محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، تاج العروس من جواهر
القاموس، تحقيق مجموعة از محققين، ناشر دار الهداية

٤٥ الزحيلي، دوهبة بن مصطفى الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ناشر
: دار الفكر المعاصر - دمشق، چاپ دوم، ١٤١٨ هـ

٤٦ الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي دمشقي (متوفى):
١٣٩٦هـ)، الأعلام، ناشر: دار العلم للملايين، چاپ پانزدهم، ٢٠٠٢ م

٤٧ الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (متوفى: ٥٣٨هـ)،
الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، باحاشية (الانتصاف فيما تضمنه الكشاف) از ابن
المنير الإسكندري (ت ٦٨٣) وتخریج أحاديث از إمام الزيلعي، ناشر: دار الكتاب العربي
- بيروت، چاپ سوم، ١٤٠٧ هـ

٤٨ السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي (متوفى: ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية
الكبرى، محقق: د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، ناشر: هجر للطباعة
والنشر والتوزيع، چاپ دوم، ١٤١٣هـ

- ٤٩ السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن أبي داود، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت
- ٥٠ السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (متوفى: ١٣٧٦هـ)، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، محقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠ م
- ٥١ الشنقيطي، محمد الأمين بن محمد بن المختار الجكني الشنقيطي، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٤١٥هـ - ١٩٩٥ م
- ٥٢ الشيباني، أحمد بن حنبل الشيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ١٤٢٠هـ، ١٩٩٩ م
- ٥٣ الصابوني، محمد علي الصابوني، صفوة التفاسير، ناشر: دار الصابوني - القاهرة، چاپ اول، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧ م
- ٥٤ الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبد الله الصفدي (المتوفى: ٧٦٤هـ)، الوافي بالوفيات، محقق: أحمد الأرنؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت، سال نشر: ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠ م
- ٥٥ الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (متوفى: ٣٦٠هـ)، المعجم الأوسط، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ناشر: دار الحرمين - القاهرة
- ٥٦ الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (متوفى: ٢٢٤هـ - ٣١٠هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، محقق: أحمد محمد شاكر، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠ م
- ٥٧ عبد الرحمن بن حماد آل عمر، الإرشاد إلى توحيد رب العباد، ناشر: دار العاصمة، الرياض - المملكة العربية السعودية، چاپ دوم، سال: ١٤١٢هـ
- ٥٨ عثيمين، محمد بن صالح بن محمد العثيمين (متوفى: ١٤٢١هـ)، شرح العقيدة الواسطية، تخريج احاديث: سعد بن فواز الصميل، ناشر: دار ابن الجوزي - المملكة العربية السعودية، چاپ ششم، ١٤٢١هـ

٥٩ العصامي، عبد الملك بن حسين، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل، محقق: عادل أحمد عبد الموجود- علي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م

٦٠ غزنوي، جمال الدين أحمد بن محمد بن سعيد الغزنوي الحنفي (متوفى: ٥٩٣هـ)، كتاب أصول الدين، محقق: دكتور عمر وفيق الداوق، ناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت - لبنان، چاپ اول، ١٤١٩ - ١٩٩٨

٦١ فالج، ابو عبد الله عامر عبد الله فالج، معجم الفاظ العقيدة، ناشر: مكتبة العبيكان، چاپ اول
٦٢ فيروز آبادي، مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (متوفى: ٨١٧هـ)، القاموس المحيط، تحقيق: مكتب تحقيق التراث في مؤسسة الرسالة، إشراف: محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، چاپ هشتم، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م

٦٣ قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (متوفى: ٦٧١هـ)، التذكرة في أحوال الموتى وأمور الآخرة، تحقيق: دكتور الصادق بن محمد بن إبراهيم، ناشر: مكتبة دار المنهاج- الرياض، چاپ اول، ١٤٢٥ هـ

٦٤ قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (متوفى: ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، مشهور به تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، ناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، چاپ دوم، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م

٦٥ قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (متوفى: ٦٧١ هـ)، الجامع لأحكام القرآن، محقق: هشام سمير البخاري، ناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية، سال چاپ: ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٣ م،

٦٦ قسطلاني، أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (متوفى: ٩٢٣هـ)، إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، ناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، چاپ هفتم، ١٣٢٣ هـ

٦٧ الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، مشهور به ماوردي (متوفى: ٤٥٠هـ)، النكت والعيون مشهور به تفسير الماوردي، محقق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان

٦٨ مجموعه اى از علماء، كتاب أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة، ناشر : وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، چاپ اول، ١٤٢١هـ

٦٩ المقدسي، موفق الدين أبي محمد عبد الله ابن قدامة المقدسي، لمعة الاعتقاد الهادي الى سبيل الرشاد، شرح محمد بن صالح العثيمين، تحقيق و تخريج: اشرف بن عبد المقصود، ناشر: مكتبة الامام البخاري الدار السلفية، چاپ دوم، سال: ١٤١٢هـ

٧٠ ملا هروي قاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (متوفى: ١٠١٤هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان، چاپ اول، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م

٧١ النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، المجتبى من السنن، معروف به سنن نسائي با احكام الباني، تحقيق : عبدالفتاح أبو غدة، ناشر : مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، چاپ دوم، ١٤٠٦ - ١٩٨٦

٧٢ النووي، صحيح مسلم بشرح النووي، ناشر دار الكتاب العربي بيروت - لبنان، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م

٧٣ النووي، أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ دوم، ١٣٩٢

٧٤ النيسابوري، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ معروف به صحيح مسلم، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

٧٥ الهجراني حزمي، أبو محمد الطيب بن عبد الله بن أحمد بن علي بامخرمة، الهجراني الحزمي الشافعي (٨٧٠ - ٩٤٧ هـ)، قلادة النحر في وفيات أعيان الدهر، با اعتناء بو جمعة مكري / خالد زواري، ناشر: دار المنهاج - جدة، چاپ اول، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٨ م

٧٦ ياقوت حموي، شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي (المتوفى: ٦٢٦هـ)، معجم الأدباء: إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، محقق: إحسان عباس، ناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت، چاپ اول، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م

first stage of the hereafter is tomb which called (Aalam barzakh) the (Barzakh) has blessing or

doom. The events of the Day of Judgment begin with blowing on trumpets and arousing from the grave, until the end of human to hell or heaven is gone. Human should act in this world to build his or her hereafter. Neglect and forgetfulness is human nature, so I suggest that every Muslim should read hereafter related books to remind and remember the hereafter.

Summary of Thesis

All Praise be to Allah Almighty and peace be upon the messenger

Belief in the hereafter is one of the pillars of faith. It is necessary for every Muslim to have detailed information about it.

The details of the hereafter are not clear to many Muslims. This thesis describes the state of the hereafter in the light of the Quran and Sunnah has explained in the form of analytic method that answers to these questions. Are the condition of the hereafter described in detailed in Quran and Sunnah? What is the Muslim opinion about the state of hereafter? This thesis includes introduction, preparation and three chapters. In the introduction part following things has been discussed explanation of subject, importance, the problem of the subject, Research questions, objectives and research method. In the preparation part the definition of hereafter has been mentioned.

(Aakherat) means is the hereafter last day is the Day of Judgment; the end of the world eternal life is revived. In addition the hereafter definition of the beginning of the hereafter it is set to begin with death, the life of hereafter, so the grave is the first step of the hereafter that human is either in blessing or in torment. The same life after death until the resurrection called (Barzakh)

In the first chapter the proof of (Barzakh) and the end is stated in the Quran and hadith. Chapter two concludes the expression of (Soor), (Hahisr),(intercession of kobra), (calculations) (Measure and Hawz).

Chapter three starts from the expression of the creator on the day of the late) the after the transcendence and intercession of human destiny is to hell or to heaven, then it ends with the expression heaven and hell. Heaven is rewarded for Muslims and hell rewarded to non-muslims and those who deserve it (May Allah Almighty save us from hell and return paradise to us)

The world has a binding action and end. The hereafter is eternal home where every human being will be rewarded or punished for his action; the

first stage of the hereafter is tomb which called (Aalam barzakh) the (Barzakh) has blessing or

doom. The events of the Day of Judgment begin with blowing on trumpets and arousing from the grave, until the end of human to hell or heaven is gone. Human should act in this world to build his or her hereafter. Neglect and forgetfulness is human nature, so I suggest that every Muslim should read hereafter related books to remind and remember the hereafter.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master program in Tafsir & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

Explanation of the Hereafter in the Quran and Sunnah

(A master's thesis)

Student: Zahra Azizi

Supervisor: Prof. Dr. Fazl Ul Hadi Wazeen

Year: 2022



Salam University

Faculty of Sharia & Law

**Master program in Tafsir &
Hadith**



**Islamic Emirate of
Afghanistan**

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

Explanation of the Hereafter in the Quran and Sunnah

A Master's Thesis

Student: Zahra Azizi

Supervisor: Prof.Dr. Fazl Ul Hadi Wazeen

Year: 2022